

فهرست البواب و فصول حلیه المستقیم که مشتمل است بر چارده باب و خاتمه
و هر بابی متضمن است بدوازده فصل

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲	باب اول در آداب لباس	۱۷	فصل اول در فضیلت تخیل و زینت کردن
۳	فصل اول در فضیلت تخیل و زینت کردن	۵	فصل دوم در بیان جامه های حسام
۴	فصل دوم در بیان جامه های حسام	۶	فصل سیوم در پوشیدن پنبه و کتان
۵	فصل سیوم در پوشیدن پنبه و کتان	۷	فصل چهارم در بیان رنگرانی که در جامه
۶	فصل چهارم در بیان رنگرانی که در جامه	۸	سنت است یا مکروه
۷	سنت است یا مکروه	۹	فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن
۸	فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن	۱۰	فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص
۹	فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص	۱۱	زنان یا کافران است
۱۰	زنان یا کافران است	۱۲	فصل هفتم در آداب جامه بر سر بستن
۱۱	فصل هفتم در آداب جامه بر سر بستن	۱۳	فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن
۱۲	فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن	۱۴	فصل نهم در آداب جامه نوپوشیدن و پوشیدن
۱۳	فصل نهم در آداب جامه نوپوشیدن و پوشیدن	۱۵	فصل دهم در آداب جامه پوشیدن
۱۴	فصل دهم در آداب جامه پوشیدن	۱۶	فصل یازدهم در رنگ نعلین و نمونه کفش
۱۵	فصل یازدهم در رنگ نعلین و نمونه کفش	۱۷	فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و کفش
۱۶	فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و کفش	۱۸	باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن
۱۷	باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن	۱۹	و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب
۱۸	و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب	۲۰	کردن
۱۹	کردن	۲۱	فصل اول در فضیلت انگشتر بستن کردن و آداب
۲۰	فصل اول در فضیلت انگشتر بستن کردن و آداب	۲۲	آن
۲۱	آن	۲۳	فصل دوم در بیان آنچه گشته از آن سازند
۲۲	فصل دوم در بیان آنچه گشته از آن سازند	۲۴	فصل سیوم در فضیلت عقیق
۲۳	فصل سیوم در فضیلت عقیق	۲۵	فصل چهارم در فضیلت یاقوت و زبرجد و زرد
۲۴	فصل چهارم در فضیلت یاقوت و زبرجد و زرد	۲۶	فصل پنجم در فضیلت فیروزه و جبرع یا قانی
۲۵	فصل پنجم در فضیلت فیروزه و جبرع یا قانی	۲۷	فصل ششم در فضیلت درخسف و بلور و جیوه
۲۶	فصل ششم در فضیلت درخسف و بلور و جیوه	۲۸	چینی و سایر نگین ها
۲۷	چینی و سایر نگین ها	۲۹	فصل هفتم در بیان آنچه سزاوار است که در کین
۲۸	فصل هفتم در بیان آنچه سزاوار است که در کین	۳۰	نقش کنند
۲۹	نقش کنند	۳۱	فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن
۳۰	فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن	۳۲	و بزبان و اطفال پوشانیدن
۳۱	و بزبان و اطفال پوشانیدن	۳۳	فصل نهم در آداب سر کشیدن
۳۲	فصل نهم در آداب سر کشیدن	۳۴	فصل دهم در آداب نظر در آئینه کردن
۳۳	فصل دهم در آداب نظر در آئینه کردن	۳۵	فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان
۳۴	فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان	۳۶	و زنان
۳۵	و زنان	۳۷	فصل دوازدهم در کیفیت خضاب
۳۶	فصل دوازدهم در کیفیت خضاب	۳۸	باب سیوم در آداب خوردن و آشامیدن
۳۷	باب سیوم در آداب خوردن و آشامیدن	۳۹	فصل اول در بیان نظم رفاهی که در خوردن
۳۸	فصل اول در بیان نظم رفاهی که در خوردن	۴۰	و آشامیدن و غیر آن استعمال توان نمود
۳۹	فصل اول در بیان نظم رفاهی که در خوردن	۴۱	فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ
۴۰	فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ	۴۲	و مذمت حرص و افراط در آن
۴۱	و مذمت حرص و افراط در آن	۴۳	فصل سیوم در بیان بعضی از آداب
۴۲	فصل سیوم در بیان بعضی از آداب	۴۴	اوقات طعام خوردن
۴۳	اوقات طعام خوردن		

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۴۳	فصل چهارم در سائر آداب طعام خوردن	۸۶	فصل هفتم در بیان ادعیه طلبت نزد و فضیلت آن
۷۲	فصل پنجم در بیان دعا های وقت طعام	۴۰	فصل هشتم در بیان احکام آیام حل و آداب روز ولادت و نام نهادن لفل
۷۷	فصل ششم در بیان آداب بعد از طعام	۹۷	فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب آنها
۷۹	فصل هفتم در فضیلت نان و سبزی و گوشت و روغن و سائر آنچه از حیوانات حاصل می شود و سرکه و شیرینی ها	۹۷	فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب آنها
۸۳	فصل هشتم در فوائد خوب و مجربینها و میوه ها و سائر کولات	۹۷	فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب آنها
۹۲	فصل نهم در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن	۱۰۳	فصل دوازدهم در بیان حق پروردگار و وجوب رعایت حرمت ایشان
۹۷	فصل دهم در فضیلت خلخال و آداب آن	۱۰۴	باب پنجم در بیان مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و اشغال آن
۱۰۰	فصل یازدهم در فضیلت آب و انواع آن	۱۰۷	فصل اول در فضیلت مسواک کردن و فوائد آن
۱۰۴	فصل دوازدهم در آداب آب خوردن	۱۰۸	فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن
۱۰۷	باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان	۱۱	فصل سیوم در آداب موسی سرنگاه شدن
۱۱۰	فصل اول در فضیلت تزویج کردن و فواید از هر بهائیت	۱۱	فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن
۱۱۳	فصل دوم در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان	۱۱۱	فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن
۱۱۵	فصل سیوم در آداب نکاح و اراده آن	۱۱۲	فصل ششم در فضیلت موسی سفید و کمر بستن آن
۱۱۷	فصل چهارم در آداب زفاف و مجامعت	۱۱۳	فصل هفتم در کندن موسی بینی و بهی بازی کردن بالیش
۱۲۰	فصل پنجم در آداب نماز و دعا و شرب زفاف و در وقت مفارقت با زنان	۱۱۴	فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن
۱۲۳	فصل ششم در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام آن	۱۱۵	فصل نهم در آداب و اوقات ناخن گرفتن
		۱۱۵	فصل دهم در روغن کردن مو و ناخن و غصیره

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۱۶	فصل یازدهم در فضیلت شبانه کردن بوی خوش	۱۲۶	فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن
۱۱۷	فصل دوازدهم در آداب اوقات شبانه کردن بوی خوش	۱۲۸	فصل سیوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است
۱۱۸	فصل سیزدهم در آداب بوی خوش و گل بوئیدن و روغن مالیدن	۱۲۹	فصل چهارم در فضیلت شستن هر بدن و دفع کردن بوی بد از جامه و تن
۱۱۹	فصل اول در بیان سبب پیاشدن بوی خوش	۱۳۰	فصل پنجم در فضیلت شستن سر با برگ سر و خطه
۱۲۰	فصل دوم در فضیلت بوی خوش و آداب آن	۱۳۱	فصل ششم در فضیلت دارو کشیدن
۱۲۱	فصل سیم در گرگرفتگی و گرگیدن بوی خوش	۱۳۲	فصل هفتم در آداب نهی و نهی و نهی
۱۲۲	فصل چهارم در فضیلت مشک و عطر و زعفران	۱۳۳	فصل هشتم در رعایت زمانی که نوره را تاخیر می توان کرد
۱۲۳	فصل پنجم در فضیلت خالی	۱۳۴	فصل نهم در رعایت بوی وقت نوره کشیدن
۱۲۴	فصل ششم در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن	۱۳۵	فصل دهم در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن
۱۲۵	فصل هفتم در فواید روغن بنفشه	۱۳۶	فصل یازدهم در فضیلت خنای مالیدن بعد از نوره
۱۲۶	فصل هشتم در فواید روغن بان و زنبق	۱۳۷	فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر غسل و شستن و غسل های واجب و مستحب
۱۲۷	فصل نهم در فضیلت سایر روغن ها	۱۳۸	فصل سیزدهم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الحرام رفتن
۱۲۸	فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب آن	۱۳۹	فصل اول در بیان اوقات خواب
۱۲۹	فصل یازدهم در فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گل ها	۱۴۰	فصل دوم در وضو ساختن پیش از خواب
۱۳۰	فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن	۱۴۱	فصل سیوم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب
۱۳۱	فصل سیزدهم در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب غسل	۱۴۲	فصل چهارم در سایر آداب خوابیدن
۱۳۲	فصل اول در فضیلت حمام	۱۴۳	فصل پنجم در آداب دیدن و دیدن که پیش از خواب باید خواند

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۲۵	فصل ششم در دفع ترسیدن خواب و خواب پریشان دیدن و محلم شدن	۱۸۲	فصل هفتم در معالجه سائر امراض سر و گردن
۱۲۶	فصل هفتم در ذکر ادویه دفع بیداری و باری بیدار شدن در آخر شب	۱۴۰	فصل هشتم در معالجه خنازیر و قروح و جروح و الوال و ثبور و خوره و پیسی و بستی و غیره
۱۲۷	فصل هشتم در بیان نماز و دعا از برای خواب و نیک دیدن و آداب بیدار شدن	۱۴۲	فصل نهم در معالجه امراض اندک و قویخ و باد و آزار معده و سرفه
۱۲۹	فصل نهم در بیان سبب خواب رست و دروغ و تعبیر خواب	۱۴۱	فصل دهم در معالجه ادیاج مفاسل و بواسیر و امراض شانیه و غیره
۱۵۶	فصل دهم در آداب بیداری و زنت بسیار خوابیدن	۲۰۳	فصل یازدهم در بیان بعضی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سائر بلاها
۱۵۷	فصل یازدهم در آداب بیت الخلا	۲۰۴	فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف خشت امام حسین و خواص بعضی از ادویه مفرده
۱۵۸	فصل دوازدهم در بیان احوال و ادواء و کجایا بول و غایط کردن که نهی از آن وارد شده	۲۱۲	باب نهم در آداب معاشرت با مردمان و حقوق اصناف ایشان
۱۶۱	باب نهم در آداب حجامت و تنقیح و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر برخی از ادویه و احراز	۲۱۱	فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان
۱۶۲	فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن بر او شدت ابتدای مومنان	۲۱۴	فصل دوم در حقوق همسایگان و یتیمان و مردمان قبیله و عشیره
۱۶۳	فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت	۲۲۱	فصل سیوم در حقوق صداقت و اخوت
۱۶۴	فصل سیوم در بیان انواع قنای که از آنجا وارد شده و جواز رجوع باطباء	۲۲۳	فصل چهارم در حقوق مومنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق
۱۶۵	فصل چهارم در معالجه انواع تب و فصل پنجم در ذکر ادویه جامد و ادویه مرکبه نافع	۲۲۶	فصل پنجم در قضای حاجت مومنان و نمودن در کارهای ایشان و شاد کردن ایشان
۱۶۶	فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و کجایا و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن	۲۳۱	فصل ششم در دین مومنان و عیادت بیاران ایشان
۱۶۷	فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و کجایا و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن	۲۳۲	فصل هفتم در آداب طعام دادن و جامه پوشانیدن مومنان و سائر اعانتها به ایشان و یاری کردن مظلومان

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۳۶	فصل هشتم در حقوق فقر و مظلومان و ضعیفان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت با ایشان	۲۸۱	فصل نهم در آداب معاشرت با اطفال و فلیانی از احوال ایشان
۲۳۷	فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان و غیبت ایشان	۲۸۲	فصل دهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان
۲۳۸	فصل دهم در آداب معاشرت با اطفال و فلیانی از احوال ایشان	۲۸۳	فصل یازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان
۲۳۹	فصل یازدهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان	۲۸۴	باب یازدهم در آداب مجلس از سلام کردن و مصافحه و معانقه و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و اشغال آن
۲۴۰	فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان	۲۸۵	فصل اول در فضیلت سلام کردن و آداب آن
۲۴۱	باب یازدهم در آداب مجلس از سلام کردن و مصافحه و معانقه و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و اشغال آن	۲۸۶	فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه و غیره و آداب هر یکی از آن
۲۴۲	فصل اول در فضیلت سلام کردن و آداب آن	۲۸۷	فصل سوم در آداب نشستن و برخاستن و مجلس
۲۴۳	فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه و غیره و آداب هر یکی از آن	۲۸۸	فصل چهارم در آداب ملاقات کردن صحابه
۲۴۴	فصل سوم در آداب نشستن و برخاستن و مجلس	۲۸۹	فصل پنجم در آداب فرشتگان
۲۴۵	فصل چهارم در آداب ملاقات کردن صحابه	۲۹۰	فصل ششم در عبادت کردن در خانه
۲۴۶	فصل پنجم در آداب فرشتگان	۲۹۱	فصل هفتم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ
۲۴۷	فصل ششم در عبادت کردن در خانه	۲۹۲	فصل هشتم در بیان احوال سائر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن آنها روت یا روست نیست
۲۴۸	فصل هفتم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ	۲۹۳	فصل نهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ
۲۴۹	فصل هشتم در بیان احوال سائر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن آنها روت یا روست نیست	۲۹۴	فصل دهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ
۲۵۰	فصل نهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ	۲۹۵	فصل یازدهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ
۲۵۱	فصل دهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ	۲۹۶	فصل بیستم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۲	فصل یازدهم در نگاهداشتن گوسفند و بز و دواغ	۲۹۷	فصل بیست و یکم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۳	فصل بیستم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۲۹۸	فصل بیست و دوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۴	فصل بیست و یکم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۲۹۹	فصل بیست و سوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۵	فصل بیست و دوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۰	فصل بیست و چهارم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۶	فصل بیست و سوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۱	فصل بیست و پنجم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۷	فصل بیست و چهارم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۲	فصل بیست و ششم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۸	فصل بیست و پنجم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۳	فصل بیست و هفتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۵۹	فصل بیست و ششم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۴	فصل بیست و هشتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۰	فصل بیست و هفتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۵	فصل بیست و نهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۱	فصل بیست و هشتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۶	فصل بیست و دهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۲	فصل بیست و نهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۷	فصل بیست و یازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۳	فصل بیست و دهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۸	فصل بیست و دوازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۴	فصل بیست و یازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۰۹	فصل بیست و سیزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۵	فصل بیست و دوازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۰	فصل بیست و چهاردهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۶	فصل بیست و سیزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۱	فصل بیست و پانزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۷	فصل بیست و چهاردهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۲	فصل بیست و شانزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۸	فصل بیست و پانزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۳	فصل بیست و هجدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۶۹	فصل بیست و شانزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۴	فصل بیست و نوزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۰	فصل بیست و هجدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۵	فصل بیست و بیستم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۱	فصل بیست و نوزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۶	فصل بیست و یکم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۲	فصل بیست و بیستم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۷	فصل بیست و دوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۳	فصل بیست و یکم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۸	فصل بیست و سوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۴	فصل بیست و دوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۱۹	فصل بیست و چهارم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۵	فصل بیست و سوم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۰	فصل بیست و پنجم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۶	فصل بیست و چهارم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۱	فصل بیست و ششم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۷	فصل بیست و پنجم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۲	فصل بیست و هفتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۸	فصل بیست و ششم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۳	فصل بیست و هشتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۷۹	فصل بیست و هفتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۴	فصل بیست و نهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۸۰	فصل بیست و هشتم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۵	فصل بیست و دهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۸۱	فصل بیست و نهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۶	فصل بیست و یازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۸۲	فصل بیست و دهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۷	فصل بیست و دوازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره
۲۸۳	فصل بیست و یازدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره	۳۲۸	فصل بیست و سیزدهم در آداب نماز و رکعت و سجده و غیره

۳۰۰	فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ در خانه
۳۰۳	فصل دهم در آداب پراغ افروختن و خانه خردین
۳۰۴	فصل یازدهم در بیان سائر آداب خانه
۳۰۶	فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن
۳۰۸	باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت کردن و زرعیت کردن و
	حیوانات نگاه داشتن
۳۰۹	فصل اول در سوار شدن اسب و شتر و شتر و انواع هر یک
۳۱۰	فصل دوم در آداب نگاه داشتن چهارپایان و رعایت حقوق آنها
۳۱۳	فصل سیوم در آداب زین و لحام
۳۱۳	فصل چهارم در آداب عید و آداب سوار
۳۱۶	فصل پنجم در آداب پیاده رفتن
۳۱۷	فصل ششم در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند
۳۱۸	فصل هفتم در آداب سیردن و نگاه داشتن حیوانات
۳۲۰	فصل هشتم در بیان محال از حال حیوانات
۳۲۲	فصل نهم در فضیلت تجارت کردن و طلب طلال نمودن
۳۲۵	فصل دهم در بیان آداب تجارت
۳۳۱	فصل یازدهم در فضیلت زرعیت کردن و دزدی کشتن
۳۳۲	فصل دوازدهم در آداب زرعیت کردن و دزدی کشتن
۳۳۴	باب چهاردهم در آداب سفر
	فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و مسافت
	نیک و بد از برای سفر

۳۳۵	فصل دهم در دفع نحوسته ها سفر به شوق کردن و دعا خواندن
۳۳۷	فصل سیوم در آداب غسل و نماز و دعا و بیرون رفتن
۳۴۱	فصل چهارم در سائر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن
۳۴۲	فصل پنجم در فضیلت توشه بردن و رفتن و سفر
۳۴۵	فصل ششم در رفیق با خود بردن و در سفر و آداب معاشرت ایشان
۳۴۶	فصل هفتم در بیان سائر آداب سفر
۳۴۷	فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرود آمدن
۳۵۰	فصل نهم در بیان دعاها که در راه و در منزلها باید خواند
۳۵۳	فصل دهم در آداب سفر دریا و کوه و دشتن از پهلها و جسر
۳۵۵	فصل یازدهم در آداب مشایعت و استقبال مسافران و آداب برگشتن از سفر
۳۵۶	فصل دوازدهم در آداب اسپ تاختن و تیر انداختن و احکام گرو بندی
۳۶۲	خاتمه کتاب در بیان بعضی از آداب مختصر و فوائد نافعه

هزاران را شکر از دست خداوند جان که درین میان بیش از لایق است بر کار خرم ساقی محاسن و آب

قبله الباقين و قد اجاز لنا ان نذكر عليه الرحمة التي فتح نظرنا بعد موتنا على مدبرها ايماني

در طبع می گرامی منشور کشور بمقام کمیسیون طبع و نشر

299.15171
msh
C



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل انبياءه المرسلين باحسن حليلة المتقين وبعث نخبه اصفيائه
محمد صلى الله عليه واله لتقيم مكارم اخلاق المؤمنين واكمل في اوصيائه المنجبين
افضل خصال النبيين فصلوات الله عليه وعليهم عدد انفاس المسبحين من
الملائكة والناس اجمعين ولعنة الله على عدائهم ملا السموات والارضين
اما بعد جنين كويد تراب اقام مؤمنين ومخادم طلبة علوم الله طاهرين محمد بن محمد تقى حشره من موالى طهر
صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين كه چون عهد افتاز بنى نوع انسان از سائر انواع حيوان بتخلقي اخلاق حسنة
وتزوين بآداب مستحسنة است وبقضاهى حديث شريف صلى الله عليه وآله بعثتكم مكارم الاخلاق مما آداب
پسنديده و اخلاقي حميده در شرع انور و دين ظاهر آنحضرت ظاهر و مبين گرديد و چون مختصرى از مكارم اخلاق
در كتاب معين الحيرة بيان شده بود و جمعى از سالكان مسالك سعادت و ناهجان مناجح متابعت الهيت
رسالت صلى الله عليه وآله از اين ذره حقير التماس نمودند كه رساله در بيان محاسن آداب كه از طريق الله طاهر
صلوات الله عليهم اجمعين باساييد معتبره بآيين قليل البصا عت رسيده باشد بوجه اختصار تحرير نمايد
و بجهت عموم نفع نسبت باهل اين ديار مضامين اخبار را در لباس لغت فارسى تحرير الفهم بخوبه در آورده اند

با صیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت الیانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث الدال
 علی الخیر کفای علیهم ایدوار گردیده اجابت متمسک ایشان نمود و بر چهارده باب خاتمه مرتب گردانید باب اول
 در آداب لباس باب دوم در آداب حمل و زیور پوشیدن و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن
 باب سوم در آداب خوردن آشامیدن باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب جماعت و معاشرت زنان و کیفیت
 تربیت فرزندان معاشرت ایشان با بی حجب و آداب سوا که در ناخن شارب فتنی سر تراشیدن نشانه کردن و امثال اینها باب پنجم
 در آداب بوسه خوش کردن و گل خوشن بوییدن و روغن مالیدن باب ششم در آداب حمام رفتن و دارو
 کشیدن و امثال آن باب هفتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن باب هشتم در آداب
 جماعت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه و احادیث و خواص بعضی از ادویه و معالجات بعضی از امراض باب نهم در آداب ملاقات و معاشرت یومنان
 حقوق اصناف ایشان باب یازدهم در آداب مجالس سلام و عطسه و مصافحه و معافقه و امثال
 اینها باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن باب سیزدهم در آداب عذر شدن و
 راه رفتن و باز رفتن تجارت و عزت نمودن چارباغان و پادشاهان باب چهاردهم در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی
 از فوائد متفرقه و هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیۃ المتقین منتهی گردانید
 مأمول از ناظران درین رساله تشافیة و عاملان باین عجا که وافیة آنکه این مجرم خطا پیشه را به عای مغفرت و استغفار
 رحمت یا و نمایند و خطای لفظ و معنی این معترف بجز و قصور را مواخذه نمایند و الله الموفق والمعين
 باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن فصل اول در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موفق
 احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامه های پاکیزه و فاخره پوشیدن هرگاه که از حلال بهم رسد و مناسب حال
 او باشد سنت است و بموجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود باید قناعت
 نماید و تحصیل زیاده های لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی را بر او فرارخ گرداند
 و رخسار آن بخورد و بپوشد و صرف نماید و بهر برادران موسن بدید و اگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بجزا
 و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که
 هرگاه خدا تعالی نعمتی به پندیده گرامت فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوستی خدا میماند و یاد کننده
 نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر بر او ظاهر نشود او را دشمنی خدا میماند و تکذیب کننده نعمت پروردگار خود
 خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه حق تعالی به پندیده نعمتی

کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت بزرگوار گردد و پند از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول
 است که باید از برای برادر مومن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت میکند که خواهش شمار را
 به نیکوترین زینتی به بند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر
 ردی حصیری نشستند و در زمستان بر ردی پلاس و در خانه جاهای گنده میپوشیدند و چون بیرون
 می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی زینت
 و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بد حالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت
 را در بنده خود به بیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوش بپوشد و در خانه خود را نیکو دارد و ساحتها
 خانه را برود بدستی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زایل میکند و وزیر از یاده
 میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که حق تعالی جمیع را خلق کرده است که برای
 شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است بر ایشان و محبت دنیا را ازاله ایشان بر داشته است پس
 بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را تسکین خوانده است را غلب گردیده اند و بر تنگی معاش و کمرویات دنیا
 صبر میکنند مشتاقند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا رهاخته اند و آنچه کار ایشان
 شهادت است پس چون نشاء آخرت در روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ را نهیست
 که هر رادر پیش است پس توشه برای آخرت خود انداخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جاهای گنده بپوشید
 و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیاد تر را در او خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای
 خدا بانیگان دوستی و از برای خدا با بدان دشمنی مینمایند ایشانند چه اغمای راه هدایت و ایشانند
 قنعم بنعیم آخرت و یوسف بن ابراهیم گوید که بخت دست حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفت و جاهای
 خنر پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمایند در جامه خنر فرمود با که نیست بدستیکه چون حضرت ابا
 حسین صلوات الله علیه شهید شد جامه خنر پوشیده بودند و چون حضرت امیر المومنین علیه السلام علیه
 بن عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جاهای خود را پوشید و به بهترین بودای
 خوش خود را خوش بپوشد و بر بهترین اسبان سوار شد و در برابر ایشان رفت گفتند تو از بهترین
 مردمی چه لباس جباران را پوشیده و بر سپاه ایشان میفرستی عبد الله بن عباس این آیه را میخواند قل
 مَنْ حَرَّ عَزِيزَةُ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو

ای میگوید که مردم کرده است زینتی که حق تعالی بر آنگان خویشتن آورده است و روزیهای طیب و نیکو را
 پس حضرت فرمود که جاهای نفیس پوشش و زینت کن خود را که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما
 باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سیفان ثوری که از مشایخ صوفیه است
 پس بدو ایام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جاهای پرقیت نیکو پوشیده
 است گفت و اندر بروم و او را برین جامه با سز نش گتم پس نزد یک آمد و گفت ای پسر رسول خدا صلی
 علیه و آله میخیز و بنشین جامه بپوشیده و هیچ یک از بدانت چنان جامه بپوشیده اند حضرت فرمودند که
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امر و بر مردم روزی
 است سرادار ترین مردم بهر آن کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه خوانند اگر گذشت و فرمودند
 که ما سرادار ترین مردمیم تصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که من بهی
 برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و با دامن جامه گنده که در زیر پوشیده بودند و
 فرمودند که این جامه گنده را برای خود پوشیده ام و این جامه نیکو را برای مردم پس دست زدند و جا
 بالای سفیان را دور کردند و در زیر جامه گنده که جامه نازکی پوشیده بود فرمودند که جامه پائین را بر
 لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبد الله
 بن ابی بلال منقول است که گفت عرض کردم خدمت حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید
 مردم را احوال کسی که طاهای بد مزه و ناگوار میخورند و جاهای گنده بپوشند و اظهار شکستگی
 و خشوع بنمایند فرمود که گمانیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر زاده بود و قبا بای و بیا و طلا باف
 پوشیده و در جاهای آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کار می
 نمود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید نه آنچه گوید و هرگاه وعده کند و فاکند و حکم
 بدارد کند خدای تعالی حلال کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خوانند
 این آیه را قل من حرم من حیة الله و بسیار از احباب مناسب این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد کردند
 فصل دوم در بیان جاهای که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامه حریر محض پوشیدن
 و جاهای طلا باف پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهای که عورت را با
 نتوان پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که از چیزی جامه نپوشند و غیره هم حریر نباشد و بهتر

آنست که چیزی که با بر ششم مخلوط کنند یا بپشم یا ریشمان یا کتان باشد و اولی آنست که بپوشد و ده یک
 بار یا ده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده
 نباشد هر چند که داغ است کرده باشند بنا بر این اصحاب پوست حیوانی چند که قابل تنه نیست نباشد
 و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شانه و دندان سائر اجزائی حیواناتی که گوشتشان حرام است
 نباشد و در سوره سجده و خمری که الحال معروفست خلافت و احوط اجتناب است اگر چه اهل در سنجاب
 و غیر آنست که نماز در آنها جائز است و بهتر آنست که با جامه که در زیر آن جامه یا در بالای آن پوشیده باشند
 نماز کنند مبادا که موی چسبیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن طلا
 و حریر و کتبه معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین جملوات علیه
 فرمودند یا علی اگر شتری طلا در دست مکن که آن زینت است در بهشت و جامه حریر میپوش که آن پوشش
 نیست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر میپوش که حق تعالی بسبب این روز قیامت پوست
 را با تش و وزخ میسوزاند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است مرد را که اهل
 خود را بنگار زینت کند گفت بلی زنان و کثیران را اما پسران را نه و در حدیث دیگر وارد شده است که
 آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندانش و زنان خود را بر طلا و نقره زینت میفرمود
 و پاک نیست و گفته است که پدرم از فرزندانش دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ
 هم باشد و احوط آنست که فصل سوم در پوشیدن تنه و کتان و پشم و بهترین جامه جامه است
 که از پشم پخته باشد و بعد از آن که آنست و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن که آنست
 دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه معتبر از حضرت امیر المومنین
 جملوات علیه السلام منقول است که پوشید جامه پشمینه که آن پوشش رسول خداست صلی الله علیه و آله
 و پوشش ما و طبیعت است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه مو پشمینی پوشیدند مگر از
 برای ولایتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید پوشید جامه
 پشم و مو مگر از برای عذری و در حدیث دیگر از حسین بن کثیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام
 را دیده که بر این پوشیده و جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده گفت خدا تو شوم مردم را است دارند
 از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نیز پوشیدند و هرگاه بنمازمی ایستادند گنده ترین جامه پوشیدند و تاثیر چنین میکنم و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود پنج چیز است که تامل و ترک نمیکند بر دستان زمین
با ندامان چیز خوردن و بر آلاخی بی جل سوار شدن و بر آیدست خود پوشیدن و سلام بر اطفال کردن
و جامه پوشیدن پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن مثال از بی خود قرار دهند
و باز، ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما پوشند
مستحوز ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابو ذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در آخر زمان اگر دمی بهم رسند که جامه پوشیده در تابستان در زمستان پوشند و گمان کنند که
ایشان را باین سبب بر دیگران فضیلت و برتری هست آنچه اجاعت را لعنت کند ملائکه آسمانها و زمینها
و از حضرت امیر المومنین صلی الله علیه و آله منقول است که کتان از پوشش پنجبر این است و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
علی بن الحسین علیه السلام جامه خنجر را بنزد هم پیاپی انداخته و فرمودند در زمستان پوشیدند و چون
زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میدادند و در فصل چهارم در بیان رنگهاست
که در جامه سنت است پاک و هست بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن
سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و گوی و جدی و مکروه است سرخ خیره خصوصاً در نماز و پوشیدن
جامه سیاه که اوست شهادت دارد و در همه حال مکروه جامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که پوشید جامه سفید
که آن نیکوترین پاکیزه ترین رنگهاست و مردی خود را در آن کفن کنی و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در اکثر اوقات جامه سفید
پوشیدند و تحقیق موزن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را
که در میان قبر و منبر نماز میکرد و جامه زردی بر تن پوشیده بودند و در حدیث حسن از زرار
منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و چوبه خنجر زرد و عمامه خنجر زرد و در
خنجر زرد پوشیده بودند و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتبه خدمت امام محمد باقر علیه السلام
و دید که جامه سرخ تیره که بگل کافیش رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه

چون بگویم حکم گفت که چه گویم در پیش آنکه شما پوشیده و بپوشید اما جو امان شوخ که در میان ما این جامه را پوشیده
 نایبان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زنت خدا را که حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین
 این جامه را پوشیده ام که تازه داماد رفت و ام و در حدیث حسن از حضرت امام تمام
 حضرت صادق صلوٰات الله علیه منقول است که جامه سرخ تیره پوشیدن گناه است و اگر دیگری را می پوشد
 و در حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که جامه ایسان کبود
 پوشیده بودند و از حسن زیادت منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر صلوٰات الله علیه را که
 جامه بزرگ گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی قاسم
 را دیدم که جامه مدسی پوشیده بودند و از ابی العلاء منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم
 در حال احرام برومیائی سبز پوشیده بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل در روز
 آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد بعد از نماز عصر چون
 بر آسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوٰات الله علیه را طلب نمود و
 فرمود که شوهر خود علی را طلب پس چون حاضر شد حضرت رسول امیر المؤمنین علیه السلام را در جانب
 راست نشاند و دستش را گرفته برداشتن خود گذاشته و حضرت فاطمه علیها السلام را در جانب چپ
 نشاند و دستش را گرفت و در آستان خود گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم یا آنچه جبرئیل
 مرا بآن خبر داده گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام گفت که در قیامت
 من و در جانب راست عرش خواهم بود و در آنجا ایستاده باشم من پوشاننده یکی سبز و دیگری گل
 و تو یا علی در جانب راست من باشی و دو جامه چپان در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم
 رنگ سرخ چنین را کرده میدانند حضرت فرمود که چون خدا آفتاب حضرت عیسی علی نبی و علیه السلام
 را بآسمان برد و دو جامه چپان بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید
 پوشش فرمود ای بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید و بپوشانید
 و آن یکی لباسی را بپوشانید و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کرده است سیاه کرد و در
 موزه و عمامه و عبا فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن بدانکه جامه های دراز پوشیدن و آستین
 جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر

صداق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رفت بیازار و سه جامه برآورد
خود و هر یک یک اشرفی پیرا برآورد و پاک به بند پا و لنگه تا نایب ساق و دراز از پیش تا پستان و از
عقب تا پائین تر از کمر پس دست با آسان برداشت و پیوسته حمد آتی میبرد و بر این نعمت تا بخانه
بازگشت و حضرت صداق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از خود پاک بپوشید و در آتش جهنم است
و از امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حق تعالی به پیشبش فرمود که شما پاک بپوشید و در آتش
لغزش آنست که جامه های خود را پس پاک گردان حضرت فرمود که جامه های آن حضرت پاک بود و دیگر
و ادواتی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر اینی بردار که بر زمین کشیده نشود و در روایت
صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول شخصی را وصیت فرمود که زنها را پیراهن و از زار خود را
بلند بیاویر که این از تکبر است و خدا را تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه چون پیراهن می پوشیدند آستین را میبکشدند و آنچه از سر انگشتان میگذشتند بپوشیدند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با بوز فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد
حق تعالی در روز قیامت نظیر حمت با او نفراید و از زار مرد و آن نصف ساق است و تا بند پا هم جائز است
و زیاده در آتش است فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد
حرام است مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد و مانند کجک و زننه و مقنعه و همچنین
حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچ یک را
جائز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاه های فرنگی و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که باین نیست زن را که شبیه مردان شود و میگوید که رسول خدا
صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه زنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه مردان شوند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیشبش از پیشبش
که بگویم بومنان که پوشند جامه های دشمنان مرا و بخورند طعام دشمنان مرا و بمسک دشمنان من
سلوک نمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند بود فصل هفتم در آداب لبستن جامه
لبستن سنت است و با عمامه تحت الحنک بستر است و یک طرف عمامه را از پیش و دیگر را از عقب
از آفتن برداشتن و ادوات مدینه منوره سنت است و شیخ شهاب علیه السلام گفته است که عمامه

از دیدن عورت تو پیش میان عورت خود و زمین بجائی قرار ده پس زیر جامه نازانو بچل آورد
 و پوشید و از جامع بر فطی روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حائض
 بر آورد و نمیشود و در فقره رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوشد و ایستاده بپوشد که
 مورت بلاکت و زرداب و غم و اغم میشود و در وقت پوشیدن این عابجوان **اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ لَاسَ تَكُنْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَمَةِ وَ اعْفَ فَرْجِي وَ لَا تَجْعَلْ مِنْ زِينَةِ الْإِيصَاتِ وَ رِكَامِ الْأَخْلَاقِ أَزْكَاءَ بَحَائِلَ تَقْلُ كَرِهَةً لِي عَابِجَوَانِ اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ**
الْأَمْنِ رَوْعَتِي وَ اعْفَ فَرْجِي وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيبًا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا ذَلِكَ وَ صَوَلَا فَيَضَعُ مَعَالِيَ الْمَكَائِدِ وَ يَهَيِّجُنِي لِأَمْرِ تَكَا مَحَارِكِ
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پیغمبر ان علیهم السلام پیراهن را پیش از
 زیر جامه بپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و رو بقبله و رو بآدم بپوش
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را ایستاده بپوشیدن مورت
 اندوه است **فصل ششم در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد**
باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامه نو بپوشد این عابجوان اللَّهَ اجْعَلْهُ
تَوْبَ يَمِينٍ وَ لُفَى وَ بَرَكَهَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَ عَمَلًا
بِطَاعَتِكَ وَ إِدَاعَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ
عَوْرَتِي وَ أَجْمَلَ بِهِ فِي النَّاسِ وَ بَسَدَ مَعْتَرِ از حضرت امیر المومنین علیه السلام
 منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم فرمود که در وقت پوشیدن
 جامه نو بخوانم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الْبَاسِ مَا أَجْمَلُ بِهِ فِي النَّاسِ**
اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهَ اسْعَى فِيهَا لِمَا صَنَيْتَ وَ اعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ
 پس فرمود که یا علی هر که این عابجواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر
 از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که سزاوار است که کسیکه جامه نو بپوشد
 بر آن بگوید **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَجْمَلَ بِهِ**
فِي النَّاسِ وَ أَتَرْتَنُ بِأَرْبَعِينَ صَلَواتِ از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقول است

هر که آبی در ظرف نو بکشد و سی و دو مرتبه سوره انا انزلناه بر آن بخواند و بر جامه نو بپاشد در هنگام پوشیدن پیوسته در فراخی روزی باشد تا تارهای ازان جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامه نو پوشی بگوید **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُوْلِكَ** تا از آفتها نجات یابی و چیزی را که دوست داری بسیار او را یاد کن که آنرا در هم می شکنند و چون یکسوی کاری داشته باشی در قایمانه او را دشنام بده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون جامه نو پوشیدند چهار بار در جانب راست میگذشتند و چون رخت نو میپوشیدند قدری آبی میپاشیدند و سوره قل هو الله احد و آیه الکرسی و قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آب آنرا بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد و ادایمیکند ازان جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون خدای تعالی جامه نو یکسوی عطا فرماید و پوشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلۃ القدر بخواند پس حمد کند خداوندی را که عرش او را پوشانید و در میان مردم او را فرستاد ساخت و بسیار بگوید **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ** پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعد و بهتر تارهای که در آن جامه هست ملکی خدا را بساکی یاد کند و برای او استغفار کند و بدو ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که جامه نو بپوشد و در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و هرگاه که بآیه تنزل الملائکة برسد اندکی از آب نرم بر جامه بپاشد پس در رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید **اَللّٰهُمَّ الَّذِیْ کَانَ فِیْهِ مَا اَجْمَلُ بِهٖ فِی النَّاسِ وَاَرْسَلْ بِهٖ عَوْنًا وَ اَصْلَحَ فِیْهِ لِرَبِّیْ** و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آنکه جامه کهنه شود فصل دهم در سائر آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که هرگاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند و آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سر او را نیست مرد را که جامه خود را از آن خود دور کند در وقتیکه در میان جماعت نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را از بدن بیرون آورد بدینسم الله بگوید تا جنیان بشنوند

و اگر نگویید چنین آن جامه را می پوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست زن مسلمانا که بر پاک و پیراهنی بپوشد که تنها باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که عرض مقننه حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید که چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر منقول است که ادناهی اسراف آنست که جامه اندرون و بیرون یکی باشد و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتواند بود که مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست اسراف آنست که جامه که باید برای زینت نگاهداشت بوض جامه که در وقت دیگر بپوشد و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسیکه ده پیراهن داشته باشد اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامه نگاهداشتی را در جامه های کم کثیف باشد بپوشی و از حضرت باقر منقول است که کوتاه کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمودند که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامه پوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان کلود انداختن و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و فندان خانه در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر بندهای قبا و پیراهن را کشودن و بسند معتبر منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و دید که گریبان جامه را پینه کرده اند آن شخص متعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که از پینه جامه تعجب میکنم کتابی در پیش حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان را بخوان نوشته بود که ایمان ندارد کسی که جامه ندارد و مال نیست کسی که عیشت خود را باندازه نمیکند و جامه نونیست کسی که جامه کم ندارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه آله فرمود که آنقدر پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آن کسی که پیراهن نمیدارد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که گریبان جامه را پینه زند و کفش را پینه زند و چیزی بیکر خانه خود تیرد و خود را در آنجا بندد از کبر میبرد

گرد و فصل یازدهم در رنگ تعلین و موزه و کفش و چکولی آهنی بهترین رنگها در نعل و کفش
 رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چک رنگ سیاه است و در
 سفر سرخ خوب است و در حضر کراست دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند
 باشد و میانش تهی باشد و بهمش نرین نخسپد و غیر این مکره است و ظاهر آن کفش نیز
 این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکره است و بلند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله
 علیه منقول است که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین است بر تمامی
 نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خوابد بر عرش دراز شود چاشت با باد بخورد و کفش نیکو
 پوشد و در راه بالا پوشد را سبک کند و با زمان بسیار جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام
 فرمود که اول کسیکه تعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آنحضرت
 منقول است که تعلین هموار پوشیدن که همه اش نرین برسد پوشش یهودانست و بر مذمت
 این قسم تعلین احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است
 که نعل سیاه میپوشش که چشم را ضعیف میکند و ذکر را مست میکند و موش
 اندوه و غم است و بر تو باد نعل زرد که چشم را بجا میدارد و ذکر را سخت میکند و غم را بر طرف میکند
 که پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خبیلا
 و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
 است که هر که نعل زرد را بپوشد تا آخر پوشیده باشد و در سر و شادی باشد زیرا که حق تعالی در
 وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که صَفْرَاءُ فَاقْعَ كَوْنُهَا نَسْرًا لِّلْكَافِرِينَ یعنی زرد بسیار
 زرد و کیه شاد گرداند نظر کننده گان را و بلند معتبر از سید صراف منقول است که بخد مت حضرت
 امام جعفر علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده پس
 فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد و نعل نکند آنرا اگر آنکه کسب کند مالی را از جاسی
 که گمان نداشت باشد راوی گوید که سدید مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد
 اشرفی از جانی به دستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که نعل زرد
 یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در

فَرَدَّ نَبَاً وَآخِرَةً وَبَيَّنَّهُمَا عَلَى الْإِيمَانِ وَلَا تُزَكِّرُهُمَا يَوْمَ تَزَكَّى الْأَقْدَامُ اللَّهُمَّ
 وَقَفِي مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ الْعَاهَاتِ وَمِنْ الْأَذَى وَجُونِ بَكْنِي بَكُو اللَّهُمَّ فَزَيِّرْ عَنِّي
 كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَزَعِجْ عَنِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ وَدُرِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ مِنْ كِتَابِ نَجَاتِ نَفْسِ نَزْوَةٍ
 كَمَا مَوْزَةٍ وَنَعْلِ نَشِيشَةٍ بِرُوشِ وَرَدِّتِ بِرُوشِ بَكُو لِسَعْرِ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَوَحِّجْ قَدَمِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَيَّنَّهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَكَّى فِيهِ الْأَقْدَامُ
 وَرَدِّتِ كُنْدَنَ الْيَتَادَةِ بِكُنْ دُكُو لِسَعْرِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي طَائِفِي بِهِ قَدَمِي
 مِنْ الْأَذَى اللَّهُمَّ بَيَّنَّهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ وَلَا تُزَكِّرْ لِهَمَّ عَنِ صِرَاطِكَ السُّوَيْيَةِ
 باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن
 و خضاب کردن فصل اول در فضیلت انگشتری بدست کردن و آداب آن سنت موكده است
 مردان را و زنان را انگشتر درست راست کردن در بعضی از احادیث تجویز فرمودند که دوست چپ
 بکنند اما اگر نقش شیئ یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از
 حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست
 چپ و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت
 رسول الله صلی الله علیه و آله بجز از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که فرمود که یا علی انگشتر در دست راست
 بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله که آمدند مقربان فرمودند که جبریل و میکائیل سپید
 که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی که آن اقرار کرده برای خدا بیگانهگی و براس
 من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه وصی منی و برای فرزندان تو با ماست و برای دوستان تو بهشت
 و برای شیعیان فرزندان تو بهشت الفردوس و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی
 علیه السلام سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله انگشتر در دست راست
 میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب بیست که در قیامت نامه های شان را بدست
 راست میدهند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامت است

برای تشبیه آن که باین علامت ایشان را میشتا سید بر ما نداشت کردن بر وقت و فضیلت نماز
 پنجگانه و دادن زکوة و تقیست کردن مال خود را بابرادران مؤمن خود و با هم نشیکه کردن و نهی
 از همیه کردن و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت جبرئیل علیه السلام
 بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشت را در دست راست کند و غرضش شهادت
 سنته و توبه باشد و به پیشم او بر توبه است که متحیر باشد و دستش را بگیرم و بگویم یا امیرالمومنین علیه السلام
 به سامم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیشین این است انگشت
 در دست راست کردن و حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتی
 در دست چپ داشته باشد - که نام خدا و رو باشد باید که در وقت استنجاء بر آورد
 و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله فرمود: انگشت کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که انگشت را بر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در فقه الرضا علیه السلام
 مذکور است که در وقت انگشت در دست کردن بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي بِسْمَاءِ الْإِيْمَانِ أَتَمَّ
 رَوَيْتُ كَرَّمَ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى الْغَايَةِ إِنَّكَ أَتَمُّ الْعَزِيزِ الْكَرِيمِ وَابْنِ طَاوُسٍ رحمه الله
 روایت کرده است که این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي بِسْمَاءِ الْإِيْمَانِ أَتَمَّ رَوَيْتُ كَرَّمَ
 الْكِرَامَةِ وَفَلَدٌ فِي حَبْلِ الْإِسْلَامِ وَلَا تَنْفَكْ بَرَقَةَ الْإِيْمَانِ مِنْ عُنُقِي
 فصل دوم در بیان آنچه انگشت از آن سازند سنت است که انگشت از نقره باشد
 و مردان را انگشت طلا و دست کردن حرام است و انگشت آهن و فولاد و برنج مردان را
 و زنان را مکروه است چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام بسمیه معتمده که انگشت
 رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشت طلا و دست کردن
 که آن زینت نیست و آخرت و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول است که
 انگشت غیر نقره در دست مکنبه بدستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست

و سیکه در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک کند خدا دستی را که در آن انگشتری آهن باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز نکند مرد در انگشتر آهنی بختی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش نموده بودند و حضرت رسول الله فصل سوم در فضیلت عقیقه منقول است که حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله چهار انگشتر در دست میکرد و انگشتر با قوت برای شرافت و زینتش و قیروزه برای نصرت (یا بشیر) و حدید چینی برای قوت و عقیقه برای حمزه و دفع دشمنان و بلبلای و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیقه فقر و درویشی را بر طرف میکند و در دست کردن عقیقه اتفاق را ازل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که قرعه یا انگشتر عقیقه بپوشد بهره او تا متر برسد می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیقه در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر عقیقه در دست داشته باشد آید که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعۃ الراي منقول است که در دست حضرت امام زین العابدین علیه السلام انگشتر عقیقه دیدم پرسیدم که اینچه نگین است فرمود که عقیقه روم است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انگشتر عقیقه در دست داشته باشد حاجاتش برآورده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیقه موجب ایمنی است در سفر و در قتل دیگر از آنحضرت منقول است که هر که انگشتری بگیرد و نگینش عقیقه باشد پیریشان نشود و عاقبت کارش اچھے نیکو باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حاکم آدمی شخصی فرستاده بود بسبب جبرستی حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند که او همی باو نرسید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که در راه پهن رسید و اسوال مرابرد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیقه در دست نداشتی که آن از هر باب نگاه میدارد آدمی را و آید معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که انگشتر عقیقه در دست کنید که نادانیکه آدمی آن انگشتر را با خود دارد و اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر عقیقه در دست کنید که آن دل گواهی است که اقرار کرده است برای خدا بیگانهگی داد و برای غیر

به پیغمبری و از برای تو یا علی با ما است و در حدیث معتبر منقول است از بشیر دثان که عرض کردم که
 کدام یک از نگینها بر انگشته شود و پشاشانم فرمود که چراغی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید
 که اینها سه کوهند و در بهشت است اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانه حضرت فاطمه صلوات الله علیها اما کوه عقیق سفید پس
 مشرف است بر خانه امیر المومنین علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست
 از برف سرد و آب شیرین تر و از شیر سفید تر و میخورند از آن نهرها مگر آل محمد و شیعیان ایشان و هر
 سه نهر از کوهی آید و یکی را میبرد و این سه کوه تسبیح و تقدیس و تجمید آبی میکنند و از برای حجاب
 آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقه را در دست داشته
 باشد نه بیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از
 هر چه آدمی از آن میترسد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی را برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 گذرانیدند که تا زیاده بسیار بر زو بودند حضرت فرمود که انگشته عقیق او کجا است اگر با او میبود تا زیاده
 هرگز نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستی بمسوی آسمان
 باز نمیشود که خدا دوست تر و از او نزدیک تر از آن انگشته عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین
 صلوات الله علیه منقول است که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق سبحانه تعالی
 مناجات کرد و برین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خودم بذات
 مقدس خود که عذاب نکنم با تش بهنم دستی را که انگشته عقیق در آن باشد اگر اعتقاد ولایت علی
 بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام تا
 شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد پیرو کار سلام میرساند و میگوید که انگشته را
 به دست راست بکن و نگینش را از عقیق بکن و بگو بعلی بن ابیطالب پس عمت که انگشته در دست
 راست بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المومنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله عقیقه
 کدام است فرمود کوهی است در بین که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری
 و برای تو و اولاد تو با ما است و بر شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو به جهنم و از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که نماز کسی که انگشته عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعت عیبه غیر

عقیق و دوست داشته باشند بچای درجه زیاد دارد و سلیمان اعظم روایت کند که در خدمت حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آورد که تازیانه خورده بود
 حضرت فرمود که ای سلیمان بر بین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یابن رسول الله عقیق نیست
 فرمود که ای سلیمان اگر عقیق نباشد تازیانه نمیخورد گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای
 سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می
 بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کند بدعا
 بمسوی او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستیکه در آن نگین
 عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و در هم گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاه دارند
 آدمی است از بهر بلای گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که این میگردد انداز فقر گفتم یابن رسول
 الله روایت کنم این حدیث را از جده حسین بن علی از پدرش امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود
 بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار
 رکعت که بی آن باشد و در حدیث صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که انگشتر یا قوت و در حدیث معتبر
 از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقول است که انگشتر یا قوت در دست کشید
 که پریشانی را از او ببرد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که سنت است
 انگشتر یا قوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقول است که انگشتر
 زرد در دست که در آن هیچ دشواری نباشد در حدیث دیگر از
 حضرت امام رضا علیه السلام بهر بلفظ وارد شده است اما بلفظ زبرد و فرمود که انگشتر زرد در
 دست داشتن نشانه بزرگواری و بزرگی است و فرمود که هر که انگشتر یا قوت زرد در دست کند
 ثمره شود و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که انگشتر زرد در دست
 منقول است که هر که انگشتر زرد در دست کند دستش قوی شود و از حسن بن علی
 بن حمران منقول است که بخداست حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت در انگشت
 آن حضرت انگشتر زرد و دیدم که نگینش فیروزه و نقشش الله المالك بود من نظر بسیار کردم
 و در آن انگشتر فرمود که چه انگشتر می کنی گفتم که حضرت امیر المومنین علیه السلام انگشتر فیروزه داشت

است که نقش الله الماکب بود فرمود که آنرا می شناسی گفتیم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هدیه آورد و است از بهشت و آنحضرت بجز دست امیرالمؤمنین علیه السلام و ادبای ما رسید و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر جبرئیل یافنی در دست کنید که روی کند مگر ستران شیاطین را و از حضرت امام رضا منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیرون آمدند و انگشتر جبرئیل یافنی در دست کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست راست خود کن و بآن نماز کن که نماز در جبرئیل یافنی برابر نماز است و هیچ دست خفد میگویی و ثوابش برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد ضمیری گفت که دختر جعفر بن محمد خواستم داد را بپار و دست میدادم و از و فرزندان بوجود نیامد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام و این مطلب عرض نمودم پس حضرت تبسم کرد و فرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّتَ لَا تَدْرِي خَيْرًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ چنان کردم یکسال نگه داشت که از آن زن پسری بوجود آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که خداوند عالیاں میفرماید که من ششم میکنم از و ستیکه بسوی من می آید و بعد از آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا ما امید برگردانم فصل ششم در فضیلت و برنج و بلور و حصیدینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفصل حسن منقول است که گفت روزی بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و انگشتر و برنج در دست داشتم فرمود که ای مفصل این نگین میرگاز و دینامی مردان خوش و زنان محبت یار دور گرداننده و در با است از ویدمانی ایشان و من دوست میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته باشد با قوت و آن قاضی ترین است و عتیق و آن فالص تر است برای خدا و برای با الطیبت و فیروزه آن چشم را قوت میدهد و سینۀ انگشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون پی کارسی رود آنرا در دست کند پس چون برگردد و چشمش برآورده شده باشد و حصیدینی او آنرا دوست میدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن نمیدانم در دست کردن آن را دوستیکه بر بین کسی رود که از و رسد از اهل شد برای آنکه شر او ساکن شود و حصیدینی شیاطین را دور میکند این سبب دوست میدارم که داشته باشد و پنجم آن برنج است و خدا است خدا تعالی ظاهر بسیار دوستیکه هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی آن خدا تعالی زیارت عجب یار

در نام اعلیٰ او بنویسد کہ نقوش ثواب پیغمبران و صاحبان باشند و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما ہرگز نہ مکنی
از ان نصیبت بسیار رسید و لیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان کہ تو اگر ان پیغمبران ایشان
توانند در دست کرد ابو طاهر بگوید این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری علیہ السلام عرض کردم فرمود
کہ این حدیث جدم حضرت صادق علیہ السلام است گفتیم شما هیچ چیز را بعقین طرح اختیار نمیدارید فرمود
بلکہ برای فضیلت بسیاری کہ در ان وارد شده است بدستیکہ پدرم خبر داد مرا کہ اول کسیکہ انکشتہ بنویس و در دست
کرد حضرت آدم علیہ السلام بود کہ در پیش خود عرش نوشتہ است اَنَا اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَخَلَقَنِي فَاصْبِرْ
صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَتَيْدُنَا بِالْخَيْرِ عَلَى وَنَصْرًا قَبِيلًا تا آخر نامہائی پنجگانہ آل عباس چون حضرت آدم
از اندرخت میروند ساول نمود بر زمین پیوستہ شد بموئی خدا باین نامہائی مبارک و برکت این نامہا خدا
تو بیش را قبول نمود پس حضرت آدم انکشتہ از فقرہ ساخت و نگینش از عقیق سرنج کرد و این نامہائی
پنجگانہ را بر نقش کرد و ان انکشتہ را در دست راست خود کرد پس این سستی شد کہ بر ہر گاران از فرزندان
ہمہست او حمل نمود و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ نیکو نگینی است بلور و از
حسین بن عبداللہ مرویت کہ سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات اللہ و سلاطہ علیہ وآلہ کہ آیا
خوب است انکشتہ کردن سنگریزہ کہ از چاہ زمزم بیرون آورند فرمود بلکہ اما چون خواهد کہ استنجائہ
از دست بیرون آرد یعنی اگر در دست چپ باشد فصلی از حق تعالی باین پنجہ سزاوار است کہ در نگین نقش
کنند حسین بن خالد بن محمد بن حضرت امام رضا علیہ السلام نے شناعرض کرد کہ جائز است شخصی
استنجائہ کند و در دستش انکشتہ باشد کہ نقش نگینش لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ باشد حضرت فرمود خوب رسید اکمل این را
از برای او گفت بگر رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و پدران شما با انکشتہ استنجائہ میکردند و فرمود بلکہ
و لیکن ایشان انکشتہ را در دست راست میکردہ اند پس از خدا ترسید و اقراب ایشان نہ بندید پس فرمود
کہ نقش نگین حضرت آدم علیہ السلام لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ بود و با خود از بہشت آورده بود و
حضرت نوح علیہ السلام چون کشتی سوار شدہ حق تعالی باو وحی فرستاد کہ ای نوح چون از غرق شدن
ترسی ہزار مرتبہ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگو پس ہاکن نام تو را و منار از غرق نجات ہم پس چون کشتی را افتاد باد تندے
وزید و حضرت نوح از غرق شدن رسید و اورا حال آن شد کہ ہزار مرتبہ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید زبان
سورانی گفت ہو لبنا الفایا مارا الفی پس طوفان بند شد کشتی را و افتاد پس حضرت نوح فرمود

نقش کنی که نام آن نجات بخش است که همیشه با من باشد و با کثرت خود جز از ابروی نقش کرد
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ يَا أبا حنیفہ حضرت ابراهیم علیہ السلام را چون در کفہ مخفی نگه داشتند
 که در آتش اندازند حضرت جبرئیل خاتم النبیین با وحی کرد که چه چیز باعث غضب تو گردیده است
 گفت پروردگار اخیل نیست و در یوقت هیچکس نیست که ترا بیگانی پستد بغیر از و دشمن خود و دشمن
 او را بر و ستاد گردانیدی پس خداوند عالم با وحی فرستاد که بساکت باش که کسی تعجب و امور میکند که
 چون تو بنده عاجزی باشی که ترسد از دستش و برود پس آن بنده من است هرگاه خواهم او را بگردم
 چنان سبیل خاطرش مطمئن شد و بجانب ابراهیم علیہ السلام گفت شد و گفت آیا ترا حاجتی و کاری
 هست و در یوقت فرمود هست اما بنویس پس حق تعالی گفته ای او دست ما و در آن شش حرف نقش شد
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هُوَ الَّذِي أَلْهَمَنِي اللَّهُ لِنُفُوسِي أَنْ أَقُولَ
 بِحَسْبِيَ اللَّهُ پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سحر و سلامت میکرد و اتم
 و نقش نگین حضرت موسی علیہ السلام دو حرف بود که از توریت بیرون آورده بود و اَصْدَقُ وَتُحْيِ
 اَصْدَقُ تَحْیِ یعنی صبر کن تا مرز و پای راست گو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت سلیمان این بود
 سُبْحَانَ مَنْ أَلْهَمَ الْجَنَّةَ بَنِي آدَمَ وَنَقَشَ نَجِينَ حضرت عیسی علیہ السلام این دو حرف بود که بنویس
 بر آورده بود و طوبی لعنید ذکر الله من اجله وَقَالَ لِعَبْدِي شَيْئًا اللَّهُ مِنْ أَجْلِهُ یعنی نوشتا حال بنده
 که نماید آورده نمود بسبب او و پای بر بنده که خداوند خوش شود از خاطر بسبب او و نقش نگین حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم این بود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و نقش نگین حضرت امام
 حسن علیہ السلام الخ لا اله الا الله بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیہ السلام اِنَّ اللَّهَ بِأَعْيُنِ
 بُوَد و حضرت علی بن الحسین انگشتری بر بزرگوار خود دست میکرد و حضرت امام باقر علیہ السلام
 نیز انگشتر حضرت امام حسین علیہ السلام را در دست میکرد و نقش نگین حضرت امام جعفر صادق
 علیہ السلام اللَّهُ وَلِيُّيَّ وَأَعْصَمَنِي مِنْ خَلْقِهِ بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام
 حَسْبِيَ اللَّهُ بود و حضرت امام رضا علیہ السلام دست دراز کردند و نمود انگشتر بر خود را که در دست
 داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است که نقش نگین حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بود و نقش نگین حضرت امیر المومنین علیہ السلام اللَّهُ

الْمَلِكُ بود نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام كَلَّمَكَ اللَّهُ بود و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت
 پرسیدند که آیا اگر هست دارد که کسی در نگین خبر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش
 انكسرت من الله خالق كلتي است و نقش نگین انكسرت يدم الله كذا بود و انكسرت حضرت امام زین العابدین
 علیه السلام انكسرت الله العلي بود و نقش انكسرت امام حسن و امام حسین علیه السلام حسبي الله بود و نقش نگین
 امیر المومنین علیه السلام الله الملك بود و در روایت معتبر دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اللَّهُ أَنتَ ذِي فَتْحِي فَتَحْتَ خَلْقَكَ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
 امام رضا علیه السلام نوشته است که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام أَنتَ ذِي فَتْحِي
 فَتَحْتَ خَلْقَكَ و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حسبي الله و در زیرش شکل کلمی بود
 و در بالاش بلالی نقش کرده بود و در حدیث صحیح دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام رضا
 علیه السلام مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقول است که نقش
 نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود وَ حَقِّي شَفِيعِي قَاتِلِ حَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 مَيْكُوْنَةَ که حضرت صادق علیه السلام انكسرتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بمن نمود نگین
 سیاهی داشت و در وسط نوشته بود مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در حدیث معتبر منقول است که
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله همی فرمود از آنکه سورت چیزی از حیوانات بر انكسرت نقش کنند
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقل مرد را در سچر امتحان میتوان کرد و در بار
 ریش نقش انكسرت و بقیش و در حدیث دیگر منقول است فرمود هر که نقش کند بر انكسرت مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 اسْتَغْفِرَ اللَّهُ اِيْمَنَ شَوْءَ از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام این بود که خَلْقِي يَا لَهِ حَسَنٌ وَ بِالْيَقِي الْمُنِيْمِيْنِ وَ بِالْقَوِي ذِي الْمُنِي وَ
 بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ و در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که انكسرت حضرت
 امیر المومنین علیه السلام از نقره بود و نقش نگینش نَعْمَ الْعَاذِرُ اللَّهُ بود و در بعضی روایات دارد است
 که نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام الْمَلِكُ لِلَّهِ بود و در روایات دیگر انكسرتی داشتند
 از حدیثی سفید و صاف و این کلمات بر آن نقش فرموده بودند و در هفت سطر و در جنگها و شتهای
 در دست میکردند و کلمات آنست اَعُوْذُ بِكُلِّ هَوٰی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ لِكُلِّ كَبٍ لَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ ذَا نِعَةٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ كَبِيرٍ لَا اسْتَغْفِرُ اللَّهُ
وَلِكُلِّ هَمٍّ وَنَجْوَةٍ فَارْجِ مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ نِعَةٍ مُبْتَدَأَةٍ بِحَمْدِ اللَّهِ مَا لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
مِنْ نِعَمِ اللَّهِ مِمَّنْ اللَّهُ وَازْهَرَتْ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى مُنْقُولٌ سِتُّ كَهْ أَكْثَرُ حَضَرَتِ إِمَامِ جَعْفَرٍ صَادِقٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ تَمَاشُ الْأَفْقُوهُ وَبَرَانِ الْقَيْسُ لَوْ يَأْتِي قِيَّتِي قِيَّتِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَازْهَرَتْ إِمَامِ
مُحَمَّدٍ بَاقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُنْقُولٌ سِتُّ كَهْ أَكْثَرُ خُودِ آيَةِ الْقُرْآنِ نَقِشُ كَنْزِ أَمْرٍ زَيْدٍ شُودِ وَابْنِ طَالُوسٍ
عَلَيْهِ الرِّحْمَةُ بِرَوَايَتِ قَاسِمِ بْنِ عَلِيٍّ رَوَايَتِ كَرْدِهِ أَزْهَرَتْ إِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهْ رَحْمَتِ طَلَبِ سِدِّمِ الْأَنْحَضَرَتِ كَهْ بَزِيَارَتِ حَضَرَتِ إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرُومِ فَرْمُودِ بَاكِدِ كَهْ بَاخُودِ
أَكْثَرِي مُشْتَبِهٍ بَاشِي كَهْ نِگِشِ عَقِيقِ زَرِّ بَاشِ وَنَقِشِ نِگِشِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ
بَاشِ وَبَرُورِي وَبِگَرِ نِگِشِ مُنْكَ وَنَقِشِ كَرْدِهِ بَاشِ چُونِ اَيْنِ أَكْثَرِ رَا بَاخُودِ مُشْتَبِهٍ بَاشِي اِمَانِ يَابِي اَوَشْتِ
رَا زَمَانِ وَبِرَايِ سَلَامَتِي تُو نَمَاسْتِ سِتُّ وَدِينِ تَرَا حَفْظِ كَنْزِ تَرَا سِتُّ خَادِمِ كَوِيدِ بِرُونِ آدَمِ وَكَأَكْثَرِ
كَهْ حَضَرَتِ فَرْمُودِ وَبِهِرِ سَانِدِمِ وَبِگِشْتِمِ كَهْ وَدَاعِ كَنَمِ چُونِ وَدَاعِ كَرْدِمِ وَدُورِ شَدِمِ فَرْمُودِ كَهْ مَرَا بَرِگَرِ نِهَنَدِ
چُونِ بِگِشْتِمِ فَرْمُودِ صَافِي كَفْتِمِ بَلْبَكِ اِمِي قَائِي مَنِ فَرْمُودِ بَا بَكِ أَكْثَرِي سِيرِ وَبِهِرِ بَاخُودِ دَارِي كَهْ مِيَا
طُوسِ وَنِشَا پُورِ شِيرِي رَا خُودِ وَتُو قَا فَا لَهْ رَا مَنَعِ خُودِ كَرْدِ اَزْ رَقَمَنِ وَتُو مِشِ بِرُو اَيْنِ أَكْثَرِ رَا بِشِيرِ نَا
وَبِگُو كَهْ مَوْلَايِ مَنِ سِگُويدِ كَهْ دُورِ شَوَا زَرَا هِ بَا بَكِ بِرِيكِ طَرَفِ نِگِشِ بِرُو زَهْ أَلَلَّهِ الْمَلِكُ نَقِشِ كَنِي وَبِرِطَفِ
وَبِگَرِ الْمَلِكُ إِلَهِي الْوَلِيدُ الْقَهَّارُ ذَرَا كَهْ نَقِشِ أَكْثَرِ حَضَرَتِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَلَّهِ الْمَلِكُ بُو
چُونِ خَلَا فِتْنَتِ بَا حَضَرَتِ بَرِگِشْتِ الْمَلِكُ إِلَهِي الْوَلِيدُ الْقَهَّارُ نَقِشِ كَرْدِ نِگِشِ فَرْمُودِ بُو وَچُونِ
چِينِ كَنِي اِمَانِ مَحِي شَدِ اَزْ حَيَوَانَاتِ دَرَنْدِ وَبَاعَثِ طُغْرُ وَغَلْبِهِ مِشُودِ وَبِجِگَرِ بَا خَادِمِ كَفْتِمِ بِرَقَمِ بَسْفَرِ
وَبِجِگَرِ اَسُو كَنْدِ دَرِ هِمَانِ مَحَانِ كَهْ حَضَرَتِ فَرْمُودِ وَبِهِرِ شِيرِي بِسَرَا هِ آدِ اِنِچِهْ فَرْمُودِ بُو لَعْلِ اَوْرِدِمِ شِيرِ
بَرِگِشْتِ وَچُونِ اَزْ زِيَارَتِ بَرِگِشْتِمِ اِنِچِهْ كُوشْتِ بُو وَبِجِگَرِ حَضَرَتِ اَنْخَضَرَتِ عَرْضِ كَرْدِمِ فَرْمُودِ كَهْ يَكِ چَنِزِ مَانِگَرِ
نَقِشِ نَكْرُودِي اِگَرِ خُوَاهِي مَنِ نَقِشِ كَنَمِ كَفْتِمِ اِمِي قَائِي مَنِ شَايِدِ كَهْ فَرَا مِشُوشِ كَرْدِ بَاشِمِ فَرْمُودِ بِي وَطُوسِ
نَزْدِيكِ رُوضِ إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ خُوَاهِي بُو يِ گَرُوهِي اَزْ خُشْبَانِ بَزِيَارَتِ قَبْرِ مِيرِ قَنْدَارِ نِگِشِ بَا
دَرِ دِسْتِ تُو دِيدِنْدِ وَنَقِشِ اَنَزَا خُودِ نِشِ اَنَزَا اَزْ دِسْتِ تُو بَرِگَرِ دُورِ دُورِ وَبَرِگَرِ نَزْدِ بَارِي كَهْ دَاشْتِ شَدِ
وَآنِ أَكْثَرِ رَا دَرِ اَبِي شَسْتِنْدِ وَآنَا بِبَارِ دَا دِنْدِ بَارِ شَانِ مَحْتِ يَافْتِ اِنِگِشِ شَرَا بِرِگَرِ دَانِيدِنْدِ وَتُو

در دست راست کرده بودی و ایشان در دست چپ نوک و نه چون بیدار شدی بسیار قیاس کردی و بهتر
 ندانستی و بر بالین خود با قوتی یا فنی از او داشتی و بحال هم را دست بر بازو از او پنداشتی و شرفی خواست
 فروخت و این با قوت هر یک آن جنیان است که برای تو آورده بودند و خود گفت که با قوت بر دم مبارز
 و پنداشتی و فروخت و ایضا سید بن طاووس روایت کرده است که شخصی نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 آمد و گفت که من سیرم از حاکم شهر خزره و دیگر سیرم که دشمنان او را با من ششم آورده و این سیرم از آن که من کشتم
 حضرت فرمود که اگر کسی بسیار که گنیم آن حدید صینی باشد و بر روی گنیم به سطر نقش کن سطر اول اَعُوذُ
 بِجَلَالِ اللَّهِ و سطر دوم اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ و سطر سوم اَعُوذُ بِسُورَةِ اللَّهِ و در زیر رنگین و سطر
 نقش کن سطر اول اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَتَبْتُهُ و سطر دوم وَ اَتَى دَائِقُ بِاللَّهِ و در زیر رنگین نقش کن

اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ	اَعُوذُ بِسُورَةِ اللَّهِ
اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ	اَعُوذُ بِسُورَةِ اللَّهِ
اَعُوذُ بِسُورَةِ اللَّهِ	اَعُوذُ بِسُورَةِ اللَّهِ

اَمَنْتُكَ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ تَخْلُصًا و این صورت گنیم است
 در دست کن این انگشتر را در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و هر چه
 که از آزار احدی از مردم بر تری بستی که با جهایت بر آورده شود
 و در جهایت با پستی بل شود و زنی که زانیدن بر او دشوار شود

بر روی بند که بشیت الهی بر روی وضع عمل او میشود و هم چنین وضع میکند از چشم بد را و خدا کن که بخا
 و هر بی آن گنیم بسد و با خود بجام و عیت اخلاص و خوب محافظت نماید که از آزار احدی از مردم و دشمنان
 شیعیان که از دشمنان خود بترسد باید که برابر جان خود و این انگشتر را داشته باشد و از دشمنان پنهان و
 و تسلیم کند مگر کسی که اعتماد بر او داشته باشد و او می خدیشد که بدید که من بترسیدم و او را شرف و از حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتری عقیقی باشد که در انگشت دست
 راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی نیفتد گنیم از آنجا بجنب کند دست بگرداند و آن نظر کند
 و سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر ما از خود بخواند پس بگوید اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَتَبْتُهُ و اَتَى دَائِقُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ
 بِالْجَنِّ وَالطَّاغُوتِ و اَمَنْتُ بِسِرِّ اَلْمُحَمَّدِ و اَعْلَانِیَ اَیُّهُمْ و ظَاهِرِهِمْ و بَاطِنِهِمْ و اَقْلَابِهِمْ
 و الخ و هر چه چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد و در آرزو از شر آنچه از آسمان نازل میشود
 و آنچه بالا میرود و بسوی آسمان و آنچه در زمین می رود و آنچه بیرون می آید از زمین و در هر دو حمایت
 و دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیگر منقول است که هر که انگشتری از عقیق بسیار و در گنیم آن

نفس کرده باشد **صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَبَارَكَ** خدا را از هر گس بد نگاه دارد و نیز دیگر برین حق است
فصل ششم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن و در حدیث صحیح منقول است
 که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است پسران با بلع را زیور طلا پوشانیدن
 فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام زینت میفرمود زنان و اطفال خود را زیور طلا و نقره و در
 حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند برین باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و پسران
 خود را زیور طلا و نقره می پوشانیدند و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا
 و نقره فرمودند باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سرخلاف شمشیر حضرت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله و سلم هسته اش از نقره بود و در میان حلقه های نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره
 پیش و دو حلقه نقره در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند پوشش منقول است که دو اتفاق
 که جبرئیل علیه السلام بر ائمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در
 حدیث حسن از آنحضرت منقول است که باکی نیست از زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر
 فرمود که زیورش شمشیر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام از نقره بود و در حدیث شریف
 حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست زینت کردن قرآنها و شمشیر بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر دیگر
 از فضل بن بیا منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم ذکر سی که در آن طلا
 باشد آیا میتوان به آن نگاه داشت یا نه حضرت فرمود که اگر طلا باشد و اگر آب طلا آن مالیده باشند باکی نیست
 و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سر او از نیست که زن خود را محطل بگذارد و زینت نکند اگر چه
 گردن بندی باشد که در گردن بیند و سر او از نیست که دستش از خضاب عالی باشد اگر چه بالمیدن
 خوا باشد هر چند سهالار باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جائز نیست که زنان و داناها بطلا
 بپوشد دیگر به بندند بلکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر چه شمشیر
 و صحنه باشد **فصل ششم** در آداب سر می کشیدن و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سر می سنگسار می کشیدند و وقت خواب طاق طاق و در
 حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام می فرمودند که

و سر مردانی اگر استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود بدین میل سر مرد کش
پس سر کشیدم و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سر کشیدن در شب چشم را نفع میرساند
و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سر کشیدن
در دیده کشیدن دبانرا خوشبو میکند و مژگانرا محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که سر کشیدن دمان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سر کشیدن موسی مژگانرا میرود و پانی را
نزد میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سر کشیدن موسی مژگانرا میرود و پانی را
و چشم را جلا میدهد و آب ریختن چشم را زائل میکند و در روایت دیگر فرمود که سر کشیدن قوت جماع زیاد
میکند و فرمود که هر که شب سر کشد که شکسته باشد در دیده کش چشم هرگز آب سیاه نیارد
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر که سر کشد باید طاق بکشد و اگر
چنین نکند چشم باکی نیست و در حدیث صحیح دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
پیش از خواب سه مرتبه می کشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در چشم چپ و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که روزانوارانی میکند نظر کردن در روی
نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سر کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سر کشد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که سر کشیدن در وقت خواب ایمان می بخشد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام
و بشمار منقول است که هر که راضع در با صره هم سه هفت میل از سر نه سنگ در وقت خواب چشم
کشید چهار چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم در هر چشم سه میل سر می کشیدند در وقت خواب بدین و در روایت دیگر وارد شده
است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ می کشیدند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که بر شما باد سواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد سر کشیدن که دبانرا خوشبو میکند زیرا که چون
آدمی سواک میکند بغیر آن می شود از چشم و جلا میدهد چون سر می کشد بغیر از چشم بر طرف میشود
و دبانرا نازل میشود و دبانرا خوشبو میشود و در رتبه آخر ضاع کور است که چون اراده نمائی که سر کشی
میل را بدست راست بگیر و سر مردان بر زن و بگویم الله و چون میل در چشم کشی بگو اللهم تعوذ

بَصَرِي وَاجْعَلْ فِيهِ نَوْمًا أَجْمَلَ وَأَهْدِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَارْشِدِي إِلَى سَبِيلِ
 الرَّشَادِ اللَّهُمَّ تَوَرَّ عَلَى قُبَايَ وَأَخْرَجِي وَدِّعَا كَرَمِ الْأَخْلَاقِ رَوَايَتِ كَرَمِ اسْتِ كَرَامَتِهَا
 وَرَوَيْتِ سُرُكَشِيدِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ كَمَا تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّينَ وَالْبَاقِيْنَ فِي دِينِي وَدِينِ الْبَشَرِ فِي الْأَخْلَاقِ
 فِي عَمَلِي وَالْمَلَائِكَةِ فِي تَقْوِي وَالتَّقَاتِي فِي رِزْقِي وَالتَّكُنَّ الْآبِلَةِ أَمَّا الْبَقِيَّةُ فَحُضْرِي
 وَهَمَّ مَدَادُ الطَّبِيبَةِ بِأَيْمَنِهِ كَرَمِ بَسْمَةِ مَبْتَازِ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَوْلُكَ سَتِ كَرَمِ حَضْرَتِ رَسُولِ
 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُكَ وَرَبُّكَ خَدَا وَنَدَا لِيَانِ وَاجِبِ مِغْرَدَانِ بَهْشْتِ رَا از برای جَوَافِ الطَّبِيبِ
 نَظَرِ دُرِّ مِسِينَةِ كَنْدِ وَحَلِيبِ بَارِ كُوبِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ
 بَعْضِ رَوَايَاتِ مَذْكَورِ اسْتِ كَرَمِ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُكَ نَظَرِ مِغْرَدَانِ بَهْشْتِ
 مَبَارَكِ وَرِشِ رَاشِدِ مِغْرَدَانِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ
 نَدَامِ بَسْمَةِ وَدُوسْتِ مَبَارَكِ وَنَدَامِ بَهْشْتِ كَرَمِ چُونِ بَزْوَ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ
 كَنْدِ وَخُودِ رَاشِدِ وَازِ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُكَ اسْتِ كَرَمِ چُونِ كَرَمِ
 دُرِّ مِسِينَةِ كَنْدِ بَارِ كُوبِ الْخَلْقِ اللَّهُ الْكَافِي خَلْقِي فَاحْسَنَ خَلْقِي وَخَلْقِي فَاحْسَنَ خَلْقِي فَاحْسَنَ خَلْقِي
 هِيَ مَا شَانِ مِنْ غَيْرِي وَكَرَمِي بِالْإِسْلَامِ وَدُرِّ مِغْرَدَانِ بَهْشْتِ كَرَمِ چُونِ نَظَرِ مِغْرَدَانِ
 دُرِّ مِسِينَةِ نَظَرِ كَرَمِ بَسْمَةِ رَابِعِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ Bَرِ
 بَشِيرِ مِغْرَدَانِ وَبَرِ وَكُشِ وَرِشِ خُودِ رَابِعِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ Bَرِ بَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ
 خَلْقِي بَشَرًا سَوِيًّا وَنَاعِيٍّ وَلَمْ يَخْلُقْ عَلِيَّ كَثِيرٌ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنْ عَلِيٍّ بِالْإِسْلَامِ
 وَرَحْمَةٍ لِي دِينًا أَكْمَلَ اسْتِ كَرَمِ بَرِ بَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ
 لَا تُعَمِّدُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِإِيْمَانِهِ مِنَ الْمَذْكُورِينَ وَدُرِّ رَوَايَاتِ دِگَرِ وَارِ شَدِه اسْتِ كَرَمِ
 بَسْمَةِ چَیْگِسِی چُونِ رَوْنِ خُودِ رَابِعِ مِسِينَةِ دِیْیِ بَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ Bَرِ
 خَلْقِي وَحَسَنَ خَلْقِي وَخَلَقْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا وَلَمْ يَخْلُقْ عَلِيَّ كَثِيرٌ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنْ عَلِيٍّ بِالْإِسْلَامِ
 تَرَانِ مِیْ مَا شَانِ مِنْ غَيْرِي اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسَنَ خَلْقِي وَتَمِّمْ بَعْدَكَ عَلَيَّ

فَرَقَنِي فِي غُيُوبٍ خَلَقَكَ وَجَعَلَنِي فِي غُيُوبٍ بِرَبِّكَ وَأَرْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمُهَابَةَ وَالْوَهَابَةَ
وَالْحَقَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
بمهرستان ابراهیم علیه السلام فرمود که یا علی چون در آئینه نظر کنی بگو اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ
خُلُقِي و نیز در آن فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان خضاب
سوی سر و پیشانیست مؤکده است و زنان خضاب بر روی سر و دست و پاست مؤکده است و مردان
خضاب دست و پا کر است و اگر آنکه رنگی و بوی از نوره که بر جمیع بدن سنت است خالص
آنقدر از آن بردست بالند که رنگ ناخوش به رخسار مال شود چنانچه بسای می معتبر از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چهار چیز است که از پستیهای غیر آن است بوی خوش کردن
و زدن کمی زان و سواک کردن و خضاب کردن بخواب و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یک
دویم که در خضاب خرج شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و در آن چهار وجه است
است یا در آن گوشتها دور میکند و عبا را از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دیان را خوشبو میکند
وین و دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند و سوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن
شاد میشوند و بسبب خوشحال مونسان و شرم کافران میشود و نیست است و بوی خوش است و موجب
خلاصی از عذاب قبر میشود و کثیر و منکر شرم میکند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موسی سفید
خود را رنگش بدو شبیه میشود پیروان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
فرستم که آنحضرت خضاب بریش برنگ سبزه کرد و بودند پیش فرمود که خضاب کردن ثواب
عظیم است و خود را ساخن موجب عفت زان است و جسمی از زان دست از عفت
برو آید بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نیارستند و موسی سفید که بکار سید
است که خضاب موسی سفید را زیاد میکند حضرت فرمود که موسی سفید خود را زیاد میشود بی خدا و در
حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و حضرت
نظر کرد که موسی سفید در ریش او بهر سیده است فرمود که این موسی سفید نور است پس فرمود
که هر که در اسلام یک موسی سفید در ریش او بهر سید از برای او نور می باشد در قیامت پس آن
شخص بخوا خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد چون آنحضرت او را دیدند فرمودند که هم نور است

و هم اسلام پس رفت و خطاب بپناه کرد و آمد پس آنحضرت فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است
 و محبوب میگردد از بسوی زنان و خوف و بیم می افکند و فعل کا فرمان و در حدیث معتبر منقول است که گروهی بخدمت
 حضرت امام حسین علیه السلام آمدند و دیدند که آنحضرت بسیاهی خطاب کرده است و درین باب از آنحضرت
 سوال کردند دست بر پیش گذاشته فرمودند که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از جنگها که مسلمانان
 بسیاهی خطاب کنند با باعث علیه ایشان شود و بر کا فرمان و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق
 علیه السلام پرسیدند که خطاب بر و پیش آید است است فرمود که بی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدانی آن
 خطاب میفرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود که یا علی بوی پیش تو از خون دست
 خطاب خواهد شد از غار آن خطاب کشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام حسن علیه السلام هر دو
 خطاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من بر آن خطاب
 نمیکنم که هنوز صاحب تعزیم و تربیت و فاطمات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در احادیث بسیار منقول است
 که حضرت رسول خطاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام نظر کرد و دید مردی
 که از حمام بیرون آمده بود و در سوتهاش خال بسته بود و حضرت فرمودند که آیا ترا خوش میاید که خدا ترا چنین
 خلق کند گفت نه و الله ولیکن با خبر رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام بزد و دیده شود یعنی خنا
 حضرت فرمود غلط فحشیده بلکه مراد آنست که چون سلاست از حمام بدر آید بشکر این نعمت و در کعبه نماز کند
 و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات برسی که در آخر الزمان
 ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان عیاش ظاهر شود مردان خطاب کنند و خود را متشاکلی کنند
 بر و پیش زنان و ظاهر آنست که مرد و خطاب دست و پا باشد زیرا که خطاب بر و پیش سنت است و از
 علامات مردان است و در حدیث معتبر منقول است از آنحضرت که باکی نیست که در حمام مخلوق است
 و پامال بهیست نزد کهای که در دست و پا بهر مرد از بابت و اما خوشم نیاید که همیشه این کار کنند و خلق
 بوی خوشی بوده است که عطران داشته است و رنگ از آن در بدن میماند است و در حدیث دیگر
 از ابی الحسن منقول است که گفت اثر خدا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام ویدم یعنی اثر
 ضعیفی که از حماما لبدن بعد از وار و میماند چنانچه بعد ازین مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که منرا و از نیست زیرا که دستش از خطاب خالی نگذارد اگر چه بالبدن

خضاب باشد هر چند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان شوهر دار و بی شوهر را
 بخضاب کردن اما شوهر دار برای شوهرش و آن غیر شوهر دار از برای آنکه دستش به دست مردان نماند
 فصل دوازدهم در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 منقول است که بایک نیست در خضاب کردن بوسه برائی مرد پیر و در حدیث صحیح موثق از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود خضاب کردن بوسه دندانهای مرگوست کرد و در هم
 شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهادت
 خضاب بوسه در پیش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن
 بوسه موجب انس زمان است و مهابتی از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت
 منقول است که خضاب کردن بخواب از زیاده میکند و سفیدی مورایم زیاد میکند و در حدیث صحیح
 و منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بخامی فرمودند خضاب بخام زگیل و در حدیث
 دیگر فرمودند که خضاب بخام بپاشی بر برابر طرف میکند و آب و رومیافزاید و باز آنخوشبو میکند و فرزندان
 خوش بو میگرددند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرگاه زنی راعتت حیض قطع شده
 باشد بخضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام
 و حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بخام و بوسه بپاشیدند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم منقول است که بهترین خضاب هانز و حققالی رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خضاب فرمودند از آنکه سه خود را
 بسیاری خضاب کنند بدانکه مشهور میان علماء آنست که جنب با خضاب کردن مکروه است و همچنین
 مکروه است در حالتی که خضاب به جنب شدن و از بعضی اجبار عقبه ظاهر میشود که چون خضاب نکند خود را
 داد و باشد بعد از آن جنب شدن بایک نیست و همچنین مکروه است زن مائض را خضاب کردن با آب
 سوخته در آب خوردن و آشامیدن فصل اول در بیان نظرها نیکه در خوردن و آشامیدن و سایر
 استعمالات توان استعمال نمود و آنچه از آن نهی شده است جائز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف
 طلا و نقره و در استعمال غیر آن مثل شرب خلاف است و احوط اجتناب است و همچنین در نگاه داشتن برآ
 زینت احوط اجتناب است و بعضی گفته اند طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگر چه طعام را

در بائی دیگر کنند و اگر چه دلیل ندارد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند و ضوی را که از ظرف
طلافت و بسیارند و مانند سرمه دان و غیره و سرقلیان و قندیلیا که هر دو ظرفش کشوده باشد که در مشابیه
مشرقه میآید و ظرف مسحت و دعا و آئینه را بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و غیره بنقره گرفتن خلافست
و احوط در همه اجتناب است اگر چه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در تحلی قلیان که از نقره و طلا
باشد حتماً با طبعیتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره که ب و طلا کو ب چیز خوردن و آشامیدن
و اگر بخورد بهتر آنست که دهن را بموضع طلافت و سره نرساند و اشهر میان علماء آنست که جایز نیست
استعمال پوست مگر پوست چوئی که در حال حیات پاک باشد و آنرا بعنوان شروع کشته باشند
یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و هم چنین پوستی که یافته
باشد اگر چه گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان بعضی گفته اند که
جائز است استعمال سینه در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب به زراعت و حیوانات دادن
و امثال اینها و این قول قویست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جائز داشته اند استعمال پوستی
که طن بهمرسد که اگر مسلمانی کشته است یا از دست مسلمان افتاده است و خالی از قوتی نیست
و احوط اجتناب است و پوست حیوانی ظاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تزکیه باشد استعمال
میتوان کرد اما پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که در آن شراب کرده باشد
هر چه بنجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک میشود و هم چنین هر چه کاشی داشته
باشد و منقذی نداشته باشد که شراب در جرم آن جاکند و در مثل سبزه و و غم یا کاشی و امثال
اینها خلافست و اشهر آنست که پاک بشوین پاک میشود و خصوصاً قتی که آنقدر در آب بگذارند که
آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد و در آخرت از ظرف طلا
و نقره در بهشت محروم می شود و بنده معتبر منقول است که محمد بن اسماعیل بن یحیی از حضرت امام رضا
علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کرده است که روزه گفت بمار وایت رسیده
است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آئینه داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت فرمودند
نه احمد گفته همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه احوال نبوت فرمود که با درم عباس را چون سینه

کردن برای او خوبی ساخته بودند و از آنقره گرفته بودند که قبضه نقره آتش ز یک بده در هم بود که سه صد و
 دینار عجمی شد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که اگر شکستند و در حدیث معتبر از حضرت
 موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که ظروف طلا و نقره متاع جاهلی است که یقین با حضرت ندارند و در
 دیگر از عمر ابن ابی المقام منقول است که ظرفی آوردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورد
 پاره از نقره بر آن چسبانیده بودند و دیدم که حضرت بدان خود آنرا از آنطرف میکنند و در حدیث
 موثق از آنحضرت منقول است که مکروه است آب خوردن از ظروف که نقره کوب یا بعضی از آن
 نقره باشد در غن یا لیدن از روغن دان چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مکروه است و در حدیث
 معتبر از آنحضرت منقول است که کره میت دارد خوردن چیزی که در سالی که از مصر می آید و در نخلچه باشند
 و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که
 از مصر می آید و از بنی عجم منقول است که بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام آمدیم که
 حضرت طعام میخورد در میان کاسه سیاهی که در میان آن رنگ زرد و سوره قل هو الله اعظم
 کرده بودند فصل و قوام در تجویر خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و اسراف در آن بدان که
 از احادیث طبیعت علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خوراندن و تکلف
 در خوبی و پاکیزگی آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلا
 باشد و آلفه نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته به شمش مصروف خوردن
 و آشامیدن نباشد بلکه باید که منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد
 و باید که آنقدر صرف کند که نسبت بحال و اسراف نباشد که خدا سرافراز دوست نگیرد و پسند
 منبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که ما نهادن فی نفیس و حلوانای لذیذ
 بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا را تو سعه میدی ما نیز تو سعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگردد
 ما نیز تنگ میکنیم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که حق تعالی مؤمن
 در قیامت آنها حساب نکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن مساکنه که یا و را باشد و فرج
 او را از حرام نگاه دارد و ابو خالد کاتبی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم حضرت
 چاشت طلبیدند من خوردم با آنحضرت هرگز نیکوتر و پائین تر طعامی از آن نخورده بودم پس فرمود

که چگونه در می طعام مارا گفتم خدا یثبوتهم هرگز باین خولی طعام نخورده بودم ولیکن بایدم آمد آن آیه که در کتاب خداست **يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّجِيمِ** که ترجمه اش نیست که البته سوال کرده خواهی شد در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم درین آیه نه شایسته و ولایت بلایت نیست بلکه سلام است که در روز قیامت از شما سوال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقیقتی از آن کریم تر است که سوال کند از مؤمن از خوردنی و آشامیدنی که در دنیا بر و حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقول است که طعام بعمل بیاور و نیکو بعمل بیاورد و اصحاب خود را بیاورد و بایشان بخورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که با سیری چیزی نخوردن مورث پیری است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه چیز است که خدا دشمن میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن طعام در سگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مؤمن در نیک شکم چیزی نخورد و کافر در هفت شکم چیزی نخورد یعنی بسیار نخورد و در حدیث دیگر منقول است که ابو جحیفه بن محمد از آنحضرت آمد و آروق میزد از سیری حضرت فرمود که آروق خود را منع کن که هر که در دنیا سیر تر است در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد و اما از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری رسید که مردی دزدی فریاد میکرد و بایک دیگر برآید و شتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن زن من است و صاحب است عیبی ندارد اما من او را دوست ندارم و میخواهم از او جدائی خست یا کنم فرمود که بهمه حال سبب این گناهیت را بگو چیست گفت که رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی علیه السلام بآن زن فرمود میخواهی که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بی فرمود طعام که بخوری سیر مخور زیرا که طعام زیاده در معده که بچوشتن آب رو را میبرد و آن زن چنین کرد و رویش آن حالت طراوت برگشت و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که اگر مردم میان بهوشند در طعام خوردن پیوسته بکن ایشان هیچ باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هیچ خلعتی است که مورث بر من و پیری است نوره شین در روز جمعه و چهارشنبه و منو

و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض
 باذن جماع کردن و در وقت سیر حیض خوردن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
 که آدمی را ناچار است از طعامی که بدان وقت بیاید و هرگاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم برای
 طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه برای نفس زدن و سعی نکند و سیر بکردن خود چنانچه
 حیوانات برای کشتن فریب میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که
 هر روزی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تب که آن گاه هست که با گاه میرسد و در حدیث
 دیگر منقول است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا اگر نشوید چیزی نخورید و هرگاه
 که نشوید بخورید و بخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما گنده میشود و پهلویهای شما فریب می شود و پروردگار
 خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کفران نعمت الهی
 است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار داد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقول است که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند اندکی تناول نمودند و بر زمین گذاشته گفتند
 یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمود غنّه اما تو اضع شکمگی میکنم برای خدا و پادشاه بسیار
 طیب و خوشبوتر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آوردند انگشتی آب سرد بردند و بدان گذاشته
 فرمودند که حرام نیست اما نمیخورم خود را عادت فرمایم چیزی که حادث نکردم و در حدیث دیگر وارد
 است فرمود که چیزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نخورده است نمیخورم و در حدیث دیگر
 از آنحضرت منقول است که همیشه این است باخیر و نعمت باشد ما دام که لباس عجمانرا نپوشد و
 طعامهای عجمانرا نخورد پس چون چنین کنند خدا ایشانرا از لباس و خوراک و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم منقول است که نیکو آن خوشیت سرکه و همیسی است و در حدیث دیگر که نعمتی را بنزد او
 بیاورند خوش دارد و نخورد و فصل سوّم در بیان بعضی آداب و اوقات طعام خوردن است
 که چاشت باید از بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار در طعام بخورد و لقمه
 کوچک بردارد و نیکو بجایه و نظیر بر روی مردم کند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم نهد
 بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان را بگارد و بر کوهستان را پاک کند و کبوتر از ده انگشت
 چیزی نخورد و از پیش خود بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاسه و گشتانرا بپسندد و در دست

جانبت نموده است طعام و آب خوردن و اگر وضو بپا زود است بشوید و منضمه و استنشاق کنی یا دست
در در بشوید و منضمه بکنی یا و تها را بشوید که استنشاق ضعیف میشود و حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد و در حال
جانبت بی آنکه اینها را ببلد آرد بیم آنست که پیش شود و در حدیث معتبر منقول است که پس برادر
شهاب بخدست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد پا و استدعا و فساد معده
حضرت فرمود که چاشت و شام بخورد و در میان چیزی نخورد زیرا که خداوند عالمیان در وصف طعام
این شست میفرماید **لَهُمْ فِيهَا زُفُفٌ وَفِيهَا لَبَنٌ عَسِيْقٌ** از این است که میباید برای میشت
روزی ایشان در بهشت در باراد و پس از چشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقول است که طعام خوردن بخیر آن است و زیاده از نماز محقق است پس از ترک مکشید
که ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقول است که ترک طعام خوردن طرف
شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شود باید که در شب پیش از خواب است چیزی نخورد
که بهتر خواب میبرد و دهانش خوشبو میشود و عفتش نیکو میشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است
که چیزی خوردن شب را ترک نکنید اگر چه باره نان خشکی باشد که باعث قوت جماع است و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب نه و یکشنبه
بیم از قوتی طریقه شود که ناچهل روز باز نگردد و فرمود که طعام شب با قوت را از طعام روز است
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در بدن آدمی رنگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف
شب چیزی بخورد آن رنگ او را فزین میکند تا صبح میگوید که خدا ترا گرسنه دارد و من چنانکه مرا
گرسنه داشتی و خدا ترا تشنه دارد و چنانچه مرگشته داشتی پس بپوشیده عشا را اگر چه بقیه زمان
یا دم آبی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاو نیست که مؤمن
از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتى عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود
که اگر خواهی پیچھے حاجتی بروی نان با نمک بخورد که بیشتر باعث عزت است و حاجت زودتر برمی آید
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طعام گرم را بگذارد یا سرد شود و سبب تشنگی طعام
نزدیک رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند فرمودند که بگذارد یا سرد شود که خدا تشنگی را طعام
نگردانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است

که طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و در حدیث موثق از سیمان بن خالد منقول است که گفت حاضر شدم شب برفره امام جعفر صادق علیه السلام در بستان خوانی آوردند که در آن نانی بود و کاسه آوردند که در آن ثریه و گوشت بود پس دست در آن گذاشتند و بر پشتند و فرمود که ای یار من بچشم سجده از آنش و زخم تاب این گرمی ندارم و صبر بر این نمیتوانم کرد چگونه تاب اندیم و صبر کنم آتش چشمم این اگر گرمی نمودند تا طعام سرد شد چنانکه میتوانست خورد پس تناول فرمود و با هم خوردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که نهی فرمود از دیدن و خوردن و آشامیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکرزه است و دیدن در کرمها و اخونها و در طعام و در موضع سجده و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که اگر از برای کسی در کردن برده قصور ندارد و محل بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که نخورید از بالائی ثریه و از پهلوی پیشین نخورید که برکت در باطن طعام است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه یکی از شما طعام خورد باید که پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت کاسه طعام را میسیند و میفرمودند که هرگاه کاسه را میسیند چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشند و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میفرمودند که هرگاه کاسه طعام را میسید ملائکه بروصوات میفرستند و دعا کنند برائی او بفرای رود می او حساست مضاعف برائی او میسیند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت طعام خوردن دوزانو بر دوش بندگان نمی نشینند و دست بر زمین نمی گذارند و به انگشت چپین تناول نمیدهند و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین طعام تناول میفرمودند نه بر دوش نشکیر آن و جباران که بدو انگشت چپین میخورند و بکند منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بکشد و میسید خداوند عالیاں فرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنحضرت گریه داشتند ازین که دست را بر شمال پا کنند و فرمودند که چپین از طعام در آن باشد یا آنکه خود می یکیدند یا طفلی که در پهلوی آنحضرت میبود میدادند که می یکید بر آنحضرت طعام

و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند یا اگر سنده نشود
و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد
که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقول است از حضرت علی ابن حسین علیه السلام که
استخوان را پاک نکنید که جلیاز را در آن بهره است و چون پاک کنید ایشان از خانه شما میریزد چیزی که
بهتر از آن باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که در خوردن و داد و ده فعلت
است که بر هر مسلمان واجب است که باید چهار از آن ضرر است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر
تا دیب است اما فرض آنست که منع خود را بشناسد و داند که نعمت از جانب پروردگار است و را
باشد آنچه خدا عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست شستن پیش از
طعام خوردن و بر جانب چپ شستن و بسم الله گشت چیزی خوردن و انگشتان را بیدن و اما تا دیب
پس از پیش خود خوردن و لغزه را کوچک برداشتن و بسیار غایتند و در مردم کم نگاه کردن و در
حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام بفرستاد امام حسین علیه السلام فرمود
که بخوابی ترا تعلیم نمایم چهار چیز اگر بجا آوری از طبابت طبیبان تنگی شوی گفت ای امیر المومنین
که نشین از طعام مگر قستی که گرسنه باشی و بر مخیز از طعام مگر قستی که خواهش داشته باشی و نرم بخائی و
هرگاه که خواهی که بخوابی به بیت اخیلا برو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که
قستی که طعام بخورد و بسم الله می گفتند و از پیش دیگر کسی که بر نمیداشتن و پیش از همان شروع
بطعام میکردند و انگشت همین انگشت شهادت بعد از آن انگشت میامین طعام بخوردند و دگر گاهی
انگشت چهارم هم ضم میکردند و گاهی تمام انگشتان میخوردند و هرگز بد انگشت چیزی نمیخوردند و نمیدادند
که این خوردن شیطان است **فصل چهارم در سائر آداب طعام خوردن سنت است که دست**
راست چیزی نخورد و دوزانو نشیند و خوابیده چیزی نخورد و اما اگر دست چپ بکشد یا کسی نیست
و چهار زانو نشستن کرده است و اگر بار بار بر دوزانو بگذارد بدتر است و تنها خوردن کرده است
و باید متکبران و خلایان چیزی خوردن و بر روی زمین چیده خوردن سنت است و شهوات آنست که
در وقت راه رفتن چیزی خوردن کرده است پیش از طعام و بعد از طعام و دست شستن است و در شستن
پیش از طعام سنت است که دست را بر تال خشک بکشد و اقل صاحب خانه است بشوید و بعد از هر که در جناب

راست اوست و ترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحبخانه
ابتدا کند و خود آخر همه بشوید سنت است که همه در یک پشت بشویند و آب را بریزند و بر سر خود که شتر
در آن خوردن چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند هر عرایی که خوردن کنند در آن مجلس چیزی خوردن
حرام است حتی بر سه سفره جماعتی که غیبت مسلمانان کنند حرام و سنت است که در اقل و آخر طعام
نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم لعنت فرموده کسی را که گوشت خود را تنها بخورد و کسی که در سفر تنها رود و کسی که
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام
است هرگاه از حلال باشد و بسیار است در آن دراز شود و نام خدا در او شکر گرفته شود و در آخر شستن
علائی گویند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر
میشد کاسه بطلبیدند و از طعامها نیک که لذیذ تر بود از هر طعامی قهوی بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمودند
که بسا کس در رویشان بیند و در احادیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت
یعقوب علیه السلام بمغارت فرزند برائی آن بنده شد که روزی گوشت فربه بپخت و بریان نمود
و مرد صالح روزه دار در نزد یک خانه او بود و بوی آنرا شنید و عاقل شد که باو بخورد پس بر نیل
علیه السلام در همان شب آمد و گفت مینائی بلباش از جانب خداست و در همان شب حضرت
یوسف علیه السلام آن خواب را دید پس بدانان حضرت یعقوب علیه السلام در وقت چاشت
میفرمود که غذا نیک گردان تا یکسره در راه که هر که چاشت میخواهد بطعام حضرت یعقوب علیه السلام
حاضر شود و در شب نیز چنین غذا نیک گرداند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون خوان طعام حاضر
شود هر سالی که بیاید و گفتید پس صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ملعون است کسی که گوشت
بریزد و نیکه در آن شرب بخورد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس خورد
چیزی بر سه سفره که در آن شرب بخورد و در حق امام رضا علیه السلام منقول است که بخورد طعام بر خوان که بعد از فتنه تو بر سه
شرب بخورد و در چندین حدیث وارد شده است که چه در حالت جنابت خوردن بر سه سفره و چیزی خوردن شود و در احادیث بسیار
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بر سه چوب مگر آنکه بر سه سفره
در وقت شستن عقی باشد و بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول

صلی الله علیه و آله هرگز نمیکرد بر پهلوی راست و بر پهلوی چپ چیزی تناول فرمود تا از دنیا
 رحلت نمود و بروشنندگان می نشست و بروشندگان چیزی میخورد و از جهت تواضع و
 فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که نمیکرد و خوابیده چیزی
 نخورد و در حدیث حسن منقول است که روزی عبادی بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است
 در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را
 بر زمین گذاشته بود و عباد گفت مگر نمی دانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده است
 از نمیکرد دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت کخطه دست برداشتند و باز بر زمین گذاشتند
 دست را باز عباد اعاده آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که واللّه که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله هرگز از این نهی فرمود و گفتم معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
 که هرگاه خوردن طعام بنشینید بروشندگان و وزانو بنشینید یک پا را بر روی پای دیگر بگذارید
 و چهار زانو بنشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست
 که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروشن جباران یکپایی را بر بالائی را بگذارند
 و در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود
 طعام میخوردند و بروشیکه در شپه نماز می نشستند بهان روشن می نشستند و زانو را راست را
 بر بالائی زانو می چپ و پای راست را بر شکم پای چپ می گذاشتند و میفرمودند که من بنده ام
 بروشندگان نشینم و بروشندگان بخورم و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که مکرست آدمی را که از
 دست چپ چیزی بخورد یا بشاید یا چیزی بآن بردارد و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن
 و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که باکی نیست در حال راه رفتن
 چیزی خوردن و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پیش از نماز
 صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و نماز
 می کردند و بلال را قاست نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که بخور چیزی در محالیت راه رفتن مگر آنکه مضطرب باشی و در حدیث معتبر بسیار از
 حضرت امیر المومنین و ائمه طاهرين علیه السلام منقول است که هر که خواهد که خیر خانه او بسیار شود

دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام واجب است و بعد از طعام فحش
 زائل میکند و روزی را زیاده میکند و چیرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و در دماغ را از بدن
 دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستها را همه در یک ظرف بشوید که اخلاق شما
 نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه
 بشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی بشوید که در جانب
 راست درگاه نشسته است و در روایت دیگر اینست که دست پیش از طعام اول صاحب خانه
 بشوید و بعد از آن هر که در جانب راست او نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا دست چپ
 صاحب خانه میکند و خود آخر همه دست می شویید زیرا که او اولی است یا آنکه صبر کند بر آلودگی دست
 و در حدیث حسن از امیرم منقول است که دیدم حضرت موسی علیه السلام را که چون دست را به
 پیش از طعام می شستند دست را به دستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام دست را که می شستند
 به دستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دست را
 که برای طعام خوردن بشوئ دست را به دستمال پاک نکن زیرا که تا تری دست است برکت و طعام
 هست و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر روی مالیدن کف را از روی بر طرف میکند
 و روزی را زیاده میکند و از مفضل بن عمر منقول است که شکایت کردم به آنحضرت از آزار چشم
 حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئ دستها را برابر و با مال و سه نوبت بگو **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**
لِلْحَسَنِ الْجَمِیلِ الْمُتَعَمِّدِ الْمُفَضَّلِ گوید که چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت
 امام رضا علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از طعام
 دست می شستند آب در دهان میگرداند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که در ایشان که بان دست می شویید سعد داخل کشید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می آید
 و منقول است که چون حضرت امام رضا علیه السلام دستها را بشوئ دست می شستند ایشانرا
 در دهان میگرداند و میخامدند و می انداختند و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام
 بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بر سر و روی مالیدند پیش از آنکه دستمال
 پاک کنند و فرمودند **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ لَّا یَرْهَقُ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَ لَا اِذْلَالَةٌ** و در روایت

دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون دست را بعد از طعام بشوئی برو و دیده را با مال
پیش از آنکه بر دستمال پاک کنی و گوای **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّيَّةَ وَالْمَخْشَةَ وَاعْوُذُ بِكَ مِنَ الْكِبْرِ**
وَالْمُنْخَصَةِ و از حضرت امام رضا منقول است که هر که دستش را بکشد و باشد باکی نیست که طعام بخورد و بداند
آنکه دستش بشوید و از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بمنزل من آمدند
و چون طعام حاضر شد دستمال آوردیم که در دامن ایشان بیندازیم قبول نفرمودند و فرمودند که این طریقه
عجاست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بعد از طعام دست بشوئی بان تری که
در دست باشد دیده بائی خود را مسح کن که این بان است از در چشم و در روایت دیگر منقول است
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از دست شستن بعد از طعام فارغ می شدند دست را
بر روی کشیدند و این دعا میخواندند **اللَّهُمَّ إِنِّي هَذَا أَطْعَمَكَ وَ سَقَاكَ وَ كَلَّ بِلَاكَ صَلَاتُكَ**
أَوْ لَكَ و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فرمودند که یا علی در اقل و آخر طعام نه یک بخور که هر که در طعام اشتیاق و خستام نمیکند خدا دفع کند
از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان تر آن خورده باشد و در روایت حسن دیگر که حافیت یا بد از
هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خور و بی است و در روایت حسن دیگر از در دگلو و در
و نه آن و در شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در نمک شفا از هفتاد
نوع از انواع در دست و اگر مردم بپزند که چه نعمها در نمک است و او نگینند مگر آن قسمه بود که خدا
تعالی وحی نمود بموسى علیه السلام که امر کن قوم خود را که اشتیاق و خست تمام نمیکند و اگر نه کنند
و بهلای مبتلا شوند ملامت کنند مگر خود و در روایت دیگر از حضرت منقول است که حضرت رسول صلی
علیه و آله وسلم را در شامی نماز عقری گزید حضرت نعل بر آورده او را گشت و چون فارغ شد حضرت فرمود
که لعنت خدا بر تونه نیکو کار را بیکداری و نه بدکار را مگر آنکه از او میرسانی پس نمک پاره طلبید و بر موضع
عقر بگریید و فرمود که اگر مردم منقعهائی نمک را بپزند محتاج بر یک فاقی و عسید آن
نشوند و در بعضی روایت معتبره وارد است که ابتدا بر کمر خرب است و عقل را زیاده میکند و در روایت
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که ابتدا نمک و اختتام بر که میکنم و در روایت
دیگر از حضرت منقول است که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که بخورد و بر تو نگر می آورد و در حدیث

دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من روزی بر مجلس سماع که ملی از خلفائی بنی عباس بود رفتم در وقتی که سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و بنزد خود کشید و پائی من در کنار سفره واقع شده پس آنقدر غمگین شدم که خدا دادند مرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که طول دهید بر سفره نشستن که این با جماعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقول است از یاسر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سفره نشیمن شدند هیچ کویک و بزرگ را نمیکذاشتند مگر آنکه بر سفره می طلبیدند حتی مهر و حجام و از ابراهیم بن عباس مرویت که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره میاورند غلامان خود را همه بر سر خوان می طلبیدند حتی در بانان و خدمتکاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون طعام خورید نعل و کفش را از پای بروکنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت می یابد پاهائی شما و در اخبار تبر وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر نیست که بدست چیزی میتواند خورد و پس آنکه بدست چیزی بخورد و با سانسید معتبره منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون با جماعتی چیزی بخوردند یعنی همانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند بر آنکه ایشان بیشتر چیزی بخوردند و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر خوان هرگز نمیخوردند بلکه بر سفره میخوردند و از خواهائی اخبار چنین معلوم میشود که در آنزمان خوانها را پایه دار و بلند میساختند از روشی تکبر که برای طعام خوردن ختم نبایشد و الله اعلم و در حدیث موثق منقول است از سماعه بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که وقت نماز میشود و طعام رسیده است بکدام یک ابتدا کنم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که از طعام خوردن وقت فضیلت بدرزد و ابتدا بنماز کنید فصل پنجم در بیان دعا و استعاذه وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون خورند ازین چهار هزار کس بر دور آن احاطه نمیکنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند که خدا بکست فرستد بر شما و طعام شما پس شیطان میگوید که بیرون روای فاسق که برابر ایشان تسلطی نیست و بعد از فایز شدن طعام اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داد خدا بر ایشان پس او کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله گفتند در اول ملائکه میگویند که شیطان میگوید که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور

و اگر خوانا بر شوهند و ایشان جدا آید نکردند ملائکه میگویند که ایشان گروهی بودند که خدا بایشان نعمت داد
و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در حدیث معتبر از ابی عبد الله علیه السلام منقول است
که چون خوان بگذارید بگوئید ینعم الله و چون شروع بخوردن بکنید بگوئید ینعم الله علی آذنی
و اخیر و چون بخور ابردارید بگوئید الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است
که هر که نام خدا را در اقل طعام برد و حمد خدا را در آخر طعام بگوید هرگز از آن طعام از دستش نبرد
و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد و چون
لحم بردارد بگوید ینعم الله و الحمد لله رب العالمین پیش از آنکه لقمه بهش برسد خدا گناهش را
بیامزد و در حدیث دیگر منقول است که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
می گسترده اند عارای بخوانند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا مَقْتَلِينَا سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرُ
مَا أَطْعَمَنَا سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرُ مَا نَخَافُكَ اللَّهُمَّ أَصْنَعْ عَلَيْنَا وَ عَلَى خِزْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ
و الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ و در روایت معتبر دیگر منقول است که چون طعام نزد حضرت امام
زین العابدین علیه السلام میگذاشتند این دعا میخواندند اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ فَضْلِكَ
وَ عَطَاكَ مَبَارَكٌ لَنَا قَبْلَهُ وَ سَوْغَانَا وَ اَرْزُقْنَا لَخَلْفَانَا اِذَا اَكَلْنَا لَهُ وَ رَبِّهِمْ نَحْتَاجُ
إِلَيْهِ وَ رَزَقَتْ فَاحْسَنْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ و چون خوان بر میداشتند
این دعا میخواندند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَعْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا
عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ اَمِنْ خَلْقٍ لَقَدْ ضَلَّ اَزْوَاجُكَ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است
که نام خدا را بر طعام برید و چون فارغ شوید بگوئید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يَطْعَمُ و در
حدیث دیگر منقول است که چون خوانا بر میداشتند حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم این
دعا میخواندند اللَّهُمَّ أَكْرَمْتَ وَ أَطْيَبْتَ وَ بَارَكْتَ فَاشْبَعْتَ وَ اَرْزَقْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يُطْعِمُ وَ لَا يَطْعَمُ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرموده پدرم
بعد از طعام این دعا میخواندند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنِي جَائِعِينَ وَ اَسْرَقَنِي ظَالِمِينَ وَ اَوَاقَنِي
صَاحِبِينَ وَ جَعَلَنِي رَاجِلِينَ وَ اَمْسَكَنِي خَائِفِينَ وَ اَخَذَ مِنِّي غَائِبِينَ و در حدیث کاظم از
زیر او منقول است که با حضرت صادق علیه السلام طعام بخوردیم بسیار میگفت الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جَعَلَنِي أَتَقِيَهُ وَدَر حَدِيثِ مَعْبُورٍ وَبِغَيْرِهَا مِنْهُ مَنْقُولٌ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَيِّمُ رُوِيَ عَنْهُ مَنْ ضَامِنٌ امٍ اَزْ بَرَاكِي سِيَكِهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَطَعَامٌ مَّكُونُكَ اَزْ اَرَشَن مَّكُونُكَ اِنْ كُوْكَفَتْ كِهْ يَانِ
 امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَبْ طَعَامٌ خُورْدَمِ وَبِسْمِ اللّٰهِ كُفْتُمْ وَآزْ اَرَشِيدِمْ خَيْرُتْ فَرَمُودْ شَايِدْ چَند
 دَنَگْ طَعَامٌ خُورْدَهْ بَاشِي وَبِرْ بَعْضِي بِسْمِ اللّٰهِ كُفْتَهْ بَاشِي وَبِرْ بَعْضِي كُفْتَهْ بَاشِي اِيْ اَحْمَقْ وَدَرْ حَدِيثِ صَحِيحِ
 مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرْضْ كَرْدَكِهْ اَزْ طَعَامِ اَزْ اَرَشِيدِمْ فَرَمُودْ كِهْ مَكْرَمِ بَسْمِ اللّٰهِ
 نَيْكُونِي كُفْتِمْ سِيَكُونِيْمِ وَبَازْ اَزْ اَرَشِيدِمْ فَرَمُودْ كِهْ هَرْ گَاهْ سَخْنِ سِيَكُونِيْ بَازْ بَسْمِ اللّٰهِ سِيَكُونِيْ كُفْتَهْ نَهْ فَرَمُودْ
 كِهْ بَازْ اَرَشِيدِمْ هَرْ گَاهْ كِهْ اَزْ سَخْنِ فَارِغِ ميشَوِيْ وَعُودْ بَخُورْدَنِ سِيَكُونِيْ بِسْمِ اللّٰهِ بَكُودْ وَدَرْ حَدِيثِ
 صَحِيحِ وَبِغَيْرِ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ هَرْ گَاهْ چَندْ طَرَفِ بَاشَدْ بَرِ هَرْ طَرَفِيْ يَكْ بَسْمِ اللّٰهِ بَكُورَادْ مِيْ كُفْتِ اَكْر
 فَرَامُوشِ كَنَمِ چِهْ كَنَمِ فَرَمُودْ كِهْ يَكُونِيْمِ اللّٰهُ عَلَيَّ اَقْلَامِيْ وَالحَرِيْ وَدَرْ حَدِيثِ مَعْبُورٍ وَبِغَيْرِ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ
 كِهْ اَنْخَرْتْ بَعْدْ اَزْ طَعَامِ اَيْنْدِ عَايِنْخُورَانْدَهْ اللّٰهُمَّ هَذَا اَمِنْكَ وَبِحَقِّ رَسُوْلِكَ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهٖ السَّلَامُ لَكَ الْحَمْدُ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيَّ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْ اَنْخَرْتْ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ
 يَكُونِيْمِ دَرِ سَكَامِ طَعَامِ خُورْدَنِ وَحَرْفِ بَسْمِ اَرَشِيدِمْ كِهْ اَنْ طَعَامِ وَنَعْمَتِ رُوْزِيْ خُورْدِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ
 وَاجِبِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ مَرْفُوعِ كَرْدَنِ اَنْ شُكْرِ خُورْدِ اَوْ اَمْدِ خُورْدِ كُنِيْمِ وَدَرْ حَدِيثِ مَعْبُورٍ
 خَيْرُتْ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ چُونِ مَلَاكِهْ نَزْدِ خَيْرُتْ اَبْرَ اَيْمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَمْدِ وَكُوسَا
 بَرِيَانِيْ بَرَايِ اِيْشَانِ اَوْرْدِ وَكُفْتِ بَخُورِ يَكُفْتِ نَخُورِمْ تَا لُكُونِيْ كِهْ قِيَمَتِ اَيْنِ نَعْمَتِ چِيَمَتِ خَيْرُتْ
 اَبْرَ اَيْمِ فَرَمُودْ كِهْ چُونِ شَرْعِ بَخُورْدَنِ كُنِيْمِ بَكُونِيْمِ بَسْمِ اللّٰهِ وَچُونِ فَارِغِ شَوِيْدْ بَكُونِيْمِ اَمْدِ خَيْرُتْ
 بَخُورْدَنِ رُوْكَرْدِ بَسْمِ اللّٰهِ وَبِغَيْرِ كُفْتِ لَازِمِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ حَقِّ تَعَالَيِ چِيَمَتِ شَخْصِيْ اَخْلِيْلِ خُورْدِ
 كِرْدَانْدِ بَسْمِ مَعْبُورٍ اَزْ خَيْرُتْ رَسُوْلِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَاسَلَّمَ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ طَعَامِ خُورْدِ شُكْرِ كُنِيْمِ
 مَعْبُورٍ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ اَزْ رُوْزِ دَارِ خَلُوشِ وَدَرْ حَدِيثِ بِيْگَيْرِ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ خَيْرُتْ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَسْمِ فَرَمُودْ
 كِهْ اِيْ سَاعِدِ بَخُورِ وَحَمْدِ خَالِنِ وَخُورِ كِهْ خَامُوشِ بَاشِي وَنَقُوسْتِ بَسْمِ اَزْ خَيْرُتْ عَلِيْ بِنِ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ كِهْ بَعْدْ اَزْ طَعَامِ اَيْنْدِ عَايِنْخُورَانْدَهْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَلَّفَنَا قَاتِلًا
 وَادَاوًا وَالْعَمْرُ عَلَيْنَا وَافْضَلُ الْحَمْدِ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ وَدَرْ حَدِيثِ مَعْبُورٍ
 خَيْرُتْ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولِ اسْتَدْرَجَ رُوِيَ عَنْهُ خَيْرُتْ كِهْ فَرَمُودْ كِهْ هَرْ گَزْ اَزْ اَمْتِلَايِ طَعَامِ اَزْ اَرَشِيدِمْ

زیرا که هیچ لقمه بدان نبردم مگر آنکه نام خدا بر آن گفتم و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
 که من ضامنم که هر که این کلمات بگوید هیچ طعام او را از آن کند **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ خَيْرِ**
الْأَسْمَاءِ مَا لَا أَلْمُزَ فِيهِ وَالسَّمَاءِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا يَصُومُ مَعَكَ أَحَدٌ و در روایت دیگر
 منقول است که شخصی از ضعف معده بجزت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود چون از
 طعام فارغ میشوی دست بر شکم بمال و بگو **اللَّهُمَّ هَبْنِيهِ اللَّهُمَّ سَوِّغْنِيهِ اللَّهُمَّ أَمْرًا يَنْبَغِيهِ**
 و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون خولن حاضر گردید از حاضران بسم الله گوید از دیگران
 منجربست **فصل ششم** در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست
 که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پائی راست بر پائی چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت
 امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر درد
 است بامر الهی برای کسیکه آن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت
 صادق علیه السلام شکایت کرد از درد تسیکه فرمود که بر تو باد آنچه در خوان بر زمین می افتد
 بخور پس چند کسی که صاحب این درد بودند آن عمل نمودند زائل شد و در ایشان و در حدیث دیگر
 معوی بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند بر پشیدند آنچه
 از خوان افتاده بود و تناول فی سهر نمودند بعد از آن سه مودند که خوردن این فقره در دیشی را بر طرف
 میکند و فرزند از آن یاد میکنند و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که پاره نانی بیابد و بر او بخورد
 یک حسنه از برای او نوشته میشود و هر که پاره نانی از میان جاکشی شیخی یا نجبی بیابد پس بر او دو شوبه
 آنرا بخورد برای او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم روزی بخانه عائشه آمدند پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول
 فرمودند و فرمودند که ای عائشه گرامی بدان نعمتهائی خدا را بر خود که نعمت الهی از جماعتی که گریخته است
 دیگر بسوی ایشان بر نمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که
 در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی نماند آنرا بر او بخورد و اگر در صحر باشد بر آن مرغان
 و حیوانات بگذارد و آنحضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که اگر در صحر باشد بر مدار اگر
 همه یکوان گوسفند باشد و از عبد الله از جانی منقول است که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام

بودم دیدم که بعد از طعام میگرد و دو پنج بر زمین افتاده بر میدار و حتی کعبه و اشغال آنرا گفتم فدای تو شوم
 اینها را هم بر می پسینید فرمودند که اینها روزی تست مگذارد از برای دیگر کسی که اینها شنایند از همه در دست
 و در حدیث دیگر منقول است که خوردن آن فقر را بر طرف میکند از خوردن آن و فرزندان فقیر از آن
 او فرزندان هفتم و در روایت دیگر هم که بخورد خدا نیکو دارد و از دیوانگی و خوره و میس و زرباب
 و حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که پاره دانی یا خرمالی بپسیند که بر زمین افتاده است
 پس بر دارد و پاک کند و بخورد و در شکش فراز گیرد و مگر آنکه بهشت برود واجب شود و بستنهای معتبر
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که آنچه از خوان و سفره میریزد هر حور العین
 است و بستنهای معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت امام حسین علیه السلام داخل بیت الخلا
 شدند لقمه دانی دیدند که افتاده است بر داشتند و بخلای از غلامان خود دادند و فرمودند که
 هرگاه بیرون آیم این را پس چون بیرون آمدند پرسیدند چه شد لقمه دانی گفت خوردم فرمودند
 که ترا آزاد کردم از برای خدا شنیدی پسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدیم که هر که لقمه دانی نیابد و او را پاک کند یا بشوید پس او را
 بخورد و در شکش فراز گیرد و مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من میخواهم که در بندگی بگذارم
 کسی که خدا از آتش جهنم آزاد گردانیده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که نیم خورده مؤمن شفاعتی بخدا دارد است و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
 که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میبوسم که خادم من گمان میکند که این از حصص است و
 همچنین بوسه میدهد شفا علی نعمت و او را بوسه میداد بر اهل نه تنها بر جدیکه از مغز کندم نان نفیس می
 و آنرا بستیجا میکرد و در برقع اطحال خود میمالیدند تا آنکه گوشت عظمی از آن نماند و جمع شد روزی مرده
 صاللی گشت و دید که زنی از زنان نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا ترسید و نعمت
 خدا را از خود بر مگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی سیرسانی تا این نهر جاریست از گرسنگی
 زیر تیمم پس حق تعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را بر ایشان بازداشت
 تا آنکه محتاج شدند بآن نماند که استیجا کرده بودند و بر آن و در میان خود قسمت میکردند و بسند
 معتبر از پیغمبر و ائمه و اهل بیت منقول است که آنحضرت می فرمودند

نخودمان خود که اگر من بالائی سبب ما بسیم در وقت طعام خوردن باید که بر میخیزد تا فارغ شود و بسیار بودی که یکی از ما را می طلبیدند گفتند که چیزی بخورند میفرمودند که بگذارند تا فارغ شوند و در وقت طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمودند فصل هفتم در فضیلت نان و بویق و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه و شیرینیها بر و آیت مقبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است گرامی دارید آنرا که کار کرده اند در و ملائکه از نابین سرش از زمین و بسیار از اهل زمین تا آنکه برائی شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گردۀ بانی باد و او که مرا از آب بگذران کشتی بانی از انداخت و گفت که این نان را چه کنم پیش ازین نان در زیر پای مردم افتاده است و پابران میمالیدند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت پروردگار! انرا اگر ایمی دار تحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود با آسمان که باران مبارک بر ایشان و وحی نمود برای زمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بجائی رسید که از گرسنگی بیکدیگر گرامی خوردند پس وزن که هر یکی فرزند می داشتند روزی بزرگی گفت که بیا که من و تو امر و فرزند خود بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند زن دیگر رسید ایا که از خوردن سبزد و نزع کردند و نوحه میزدند حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار با شما رسیده است گفتند بی و بدتر پس دست با آسمان برداشت و گفت پروردگار! عوکن بر الفضل خود و رحمت خود و عقاب کن اطفال و بیگنا ما را برگنا کشتی بانی پس حق تعالی وحی کرد با آسمان که باران مبارک و بر زمین حکم رسید که مرویان برای خلقم آنچه در نیمدت از ایشان فوت شده است بدستی که من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما را در زیر کاسه گذارید و در حدیث دیگر فرمود که ما را اگر ایمی دار گفتند گرامی داشتی آن کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیزی دیگر کشید و از آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت که ما را ابو کنین بر و شش درندگان که نان مبارک است و آن نماز می کنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار خود می کنید و در روایت دیگر فرمود که خداوند ابرکت بعد از برای ما در مان و در میان ما و ان جدایی بیگن که اگر ان نباشد ما نماز نمی کنیم و روزه نمی داریم و نمیدانیم خدا را او ایستویم کرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون نان

و گوشت حافرنمود ابتدا بآن کسبید و رنده گریستن بآن بپزید پس گوشت بخورید و سبب صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گردمانی از آنرا که چاک
کنید که باهر کرده برکت است و در چند حدیث دیگر خبر منقول است که آنرا بر دوش نهان بکار و سبب
ولیکن بپزیدن گوشت در بعضی روایات وارد شده است که اگر ناخوش نباشد آنرا بکار و سبب
برید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فضیلت آن جو بر آن گندم بسیار است
مانند فضیلت مایل بیت بر سایر مردم و سبب پیغمبری است اگر آنکه دعا کرده است برای خوردن آن جو
یا هشن جو و برکت فرستاده است بر او و اهل سبب شکی نیست که اگر آنکه هر دو ریزد آن است بیرون میکند
و آن و طعام جو قوت پیغمبران است و حق تعالی نکر دانیده است قوت پیغمبران را اگر در آن جو
فرمود که داخل شکم صاحب عرض من نمیشود چیزی که نافه تر از آن برنج باشد و در حدیث دیگر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای صاحب کسبها بآن برنج نیکوست و هم چنین
برای صاحب صل دور و ملال از بدن دور میکند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که پیوسته
خوارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آن جو بود و از دنیا منارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که نیکو خوارک است سوبق یعنی آرد بود داده گریستن میکند و طعام را
هضم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سوبق بوجی الهی ساخته شده است گوشت را
میرداند و استخوانها حکم میکند و خوارک پیغمبران است و قنوت شکم پیسی را از آن میکند و باریت
خوردن گوشت را میرداند و استخوانها سخت میکند و بر و از آنرا که سبب قوت جماع زیاد میکند و اگر که سوبق خورده
شود بطن و معده را دیر میکند و در حدیث دیگر فرمود سوبق هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صبح بخورد
کتفین او پر میشود و از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سوبق حدس شنگی را زایل میکند و معده را قوت
میدهد و صفرا را قوت می نشاند و معده را پاک میکند و شفای متا و درد است و سیحان خون و حرارت را
برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که زنی که خون حیضش بند نشود
با سوبق خوراند که تابند شود و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که
که بهترین ناخوردن شهادت دنیا و آخرت گوشت است مگر شنبه که حق تعالی در وصف بهترین فسیح
گوشت این جوید گوشت مرغ از آنکه خوشتر و شسته باشد آنرا در حدیث معتبر

منقول است که عید الا علی و مسیح با حضرت عرض کردند که نزد ما روایت می کنند از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم که خدا شمس و یزد و خانه پر گوشت را فرمود که راست میگویند اما آن معنی ندارد که ایشان
فهمیده اند بلکه معنی آنست که خدا و شمس و یزد و خانه که گوشت مردم در آنجا بخورند بیست و در حدیث
دیگر از حضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گوشت بسیار بخور و نه دوست
نمیداشتند و فرمود که مردم گوشت را بسیار دوست میداشتند در روزیکه فوت شد سی و هفتم بر آن
فریدن گوشت جدا کردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ما گوشت را
دوست می داریم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گوشت بخوردن در بدن
گوشت است و باید که یک چهل روز گوشت نخورد که خلق میشود و هر که یک خلق شود از آن در گوشتش بگوید
و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد و گوشت بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا می شود
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بجهت حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد که این بیت ما
گوشت گوشت میخورند و میگویند که سودا بخرکت می آید و رو و اذان و در و سرد و در و دیگر بهم میرسد
حضرت فرمود که اگر خدا می غرض و چهل گوشتی بهتر از گوشت گوشت میداند است فدائی اسماعیل اگر گوشت
قرار میکرد از حضرت امام موسی و هاشم علیه السلام منقول است که بنی اسرائیل بجهت موسی صلی الله علیه و آله
شکایت کردند از پی که در میان ایشان بسیار شده بود و حق تعالی وحی نمود بجهت موسی علیه السلام
که ام که ایشان از گوشت گاو را با چغندر بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مرق
گوشت گاو و پی را زائل میکند و فرمود که شیر گاو و است و روغن گاو و شفاست و گوشت گاو
در است و در چندین حدیث منقول است که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد و بعد از آن در
اینش بیرون رود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر گوشت گاو و میش مرغ است چون
لبن بخورد و مرغ خاکی نخورد مرغ آن است زیرا که فضل آدمی بخورد و در آن حبشی مرغ آن است چهره بخورد
که بر تن بچرا که تازه بر و از آید باشند و زنجی بزایدی قوت پاکیزه خود ایشان از بیست کوزه باشند و در
احادیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشم او کم شود و اندوهش زایل گردد گوشت در آنج
بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت کباب ساقی یا راقوی سیگرواند
و تپ را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که گوشت اسفرد

مبارک است و پدرم آزاد و دست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنسید
 و باد بخورانید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت آهو بره را خوردن باکی نیست
 و از برای دفع بواسیر و دفع درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیار جماع و از حضرت امام
 رضا علیه السلام سؤال کردند از گوشت گوسفند که چون خشی است خوردنش جائز است اما خوردنش نزد من
 بهتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که باکی نیست در خوردن گشت شیر و دوشن گاومیش و در
 حدیث حسن منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن گوشت خام
 و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه نباید خوردن آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در حدیث
 صحیح منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام
 درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده است که از گوشت قدید که در سایه خشک کرده
 باشند و در حدیث دیگر وارد شده است که در دها را حرکت میاد و در معده رست میکند و در بعضی
 احادیث بخور خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز است
 که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بگوید و با امتلائی معده بخام
 رفتن و جماع با زنان پیر کردن و بر وایت و دیگر با تمایج محبت باز نماندن و در حدیث دیگر از حضرت منقولست
 که سه چیز است که خوردنی نیستند و بدتر از فریبه میکنند و سه چیز است که خوردنی اند و بدتر از آن میکنند و دو چیز است که بهر چیز
 نفع میرساند و هیچ چیز ضرر نمی رساند و دو چیز است که بهر جهت ضرر میرساند و هیچ جهت نفع
 نمی رساند اما آنها که خوردنی نیستند و فریبه نمی کنند پیراهن کتان پوشیدن بلوئی خوش کردن و نون و نان
 و اما آنها که خوردنی اند و لاغری میکنند گوشت خشک و پیر و شکوفه خرماد اما آن دو چیز که بهر جهت
 نفع میرساند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهر جهت ضرر میرساند گوشت خشک کرده و پیر
 و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوشت است
 و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند که اهیت میداشتند برای نیکو بوی
 نزدیک است و همچنین منقولست که حضرت آدم علیه السلام گوشتی را که در میان
 پیغمبران از فرزندان خود و برای هر پیغمبری عضو می نامید و از آنجمله برای پیغمبر آخر الزمان دست گوسفند
 نام برد و این سبب آنحضرت آزاد و دست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفصیل میاد و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که گوشتی که با شیر نجبه باشند مرقیت که مخصوص پیغمبر است
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هرگاه ضعف بر سلامی متولی شود گوشت را با شیر بز و بخورد
 و در حدیث دیگر منقول است که یکی از پیغمبران حق تعالی شکایت کرد از ضعف و سستی بدن با وید که گوشت با شیر نجبه کن
 بخورد که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر دیگر منقول است که محبوب ترین طعامها نزد حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم آتش را با روغن بید مجنون منقول است که حضرت صادق علیه السلام از بسبب
 ویت میشتند و آن آتش با قلیه بوده است که سوز در آن میگردید و احادیث بسیار در مع مرقه
 گوشت که با شیر بز و در روغن بید مجنون است و احادیث بسیار در مع کباب منقول است که با
 ضعف را از اهل میگذرد و رنگ با سرخ میکند و تپ را دور میکند و در حدیث معتبر منقول است که صبح
 بن بنیه گفت روزی پیغمبر است امیر المومنین علیه السلام رفتم و پیش آنحضرت گوشت برایانی گذاشته بودند
 فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتیم یا امیر المومنین علیه السلام مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که دعائی ترا
 تعلیم کنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو ایتم الله خیرکم انما یملأکم الا و طیب
 و السماء و الارض و الخیر من السماء الذی لا یضی مع انما شیء و لا کلام و مع کله نیز در حدیث وارد
 شده است که فعل بزرگ است و بجزرگاه از همه نعمها بزرگتر است و از کثافات و دورتر از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که بر شما باد خوردن هر چه که با چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله بایده است که خداوند عالمیان
 بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری
 از پیغمبران شکایت کرد و حق تعالی از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را فرمود بخوردن هر چه و در
 حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که خداوند عالمیان بدید فرستاد برای پیغمبرش هر چه از
 هر سیه های بهشت که دانه اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوران بهشت برست خود لعل آورده بودند
 پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آن حضرت افزود
 و این چیز نیست که خدای تعالی است که پیغمبرش را این خوشحال گردانده و مع شکله وارد شده است و انما
 بوده است که یک پیغمبر بخورد و یک پیغمبر را میگویند و میخندند و بخورند و گاهی بعضی با خدا دانه دیگر میگردند
 و مع تعلیم نیز وارد شده است و آن علوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل لعل میآوردند و از
 یافون بن یوفی منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی مرا طلبید و در خدمت آنحضرت

طعام خوردن و جلوائی بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است علما فرمود که ماوشیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم پس دوست یارایم علما را و از عبد الاعلی منقول است که روزی در خدمت حضرت صادق علیه السلام طعام خوردیم مرغی آوردند که میانش را از روغن و خربار پر کرده بودند و در حدیث موثق منقول از یونس بن یعقوب است که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت صادق علیه السلام نزد ما کسی فرستاد که برای ما پالوده بسازد و کم بپزیند ما کاسه کوچکی بخدیمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث دیگر آنحضرت علیه السلام منقول است که هر که در شب ماهی بخورد و بعد از آن خرمایا غسل بخورد تا صبح در بدن او رگ کج متحرک نشود و فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون ماهی تناول فرمود می گفتند **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَابْلُغْ لَنَا خَيْرَ أَقْنَةٍ** یعنی بار خدا یا برکت ده برای ما و اینها و بعضی این بهتر از این عطا کن یا و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که بر شما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوار است و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که ما دوست مینمائید بخوردن ماهی که بذرا میکانند و در روایت دیگر منقول است که ماهی تازه پیه چشم را میگذارد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدیمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بیجان میآید و اگر نمیکم خون آزار میکند حضرت جواب نوشتند که حجامت کن و بعد از آن ماهی تازه که آب نمک کباب کرده باشد بخور پس آنمرد چنین کرد همیشه در عافیت بود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زرده تخم مرغ سبک است خواهش گوشت را زائل میکند و مفسده گوشت ندارد و شخصی بخدیمت حضرت امام جعفر علیه السلام شکایت کرد و از کسی فرزند فرمودند که استغفار کن و تخم مرغ با پیاز بخور و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری بخدا ایتحالی شکایت کرد و از کسی تسلی او می رسید که تخم گوشت بخورد و در حدیث دیگر فرمود که زرده تخم سبک است و مفسده اش سنگین است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بسیار خوردن تخم مرغ زیاد میکند فساد را و احادیث دیگر در مع سرکه زیت دارد شده است که خوراک پیغمبران است و الله علیهم السلام میفرمودند و در مع سرکه احادیث معتبره وارد شده است که منقول است که بهترین ناخوردن ها نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سرکه بود و میفرمودند که خانه که سرکه در آن باشد بی ناخوردن نیست

و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که نیکو ناخوردنی است سرکه که سفر از افرومی نشاند و دل را زنده
 میکند و از حضرت صادق علیه السلام بطریق منقول است که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
 گرم نموده بپزند و بن دندان محکم بپزند و عقل را قوی میکند و شهوت را تا از قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل
 در اقل و آخر طعام سرکه میخوردند و مادر اقل طعام نمک و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار
 مدح خوردن روغن زیت و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقول است که ناخوردن شش
 پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوه زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقول است که دفع باد یا
 میکند و همچنین سند از ائمه طاهرين عليهم السلام منقول است که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی مانده
 غسل و آن شفا میبرد است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خائیدن کنند بغم را میگذارد و در
 مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی که
 از شکر می ساخته اند و منقول است که حضرت موسی علیه السلام در وقت خواب تناول نمی نمودند
 و منقول است که بهر جهت نافع است و دفع بغم میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درم داشته باشد
 و بغير آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر یا خرباز و سرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصاً روغن گاو
 احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از خوردن
 روغن وارد شده است و منقول است که روغن گاو شفاست و در حدیث معتبر وارد شده است
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر چه بخوردند و میاشامیدند می گفتند **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ**
وَأَيِّدْ لَنَا فِيهِ یعنی خداوند بركت ده برای ما درین که خوردیم و بپوش آن بهتر از آن بما عطا کن
 و چون شیر تناول میکردند میفرمودند **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ** و نیز **قَامِنُهُ** یعنی خداوند بركت ده ما را
 درین که آشامیدیم و ازین شیر بماعطا کن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیر یک
 گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه
 و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 که شیر خوردم و از آن کشیدم حضرت فرمود که شیر از آن می کشد و لیکن با چیزی دیگر خورده و از آن کشیده از آن کشید
 و شخصی آنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میرد و باند و استخوان را
 محکم میکند و حضرت امام موسی کاظم فرمود که هر که آب شیش متغیر شود یعنی فرزند از او حاصل نشود و شیر

باعتبار نخورد و بسند موثق کالتصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که شهاب و بزرگوار و کانداز و
 و زخمی نخورد و خاصیت هر گیاه و شیر او است و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که شیر گاؤ و دواست
 و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد معده نافع است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
 که بول شتر نافع تر است از شیر او و حقایق او شیر ترش شکر او را داده است و در روایت دیگر منقول است
 که شیر شتر شفا می دهد و در روایتی چند شرح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث
 معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام منقول است که هر که خوابد با او ضرر نرساند ^{باین} باب
 نخورد و حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که دوست می دارم پیرو او در روایتی وارد شده است که
 در ظرف چاشت مضر است و در ظرف شام نافع و موجب تولد فرزند می شود و از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردان در باستان حرارت اندرون را بکمرکت می آورد و در آنها
 در بدن احداث میکند و در زمان گرد بار اگر گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت وارد شده
 که پیرو مغز گردان را چون با هم نخوری دواست و هر یک را که تنها نخوری درد است ^{قصه} ششم
 در خواند جویب و سبزیها و میوه ها و سائر ماکولات و غیره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
 که نیکو طعامی است برنج روده بار می کشاید و بگو سیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است
 که با بیماریان خود را به برنج دوا می آید و در حدیث موثق منقول است که شخصی خدمت حضرت امام جعفر
 علیه السلام آمده از در شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج را بشو و در سایه خشک کن و اندکی بریان کن
 و نرم بکوب و هر صبح یک کف نخورد و در روایت دیگر منقول است که آن حضرت را در شکم بود و فرمود
 که برنج را با عاقا پیزند و چون تناول نمود برطرف شد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام
 رضا علیه السلام نخورد بریان کرد و پیشین از طعام و بعد از طعام تناول می فرمودند و در روایت دیگر از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هفتاد و نه پیروزان برکت فرستاده است و در
 روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در
 روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساقی را پاره می کند و دماغ را زیاد می کند و تولید خون
 زیاد میکند و در روایت دیگر مر و است که باقلا یا پوست نخورید که معده را و باغی میکند و منقول است
 که خوردن لوبیا باد هائی اندرونی را دفع میکند و منقول است که شخصی خدمت امام موسی کاظم علیه السلام

شکایت کرد از بی‌خوابی فرمود که ناش و طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقول است که اگر چند
 طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرمای بود ابتدا بخورد و حق سدا
 می نمود و حضرت علی بن ابی طالب دوست میداشت کسی که خرمای را دوست میداشت بجهت آنکه
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خرمای را دوست میداشت و ابوسلیمان جعفری منقول است
 که رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمای برنی گذاشته بودند و آنحضرت
 به تمام اندرونی خواشین میخوردند فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدایتو شوم
 بسیار بجهت تامل نمی خورم بلای دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 و حضرت امیر المومنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و امام زین العابدین و امام محمد و امام جعفر صادق
 علیهم السلام و پدرم همگی خرمای را دوست میداشتند من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند
 زیرا که از طینت ماخلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که ایشان از زهر تش
 خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز هفت دانه خرمای بخورد
 که خرمای با همی طرف مدینه است بخورد ناشایسته زهری و هیچ شیطانی با و ضرر رساند و در
 حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجمه و سنگام خواب بخورد که مهای شکمش را میکشد و در احادیث
 معتبره منقول است که هیچ میوه هست که از بهشت آمده است آنرا بطیسی و سیب شامی و به و انگور رازی
 و رطب نشان و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گرامیت دارد
 پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که هر میوه زهری هست پس چون بیاورند
 برای شام یا آب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت موسی بن جعفر
 علیه السلام پرسیدند از آنجور خرمای و سائر میوه یا دو دانه خوردن با هم چون است فرمود که حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله نه میوه را از این پس اگر تنها بشی هر شش که خواهی بخورد و اگر با جمعی از مسلمانان
 خوری چنین کن و یک دانه یک و آنجور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری
 رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخورد و در روایت معتبره منقول است که روزی امام زمان
 علیه السلام دیدند که غلامان میورانی خوردن می آید گفتند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید
 دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که دو چیز است که بد دوست نباید خورد و آنرا و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور را نخی و شکر و سیب و در احادیث معتبره از
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن آفتون
مرد و باغم عظیم او را عارض شد پس حق تعالی با و وحی کرد که انگور سیاه بخور تا نعمت از دل تو ازل شود
و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه غم با و وحی رسید که انگور بخور
و در حدیثی منقول است که حضرت علی بن حسین علیه السلام انگور را بسیار دوست میداشتند
روزی روزه بود و چون وقت افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری نیز دیکه آنحضرت
گذاشت پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را
از سائل خرید و نزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز حضرت آنرا بسائل دادند باز گزین رفت
و خرید و آورد و تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول فرمود و منقول است که ابو عکاشه بن محمد منته حضرت
محمد باقر علیه السلام آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خود یک دانه یکدانه
میخورد و یکدانه میترسد که بر نشود سه دانه چهار دانه میخورد و تود و دانه میخورد که مستحب است
و بدست معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که میت و یک و ده مویر سرخ شنبه
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض هرگز و بدست معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که مویر طائف عنقه بهائی بدن را محکم میکند و کلال و مانگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث
معتبر از آنحضرت منقول است که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که
بر شما باد بخوردن انار که اگر سوز را میبرد و سیراب میگرداند و طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از انار نبود و این خواست که کسی با او در خوردن شریک
باشد و در احادیث معتبر بسیار وارد شده که در هر اناری یک دانه از بهشت در و است و چون
کافر میخورد ملکی میآید و آن دانه را بر میدارد که او بخورد و باین سبب مستحب است که یک انار را
تنها تمام بخورند و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مومنی که یک انار تنها بخورد و خدا
شیطان از روشنی او بیچاره روز و در گذراند و هر مومنی که ده انار تمام تنها بخورد و خدا شیطان را از روشنی
دل او صد روز دور گرداند و مومنی که سه انار تمام تنها بخورد و خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال

دور گرداند و هر که یک سال شیطان از او دور شود گناه نمیکند و هر که گناه نمیکند داخل بهشت میشود
 و در حدیث مسیح از آنحضرت منقول است که بر شما با بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معده نماند
 نیمی قدر آنکه در وی را بر طرف میکند و سوسه شیطان از او بر طرف شود و در حدیث حسن منقول است
 که هر که یک انار بر شاخورد و دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیش
 بخورید که معده را داغی نمیکند و شعور را قوی نماید و فرمود که انار ترش و شیرین شالیسته است و شکم
 و از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه یک انار را بر شاخورد و تا چهل روز از شر شیطان
 میکند و اگر دو تا بخورد و ناشتا باشد روز و اگر سه تا بخورد و صییت روز و سوسه شیطان از او دور گرداند
 و هر که سوسه شیطان اندو در گرد و مصیبت خدا نکند و هر که مصیبت خدا نکند داخل بهشت شود
 و در حدیث دیگر فرمود که دو چوب درخت خرماسرات و گزنه با نی زمین را بر می اندازد و بکشد
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیب معده را جدا میدرد و حضرت امام موسی
 علیه السلام فرمود که سیب خوردن تا نفع است برای هر زهر و سم و استیلائی اجنه و غلبه بغم و کینه و
 متعش تر از آن نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب دفع تب در صاف
 و طایعون میکند و در روایت معتبر وارد شده که سونق سیب شکم را بر قطع رطوبت میکند و فسیخ
 که هیچ دوائی برای دفع زهر نایست از سونق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها
 در سیب است هر آینه بیمار آن خود را دو انگشت مگر بسبب از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
 که بخورید سیب که داغی نمیکند معده را و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است
 که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند و معده را پاک میکند و دل را زبرک میکند و مرد ترسان را
 شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو
 می کند و در حدیث دیگر فرمود که هر یک به ناشتا بخورد آب منی او پاک کننده شود و در حدیث
 و جسمی می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او
 گویند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ بیماری را نافرسانه است مگر آنکه لجوی می با او بدود و فسیخ
 که بغم داند و دایمیر و چنانچه دست غرق چین را میریزد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام
 منقول است که انجیر کند و باز از آن میکند و استخوان را سخت میکند و مور را میریزد و دانه را میریزد و با آن

بدوائی دیگر حاجت نیست ششیم ترین میوه با است میوه های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین
 صلوات الله علیه و اگر منقول است که بخورید امرود پاکه جلا سید مدخل راه در دوائی اندرون ریان
 میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که امرود دوائی میکند
 معده را و قوت میدهد معده را و با سیرنی خوردن نافع تر است از آشنا خوردن و از حضرت امیر المومنین
 صلوات الله علیه و اگر منقول است که خوردن انجیر سده باران نرم میکند و برای باد های قوی نافع
 است و در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید بسیار بخورید و منقول است که دفع بواسیر
 و نفوس میکند و قوت مجامعت را میفزاید و از زیاد قندی منقول است که گفت رفتم خدمت حضرت
 امام موسی کاظم علیه السلام و دیدم نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته اند و در میان آن الوسی با میستند
 ریش بود که حرارتی بر من غالب شده بود و الوسی تازه حرارت را فرو می نشاند و من را ساکن میکرد و از
 دالوئی خشکسختن را ساکن میکند و در دوائی کهنه را از بلن بر طرف میکند و در حدیث معتبر از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که از شخصی سؤال نمودند که اطباء میگویند در باب ترنج
 گفت میگویند که پیش از طعام بخور پسند بود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود
 که بخورید ترنج را که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخوردند آنرا فرمود که نان خشک بهضم میکند
 ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش
 می آمد نگاه کردن الوسی ترنج سبز و سیب سبز با آنکه عرب لیون و انجیر را هم ترنج میگویند و در بعض
 احادیث مع موز و بار شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنج مغشوش
 گوشت را میر و پاند و پوستش پوست را میر و پاند و استخوانش استخوان را میر و پاند و خوردن سنج
 گزده باران نرم میکند و معده را دوائی میکند و امان میدهد از بواسیر و قطیر بول و ساق پا را قوت
 میدهد و رگ خیره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید ترنج را
 که در این ده فصل است و در دمی و فسادی دران نیست و خوردنی است و آشامیدنی است
 و میوه است و گل است و آشامیدنی است که دمان را پاک میکند و دمان خوشش است و قوت جماع را
 زیاد میکند و شبانه را میثوب و او را بر بول میکند و رگ شانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا
 علیه السلام منقول است که خر پزه خوردن بهشتامورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه

قاله سلم باخبر پوزه میل میفرمودند و دست میداشتند و گاه گاهی شکر و قند باخبر پوزه میخوردند و پسند
 مقبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
 میوه تازه میدیدند پیوسته میخوردند و هر چه میماند میمالیدند و میگفتند و نمی گفتند اللهم كما انك تعلمنا
 اولها في غافيه عاقلها في اخرها في غافيه يعني خداوند اچنانچه نموده ای با اولش را در عافیت پرچا
 بما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است
 که هر که میوه بخورد و اقل اسم الله بگوید با و فرزند رساله و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخورد
 نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلپاشی مؤمنان
 سبزی است و سبزی باطل است و فرمود که هر که شنبلیله بخورد و بهشت بزرگ کاسنی و در محدوده او باشد
 در شنبلیله از قوی این شده و فرمود که کسی که خواهد کمال و فرزندان زیاد و بسیار بخورد و بزرگ
 کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی و هیچ بزرگی نیست از آن مگر آنکه قطره آبی
 از بهشت بر روی آن است پس در وقت خوردن هر گشت میباید که قطره آبش بریزد و فرمود
 که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار نیکو میکند و پسر را آورد و فرمود که فضیلت آن بر سایر
 سبزیها مانند فضیلت است بر جمیع خلائق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی
 شفای همه دردها است و هیچ دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بین میبرد
 شخصی آب عارض شده صدراع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بگویند و بر روی کافذ می بینید
 و روغن بنفشه بر آن بریزد و بر پیشانی ایشان بیندازد که تب و صدراع یا بر طرف میگذرد و حضرت
 صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است و با او هیچ سبزی
 امیر المؤمنین علیه السلام است و بزرگ خرفه سبزی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و احادیث
 بسیار در تعریف باذریع و رویت و آنکه باید که در اقل طعام خورده شود و که هیچ میوه
 و شنبلیله طعام را زیاد میکند و میل امی بر و آورده و با خوشبو میکند و اما نیست از خورده و خون
 و چون شد که سبزیها در دوا را اقل میکند و در روایت مقبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
 منقول است که شخصی را عارض شده بود و فرمود که سبزی را با و تره بخوراند چنان که در
 بصفت مبتل گشت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخور تره را که در آن چهار خلعت

گندہ باز بر طرف میکند و باوراد دفع میکند و بواسطه اقطع میکند و هر که را دوست نماید بران از خوره
 این است منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تره را با نمک سائید و تناول میکردند
 و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ
 وسلم فرمود کہ بر شما باد بخوردن کرفس کہ خوراک حضرت الیاس عیسی و یوشع بن نون است و از
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست کہ خوردن سیب کوشنیر مورت فراموشی است و از
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است کہ بر روزین سبزی شریف تر و دفع تر از برگ
 خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمہ علیہا السلام است و در حدیث دیگر فرمود کہ بر شما باد بخوردن
 کاهو کہ خون را صاف میکند و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است کہ ہر کہ ترہ
 تیزک را بعد از نماز حضرت سید بخورد و صبح نفس او را کشد بسوی خورہ و در حدیث دیگر فرمود کہ کاستی
 و باور و ج از ماست و ترہ تیزک از بنی امیہ است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی کاظم
 علیہ السلام منقول است کہ ہر گاہ آنحضرت امر میکردند ما را بخردن سبزی میفرمود کہ ترہ تیزک بسیار
 نفع دہم بود کہ چہ بسیار احق اند بعضی مردم میگویند کہ ترہ تیزک در کنار و خانہ ہنرمندی و حال کہ حقا
 میفرماید کہ آتش فہرہ و زہنم مردم اند و سنگہائی بنان و سنگہائی کبریت پس چگونه تواند بود کہ سبزی
 در ہنم نرود و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ حق تعالی دفع کرد از یہودان خورہ را
 بخوردن چغندر و بردن آوردن رگہائی گوشت و حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام فرمود کہ بگو
 سبزیست چغندر و حضرت امام رضا علیہ السلام فرمود کہ بخورائید بیماران خود را برگ چغندر کہ
 دران شفا است و دران در دمیست و حضرت ندارد و بیماران را بخواب راحت میرد و جانش
 بود از حرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود کہ داخل شکم صاحب ذات کعبہ نشدہ است
 چیزی مثل برگ چغندر یعنی از بہت تداوی او و در حدیث غیر منقول است از حضرت رسول
 صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کہ میدان داخل غنست کہ بر بنی اسرائیل نازل شدہ و برای من از بہشت
 آمدہ بشش ختمی است و در چندین حدیث معتبر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ
 وسلم دوست میرداشتند کہ در میان دیگ و میان صحن میچیدند و میفرمودند زمان خوردن
 کہ کہ در طعام بسیار کنید و وصیت نمود بجزرت امیر المومنین علیہ السلام کہ با علی بر تو باد بخوردن

که در کرم و دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ترب خسته فصلت
 دارد بر گش و دفع بادها میکند و تخش طعام را همضم میکند و ریشمش و دفع بلغم میکند و در وایت دیگر
 فسد نمود که برکش مورت انداز بول است و در وایت دیگر تخش او را بول میکند و در حدیث
 معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی علیه السلام منقول است که خوردن گز و قوت جماع از یاد
 میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که
 بخوریش شلغم و مداومت بر خوردنش یکصد که هیچکس نیست مگر آنکه رگ حوره در او هست و شلغم
 آنرگ را میگذارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خیار را
 با نمک بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خیار را از تهش ابتدا بخورند و بکنند
 که باعث زیادتى برکت آن شود و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بخورید باونجان
 که در ورا میرود آن در و نیست و احادیث در منافع و دشمن بسیار است و از حضرت صادق
 علیه السلام چندین سند منقول است که پیاز کند دها را میرود و بلغم را زایل میکند و سستی و ناندگی را
 بر طرف میکند و بندای میچ را محکم میکند و بن دندان را محکم میکند و قوت مجامعت را میسر
 و نسل را زیاد میکند و پدای برود و بزرگ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور
 میکند و در حدیث حسن از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم فرمود که هر که پیاز خورد بواسطه بوی بیشش داخل مسجد میشود و اما اگر کسی نزدیکی
 نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیر و پیاز و تره خام و پخته
 خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که اگر اهیت دارد بسبب از آن کسی که در
 پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح صغیر که او را البشم میگویند وارد شده است که تقویت موده
 میکند و اگر صبح ششها سفوف کند و بخورد در ملائمت موده را بر طرف میکند و در حدیث معتبر از
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقیقتا حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را
 فرسه زند او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که گن بخورد
 و میرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بزرگترین

دامهای شیطان خوردن حاک و گشت در بار در بدن حادث میکند و خارش بدن و کوبیدن
از آن بهیرسد و در دامی بود و از آن نتولد می شود و وقت را از ساق و قدم میرود و هر چه از خوش
سبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بدان حساب و عذاب می کشند
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وسایل شیطان است خوردن
کل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خاییدن و در احادیث معتبره
داروده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک و گاو حاک و حضرت
امام حسین علیه السلام که خوردن آن بقدریکساخته و شفا است از هر دردی و اما نیست از هر خونی
فصل نهم در فضیلت ضیافت مومنان و آداب آن از حضرت امام نجی جعفر صادق علیه السلام
منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بنیاید با و تکلیف خوردنی مکن و اگر قبول نکند تکلیف
آشامیدنی مکن و اگر اینهم قبول نکند تکلیف دست و شستن آب یا بقرق خوشبو مکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنش را آنست که
تخته او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برائی او بجهت بیاورد و چیزیکه نداشته باشد برائی او
تکلیف نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد و از برادر
آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه برادر مؤمن نزد آدمی آورد و بسند
صحیح حسن از آنحضرت منقول است که هرگاه برادر مؤمن تو را طلبیده نزد تو آید آنچه حاضر داری بر او
او بیار و اگر طلبیده باشی او را برائی او تکلیف کن و در حدیث حسن از هشام منقول است که با این
الی العفو رنج دست حضرت صادق علیه السلام رفتم آنحضرت چاشت طلبیده هشام گفت که من
کتر چیزی میخورم حضرت فرمود مگر نیرانی که محبت مؤمن نسبت به برادر مؤمن او بقدر آنست
که از طعام او بخورد یعنی در چند روز بیشتر دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد و درین باب احادیث
بسیار وارده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب همت از طعام
مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بنحیل طعام مردم را میخورد که مبادا مردم از طعام او بخورند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ولیه میهمانی پنج چیز است در عود سی و در عقیقه
خوشه کردن پسر و خانه نو بنا کردن یا خریدن و در سبزه یکبار سفر بخانه خود برگرد و در حدیث معتبره

وقتی که از سفر حج برگرد و منقول است که آن حضرت بنی فرمود از دلیله که مخصوص تو اگر آن باشد
 و فقر را در اینجا بطلبند و در احادیث معتبر وارد شده است که هر که داخل شهری شود همان برادر آن
 و اهل دین خود است تا از این شهر بیرون رود و سزاوار نیست که همان روزه نگیرد و اگر بر خست صاحب خانه
 که مبادا اطعامی برای او بعمل یاورند و ضایع نشود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه گذاشتن مگر
 بر خست همان که مبادا بسبب روزه داشتن ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسبب منقول است
 از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم که حدیثی است سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرع است
 که نسبت با و یکنی فرمود که این قدر همان مانند نزد برادر تو من خود که او را در شرم بکنند که دیگر چیزی
 بیشتر باشد که خرج شما بکنند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام مهمانی دیدم که بر خاست بی کاری حضرت او را منع کردند و خود بر سر می نشستند و آن کار را بجا
 آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود از خدمت فرمودن مهمانان
 و در حدیث دیگر منقول است که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود و دست دراز کرد
 که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چسباند کردند و فرمودند که ما اهل بیت
 خدمت نمیفرماییم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از جمله ضعف
 و سستی آنست که کسی بتواضعان کند و ثواب بعضی مکافات او کنی و از خلاف آداب است
 خدمت فرمودن بهمان پس چون همان بیاید او را اعانت و یاری کنی پس در و آمدن و وقتیکه
 خواهد که بار کند و برود او را رد و کنیز بر رفتن که این دلیل بر خست نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش
 بکنند و توشه انیکو و خوبو بعمل بیاورد که این دلیل جوانمردیست و بسبب معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ
 و آلہ وسلم منقول است که از جمله حق مهمان آنست که همراه او برود تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام منقول است که چون شخصی خانه کسی برود و در هر جا که صاحب خانه بفرمایند بنشیند کند
 صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول
 است که هشت کس اند که اگر ایشان را اندلی و خواری برسد ملاصقت نکنند مگر خود را کسی که بر خسته
 برسد که او را بطلبند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند و کسی که طلب خیر از دشمنان خود بکنند
 و کسی که طلب فضل و احسان از بیگانهان کند و کسی که خود را داخل درازی که سیان در کس باشد

بی رخصت ایشان بکنند و سبب استخفاف کند پادشاهان و صاحب علم و سبب در مجلسهای نشینند
که فراخور او نباشد و سبب استخفاف شخصی گویند که گوش بشنود و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود
ضیافت کن پسیرا که از برای خدا و او دوست میداری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادر گفتم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده سبک کنم
و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله با جهانان طعام تناول فرمودند پیش از همه
شروع میکردند و بعد از همه دست کشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست فرمود که کسی با عجم
آب دهر باید که خودش بعد از همه آب بخورد و سبب صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید پیر کس امر و زچیزی خورده و لیکن هر چه دارد و بسیار که جوایز و دست
که هر چه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن
بخورد و اسراف نکرده است و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد و باید که همان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از جمله حق همان
آنست که او را گرامی دارند و خلل از برای او مهیا کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که
هر گاه در میان بی آید و چون طعام خورد خدا صاحبان خانه را می آموزد و در روایت دیگر چون بیرون
میرود گناهان تو و عیال تو بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد و دوست نرسد ارم از بنده آزاد کردن و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سه مؤمن را طعام دهیم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که صدائی میان ایشان بشنود و شاد شود گناهان
آمرزیده شود اگر چه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر خانه که در میان بآن خانه نیرود ملائکه داخل آن خانه نمی شوند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آنست که چون ضیافت او را بطلب قبول کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ضیافت میکنم حاضران و غائبان امت خود را که دعوت
سایران را قبول کنند بضمیافت اگر چه پنج میل راه باشد که این سوره است که در این لازم است و هر
یک شلخت فرسخ است و فرمود که اگر ترا برای دست گو سبزی بطلبد میروم و فرمود که بدترین

عجز بانست که شخصی را در پیش در اطعام بخواند و او قبول کند **فصل** و هم در فضیلت فطال و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مسواک و فطال و حجامت آورد و فرمود که خلل بن دندان را محکم میکند و در روز را زیاد می و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خلل کنی بچوب کل و چوب درخت انار که هر دو برگ خوره را بچرکت می آورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بر فغ خلل کند تا شش روز حاجتش برآورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هر چه می یافتند فطال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خلل کردن بچوب درخت انار و فی و فرمود که برگ می آورد و عرق خوره را و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که خلل کردن بچوب کرمورث فقر و بخیاریست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم امر میکرد و مارا که چون خلل کنیم آب بخوریم ما سه نوبت مضغه کنیم و من بابا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از جمله حق همان آنست که خلل از برای او مهیا کنی و فرمود که فطال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه پسینند که در دندان بنده طعمی است و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر چه از طعام در بین دندان مانده باشد بخورید و آنچه میان دندان مانده باشد بنیدانید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر چه را بزبان از میان دندان بدر می آورید بخور و آنچه را بخلل بدر می آورید خواهی بخور و خواهی پسیند از و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه بخلل بیرون می آورد و فروبرد که جراحت مانع اندرون بهم میرساند و احادیث بسیار واروده است که هر چه را بخلل بیرون می آورید پسیند و در حدیث معتبر واروده است اندرون و بیرون و باز از اطعام بعد و شستن **فصل** یازدهم در فضیلت آب و انواع آن و احادیث معتبره واروده است که بهترین آن شامیدنی با می نباد آخرت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مخطوط و متلد و باشد از آب بنیاد خدا و از متلد و نگر و اندازا شامیدنی است و شخصی از آن حضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه رنگانی حقیقی میفرماید که از آب آفریده ایم هر چیز صاحب حیاتی را یا ایمان نمی آورد و خدا آفریند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که فرمود در تفسیر آیه **مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي**

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ یعنی پرسه سوال کرده خواهید شد و روز قیامت است از نعمتهائی دنیا فرمود که مراد
 نعمتهای رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که آب زمزم بهترین آبهاست
 بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آب است که در برهوت است که در بلاد یمن است که اروپا
 کافران و ران و اروپائی شوند و در شب و معذب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست
 از برای هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زمزم شفا است از هر
 دود و آیتی دیگر برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
 منقول است که فرمود بخورید آب باران برستیکه بر آبی که یکسکه و چهار پاره و در پارا از بدن دفع میکند
 و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده
 است که خوردن تگرگ برای دندانان ناخوش است و صادق روایت کرده است که شخصی از یاران
 در کعبه بیمار شد تا آنکه بجاالت مرگ افتاد و بعد از آن حضرت صادق علیه السلام عرض کرد م حال
 فرمود که اگر من بجائی شامی بودم از آب نادان کعبه باو آبی میخورانیدم پس با طلب کردیم نزدیکی
 نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر گردید و باران آمد و می گفتم از آب نادان پر کردم
 و آوردم نزد بیمار و از آن آب شامی فرساعت شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گمان
 ندارم که طفلی را که کاش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما ابله است باشد و فرمود که پیوسته دو مادر
 از آب بهشت در آن میریزند و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد برای شفا نزد آن
 میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میباشتم که هر صبح و شام نبرد
 آن بروم و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر اهل کوفه کام فرزند آن خود آب فرات
 بردارند هرگز نیمه همه شیعه نمانند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که ملکی در شهر شب
 می آید و همه شغال از شک بهشت در آب فرات می اندازد و هیچ نهی در شرق و غرب عالم بر بشر
 نیافاده از هر فرات است و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 می کرد و از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوههای شهاب و بومی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها
 از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند که ولایت دوستی ما را بر همه آبها
 عزیزتر است و هر آب که قبول کرد شیرین شد و نیکو و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر

علیه السلام که هیت داشتند از آنکه کسی طلب نفا کند از آب تلخ و آبی که از آن بوی گوگرد و شنیده شود
 و نیز مودند که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبهار را طلبید همه اجابت او کردند مگر آب تلخ و آب
 گوگرد پس برین لعنت کردند و در او حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل صر
 در امارای میزند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرومی نشاند و صفرا را
 ساکن میکند و طعام را در معده میگذارد و تب را زایل میکند و نیز فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی
 نافع است و هیچ جفت خرد ندارد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد و لذت
 بیشتر است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشانند و از ظرف
 بطرف دیگر بگردانند تب را زایل میکند و قوت میدهد برای قدم را و از این لطیف و طیب منقول است
 که بخورد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت و آن حضرت نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود
 که خوردن آب بدست طعام را در معده میگذارد و غضب را فرومی نشاند و عقل را زایل میکند و صفرا را
 کم میکند و شخصی دیگر بخورد حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرماتناول منفرمودند و بعد از آن آب
 بنخوردند گفت که اگر آب بعد از خرمات بنخورد بهتر است فرمود خرمات را برای آن بنخورم که لذت آب بیایم
 فصل دوم در آداب خوردن آب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر چند
 که آب بنخورد و حضرت امام حسین و اهل بیت علیهم السلام را یاد کند و لعنت کند بر دشمنان آن حضرت حق تعالی
 صد هزار حسنه برائی او بنویسد و صد هزار گناه از او بخوناید و صد هزار درجه برائی او بدهد کند و چنان باشد
 که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر مشور گرداند و اگر این بخور
 بگوید خیر است صدوات الله علی الحسنین و آله البیت و احکامه و الجنة الله علی قتلته
 الحسنین و اهل ائمه و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب
 بنخورد و خدا او را بهمان آب خوردن بهشت برد باینکه آب بنخورد و هنوز خواست شسته باشد که از آب
 لب بردارد و حمد خدا بگوید پس از بنخورد و هنوز سیر نشده از لب بردارد و حمد خدا بگوید پس از بنخورد پس خدا
 بسبب این بهشت برو واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم چون آب بنخوردند این دعا میخواند اللهم انی سقا فاعلنا بآلک الا فکلمتینا
 ملحا اجابا و لم یؤخذ فایده و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که هر گاه کسی شستن

آب خوردن بنیم الله بگوید و می خورد و الحجل لله بگوید پس از شمر الله بگوید و می خورد و الحجل لله بگوید پس از شمر الله بگوید پس بعد از خوردن الحجل لله بگوید ما دام که آن آب درکم او باشد تسبیح خدا بگوید و ثوابش از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی شب آب خوری ظرف آب را حرکت ده و بگو یا مَاءُ مَاءُ دَرَمَیْ وَمَاءُ فَرَاتٍ بَقَرَاتٍ السَّلَامَ و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب آب بخورد و سه مرتبه بگوید عَلَیْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ مَرْمَزٍ وَمَاءِ الْفَرَاتِ آب خوردن شب با و ضرر نرساند و در حدیث دیگر منقول است که در وقت آب خوردن این دعا بخواند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَقَاتِلُ فَأَوْزَانِي وَأَعْطَانِي وَأَرْضَانِي وَعَاثَانِي وَكَفَانِي اللَّهُمَّ اِنْعَمْ عَلَيَّ مِنْ لِقَائِهِ فِي الْمَاءِ مِنْ حَوْضِ قَحْلٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَسْعِدْ لَا يَمُرُّ أَحَقَّتُهُ بِحَبْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار بخورد که هر روزی را بسوی تو می کشد و نایاب درود و آرد و آن خورده و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بالائی طعام آب بسیار خوردن ضرر نرساند اما در غیر آن حال آب بسیار بخورد و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن بخورد و عجب دارم که چرا سده اش شوق نمی شود و شهر میان علماء است که آب پیاده خوردن کرده است و سنت است که نفس آب خورده شود و در احادیث بسیار وارد شده است که آب پیاده خوردن خوب است و آب یک نفس خوردن خوب است اما بهتر است که نفس خورده شود و در روز پیاده بخورد و در شب سه چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب پیاده خوردن در روز طعام اگر آکنده و در شب پیاده خوردن آب باعث غلبه زرداب و صفرا می شود و در حدیث دیگر فرمود که آب پیاده خوردن در روز بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که آب پیاده بخورد که باعث دردی شود که دهان داشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آب پیاده بخورد و بر روی سبب قیسمه گردد و در آب ایستاده که جاری نباشد بول کشید پس هر که چنین بکند و بلائی با و برسد ماست نکند مگر خود را این بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد از این احادیث آب خوردن شب است و بدست خداوند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب را به نفس خوردن بهتر است از یک نفس خوردن و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخوردست از حضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بزند و یا آب شود چو نیست حضرت فرمود

حضرت فرمود که مگر لذت هست و غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب میم است یعنی شتر
 تشه حضرت فرمود که شرب میم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقول
 است که اگر آنکسی که آب بنویسد بنده تو باشد نفسش بخور و اگر از او باشد یک نفس بخورد از
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشتند
 آب خوردن و رقیق شامی و میفرمودند که پاکیزه تر پس سرفهائی شماست و برای آنحضرت قدما از
 شام پدید می آوردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفال
 آب میخوردند و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گدشتند بر عجا
 که دیان آب گدشته بودند و میخوردند حضرت فرمودند که بدست خود بخورید که بهتر پس سرفهائی شماست
 و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آداب آب خوردن آنست
 که در ابتدا بگوئیم الله بگوئی و چون فارغ شوی ان شاء الله بگوئی و از پیش بسته کوزه و از جائی که شکسته
 باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جائی شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و
 آله و سلم بنی سبه فرمود از دیدن بهان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در میان آب
 وقتی مکروه است که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر
 از آنحضرت نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بکشد و کم بخورد
 و در باز اینست که باعث در شکم و دیگر میشود و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم گاهی در قدحها میسند که از شام می آورند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوب و گاهی
 در پوست و گاهی در ظرف و گاهی که ظرفی حاضر نبودی آب در کف میکردند و می آشامیدند
 باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت
 فرزندان و معاشرت ایشان فصل اول در فضیلت تزویج کردن و نهی از زهره بانیست پسند
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان
 و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمانش چیزی زیاده شود مگر آنکه او را محبت زنان زیاده می شود
 و فرمود که هر که محبت زنان را زیاده میشود فضیلت ایمانش میسر می شود و در حدیث صحیح از حضرت
 امام رضا علیه السلام منقول است که از سخت پیغمبران است پیروی خوش کردن و

و مویهای زیادتی بدین ازاله کردن و زمان بسیار دشوار است با بسیار متعارف با ایشان کردن و بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود که از دنیا می شما اختیار کردم زمان و بوی خوش را و روشنی دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقول است که سبکین شخصی اختیار عبادت کرده و ترک زمان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و درین باب نامیده بحضرت صادق علیه السلام نوشت که حضرت در جواب نوشتند اما زنی پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چند عدد از زمان میشدند اما طعام لذیذ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گوشت و عسل تناول فرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که زنی بقصد خود درمی آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا پرهیزد و در نصف دیگر فرمود بدترین مردها عربان اند و فرمود که چیز نافع است مؤمن را از آن که زنی بگیرد شاید که او را فرزند و زوی شود که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که دوست دارد سنت مرا باید که خدا شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود دو رکعت نماز که که خدا میگذارد بهتر است از عربی که شبها تمام نماز گذارد و روزها روز دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ترک کند خدای کند از ترس بر نشانی نخستین که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید ان یكُونُوا فُقَرَاءَ یُخِیْمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز دیگران اند ایشانرا خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن عثمان بن مطعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و گفت یا رسول الله عثمان روزی را به عیادت شما میآید حضرت غضبناک فرمود عثمان آمد و فرمود که ای عثمان خدا مرا بر سهانیت نفرستاده است ولیکن بدین سستی هم آسان فرستاده است روزی می سپرم و نماز می کنم و باز آن خود نزدیکی میکنم پس که دین مرا میخواست باید که بسنت من عمل نماید و از جمله سنت من نکاح زمان است و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که سه زن آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم یکی گفت که شوهرم گوشت نمی خورد و یکی گفت شوهرم بوی خوش نمی بوید و یکی گفت که شوهرم باز آن نزدیکی میکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردائی خود را بر زمین می کشیدند تا بر سر برآمدند و صد و شصت نفر از آن گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحابم گوشت

و مادر من پیش از من نزد پیش حق تعالی بکلی امر کند که پدر و مادرش را بیاورد و داخل بهشت کن پس
 بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برای زیادتى رحمت من نسبت به تو و از حضرت
 امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخواه زن گندم گون فراخ پیشانی سیاه چشم بزرگ سرین میان
 بالا پس اگر میخواهی او را مهر از من بگیر و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 چون بخواستگاری زنی میفرستادند نمی نمودند که گردش را بگویند که نشوید باشد و غریب پیشین برگشت
 باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن فسیبی داشته باشد
 و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری نمائید: در پیشش رسید چنانچه
 از رویش می پرسید که مؤلف حسن است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
 که بهترین زنان شامانی است که نزدیک بسیار آرد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد
 و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و نشاط کند و از
 دیگران شرم کند و عفت ورزد و هر چه شوهرش گویشود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر باده
 خلوت کند آنچه از او خواهد مضائقه نکند اما بشوهر دنیا و دیند که او را تکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود
 که بدترین زنان شامانیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر تسلط باشد و فرزند نیارد و کینه
 باشد و از اعمال بیخبر و دلکنده و چون شوهر غائب شود زینت کند و خود را بدگران نماید و چون شوهرش
 بیاید خود را دستور نماید و بخش را نشود و اطاعت نکند و چون شوهر را او خلوت کند مانند شتر صعب
 مضائقه بکند از آنچه شوهر با او اراده دارد و حدیثش را قبول نکند و از تقصیرش درگذرد و در حدیث
 دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه
 بنامه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا نگین می بیند میگوید
 چه غم داری اگر برای روز غمی بخوری خدا تعالی تکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برائے
 آخرت غم بخوری خدا غم ترا زیاده کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان
 خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد
 و زانیدنش دشوار باشد و شومی زن آن باشد که مهرش گران و زانیدنش دشوار باشد و حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین زنان شامانی سریش اند مهربان ترین زنانند بشوهران در سیم ترین

ایشان در زمان و مانند بشوهران و با عفت انداز دیگران و مصداق قریش درین زمان بنا
 سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالیمان میفرماید که چون خواهیم
 که جمع کنیم برای مسلمانی نیکی های دنیا و آخرت را با و میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی
 صبر کننده بر بلا و زن مومن که هرگاه نظر او کند نشاء میشد و چون غائب شود شوهر خود را نگاهدارد کسی
 و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بنی اسرائیل
 شخصی بود بسیار عاقل و مال بسیار داشت و یک فرزند داشت از عین بیغه و در کل و شامل شبیه یاد
 بود و دو فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عقلی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من
 یکی از شماهاست چون مرد مرگ از آن دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی فرستند قاضی گفت
 که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهور اند بروید پیش یکی از آنها فرستند مرد چری دیدند گفت بروید بنزد آن
 برادر که از من بزرگ تر است بنزد او که فرستند پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگ تر از من
 بروید چون نزد او فرستند او را جوان دیدند پس اقل سوال کردند که بچه سبب برادر کو چاک توان همه پیر بود
 و تو که از همه بزرگتری از همه جوان تر می گفت اما آن برادر کو چاک زن بد میدارد و بر همه بیهوشی او
 مهربان کند که مباد ابلهائی دیگر مبتلا شود که صبر نتوانند کرد و این سبب از همه پیر تر است و اما برادر دیگر
 زنی دارد که گاهی خوشحال میکند او را و گاهی غمگین میکند بدین سبب میان حال مانده هست و من در
 دارم که همیشه مرا خوشحال میکنند و هرگز آنزده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال
 خود نقل کردند گفت اقل بروید و استخوان پدر خود را آورید و بسوزانید بعد از آن بیایید تا در میان شما
 حکم کنیم چون فرستند برادر کو چاک شیرینی برداشت و برادرش کلنگها برداشتند چون بر سر قبر رسیدند
 آن برادران کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کو چاک شیر کشید که نمیکند از من که قبر پدرم بشکافد
 من از حضرت خود گذشتم و مال را شما گذاشتم بروید چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را بر سه کو چاک داد
 و آنها گفت اگر شما فرزندان اومی بودید چنانچه برادر کو چاک شفقت فرزند می مانع شد از بر آوردن ره
 و خوشن استخوانها پیش ما می ماند فصل سوم در آداب نکاح و اراده آن در حدیث حسن از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و صد آیه بخواند
 و این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي السَّمَاءِ وَخَيْرَ مَا فِي الْأَرْضِ وَخَيْرَ مَا فِي جَنَّاتِ الْجَنَّةِ

وَمَا لِي وَأَفْ سَخُونَنِي رَفَقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَقَدْ نَزَلَنِي وَلَدًا أَطْلُبُ أَنْ تَجْعَلَهُ خَلْفًا صَالِحًا
 فِي تَحْيُوتِي وَبَعْدَ مَوْتِي وَدَر حَدِيثِ مَقْبَرِ مَنْقُولِ سِتِّ كِه سِتِّ است که در شب تزویج واقع
 شود و در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی غنی خواسته
 در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که در میان آنها اتفاق
 و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه
 شوال خوب است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
 عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد نیکو عاقبت نبیند و در روایت دیگر منقول است
 که هر که درخت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که از او منعقد شود پیش از تمام شدن سقط
 میشود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که روز جمعه روز خوشی است گاری
 و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است پیش از عقد
 نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از سنت
 پیغمبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون میبویا
 تزویج کردند و ولیمه و سین مردم خورانیدند و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک کشیده
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ولیمه روز اقل لازم است و روز دوم
 نیک است و روز سوم ریا و سمه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون
 دختر ناموز را عقد کردند این خطبه را خواندند الْحَمْدُ لِلَّهِ أَقْرَارًا بِعَقْدِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 إِخْلَاصًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَنِي سَبَّةٍ وَعَلَى الْأَصْفِيَاءِ مِنْ عَشِيرَتِهِ
 أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيَّ الْأَقَامُ أَنْ أَعْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ
 سُبْحَانَكَ وَأَنْكَحُوا الْإِيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَّا أَكْمَرُكُمْ أَنْ تَكُونُوا
 قُصْرًا عَنْ نَحْوِهِمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ و سایر خطبه ها طولانی در کتب مبسوطه
 مذکور است و این رساله گنجائش ذکر آنها ندارد و در آداب سینه نکاح رساله جدا تالیف کرده ام
 و فصل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در شبیکه ماه و برج
 عقرب و یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در سرج زن در شبیکه جایز باشد

یا خون نفاس شسته باشد حرام است و از باین ناف تا زانو ایشان تمتع بر دهن مکرده است و بعد از پاک شدن پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی باشد پس اگر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن استحاضه اگر غسل سائر احوال استحاضه که ادرامی باید کرد اگر بجا آورد و با او جماع میتوان کرد و در وطی و بر زن خلاف است بعضی علماء میدانند و اکثر علماء مکرده میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود که جماع کند و آزاد باشد منی خود بیرون نسج نرزد و بعضی علماء حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را دخول کردن بزنی خود و شب چهارشنبه و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هرگاه جماع کنی باید زن خود و تحت الشعاع پس با خود قرار بدهی و افادون فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جماع کن در اقل ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث آن میشود که فرزند سقط شود و نزدیک است که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی دانی که کسی را که صرع بگیرد اکثر آنست که یا در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه جماع کند با زن خود در حیض منی زن نمی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پسی پس طاعت کند مگر نفس خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن با ابلهیت نیست مگر کسیکه دله التزنا باشد یا مادرش و در حیض با و معامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که چون کسی خوابد که با زن خود مجامعت کند بر دوش مرغان بنزد او نزود بلکه اول با و دست بازنی و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع سخن مگوئید که فرزندیکه بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن نکنید که بیم آنست که فرزند می که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کردن بفرج زن و در وقت جماع در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حاشیکه خضاب بجا و غیر آن بسته باشند جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از مرد و زن دور شود چو نیست فرمودند باکی نیست باز پرسیدند که اگر کسی نسج زنش را بپوشد چو نیست فرمود که باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و با و نظر کند چو نیست فرمود

که مکرراتی بهتر از این میباشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فروغ زن خود و کتیر خود بازی کند
چونست فرمود که بایک نیست اما بغیر از اجزائی بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند پرسیدند که آیا میسر است آنکه
که در آب جماع کند فرمود که بایک نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام
فرمود که بایک نیست حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کتیر خود جماع نکند در خانه که طفلی
باشد آن طفل زنا کار میشود یا فرزند می که بهم رسد زنا کاری شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که فرمود بختی آنکه ای که با منم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی با زن خود جماع
و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشانرا ببیند یا سخن وی یا صدای نفس ایشانرا بشنود فرزندیکه از ایشان
بهر کسی بکار نیاید و زنا کار باشد چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده عقابت نان نموده
خدمتگاران را دور میکرد و در بار می بستند و پرده را می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که کسی که با کتیری جماع کند و خواهد که با کتیر دیگر پیش از غسل جماع کند و وضو بکشد و در حدیث
صحیح وارد شده است که بایک نیست که مرد با کتیر خود و طی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و بشنود
و مشهور میان علماء است که بایک نیست که مرد با این دو کتیر خود بخوابد اما مکرده است که در میان
دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بایک نیست
که مرد در میان دو کتیر خود بخوابد اما مکرده است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بایک نیست که مرد در میان دو کتیر خود و آزاد بخوابد و فرمود
که اگر است دارد که مرد و بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع
میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و درستی جماع نکند و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که دوست ندارم که کسی که در سفر آب نیاید برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف
ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علماء قائل بحرمست شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
نهی فرمود از آنکه کسی محتمل شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند فرزند می که بهم
دیوانه باشد ملائمت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکرده است جنب شدن در وقتیکه
آفتاب طلوع میکند و زرد می باشد و هم چنین در زردی آفتاب و وقت فرود رفتن و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که مستحب است در شب اذل ماه مبارک رمضان

جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی چون سر و سر د داخل خانه تو شود و کفش پایش بکن تا بنشینند و پاهایش نشو و آن آب را از در خانه بیستهای خانه پاش چون چنین کنی خدا یتعالی هفتاد هزار نفع بریشانی را از خانه تو دور میکند و هفتاد هزار نفع برکت داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نفع صحت بر تو فرستد که بر سر و و فسر و و آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد و دعوی از دیوانگی و خوره و پستی و دران خانه باشد و منع کن عیسوی را تا هفت روز از خوردن شیره و سرکه و کشنیز و سیب تش پس حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و غفیم می شود و فرزند نمی آرد و د حصیری که در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس سرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اهل ماه و در میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و ضبط و ماغ را می یابد آن زن پس در زنده اش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهرسد احوال خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی بهرسد این نیستی که لال باشد و نگاهد نکند احدی سرچ زن خود و چشم پوشد دران حالت که نظر کردن دران حالت عیث کوری سرزند میشود یا علی شهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد محنت یاد یوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در زارش خوابیده باشد قرآن بخواند میترسم که آتشی از آسمان بهر دو منزل د شود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو در شمال بر آن خود داشته باشی و او از بر آن خود و شمال داشته باشد و هر دو خود را یک شمال پاک نه کنند که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجائی می رسد یا علی پیاده با زن خود جماع مکن که از فعل خراست و اگر فرزندی بهرسد مانند خراست خواب بول که یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون سر زندی بوجود آید شر بسیار از او بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شش گشت یا چهار گشت در دست داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد جلد او کشند هر دم بود یا رئیس و سر کرده ظلم بود یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بهرسد همیشه در بد حالی و پشیمانی بود تا ببرد یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد و در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بے وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهرسد کور و دل و خلیل باشد

یا علی در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد شوم باشد و در رویش نشان سیاه باشد یا علی
 در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد عشار و یاور ظالمان باشد و بلاک بسیاری از
 مردم برست او بشود یا علی بر پشت بام خانه جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد منافق و ریاکننده
 و صاحب بدعت باشد یا علی چون بشکر بروی و در آن شب جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش
 بناحق صرف کنند و اسراف کنندگان بر او شیاطین اند و اگر بشکر بروی که سه روز راه باشد جماع
 مکن که اگر فرزندی بهرسد یا در ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید
 حافظ قرآن و راضی بقبست خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه فرزندی که بهرسد بعد از
 سادات اسلام و راهبها در روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جو انمرد و دلباش
 از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در پنجشنبه فرزندی که بهرسد حاکی از احکام شرع
 یا عالمی از علماء باشد و اگر در روز پنجشنبه و قسبیکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود
 فرزندی که بهرسد شیطان نزدیک او نشود و پیر شود خدا و راهبها و اسلامی در دنیا و دین رو برکند
 یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهرسد خطیب و سخن گو باشد و اگر در روز جمعه بعد از نماز عصر
 جماع کنی فرزندی که بهرسد از دانا یا دانشمندان باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن بهشت
 که آن سه زند از ابلل باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی که بهرسد انیس بی
 ساه باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بیا موز چنانچه من از جبرئیل
 آموختم و در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه علیها السلام حقیقی امر کرد و سده است
 که آنچه در فی سوره زیر برای منار حضرت فاطمه علیها السلام پس آنچه داشت از مردارید و مرجان و جواهر
 بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار بار بار بودند و از روز قیامت مفاخرت می کنند و بهر
 یک دیگر میفرستند و میگویند که این منار حضرت فاطمه علیها السلام است و در شب زفاف اشتر
 اشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت
 فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لحام اشتر را کشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 از عقب روان شدند و اثنائی راه صدائی ملائکه بگوشش مبارک آنحضرت میرسید و جبرئیل با هزار
 ملک و میکائیل با هزار ملک و دو آئند و گفته که ما را حقیقی بجهت زفاف حضرت فاطمه علیها السلام

فرستاده است پس جبریل و میکائیل اللہ اکبر می گفتند و ملائکہ با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شده است کہ در زفاف اللہ اکبر میگویند و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی خدمت حضرت صادق علیہ السلام عرض کرد کہ ما طعام با بعل می آوریم و بسیار پاکیزہ و خوشبو می بوییم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا کہ ہر طعام عروسی ہم ہشت می دزد چون آن طعامی کہ از برای حلال خبیثی می کنند در احادیث معتبرہ وارد شدہ است کہ سنت است کہ عروسی در شب واقع شود و طعام چاشت پختہ شود و در بعضی اخبار وارد شدہ است کہ شاد عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت نمی کنند و از یک دیگر می ربایند کہ بہت دارد و علامت گفتہ اند کہ قتی بنا بر است برداشتن کہ بقرائن معلوم شود کہ صاحبانش راضی اند کہ مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر گاہ شمارا بعروسی بطلبند و بر بروید زیرا کہ دنیا را بیا د شامی آورد و چون شمارا بجائزہ بخوانند زود بروید چون آخرت را بیا د شامی آورد و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ نہی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و پسرند راہ کہ مردم تردد کنند و فرمود کہ ہر کہ در میان راہ جماع کند خداوند ملائکہ و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ بیا موزید از کل غنہ خصلت را پنهان جماع کردن و بآداب طلب زودزی رفتن بسیار حذر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ فرمود کہ ہر گاہ کسی خواہد کہ با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند کہ زمان را کارہا سپاسد پیش از جماع و ہر گاہ کسی زنی را ببیند و خوشش آید پس برود و با اہل خود جماع بکند کہ آنچه باین بہت با آہنم ہست و شیطانرا بدل خود راہ نذر و اگر زن نداشتہ باشد دو رکعت نماز بگذارد و حمد بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل و بفرستد پس از فضل خدا زنی سوال کند کہ بہتہ خدا باد و عطا بفرماید آنچه او را از حرام باز دارد و در حدیث معتبرہ از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا کہ اگر چنین کنند ملائکہ از ایشان دور می شوند و در حدیث معتبرہ دیگر از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ بجا از نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکہ نہ سالش تمام شود پس اگر بکند عیبی بآن دختر برسد ضامن است و در حدیث دیگر منقول است کہ مکروہ است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این وقت فرو رفتن آفتاب تا ہر طرف شدن سرخی طرف مغرب و در دیگر آرزو

آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در شب یار و زمی که در آن روز با و سیاه یا سرخ باز و
 حادث شود و در شب یار و زمی که در آن زلزله حادث شود و الله که اگر کسی جماع کند درین اوقات
 پس او را فرزند بهر سده نبیند و آن فرزند چیزیکه دوست دارد ویرا که آیات غضب الهی را سهل
 شمرده است و در فقره الرضا سطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل مس میت
 کنی خواهی که جماع کنی اول وضو بپوش و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست
 که هرگاه کسی را در دمی بهر صیاد صارت در فرازش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود
 و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با زن خود در حالت خضای جماع کند فرزندش
 بهر سده منقث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زن آزاد را برابر زن آزاد و دیگر جماع مکن
 تا کنیز را و برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
 که حضرت صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع و پیش از غسل اراده بنزدیکی میکردند اقل وضو
 می ساختند و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتی با او باشد که بران نام خدا نقش کرده
 باشد جماع نکند **فصل پنجم** در آداب نماز و عادت شب زفاف و در وقت مقاربت زنان و در حدیث
 صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن
 وضو بپوش و تو هم وضو بپوش و در رکعت نماز کن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس
 الهی بگو و صلوات بر محمد و آلش بفرست پس واکن و امر کن زنان را که با او آمده اند که آمین بگویند
 و این دعا را بخوان **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي النِّهَا وَدَّةً هَا وَرَضَاهَا وَادْرِيْنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ
 الْجَمَاعِ وَابْرَأْنِي لَكَ مِنَ الْخِلَالِ وَقُلْ لَكَ الْحَرَامَ** بعد از آن فرمود که الفت از جانب
 خداست و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال گردانیده مکرر طبع مردم
 گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف
 نزد عروس بروی پیشانی او بگردد و بگوید **اللَّهُمَّ يَا مَنِّيكَ أَخَذْتُهَا بِكُلِّ أَقْلَةٍ
 اسْتَحْلَمْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ مُبَارَكًا قَيِّمًا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
 تَجْعَلِ الشَّيْطَانَ فِيهِ شِرْكَاءًا وَلَا تَصْنِبْهُ** و در حدیث منبر دیگر از حضرت منقول است که دست
 بر آلا پیشانی بگذارد و بگوید **اللَّهُمَّ عَلَيَّ كِتَابِكَ تَرَوْعِي مَا فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا بِكُلِّ أَقْلَةٍ**

اسْتَعْلَمْتُ فَرَجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحْمَتِكَ شَيْئًا فَأَجْعَلْ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شَرِكًا
 شَيْطَانًا رَاوِي پرسید که فرزند چگونه شرک شیطان میشود و فرمود که اگر وقت جماع نام خدا بر دهنده
 شیطان دور میشود و اگر نه بر دهنده خود را یاد کند شخص داخل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکی است
 پرسیدند که بچه چیز میتوان داشت که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هر که هر که ما را
 دوست میدارد شیطان با او شریک نشده است و هر که دشمن باست شریک او شده است
 و برین مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند اللَّهُمَّ بِكَ اسْتَعْلَمْتُ مَا وَآمَنْتُكَ
 أَخَذْتُكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَلَوْ دَاوُدَ وَدَاوُدَ لَكَ فَكُلُّ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَقْسُلْ عَمَّا سَرَحَ و در
 روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند بِكَ اسْتَعْلَمْتُ
 ذَرْجَهَا وَفِي أَمَانَةٍ اللَّهُ أَخَذْتُكَ اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحْمَتِكَ شَيْئًا فَأَجْعَلْهُ بَآرَ قَتِيًّا
 وَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شَرِكًا لِلشَّيْطَانِ و در حدیث دیگر از حضرت منقول است
 که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمرند و راوی گفت که چه
 باید کرد که این واقع نشود و فرمود که هر گاه اراده جماع داشته باشی بگو یٰللهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 خَلِيقَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرِكًا وَلَا خَصِيْبًا وَلَا خَطَاًا وَاجْعَلْهُ مِنِّي مُخْلِصًا مُصَفًّى مِنَ
 الشَّيْطَانِ وَرَجِيمًا جَلَّ شَأْنُكَ و در حدیث دیگر فرمود که چون خوابد که شیطان شریک نشود
 بگو یٰللهُمَّ و پناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
 که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید یٰللهُمَّ و یٰللهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَفَعْتَنِي
 پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز با و ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 منقول است که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ قَتِيًّا زَكِيًّا
 لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا قُصْرٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ **فصل ششم** در بیان حق زان
 و شومر بر یک دیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول
 که حق تعالی برائی زمان غیرت جائز ندانسته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که

از برای مردان چهار زن و از متعه و کثیر آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن نیز یک شوهر حلال نگردانیده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده آن نماید نزد خدا تعالی زنا کار است و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بدو زنان مومنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث نیز دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک برون زنان از بسیاری دوستی ایشان است نسبت بشوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گفتن مرد با زن که ترا دوست میدارم هرگز از دل او بدر نمی رود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنی آمد بخداست حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم گفت یا رسول الله چیست حق شوهر زن حضرت فرمود که لازم است اطاعت شوهر نماید و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت و تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند مضائقه نماید اگر چه بر بالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بدرود بی رخصت او ملائکه آسمان زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بجا نهد برگردد و گفت یا رسول الله حق که بر مرد عظیم است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن عظیم است فرمود که حق شوهر پرسید که من شوهر آنقدر حق ندارم که او بر من دارد و فرمود و نه از صدیکی نیز آن زن گفت قسم بخورم بآن خدای که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکندم و در حدیث دیگر منقول است که زنی بخداست حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سوال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده ازان است که توان گفت پس فرمود که از جمله احقها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بدر نرود و به نیکوترین بویهای خوش خود را خوشبو کند و به نیکوترین جامه ها خود را بپوشد و به بهترین زینت ها خود را بپاراید و هر بار با دو شام خود را بر عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد اما نکند و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیزی بی رخصت او بکسی نهد و اگر بدهد گناهش از برای آن زن است و ثوابش از برای شوهر و هیچ شب نخواهد که شوهر از دشمنانک باشد زن گفت هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بستر کرد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که بویی خوش بپوشد غیر شوهر خود بکند نمازش مقبول نشود تا آن بویی خوش را از خود بشوید و فرمود که کسی اندک میباید عمل اینها با لایق و غلام

گریخته و زنی که شوهرش از و راضی نباشد و کسیکه جامه خود را از روی کبر بلند آویخته باشد و در احادیث
 معتبره وارد شده است که چهار مرد آن است که جهان و مال خود را در راه خدا مصرف کنند تا کشته
 شوند و بهادریان آنست که برآزار شوهران و غیرت آوردن ایشان بکشند و حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر امر میگردم که کسی بر غیر خدا سجده کند هرگز این سیگتم که زنان بر اسے
 شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول نبرد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از و
 میخواهد و فرمود که هرگاه شوهر ادبرائی مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر خواب رود و پوسته ملائکه او را
 لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود هیچ چیزی بخصمت شوهر نمیتواند داد
 مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر خود یا صلوة و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که هر زنی که شوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی میدهم ثواب عملهایش همه بر طرف شود
 و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدش را بپوشاند
 و اگر بی کفایتی کند بر وجه و عفو کند و در حدیث دیگر منقول است که روستی نکند زدا و یک روز نه
 یک روز روغن برائی بالمیدن بدن با و بدد و هر سه روز یک مرتبه گوشت از بزرگ او بپاورد و روزگانه
 و سه و چهار شش ماه یک بار با و بدد و در هر سال چهار جامه شش بدد و از برای برستان و دواز
 برائی تابستان و باید که خانه اش خالی کند از دوزخ و روغن برائی بالمیدن سه دواز که و زیت و روزی
 یکس من کهنه قوت با و بدد و سیو ما که همکس از او بفرزند با و بخوراند و در عید باز یاده از اوقات دیگر خوردن
 از برای او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر سید از خدا و حق و ضعیف یتیمان
 و زنان و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر
 سلوک کند و فرمود که عیال مرد سیران اویند و محبوب ترین نزد خدا کسی است که احسان با اسیران
 نمیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مرویست که در شهر می
 رفت و در آن شهر باشد و شب در خانه دیگر خوابد و زدا و نیاید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وقت
 نمود بجهت امام حسن علیه السلام که زهار مشورت با زنان مکن که برای ایشان ضعیف است و عزم ایشان
 مست است و ایشان را پیوسته در پرده بار و بیرون نه فرست قاتلانی چنان که بغیر از تو مرد را نشانند و ایشان خدستی
 که بغیر از آنچه تعلقی بر ایشان وارد نگذار که این از برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و جمال

ایشان بهتر است زیرا که زن گمشده می گزیند و همین خود شناسی اگر ایمی دارد و سخن او را و خود
 دیگران قبول کند و خود را بدست او بسیار دهد و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم منقول است که زانرا در غره و بالاخانه جا دهید و چیز نمی بخشید ایشان میاموزید و میاموز
 یوسف ایشان تعلیم کنید و چرخ کشتن ایشان را میاموزید و سوره نور با ایشان احکیم کنید و حضرت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که از این زمانه بر زمین سوار کند و فرمود که در یکی اطاعت
 زمانه کند تا آنکه بطبع نیفتد در امر کردن شاه بدینا و خدا پناه برید از بد آن ایشان و از بیگان ایشان
 در حدیث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رازی با ایشان گویند و در باره خویشان
 با شما آنچه گویند اطاعت نکنید و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که مردیکه کار پائی او را بسته
 تیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون اراده جنگ شتند با زنان خود
 مشورت میکردند آنچه ایشان گفتند خلاف ایشان میکردند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم فرمود که هر که اطاعت زن را نمود بکند خدا او را برنگون بکنم از او گفت با رسول الله این اطاعت
 کدام است که از او رخصت طلبد برای سیر و حجام و عروسیها و عیدگاهها و غرابا برود و او رخصت بدهد
 جامه پائی نازک از او طلبد که در برون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که زن مثل
 استخوان کج پهلوست که او را بحال خود بگذاری خست می شود و اگر خواهی را رست کنی می شکند
 پس صبر کن بر ناخوشیهائی ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه بکثرت
 با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد پیش
 یک زن یک شب بخوابد واجب است که پیش نهیهای دیگر هر یک یک شب بخوابد و جمعی را افطار
 آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی چهار شب یک شب بخوابد و او یک زن داشته باشد
 خواه زیاده و این اجوط است و در کثیر و متعده آنها واجب نیست اما بهتر آنست که کثیری که داشته باشد
 خود و بی شهوت او بکند و او را بشوید و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر زن و آنها را بکند
 گناهش بر دست و ششهور میان عطا آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر خواهد اگر اگر
 است اما بهتر است مخصوص است و اگر غیرا کرده است تا سه شب در هر یک از این دهان دعا
 طلبند و فضیلت آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود صالح

تکلیف است از نگاهانی پشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار هم رسانید
که برین پیوسته قیامت نبایست خوابم کرد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که بیماری که بفرزند میرسد کفاره گناه پدر و مادر است و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل
علیه السلام نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ناله
میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که دو نازل ما را و گفتند
دیگر بپیشانی نهادی پس جبرئیل علیه السلام گفت که ای محمد (صلی الله علیه و آله) فرزندان شما ششصد و پنجاه نفرند
که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد چون هفت سال بگذرد
گریه ایشان طلب آمرزش باشد پس هر پدر و مادر پس چون بچرخ بویخ برسد پدر و مادر ایشان شکیب و ثواب بدهند
و در گناه شریک نباشند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که زن از روزی که
حامل می شود تا زای روزی که وضع حملش شود و تا فرزند از شیر باز میگردد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد
کافران مرابطه نماید و وضع فرزند ایشان از مسلمانان کند و اگر درین بابین ببرد ثواب بسیار و درود
همدیش صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حضرت عیسیٰ بقبری گذشت که
صاحبش را خدای تعالی بگریزد پس در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را خدای تعالی بگریزد از آن حال
سوال کرد و از پدر و مادر خود و می بادر رسید که در یک سال فرزندش ایستاد و بچرخ بویخ رسید و برای اصلاح
کرد و عیسیٰ را جان داده باین سبب او را از کرده فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا
از بنده میماند فرزند نیست که بعد از او بعبادت خدا قیام نماید و در روایت دیگر منقول است که کسی که
بمیر و گویا مرگزد در میان مردمان نبوده است و کسی که بمیرد و فرزند می از او بماند گویا نموده است و در حدیث صحیح
متنبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حق تعالی بر دختران مهران تربست
از پسران و هر مردی که بشاوی پس از زنی که او خوشی داشته باشد و محرم او باشد خدا تعالی او را در
قیامت شهادت دهد و آن حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران جنات اند و پسران نعمت اند و خدا جز سینه
ثواب میدهد و تا آنکه سوال میکنند و آن حضرت بهی که از اسباب خود فرمود که شنیدیم که دختر بی هم نشاید
نمیخواهی او را بفرزد و او بتو تکیست که او را بویمکنی و روزی پیش پدید است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پدر و مادر خود سوال کرد که دختر می او را روزی شنید

که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود که هر که از روی مرگ دختران خود کند و میرد ثواب بیست مرتبه باشد
 و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم نشسته بود خبر باور رسید که دختری بر ایمی متولد شده است و گشت متغیر شد حضرت فرمود که
 زمین او را بر میدارد و آسمان بر او سایه می افکند و ندارد و زایش میدهد و گلبست او را میبوی پس اصحاب
 خود رو کردند و فرمودند که هر که یک دختر را در بارش گران است و هر که دو دختر را در دهنه او کند که
 بفریاد او بری و سبکه سه دختر داشته باشد جهاد و ساز آزار باز و بر داید و سبکه چهار دختر داشته باشد
 ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را عرض به پیدای بندگان خدا او را رحم کنید
 و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر یا سه خواهر خود را نفقه دهد بیست و نه مرتبه او را
 واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو یا یکی را هم نفقه دهد بیست و نه مرتبه او را واجب شود و از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر گاه کسی را در فرزند بهیمن رسد این دعا بخواند اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَخَيْرُ الْأَوْثَانِ فَقَدْ شَكَرْتُكَ عَنْ نِعْمَتِكَ بَلْ شَبَّ بِي عَافِيَةً صِدْقٍ دُكُورًا وَأَنَا
 أَنْتَ يَهْمُ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاسْكُنْ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاسْكُرْكَ عِنْدَ بَرَاءِ النَّعْمَةِ يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ
 يَا مُعْظَمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شَكَرًا حَقِّي شُبَّانِي مِنْهَا وَضَوَانِي فِي صِدْقٍ لِحَدِيثٍ وَأَدَاءِ
 الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ الْعَهْدِ بِالْعَهْدِ وَوَرَعِ حَسَنٍ دُكُورًا وَوَرَعِ حَسَنٍ دُكُورًا وَوَرَعِ حَسَنٍ دُكُورًا
 بِخَوَانِ مَرْبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ
 خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زانش مایه شود بعد از نماز جمعه و در رکعت نماز
 بگرد و در رکوع و سجود و اطمینان بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ ذِكْرًا مَرْبِّ لَا تَذَرْنِي
 فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ
 يَا شَيْكُ اسْتَحْلِلْهَا وَفِي أَمَانَتِكَ اخْذًا بِمَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ عُلَمَاءَ مَبَارَكًا
 سَرَكِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَلَا تَضَيِّبْهَا وَ در روایت دیگر منقول است که اگر کسی بخواهد که بخت
 امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند نشو و فرمود که در هر روز یا هر شب صد نوبت استغفار بکن
 و بهتر است که استغفار الله ربی و اَتُوبُ إِلَیْهِ بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
 که هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله پس دو نوبت استغفر الله ربی و اَتُوبُ إِلَیْهِ بگوید پس مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید پس یک نوبت استغفر الله سُبْحَانَ اللَّهِ وَآتُوْبُ إِلَيْهِ بگوید روای گوید که جمعی
 کثیر این عمل را امت نمودند فرزند ان بسیار بهر رسانیدند و در هر یک از اینها گفتن استغفر الله تنها
 اکتفا بخوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای
 فرزندان و در استغفار صد مرتبه بکن و اگر کسی فراموش کند در وقت دیگر قضای آن و شخصی دیگر آن
 حضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون اراده جمیع کنی بگو اللَّهُمَّ إِنِّي رَزَقْتَنِي ذَكَرَكَ
 سَمِيَةً فَكَلِّمْهُ وَدر حدیث دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت امام رضا علیه السلام گماشت
 کرد که من پیشه بیارم و مرا فرزند نمی شود فرمود که در خانه خود صد اماان گفتن بخند کن چنان کرد
 بیشتر یافت و فرزند ان بسیار بهر رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون خواهی که فرزند بروی این
 سه آیه بخوان که انشاء الله ترا فرزند می گرام است یکند وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُخَاطِبًا فَظَنَّ
 أَن لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَانَ الْبُحْبُوحِ الْمُؤْمِنِينَ وَذَكَرَ إِذَا نَادَى رَبَّهُ
 رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَكَارِثِينَ وَدر حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود وقت کند
 که اگر مرا فرزند نشود علی نام خواهم کرد و اگر چنین کند خدا او را پسری روز کند و از حضرت امام زین
 العابدین منقول است که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزندان و غیره و یا از حضرت ابو
 عطا فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَكَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَوْفَى لِي
 حَيْوَتِي وَيُتَّقِنِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْعًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ لَصِيْبًا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ واز برای فرزند هر صد مرتبه
 این دعا بخواند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر گاه زنی را حمل باشد و چهار ماه بروی کند
 روئی او را قبله کن و آیه الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا
 یعنی خدا یا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پس گرداند پس اگر او را محمد نام کند
 مبارک باشد و اگر او را محمد نام نکند و نام دیگر بگذارد و نداند اگر خواهد و بگیرد و اگر خواهد یا نباشد و در
 چند حدیث دیگر وارد شده است که هر که زن او را محمد نام کند و عمر کند که او را محمد یا علی نام کند او را

پسر شود و در حدیث دیگر آنست که اورا علی نام کن که عمرش در زتر باشد و در کتاب طب الاثره روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از یکی فرزند حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و غشت بمقاوم مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** و بمقاوم مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** بگوید و این پنج خوان **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** و **اَذْكُرُ اَنَّهُ كَانَ غَفَّارًا** **اِیْرُسِلَ السَّمَاءُ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا** و **اَوْعِدُكُمْ** **بِاَعْقَالٍ وَبَعِیْنٍ** و **یَجْعَلْ لَكُمْ جَنَافٍ** و **یَجْعَلْ لَكُمْ اَیْمَانًا** پس در شب بیوم باران خود جاج کند که خدا پسری که خلقش درست باشد تو عطا فرماید و در کتاب نو اورا حکم روایت کرده است که شخصی به نزد امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله هفت دختر بهم رسانیده ام در وی پسرها تا حال ندیده ام حضرت فرمود که وستی که میان پائی زن بنشین دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذارد و سوره انا انزلنا بهفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر عمل ظاهر شود در بهار است بر جانب راست ناف او بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد گفت چنین کردم حقیقی امز بهفت پسر بهم روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید **فصل هشتم در بیان احکام آیام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است** که زن حامله به بخور و آفریند خوشبو تر و زنگ فرزندش صاف تر باشد و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود احوال چیزی که زن زائیده بخورد و باید که رطب باشد چنانچه حق سبحانه تعالی بحضرت مریم فرمود بعد از زائیدن حضرت عیسی علیه السلام رطب بخور گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کنند فرمود که به دانه خرمائی بدین بخورد اگر نباشد به دانه از خرمای که باشد بخورد بدینست که حقیقی امیر فرمایند که بوقت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد و فرزند او را بر دینار گردانم و در حدیث معتبر از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که بزنان حامله کند بخورانید بدینست که چون طفل را در شکم مادر گذارد خدا شود و دلش محکم و عقلش زیاده میشود اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد شیرین تر گوی می شود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام چون وقت ولادت زن می شد میفرمود که ما را از خانه بیرون کنید که اول آن نظر بر عورت طفل بیفتد و منقول است که چون بان حضرت بشارت فرزند میدادند می پرسید که پسر است

یا دختر بلکه اول می پسید که خلقتش درست است پس اگر نمی شنید که درست است و عیسی
در خلقتش نیست میفرمود **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوبُ اِلَیْکَ بِمَنِّیْ شَیْئَاکُمْ وَ اَجْزَیْ سَیِّئَاتِیْ** خداوندی را
که از من نیافرید فرزندی که تسبیح و تحمید باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
چون سرزند متولد شود بقدر حدی از یا و نیز بخیر شود و آب من کن و دو قطره در بینی است و یک قطره
در بینی چپ او بریزد و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامت بگویش از آنکه ناخوش بزند
که اگر چنین کنی هرگز ترس با و نمیرسد و امام حسین با و غریب سازد و در حدیث دیگر فرمود که قابل یا
دیگری را بگویند که اقامت در گوش راستش بگوید که هرگز غریب نیاید با و زردی و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را با آب فرات بر دارید و بگوشتش اقامت بگویند و در
روایت دیگر وارد شده است که کامش را با آب فرات بر تربت قبر امام حسین علیه السلام بر دارید
و اگر آب فرات نباشد آب باران بر دارید و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که
کام فرزندان خود را بخور یا بر دارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و حسن و حسین و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که فرزندان او متولد شود باید که اذان در گوش راست و
اقامت در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت
حسین علیه السلام ظاهری شود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جانش زرد
پیمچین و سنت است در جامه سفید پیمچین و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کام
طفل خود را تربت امام حسین علیه السلام بر دارید که امان میدهد او را از مرد و با و بلا و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که شخصی تربت فرمود بر آیهی که خدا با و عطا کرده بود و گفت
رَزَقَکَ اللّٰهُ شَکْرَ الْوَهَّابِ الْوَقَّابِ وَ بَارَکَ لَکَ فِی الْمَوْضُوعِ الَّذِیْ بَلَغَ بِهٖ اَشَدُّ لَا وَرَیْتَ قَلَّ
وَقَدْ یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزندان تو بخشیده است و برکت و برکت تو در آنچه
بخشیده و او را بهیبت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی تو نیکی کار بسته و نزدیکی
ببارت بپسندید از حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و این آیه سیح علیه السلام در کتاب
مرا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه دشوار شود بر زن زائیدن
و پس از برای او این آیات را بر پوست و بر پیمانی بنهد بر این است و چون وضع حمل شود باز کن

آیات نیست بفرماید الله الرحمن الرحيم كَانَهُمْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَوْمُ عَدُونَ لَمْ يَلْبِسُوا إِسْمَاعَةَ
 مِنْ فُجَارٍ كَانَهُمْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَوْمُ عَدُونَ لَمْ يَلْبِسُوا إِسْمَاعَةَ أَوْ ضَعُفَ إِسْمَاعَةُ إِسْمَاعَةُ إِسْمَاعَةُ
 إِلَى ذَلِكَ مَرَّتْ لَكَ مَا فِي بَطْنِي تَحْرُورًا وَمَوَاتٍ كَمَا سَلَبَ الْإِبْرَةِ عَلَيْهِمْ سَلَامٌ رَوَيْتُ كَرَاهَتِ
 كه شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت زن من از روزی که شرف شده
 است بر مردن حضرت فرمود که برو و این را بخوان فَكُنَا عَاهَا الْخَاضِلُ إِلَى جَذَعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ
 يَا لَيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا لَكُنْتُ نَبِيًّا مَدِينِيًّا كُنَا لَهَا مِنْ حَتَمِهَا الْآخِرُ لِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحَدَّ
 رَبِّيَا وَهَزِيحًا إِلَيْكَ بِمَجْدِ الْخَلَاءِ فَسَاطِعُ عَلَيْكَ رُطَبًا جَنِيًّا بِرَأْوَا زَبَابٍ وَكَوَالَهُ لَهْجَامُ
 مِنْ بَطُونٍ أَمَّا سَائِلُكُمْ لَا تَطْلُبُونَ شَيْئًا وَتَقْبَلُ الْكَمُّ التَّمَعُ وَالْأَبْصَارُ وَالْأَفْئِدَةُ لَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ كَذَلِكَ أَخْرَجَ آيَةَ الطَّلُقِ أَخْرَجَ يَا ذَاكَ اللَّهُ جَوْنِ نَحْوَانِي وَرَسَا عَتِ نَحْوَانِي
 یا بریاری خدا و بسند دیگر از حضرت روایت کرده است که از برای دشواری زانیدن این آیات را
 در ظرف پاکیزه بشکست و زعفران بنویسد و با سبب جامه بشوید و بخورد و آرنج به درد و شکم و فرجش باشد
 كَانَهُمْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَوْمُ عَدُونَ لَمْ يَلْبِسُوا إِسْمَاعَةَ أَوْ ضَعُفَ إِسْمَاعَةُ إِسْمَاعَةُ إِسْمَاعَةُ
 كَمَا يَلْبِسُوا إِسْمَاعَةَ مِنْ نَهَا وَيَلْأَعُ فَيَسَلُ بِهَذَا إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ لَقَدْ كَانَ فِي
 قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لَأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي
 بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و بسند دیگر از حضرت
 صادق علیه السلام روایت کرده که این آیه را برای حامله بر کاغذی بنویسد و رویه و پشتیکه داخل
 شود و راهی که در آن ماه وضع حمل او بشود و چیزی بر آن بچد اما اگر بر آن نرزد و بر کمر آرنج بندد
 چون چنین کند در روز زانیدن با و نرسد و بعد از زانیدن بزود می کشاید و یک ساعت
 با و گذارد و آیه است أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا نَفْثًا فَفَقَعْنَاهَا
 وَجَعَلْنَاهُم مِّنَ الْمَاءِ كَلْبِي حَتَّى أَفْلَا يُؤْمِنُونَ وَآيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمُ
 مُظْلَمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمَا نَسْتَفِيزُ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدْ رَفَعْنَا لَنَا
 حَتَّى نَادَا لِعَرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ يَبْغِي النَّهَارَ
 وَكُلٌّ فِي ظَلَمٍ لِّبَحْرُونَ وَآيَةُ لَهُمْ أَفَأَحْمَلُوا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الظُّلُمِ السَّحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ قُرُونًا

مِثْلِهِ مَا يَكُونُ وَإِنْ شَاءَ خَرَقْتُمْ فَلَا صَرْحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَقْنَنُونَ الْأَرْضَ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ
 وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
 آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِخُوا بِأَنْفُسِكُمْ سَاءَ مَا يَدْعُونَ
 لَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ فَيَقُولُونَ
 مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ
 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَلَقَدْ فِي السُّورَةِ إِذْ أَهْمُ
 مِنْ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ وَوَرِثَتْ كَأَخَذَ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ سِدْرَةً لَّهُمْ يَوْمَ يُنْفَخُ
 الْأَشْجَارُ إِلَّا الْأَشْجَارَ الَّتِي هِيَ أَشْجَارُ الْقَوْمِ الْمَاسِيَتُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا
 كَمَا يُلْبِثُونَ الْأَغْنِيَّةُ أَوْضَحُّهَا وَأَزْهَرُهَا وَآزْهَرُهَا وَآزْهَرُهَا وَآزْهَرُهَا وَآزْهَرُهَا وَآزْهَرُهَا
 نَامِهَا نَامِي سَتَ كَمَا وَالتَّ بَرَبِّكَ خَدَا كَمَا تَمَثَّلَ عَبْدُ اللَّهِ وَبِشْرِي لَهَا نَامِ بِغَيْرِهَا سَتَ وَآخِرُهَا بِرَبِّكَ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْقُولُ هَسْتُ كَمَا فَزَنْدِ رَاوِشْكُمْ مَادِرْ نَامِ بَكْدَارِيدِ وَآكَرْ نَامِ بَكْدَارِيدِ وَفَقَطْ شُودِ
 دَرِ قِيَامَتِ بَايْدَرْخُو وَبَكُوِيْدِ كَمَا مَرَاچِرْ نَامِ بَكْدَارِيدِ وَحَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمِ مَحْسَبِ بَزْدِ
 حَضْرَتِ فَاطِمَہٗ رَاوِشْكُمْ نَامِ بَكْدَارِيدِ مَحْسَبِ بَزْدِ هَسْتُ كَمَا بَعْدَازِ رَسُولِ خَدَا بَهْزُورِ وَرِشْكُمْ بُوْدِ كَمَا
 عَمْرِ شَهِيدِ كَرْدِ وَآزِ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَىٰ عَلَیْہِ السَّلَامِ مَنْقُولُ هَسْتُ كَمَا اَوَّلِ بَنِي كَمَا بِدَرِ بَا فَزَنْدِ خُو وَكَنْدِ هَسْتُ
 كَمَا اَوْرَا نَامِ نِيَاكِ بَكْدَارِيدِ وَحَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمِ فَرْمُودِ كَمَا ہَرِ كَمَا چَارِ فَرْزَنْدِ اَزِ بَرَايِ اَو
 بُوْجُوْدِ آيِدِ وَبِچَاكِ بَا نَامِ مَنِ مَسْتَبِي نَسَاذِ مَرَاچَا كَرْدِ هَسْتُ وَدَرِ حَدِيثِ دِيكَرِ ازِ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَىٰ
 عَلَیْہِ السَّلَامِ مَنْقُولُ هَسْتُ كَمَا فَرْمُودِ بِيَسْتَوَالِي دَاخِلِ خَانِہٖ نَمِي شُودِ كَمَا دَرِ اَنِ خَانِہٖ نَامِ مَحْسَبِ بَا اَحْمَدِ
 يَاحْسَنِ يَاحْسَنِ يَاحْجَرِ يَاطَالِبِ يَاعَبْدُ اللہِ يَافَاطِمَہٗ بُوْدِہٖ بَاشَدِ وَدَرِ حَدِيثِ مَعْبَرِ مَنْقُولُ هَسْتُ
 كَمَا شَخْصِي بَحْدِ مَتِ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمِ اَمْدِ وَكَلَفِ مَرَا پَرِي بِہِمِ رَسِيدِ هَسْتُ چَا نَامِ كَمْ
 اَوْرَا فَرْمُودِ كَمَا نَامِ كَرْدِ اَوْرَا بِہِمِ بَہْتَرِي نَامِ ہَا زِ دَمَنِ وَآنِ حَمْرَہٗ سَتَ وَآزِ جَابِرِ مَنْقُولُ هَسْتُ كَمَا كَلَفِ يَاحْجَرِ
 اِمَامِ مُحَمَّدِ بَا قَرِ عَلَیْہِ السَّلَامِ بِنَاہِ شَخْصِي رَحْمِ طِفْلِي بِیْرُونِ اَمْدِ حَضْرَتِ اَزِ وِپَرِ سِيدِ چَا نَامِ دَارِي كَلَفِ مُحَمَّدِ
 پَرِ سِيدِ چَا كَنِيتِ دَارِي كَلَفِ اَبُو عَلِي حَضْرَتِ فَرْمُودِ كَمَا خُوْدِ رَا ازِ شَرِّ شَيْطَانِ وَحَظِيْرِ مَحْكَمِي دَرِ آوَرْدِ
 بِرِ سِيكِ كَمَا گَاہِ شَيْطَانِ بَشُودِ كَمَا كَسِي اَوْرَا زِ مِي كَنْدِ يَاسْمَا عَلِي آيِ شُودِ چَا نَامِ طَلَمِ آيِ شُودِ وَآكَرْ نَامِ بَشُودِ كَمَا كَسِي سِيْرَا

آواز می شنید بنام کی از دشمنان داشتاد میشود و خوشه میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخت
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که خدا این سپرد داده است فرمود که مبارک باشد چنان
 کردی و او گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین سپرد و آوردند و مکرر اسم محمد را می گفتند تا آنکه نزدیک
 شد که روی مبارک ایشان بر زمین برسد پس سر بود که جان خودم و فرزندانم و زانم و پدر و مادر و جمیع
 اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باد اما چون او را چنین نام کردند پس او را شناسان
 مده و او را مزن و بدمرسان بد آنکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را نقیصه
 و میطر گردانند و در چنین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی
 فرموده است از نام گذاشتن باسم حکیم و عظیم و خالده و آلکاف نهی فرمود از چهار کنیت ابو جعفر و ابوالمکارم و ابوالمالک
 و ابوالقاسم و در و سبکه نام کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد و سبکه بود که
 دشمن زمین نامها را از خدا حارث و مالک و خالده است و در حدیث وارد شده است که یاسین نام
 کنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر
 گرمی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا محمود
 باشد البته که آنچه خیر است برای ایشان بر آن قرار نگیرد و فرمود فرزندی را که محمد نام کنید او را اگر
 دارید و جایز برای او در مجلس کشاید و رو بسوی او ترش کنید و فرمود هر اهل متی که در میان ایشان
 نام پیغمبری باشد بسته حقیقی هر روز در صبح پسین یکی میفرستند که دعا کند برای ایشان بخدس
 و پاد و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم بخش کنید بد آنکه از جمله اعمالی که در روز ولادت
 سنت نموده است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کند
 که غسل میدهم این طفل را از برای رضائی خدا و سرگردنش اقلی بشود بعد از آن جانب راستش و بعد از آن
 جانب چپش را تفصل میفرستد عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک از اینها بدان که عقیقه
 فرزند سنت نموده است بر سبکه که تا در بران باشد و بعضی از علماء واجب میدانند و بهتر آنست که
 در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند از روز هفتم تا بلوغ طفل بر یکدست است و بعد از بلوغ تا آخر عمر
 بر خوش نیست است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر سبکه
 و از فرزندی هم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی که در گرو عقیقه است یعنی اگر

نمکند و در معرض مردن و انواع بلاهاست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهر ساند بکند و اگر بهر ساند و چیزی نیست و اگر عقیقه برای فرزند نکند و هر کسی که قربانی برائی او بکند قربانی از عقیقه مجزی است و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوشت سفند برای عقیقه بدست ما نیامد چه میفرمایید که تصدق کنیم قنبر را فرمود که نه طلب کنید یا بیایید که خدا دوست میدارد و خوارانین طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر وارد شده است که پرسیدند از حضرت فرزند منی که بهر دور و دوریم عقیقه اشش باید کرد فرمود که اگر پیش از شیر ببرد عقیقه ندارد و اگر بعد از شیر ببرد عقیقه ندارد و در حدیث معتبر از عمر بن زید منقول است که پنجه است از حضرت عرض کرد که نمیکند که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که فرزند را روز هفتم نام بگذارد و عقیقه بکند و سر تراشید و موئی سرش را بنقره بکشد و آن نقره را تصدق بکند و یک از آن عقیقه را برائی قابل که مدد کرده است در زائیدن بفرستد و باقی را بخورد و مردم پرسیدند تصدق بکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برائی تو متولد شود عقیقه میکنی در روز هفتم گوشت سفندی یا شتری و نام بگذارد و سرش را تراش و در روز هفتم و بوزن منی سرش طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوشت سفند را بقابل بدهد و اگر بی قابل زیاده باشد از آنجا دهد و بدهد و اگر قابل خورد و کس از مسلمانان بپسندد هر چند زیاده باشد بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابل زن یهودیه باشد قیمت ربع گوشت سفند را با و بدهد و مشهور میان علمای آنست که عقیقه شتر یا گوشت سفید یا بز یا میش و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت امام حسین علیه السلام اذان و گوسن ایشان گفتند و حضرت فاطمه صلوٰت الله علیها در روز هفتم عقیقه برائی ایشان کردند و بقابل پاسبی گوشت سفند را دادند بایک شهبی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا گوسفند باشد و یا میش و اگر بز باشد یک ساله یا در و و باشد یا میش و اگر گوشت سفند باشد اقل شش ماه یا در هفت باشد و اگر گوسفند ماه تمام باشد بهتر است و باید که عقیقه شش ماهه کشیده باشد بهتر آنست که نالیده باشد و مغز شتر شسته باشد و گوشتش تهریه باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و ناله نکند و بیاز نباشد که بهانه فرزندش را باشد اما در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام نقل است که حقیقه از باب قربانی نیست هر گوشتی که باشد خوب است غرض
 گوشتش هر چند که فربه باشد بهتر است و شهر میان علما آنست که سنت است که عقیقه پسر را باشد
 و عقیقه دختر را نه باشد و گمان نیز آنست از برای هر دو گوشت سفیدتر خوب است موافق احادیث بسیار
 و از برای هر دو گوشت سفیدتر ماهم خوب است و حسنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه
 بهتر آنست که از طعامی که در آن گوشت را پخته باشند نخورند و خوردن مادر از گوشتش بیشتر است
 و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است
 که استخوانها را شکنند بلکه از بند بجا بکشند و سنت است که پسر و دام تصدق بکنند و قلشن
 آنست که آب نمک پزند بلکه محلول است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند و این هم خوب است
 و اگر حیوان عقیقه بهم قشیش را تصدق کردن فائده ندارد بلکه باید بکشند تا بهر سه طریقت که
 جامعش که بخورد و عقیقه بهر سه طریقت باشد اما اصلی و حق را طلبیدن بهتر است و شهر آنست که سنت
 است اقل سر بشنند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر ترشیدن عقیقه را
 کشتن و موی سر را بطلایا قره کشیدن و تصدق نمودن در یک جا و یک وقت میباید کرد و در سرش
 سنت است که همه سر را برشند و زلف و کامل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند که از برای او دعا کنند و آن طفل کامل داشت حضرت
 از برای او دعا نکردند و فرمودند که کافش را برشند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم را برای امام حسین و امام حسین علیه السلام دو گیسو و جانب چپ سر ایشان
 گذاشتند و در روایت دیگر و میان کسور ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در ترشیدن
 اقل اگر آنست و ترشیده باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است که سر عفران بعد از سر
 ترشیدن برسد او بکالد و در احادیث بسیار نبی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر طفل
 که این از عمل جاہلیت است و در روایت معتبره در است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 که در وقت کشتن گوشت عقیقه این دعا بخواند **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ حَقِيقَةً عَنْ خَلَانٍ** نام او را
 بگیر و بگو **يُهَا بَلَدٌ وَ دُمُّهَا يَدٌ وَ عَظْمُهَا يَعْظُمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَ قَاعًا لِي فَحَمْدِي صَلَی**
اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخوان **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ**

علیه و آله فرمود که کسی که مسلمان شود شصت و یک سال اگر چه پشیمان باشد و در چند حدیث وار شده است که خفته کردن مردان سست است و زنا را سست است اما باعث این می شود که نزد شوهر آن گرامی باشند و چه چیز ازین بهتر می باشد و در روایتی از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که خفته بکنید زنا را اگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول است که چون زنان بخندست حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اجرت کردند زنی آمد که او را هم سبیه گفتند و زنا را خفته میکرد حضرت فرمود که ای احب سبیه آنکاری که بدشمنی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه منی سرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیا سوزانم که چه باید کرد چون شصت و یک زن را بسیار مبر و انگلی بگیر که روزی انورانی و رنگ را صاف تر میکردند و نزد شوهر عزیز میباشد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنا را مشاطگی میکرد حضرت یاد فرمود که چون زنا را مشاطگی کنی برای جلادان پارچه های جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان می برد و بگو دیگر از ابوهی ایشان بپویند کن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت خفته کردن پسران ایند عاجزاند و اگر در آن وقت بپوشد و یا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخواند که از و حرارت آید رانند کشتن غیره آن دفع میکند دعایین است اللَّهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتَّبَاعُكَ يَا لَكَ لِيَبَيِّنَكَ بِمَشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَقَضَاكَ لَا مَرَادَ قَدْرًا وَقَضَاءَ حَقِّهِ وَأَمْرًا نَفْذَةً فَادْفَعْهُ خَرَّ الْحَدِيدُ فِي خِيَانِهِ وَجَحَامَتِهِ لَا أَمْرَ أَنْتَ أَعْرِفُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّلِّ وَالْوَيْبِ وَزِدْهُ فِي شَرِّهِ وَادْفَعِ الْإِخْفَافَ عَنْ بَلَدِهِ وَكَوْجَاعَ عَنِ جَنَّتِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنِ الْفَقْرِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا تَعْلَمُ وَأَرْحَمِينَ مِنْ خَالِدٍ مُنْقُولٍ است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تهنیت و مبارکباد فرزند را چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد چهر میل برای تهنیت بخیرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و در شش روز باشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در روز هفتم چهر میل آمده و باینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست و در گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام

منقول است که اگر پیرمی اخته نکند و باز خلاف بروید و سر خفته را پنهان کند باید که بار دیگر خفته
 نکند و از زیر که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول سیکه خفته اش در خلاف باشد تا چهل صباح
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که خسته نکرده باشد پیش نمازی مردم نکند
 و گواهی او مقبول نیست و اگر بگیرد بروی نماز نکند زیرا که بهترین پشتبانی پیغمبر ترک کرده است
 مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که اقل زنی را که خسته کرده اند
 باجره بود و از حضرت اسمعیل که ساره مادر اسحاق از روی غضب این خسته کرده باعث زیادتى خوبی او
 شد و از آن روز سنت جاری شد که زنا را خسته نکند فصل یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت
 فرزندان در حایت ایشان بدانکه مشتهای شیر دادن فرزندان دو سال است و شهر میان
 علمائست که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جائز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطرب
 باشد و از بیست و یک ماه کمتر بد مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد
 و مادرش شیر ندهد یا آزاری داشته باشد و بعضی علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند
 شیر اقل که بیست و نه ماه آید و از شیر یک سالی نامند و گفته اند که اگر آن شیر را نهند طفل را نماند با تو
 نمی آید و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که نافع ترین و مبارک ترین شیر برای
 فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند
 که مادر اسحاق فرزند خود را شیر میدهد فرمودند که ای مادر اسحاق از یک پستان شیر ده از هر دو پستان
 شیر ده که یکی بوضطام است و یکی بوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یک ماه شیر دهند
 بفرزند خود ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گیر شیر نه بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی
 میتوان گرفت اما فرزندان ایشان نباید و او که بخانه خود بزند و منع می باید کرد پس از آن خود درون
 شراب و گوشت خوک و سایر چیزهای که حرام است در دین علما مان و ایشان حلال میدانند و در
 احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که
 اگر گزیری نماند و فرزند بهم رساند اگر صاحبش حلال کند نیز خود را و آن مردی که زنا کرده است آن شیر را
 بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و چهرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از شیر زن احقر یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که مشیر

در فرزندانش میکند و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که دایه بگیرد که بصورت و سیرت
 نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرازیت میکند و طفل شبیه می شود باید در صورت و سیرت و آزار
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرزند خود را تا هفت سال بگذارد که باز نمی کند
 و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیکبخت شود دیگر سعی کن و اگر نه امید
 چیزی از او نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذارد که باز نمی کند و بعد از آن
 تا هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا او را بیاموز
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طفل را تا هفت سال نگهدارد و تربیتش
 باید کرد و هفت سال دیگر آداب با او باید آموخت و هفت سال دیگر حدتش باید فتنه نمود
 تا بابت و در سال قدش بلند شود و ناسی و پنج سال عفتش زیاده بشود و بعد از آن او را تجربه
 حاصل می شود و در روایت دیگر دارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که
 با یک دیگر ایشان را در یکسکاف بخوابانند و در روایت دیگر دارد شده است که پسران
 و دختران که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را بچندین و حضرت صادق علیه السلام
 فرمود که فرزندان خود را از دو احادیث بیاد بدهید که مخالفان مذہب ایشان را گمراہ نکنند
 و دو احادیث مغرره وارد شده است که نادیده کنید فرزند خود را بر محبت علی بن ابیطالب
 علیه السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول
 محبت امیر المومنین علیه السلام نمی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که محبت ما اهل بیت
 را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا کند که بپایش خیانت نکرده است و از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند
 و نیکو تادیب نماید و کسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدایت
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد گفت من غمگین ام فرمود که سبب غم تو چیست
 گفت خدا بمن دشمنی داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش
 بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا بخورد پس فرمود که او را چه نام کرده
 آنست فاطمه حضرت فرمود که آه و آه و دوست بر پیشانی گذاشتند و گفتند که رسول خدا

صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که حق فرزند بر پدر اگر کبر باشد آنست که وای نه یکسب برای او بگوید
 و نامش نیکسب تعجب کند و قرآن با و بیاموزد و او را خفته کند و شنگاری او را بیارد و پدر و اگر
 دختر باشد مادر بر او وای نه نیاست و او پدر و نامش را یکسب کند و سوره نور یاد او دهد و سوره یوسف
 بیاموزد و در بالاخانه او را جاند و در دوا را بخانه شوهر و دستبرد پس فرمود که چون فرزند
 خود را فاطمه نام کرده او را دیشام ده و تقرین کن و مزن و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
 الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بفرزدان خود
 بیاموز از نیایشنا کردن و تیراندختن را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شغی و کوچ خلقی
 طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم مرویست که هر دو مادر را نیز گناه محق فرزند می باشد و طاق فرزدان می شوند
 چنانچه فرزدان عاق پدر و مادر میشوند فرمود که خدا رحمت کند پدر و مادری را که یار نمی شنند فرزدان
 خود را در نیکی کردن بایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که خدا رحمت کند کسی را که احانت نماید فرزند خود را بر نیکی او را لا
 عرض کرد که چگونه احانت کند فرمود که کار آسانی که از و بجل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار
 باشد نکند از و در گذرد و تکلیف بایی دشوار با و نکند و سفاقت و سندی با و نکند و در حدیث
 دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که بالینکی کنم
 فرمود باید و مادر است گفت ایشان مرده اند فرمود با فرزدان خود نیکی کن و در حدیث دیگر
 فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید
 بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید بدان زیرا که ایشان گمان میکنند که شمار و میسرید ایشان را و حضرت امام
 موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نکند برای چیزی باند آنکه غضب کند از برای ظلم بر زنان
 و طفلان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که فرزند خود را
 ببوسد خدا سه مرتبه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند در قیامت خدا او را شاد کند و هر که
 قرآن بیاموزد بفرزدان خود در قیامت پدر و مادر او را بظلمت ببیند و در حدیث بایشان پوشانند
 که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شوند و در حدیث دیگر فرمود که شخصی نزد حضرت

حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و گفت که هرگز اطفال خود را نبوسید و ام چون او رفت
حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جنتم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد
باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب
آنکه بسیار دوست میدارد و فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم دیدند شخصی را که دو پسر داشته یکی را بوسید و یکی را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم
مهربانی نکردی به آنکه بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهند مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر
باشد باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که چون پسر سه ساله شود با او بگوئید که هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال بهفت
ماه و بیست روز از عمر او بگذرد بگوئید که هفت مرتبه بگوید مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ پس چون
چهار سال تمام شود بگوئید با او که هفت مرتبه بگوید صَلَّى اللهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس چون پنج سالش
تمام شود او را میدارند که خدا را سجده پس چون شش سالش تمام شود نماز بیادش بدهند
و چون هفت سالش تمام شود وضو و نماز خوب بیاد او بدهند و امر بنماز کنند او را و چون نه سالش
تمام شود وضو و نمازش را خوب بیاد او بدهند و برترک وضو و نمازش بزنند پس چون وضو و نماز
رایا و گرفت خدا پدر و مادرش را می آموزد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین
صلوات اللہ علیہ وآلہ نهی فرمود از آنکه هر یک از این اطفال پو شانند یا بیست ایشان بدهند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که از چربی و کسافت دست و روی اطفال را در شپش از خواب
بشوئید که شیطان می آید و ایشان را بوس میکند و در خواب می ترسند و ملائکه نویسندگان اعمال
متأذی میشوند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است که هر که بازار رود و بخت
بخرد و بردارد و برائی عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدقی برای جمعی از فقرا بر داشته و ایشان
رسانیده است باید که اول بدختران بد بد پیش از پسران بدهد و بگوید که هر که دختری را خوشحال کند چنانست
که بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده است و کسی که دیده پسر را روشن کند و او را شاد کند چنانست
که از ترس خدا اگر گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگریزد خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که باطفال خود بخورانید قادوت را که گوشت در بین ایشان

میر و یار و استخوان ایشان را حکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخور این پیش از آنکه زود تر بموت
برساند ایشان را و زود بجد بلوغ و جوانی میرساند و در کتاب طب الایمة از حضرت امیرالمومنین
علیه السلام منقول است که اگر طفل گری بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی از دردی بیداری
بروستن می شود این آیه را بخواند *فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَّةً إِنَّهُمْ لَا تَسْمَعُونَ*
لِنَعْلَمَ آتَى الْجُنُودِ إِنَّا فَتَقْنَاهُمْ ذُرِّيَّتَهُ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ إِتَىٰ يَوْمِهِمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ
شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن نه نشاند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امام رضا علیه السلام بچلی بودند و دختری را بچلس آوردند مردم می بوسیدند و در دامن نه نشاندند
چون نوبت بحضرت امام رسید پرسیدند که چند سال دارد گفتند که پنج سال است حضرت او را دود
کردند و نبوسیدند و بدامن نه نشاندند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش
تمام شود مادر او را برهنه و در پهلوی خود بخواباند که بمنزله زنان است و در حدیث دیگر وارد شده
است که دختری که از شش سال بگذرد و پسران او را نبوسند و پیری که از هفت سال بگذرد
زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را
ضایع گذارد و خرج ندهد پیش از این با قدرت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال آدمی
اسیران او نیست پس سیکه خدا نهد تا با او گریست کند باید که بر اسیران خود تو شیخ کند و اگر نکند بر او
آن نعمت از او زائل شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر
یا دو عمت یا دو خاله را بکشد حاجب و مانع او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در بهشت درجه هست که بان درجه نمیرسند مگر سه کس امام عامل و شخصی که احسان بخویش
خود بکند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که پنج کس اند که نفقه دادن ایشان واجب است فرزند و پدر و مادر و بنده و زن
و فرزند شام فرزند فرزندان هم میشود هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جد پدر و مادر می است
هر چند بالا روند فصل دوازدهم در بیان حق پروردار بر فرزند و وجوب رعایت و حرمت
ایشان بدانکه رعایت و حرمت پروردار از عمده شرایع دین است و ایشان را از خود راضی
داشتن از جمله شرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده داشتن

از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرمود که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا از کفر منع
نکنند که کافر شود پس بآب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو معاشرت کن و در آخرت
مستغیر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا چیستی یکن
حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شکر کنی و پدر و مادر تو را بآتش بسوزانند مگر آنکه بر زبان
عرفی بگویی دولت ثابت بر زبان باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر کنی و با ایشان نیکی
کنی خواه زنده باشند خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری یکن که این از جمله ایمان است
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که نام او را گویند
پس انوراه نرود و پیش از آنکه پدرش بشیند او نشیند و کاری نکند که مردم به پدرش ششام دهند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شمارا که احسان بپدر و مادر خود خواهد کرد
باشند خواه مرده یا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و روزه برای ایشان بدارد حج به نیابت
بکند و آنچه میکند ثوابش آنها عائد می شود و هم بخودش سبب آن نیکی که با ایشان کرده است خدا
ثواب بسیار او میدهد و در حدیث منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادر است ناسه مرتبه پرسید و چندین بار فرمود و در مرتبه
چهارم فرمود که با پدر است و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله بسیار غیبت دارم چه باید کرد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا
اگر شته شوی زنده خواهی بود و نزد خدا و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مرگت
بر خد است و اگر زنده برگردی از گناهان بدرائی مانده روزی که از مادر متولد شده گفت
یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من حس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت
فرمود که پس باید که با پدر و مادر خود باشی حق آنخداست که جانم بدست قدرت اوست که انسی که
یک شبانه روز از ایشان با تو داشته باشند هشتاد سال در راه خدا جهاد کردن و حضرت
انام متوجه باقر علیه السلام فرمود که کسی ببنده ای حق پدر را سنے تواند داد اگر در دو چیز یکی آنکه
پدر بنده باشد و او فرزند و آزاد نماید دوم آنکه برو قرضی باشد او را ادا کند و در حدیث دیگر فرمود
که گاه هست که کسی نیکو کار است با پدر و مادر زندگی ایشان و بعد از مردن قرضش را ادا

نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر سنبود و گاه هست که کسی عاق ایشان است در زندگی ایشان پس چون مردن قرض شان را او میسکند و استغفار از برائی ایشان میکند پس خدا او را نیکو کار مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه در آن رخصتی نداده است اول ندادن امانت از هر که باشد خواه نیکو کار خواه بدکار دوم وفا بعهده و پیمان خود نکردن خواه نیکو کار باشد خواه بدکار سوم نیکی با پدر و مادر نکردن خواه نیکو کار باشد خواه بدکار باشد و در حدیث دیگر فرمود که از نای حقوق پدر و مادر آنست که آن بر سر او ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود که چون روز قیامت شود پروه از پردهای بهشت بکشایند پس هر صاحب جانی بوی آن از پانصد ساله را بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از روی غضب و خشم نظریه پدر و مادر بکند و در قتل و غلام کند ایشان خدا هیچ نماز او قبول نمیکند و در حدیث دیگر فرمود که از حقوق است آنکه کسی ننزد نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پیشان او راه میرود و تکیه بر دست پدرم کرده است پدرم دیگر آن پسر سخن نکر و تازنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پیران خود نیکی کنید تا فرزندان شما با شما نبر نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما با شما عفت کنند و فرمود که هر که خواهد که سکرات مرگ بر و آسان شود باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقیقی بر و آسان کند و هرگز در زندگی او باو پشیمانی نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار نصیحت است که هر که از مؤمنان در آن حاصلتها جمع شود حقیقی در اعلیٰ علیین مراتب بهشت و در بلندترین مرتبها عزت و شرف او را جادهد که سبکه قیمتی پناه دهد و دست و پا خوار او شود و برائی او بجائی پدر باشد و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را مشکفّل شود و کسیکه خرچ پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان بد را کند و نیکی با ایشان کند و پشیمان از هرگز آزرده نکند و کسیکه باندۀ خود یاری نماید و سخاوت و سندی نکند و اعانت کند او را در زماناتی که باو سیفر باید و کاری که باو دشوار باشد نصیب او در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه وعاء است که لهیبه مستجاب است دعائی پدر و مادر بر او فرزند نیکو کار و نفرین ایشان بر فرزند بی که عاق باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعا

منظورم بزرگی سبب انتقام او از آن ظالم باشد و دعائی مومنی که برای برادر مومن کند که او را از بر سر
 رعایت مال و بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مومنی که سببیک برادر مومنش باز متوجه
 شده باشد و قدرت داشته باشد که او را عانت کند و کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شوق و مهر بانی بسوی پدر و مادرش نظر کند
 بهر نگاه کردنی ثواب یکسجده مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله چه خبری است
 نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم تر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت
 است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نگاه کردن بسوی پدر و مادر از روی مهر بانی عبادت
 عبادت است و نظر کردن بر روی برادر مومن که از پرائی خدا دوست دارد و عبادت است
 و فرمود که سگناه است که عفو بخشند و در دنیا باین سبب سر عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم
 و کوتاهی نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است
 که در میان بنی اسرائیل عبادی بود که او را هیچ می نامیدند و صومعه خود پیوسته بعبادت مشغول
 بود و روزی مادرش نزد او آمد و مشغول نماز بود او را داد و او جوابش نداد و بار دیگر آمد و او را
 طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سوم آمد و او را طلب کرد باز باو سخن گفت
 و مشغول نماز شد مادرش گفت از خدائی بنی اسرائیل بخواهم که ترا باین گناه بگیرد و روزی دیگر نزد
 زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزند زنا مید گفت ای من زنا کار
 هست که با من زنا کردی این من زنا کارم که در بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکه مردم را
 بزنا ملاست میکرد و خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را باین گناه پسند پس او بر سر خود میزد
 جرح گفت خاموش باش که این بلا نفرین تو توجه من شده است چون مردم این شنیدند که بسیار
 آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند چون باینیم که تو هست میگوئی گفت آن
 طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل با مرا آهی سخن آمد و گفت که فرزند
 فلان کس که شبانی گوشت از آن فلان میکند پس آن گشتن نجاست یافت و سوگند خورد که مازنده باشد
 خدمت مادر بکند و از وجدانشود و عادت در باب پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا
 تر از نمود باین چرخ در بیان او باین سوگند کردن و شانه کردن و شارب سبک رفتن

و سرراشیدن و اینحال آن فصل اول در بیان فضیلت مسواک کردن در آحاد و پیش معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سخت پیغمبران است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پوسته جبرئیل مرا امر مسواک میکرد اما آنکه رسیدم که دندانها
ساییده شوند بر این روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر مسواک میکرد که گمان بردم که بر
آنست پس واجب خواهد بود که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خلعت
است از سخت پیغمبران پاکشونده و آن است و جلاد و نهنده چشم است و موجب خوشبودن
بر مردم است و بغم را دفع میکند و حافظه را زیاد میکند و دندانها را سفید میکند و حساسات را
مردمان را میگذارد و پوست انداختن و بوسیدن دندان را مبر و دهن دندان را محکم میکند و شستن
دندان را زیاد میکند و آنکه آن خوشحال می شود و در حدیث دیگر فرمود که آب بخورن چشم را
بر طهر حنفی میکند و نورش را زیاد میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من آنها
شمار از روی پیغمبر امسواک نمیکنی و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه و آله و سلم فرمود که بر تو باد مسواک کردن بر هر نمازی و بسند معتبر منقول است از حضرت
امام موسی و امام رضا علیه السلام که سستیگاه خفیه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام
ده است پنج و در هر پنج و در بدن اما آنها که در ده است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی
سر را و حصه کردن که جای مسج کشوده شود و مضغه کردن یعنی آب در دهان کردن و گردانیدن
و بخورن که خوششاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است
پس شستن کردن و شستن زانها را کشیدن و موی بطنها را کشدن و استنجا کردن و ناخن گرفتن
و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن
و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلل کردن و آن پنج که در بدن است موی بدن را از آله
کردن و شستن کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا با آب کردن و از حضرت رسول صلی
علیه و آله و سلم منقول است که اگر این نه بود که بر تن است و شوار می شد هر سیغنه واجب بگیرد و این
پیشتر که در وقت هر نماز مسواک کنند و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بمان
شب بخیزی مسواک کن که ملک آید و دهان خود را بر دهان تو بگذارد و هر چه از قرآن و حدیث

و ذکر میخوانی آسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت
 امام موسی علیه السلام پرسید که آیا میتواند کسی که نماز شب بر خیزد و با بخت مسواک کند و او
 تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که سبج طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر
 منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک کردند
 بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم منقول است که سه چیز است که حاققه را زیاد میکند و در دو پای بد نرایی برد کند رخایدن
 و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سفت پیغمبران
 است بونی خوش کردن و بازمان نزدیکی کردن و مسواک و خضاب بجا کردن و آن امام
 محمد باقر علیه السلام منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بد بوی کافران حق تعالی
 باو وحی فرمود که ای سبب قرار گیر که بعضی ایشان جماعتی را بسوختن و باو هم فرستاد که دندانهای
 خود را بشوید در خان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که شخصی از
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که
 مسواک را پیش از وضو می باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بپزد و بعد از وضو مسواک
 کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و آنحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
 منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و نماز بایستد پاک آید و دهان را بر دهان او میگذازد
 و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می آید و قرآنش می شنود و آنحضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد
 رکعت نماز که بی مسواک باشد و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مسواک کند باید
 که بعد از آن مضمضه کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسواک
 بعضی دندانها میمالیدند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا سورت
 کند دهان است و آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مسواک کردن در مسام
 دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگر چه بیک مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سرتراپین و آداب آن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که سه چیز است
 که هر که لذت آنرا یابد هرگز ترک نمیکند مورا از بیج گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطنی کنسیران
 و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موسی سدا از بیج بگیر تا جرک بگیر و جامه نوزان در آن جا
 بکنند و گردنت گنده شود و دیده است جلایا بد بخت راحت یابد و نیز فرمود که من هر جمعه
 سری تراشم و در حدیث دیگر فرمود که موسی پشت سر تراشیدن غم را زایل میکند و در حدیث
 صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون سحر بلند شود چشم را ضعیف میکند
 و نورش را کم میکند و پیش را از آله کردن چشم را جلا میدهد و در فقه الرضا منقول است که چون
 خوابی که موسی سدا تراشی رو بقبله کنی و اندک کن از پیش سر از جانب پیشانی و بر آتش تا دو آغوش
 که از پهلوی گوش بلند شده اند و در حدیث شروع آیند عا بنحوان بسم الله و بالله و علی علیه السلام
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خیفاً صلیاً و ما اقام من المشرکین اللهم اعطنی کحل
 شعری نوراً یا ایاک نعبد و ایاک نستعین و فیما یوم القیامه و چون فارغ شود بگوید اللهم ربی بالتقوی و جنتی الزدی
 و جنت شعری و بشری المعاصی و جمیع ما تکره منی فانی لا املک لنفسی نقماً و کضراً
 و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع آیند عا بنحوان بسم الله و بالله و علی
 علیه السلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم اعطنی کحل شعری نوراً یا ایاک نعبد و ایاک نستعین و فیما یوم القیامه و چون
 فارغ شود بگوید اللهم ربی بالتقوی و جنتی الزدی فصل سیوم در آداب موسی سر نگاه
 داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذر سی موسی سرتراشیدن حرام است و
 مردان را یکی از دو چیز مسمت است یا آنکه موسی سدا تراشند و این بهتر است و یا آنکه موسی سدا تراشند
 و تربیت کنند بدانکه بشویند و شانه کنند و موسی پیش بر آید و حکمت کنند که در میان سرتراش موسی ظاهر
 شود و چون در اول اسلام موسی سرتراشیدن عیب عظیم بود و در میان عرب و غیره و امام نمی باید
 که کاری بکند که در نظر با قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موسی سدا را بقدر چهار
 انگشت میکشاشتند و در حج و عمره موسی تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم منقول است که هر که موسی سدا را بلند بگذارد و نیکی و رعایت و تربیتش کند یا آنکه از تن برود و بگذارد
 و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم موسی سر را دو حصه میکرد و میخورد و میانش را می شکافتند فرمود که
 آن حضرت مورا بحد بلند نمیکذاشتند که احتیاج باین نبود بلکه آنقدر بلند میکردند که به زمره
 گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موسی سر را نمیکذاشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که
 موسی سر را بلند بگذارد و میانش را نکشاید حقیقی در قیامت باره از آتش کیشاید و در حدیث
 وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر چه بود از آنکه زنی بحد بلوغ رسید
 و جمیع موهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر بروش مردان گره زد و در حدیث
 دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود از کاکل گزشتن و سر را
 در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب
 آنکه موسی سر را در پیش سر گره می زدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب
 آن باشد که متعارف است در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سوسه
 و غیر آن در آن میزنند که رنگش میماند و احتمال دارد که نقشهایی خضار هم شامل باشد و در
 حدیث دیگر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موسی بالا بکشد
 پیشانی خود را می برد یا میکند و موهای رور را میکند از برای زینت یا آنکه کیس خود را با کیسه باف
 می بافد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موسی حیوانات یا موسی همان
 زن خودش بافد باکی نیست اما با موسی زن دیگر بافد موسی زن دیگری را با موسی خود پیوند
 نکند بدانکه اگر با موسی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز با وضو باید
 باشد که در آن نماز کردن درست نیست مگر شتم و موسی که پیشتر مذکور شد که در آن نماز میتوان کرد
 فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن یعنی موسی لب بالا گرفتن سنت موسی است
 هر چند پیشتر بگفته بهتر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که شارب
 خود را در از غنیمه که شیطان در آن پنهان می شود و جا میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که شارب گرفتن دفع غم و کوهسکنی و از سنت رسول است و حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم فرمود که سنت است شارب گرفتن تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق
 علیه السلام شارب را آنقدر می گرفتند که بته موسی میرسید و از حضرت صادق علیه السلام منقول

که ناخن و شارب گرفتن از جهت جامع دیگران میسر از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است
 که شخصی است آنحضرت آمد و عرض کرد که دعائی تعلیم کن که باعث زیادتى روزى شود حضرت
 فرمود که شارب و ناخن بگیر و بایه که در روز جمعه باشد و در حدیث شامیه دیگر از آنحضرت منقول است
 که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید اللهم و یا الله و علی سنة محمد
 و آل محمد بعد از هر روزه که از نمودن ناخن او ببرد حق تعالی ثواب یکسده بنده از فرزندان اسماعیل
 آزاد گردان باو عطا کند و بیار نشود مگر به چاهای مرگست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقول است که هر که در روز شنبه و چهارشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و چشم
 و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرد و ریش را بلند بگذارد و به پودان گسبان خود را
 شبیه کشید و فرمود که از نافست هر که شارب را بگیرد فصل پنجصد و اربعین از ریش بماند گذاشتن
 بدانکه سنت نموده است ریش را میان گذاشتن بسیار بلند بسیار کوتاه و زیاده از یکتسه بگذارد
 کرده است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است
 اما بر دو دو طرف لب پائین را تراشیدن جائز است و احوط آنست که اصلاح بسیار نند
 که شبیه تراشیدن باشند کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه از ریش زیاده
 از یک قبضه است در آنش است و در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیرد و آنچه زیاده
 از یک قبضه است ببرد و از محمد بن مسلم مذکور است که گفت دیدم که مصلحی اصلاح ریش حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام میکرد و حضرت باو فرمود که ریش را دور کن و از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخشی گذاشتند که ریش دراز می داشت
 فرمودند که چه میشد این مرد اگر ریش خود را با اصلاح می آورد چون این خبر باو رسید ریش خود را میان
 ساخت و بخدمت آن حضرت آمد فرمود که چنین کشید ریش را را و در حدیث معتبره منقول است
 که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوبائی رو را تنگ میکردند و مویش را در فرق را بهم میچیدند
 و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را تنگ میکردند و انبوه نمیکذاشتند و علی بن جعفر
 از حضرت امام موسی رضا علیه السلام پرسیدند که از روی ریش میتوان گرفت حضرت فرمود
 که از عارض یعنی از پهلوبائی روبلی و از پیش رو و در حدیث دیگر است که حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله علیه فرمودند که در زمان پیش گرویی بودند که پیش می تراشیدند و شارب می تابانیدند
حق تعالی ایشانرا منیخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون حقیقتاً
توبه آدم علیه السلام را قبول فرمود ستر سجده گذاشت و چون سببر داشت رو با آسمان کرد و گفت
پروردگار احسن و جمال مرا زیاده کن پس بعد از آن پیش سیار سیاهی بر رویش رویید و بیشتر زیش
نداشت گفت پروردگار این چیست با و وحی آمد که این زینت تو و زینت مردان فرزندان است
تا روز قیامت فصل ششم در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که پیش از زمان حضرت ابوالحسن علیه السلام موی سفید در سر
درش بهم نمی رسید گاه بود که کسی بجای آن آمد و پدر و فرزندان او را در مجلس حاضر بودند میان پدر
و فرزندان فرق میکردی پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زبان حضرت ابوالحسن علیه السلام
شد و کار کرد خداوند ابرائی من موی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و زیش
سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسیکه موی سفید در محاسن او بهر رسید
حضرت ابوالحسن علیه السلام بود و چون نظر کرد موی سفید در زیش خود دید گفت پروردگار این چه
چیز است خطاب با و رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگار و وقار مرا زیاده
گردان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابوالحسن موی سفید
در محاسن خود دید گفت حد و سپاس خداوند را سزا است که مرا این حسن رسانیده و در یک
چشم زدن معصیت او نکرد ام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که موی سفید را
نگه مید که آن نور مسلمانی است و هر که یک موی سفید در زیش او پیدا شود در سلام نور کبریا
از برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کسی که کس از آن که خدای تعالی
در روز قیامت ایشانرا سخن نگوید و بگوید رحمت بسوی ایشان نمی انگذد و اعمال ایشانرا نمی پسندد
و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با ذکر خود دست بازی
کند که او را نمی بیاورد یا با جابجایی دیگر بدن خود بکشد و کسی که دیگران با و لواطه کنند و این حدیث
دور نیست که محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما

واخرف عني كيد الشيطان ولا تمكثه من قيادي في ذنبي على عقي پس بر ومانشانه
 کند وگوید اللهم زيني بزينة الهدى پس ریش را از طرف بالا بر شانه کند و شانه را بر سینه بماند
 وگوید اللهم شريح عني الهموم والغموم ووحشة القدر ووسوسة الشياطين
 پس از پائین ریش طرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناك في ليلة القدر بخواند و در روایت دیگر در
 شده است که چون خوابی ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره انا
 انزلناك بخوان و از طرف بالا بجانب پائین هفت مرتبه شانه کن و سوره والعايات بخوان
 پس بگوید اللهم شريح تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که هفت
 مرتبه شانه برسد و ریش و سینه بشود و روی نزدیک ادنیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام
 منقول است که ایستاده شانه کن که باعث ضعف دل می شود و شسته کن که دل را قوی میکند
 و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 با آب شانه میکرد یعنی شانه را با آب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است
 که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخواند اللهم صل على محمد و آل محمد
 و انبئني جمالاتي خلفك و زينتي في عبادك و حسن شعري و تبري و لا تبتلني بالنياف
 و از مرقی الحاقبة بین برکتك و الرحمة من عبادك يا ارحم الراحمين و از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که هر که ایستاده شانه کند صاحب بخت می شود و از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی می شود و در حدیث دیگر منقول
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ریش را از طرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا
 هفت مرتبه شانه میکرد و میفرمودند که روزی را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن
 منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد
 فرمود که بآبی نیست و از حسن عاصم منقول است که بخندست حضرت امام موسی علیه السلام و گفت
 دیدم که حضرت شانه استخوان فیل در دست داشتند و آن شانه میکردند گفتند فایده شوم جمعی پرسید
 هستند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نمیدانند گفت چرا پدرم یک شانه یاد و شانه از این شست
 پس فرمود که شانه کنید استخوان فیل که تپ را می برد و در حدیث بسیار وارد شده است که

ابره علیه السلام بشانه استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بشانه لقره و لقره نشان شانه کردن کرده است **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و دروغن مالیدن **فصل اول** در بیان سبب پیداشدن بویهای خوش در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا از بهشت از زمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار کرده و حضرت حوا بر کوه مرده و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده بود و بسته بود چون بر زمین آمد گفت چو امید داشته باشم از مشاطگی که در بهشت کرده ام و حال آنکه خدا از من در ششم است پس کیسوا خود را کشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او بویوسد و ریخت باد بشرق و مغرب برده و کبشهر را در زمین هفت فرو ریخت باین سبب اکثر بویهای خوش در زمین میرود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون حضرت آدم علیه السلام از آن درختی که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود بامه با و زیورهای بهشت همه از او فرو ریخت پس بگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بر زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را به ندر رسانید و درختها و گیاههای هند را خوشبو گردانید باین سبب گیاههای خوشبو در هند میباشد و اول جا که از آن برگ بهشت یا از آن گیاهها خورد آهویی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خون او جاری شد تا آنکه جمع شد و در پیش ناخن و از آن مشک به هم رسید **فصل دوم** در بیان فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مردی که ترک کند بوی خوش را هر روز و اگر قادر نباشد یک روز در یکروزه اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را بسته ترک نکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و اگر می دانستی ملائکه است که اعمال آدمی می نویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بگذارد تا شب عطرش با او باشد و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز

بی بوی خوش و سوسمود که سه چیز است که جدا پیغمبران را داده است بوی خوش و زنان و سوساک
و در حدیث دیگر فرمود که لازم است هر انقی را که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش
بریزد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون روز جمعه میرسید بوی خوش نزد آن حضرت
نمود و پاک بعضی از زنان میطلبیدند که بوی خوش داشت تر میکردند و بر روی مبارک خود میمالیدند
و در حدیث دیگر منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که مسجد بود میفرمودند منظرستان
بعد از آن شناختند آن موضع را از بوی خوش آن حضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که جبریل میگفت
که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه بسته ناچار است ترک کن میفرمود که در روز
جمعه بسته خود را خوشبو کنید اگر چه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مطعون نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض نمود که میخواهم که بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترک کنم
حضرت فرمود که ترک بوی خوش نکنی که ملائکه بوی خوش مومن را می بویند و در هر جمعه بسته
ترک کن و سوسمود که هر چه حرف نمائی در بوی خوش سه افیت و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمودند
که بوی خوش زنان باید که زنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و زنگش
مخفی باشد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که ناخن بگیرد در روز شنبه و حمام
بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنی در روز پنجشنبه و بهترین بویهای خوش خود را خوشبو
کنی در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را بیکشاید
و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و غسل خوردن و سواری کردن و سبزه نظر کردن و حضرت
امیرالمومنین علیه السلام فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود خوشبو کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه خصلت
بود که در دیگری نبود اول آنکه آن حضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نیگذاشت که آنکه در روز
یاسه روز که کسی از آن راه میگذاشت میدانست که آن حضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوش که در آن
راه مانده بود و سوم آنکه هر سنگی در دستش میگذاشت آن حضرت را شیشه میکرد و عبور آن حضرت معلوم بود
بسبب بوی خوشی که آن حضرت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است

که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید با بوی خوش بپوشد لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد
فصل ششم در کره است رو کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی
می تواند که بوی خوش را که برای او بیاورد و نذر کند و قبول کند فرمود که سزاوارست او را که رو کند که راست
و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبوی
حضرت گرفتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی
خوش را نپوشیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رو بپوشید
بوی خوش و شیرینی را که از برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام برای طلب مشک که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار و بر خود مال
قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گویا این گردن خود مال و مالیدم پاره دیگر
که مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا مال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المومنین علیه السلام
می فرمود که رو نمیکند که است را اگر خر گفتم که است که ام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای
نشستن و بیکه کردن تواضع کنند و مانند آن **فصل چهارم** در فضیلت مشک و عود
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشک است و عود و عطران و عود
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشک در آن قلمی داشتند
و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آنرا می طلبیدند و از مشک بر خود می مالیدند و در حدیث
دیگر وارد شده است که شبیه پراز مشک میگذشتند در جائی نماز و هرگاه نماز بر میخواستند
بر خود می مالیدند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آنقدر مشک
بر خود می مالیدند که رنگش مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشک در آن داشتند از عاج هرگاه وضو میخواستند یا دست
آنها را میگریستند و چون بر می آمدند میبویستند بسبب بوی خوش که می آیند بهیچ و در حدیث دیگر فرمودند
که حضرت امام رضا علیه السلام حقیر و بی می آوردند از آنوس و در آنجا نه بود که در یک خانه بوی
خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جهم از حضرت امام موسی
علیه السلام سوال کرد که آیا مشک را در روغن میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من نمیکم

جوابی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک را داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خود را بشکست و بر خوشبو میکرد و در آراء ایشان در مزج خلوق بسیار وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز بعمل می آورند و یکسب جزو شغیر است و آن بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که برادرم بر آن می کشند و در روایت دیگر وارد شده است که شب بصباج بر بدن نگذارند و دو نیست که این نبی را برای آن باشد که رگش در بدن بسیار نماند فصل پنجم در فضیلت غالیه پسند موثق منقول است که اسحق بن عمار بنجد است حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار مسوئکم و غالیه بر خود میالم برای آنکه فرستیدند از حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساوی است کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بخالد کافی است او را اسحق گفت که لعنیه نموده آنحضرت عمل نمود و سالی بده در هم غالیه میخرم و تمام سال بان خوشبو می شوم و در حدیث دیگر منقول است که علی بن حسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبسه و عباخی سبز پوشیده بودند و ریش خود را با غالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که درین شب با چنین سیست برای چه بیرون آمدید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران باشند را از خدا خواستگار می نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که روغن برای آنحضرت بعمل آوردند که در آن مشک و غلبه داخل کردند فرمود که در کافور و تیا لکری و سوره حمد و معوذتین و آیات چند از آیات حفظ نوشتند و در میان خلافت شیشه آن درخت گذاشتند و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که روغن را با مشک برای آنحضرت بعمل آوردند بیفت صد درهم بر آید فضل بن سهل وزیر مأمون بحضرت نوشت که مردم شما را درین باب عیب می کنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانید که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه طلا بافی پوشید و بر کمرهای طلای شست و باینها از حکمتش چیزی کم نمی شد پس حضرت فرمود که باز غالیه خستند چهار هزار درهم فصل ششم در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشده را نرم میکند و دماغ را زیاده میکند و بجا آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را بد حالی و تنگی و زبری

بر طرف میکند و در نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن بالمیدن
 تو نگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میگرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 منقول است که در شب روغن بالمیدن در سروق بدن جاری میشود و بشیر را سیراب میکند و در روز
 سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی روغن بالمیدن حق تعالی برای او بعد و هر مومنی نویری
 بنویسد که در قیامت با وعظا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
 روغن را بر کف دست بریزی بگو **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الرَّزْقَ وَ الرِّزْقَ وَ الْحَبَّةَ وَ الْخَوْضَ بِكَ**
مِنَ الشَّيْءِ وَ الشَّيْءَانِ وَ الْمُقْتِرِ پس کف را در بالای سینه بگذارد و از آنجا ابتدا کند بر روغن بالمیدن
 و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الرَّزْقَ**
وَ الرِّزْقَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ و در چند حدیث
 نهی وارد شده است از مداومت بر روغن بالمیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است
 که ماهی یکبار بمالد و در روایت دیگر هفته یک مرتبه یا دو مرتبه اما زمان را هر روز بالمیدن
 بنفشه فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه
 بر سایر روغنهای مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان است
 بر سایر خلق و در حدیث دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و خبرمود که نیکو
 روغنست روغن بنفشه بسیار بالید که در دراز سر چشم میرود و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما
 چیزی نمی آید که مابیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عصبه منقول است که شعله
 از شتر افتاده بود و داغش آفت یافته بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در
 داغش بچکانند چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که اعی عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است
 و در تابستان سرد است و برای دشمنان مانشک است اگر
 مردم فضیلت آنرا بدانند هر چه سینه هر اقدیه از آن قیمتش یک شمشیر فی شود و حضرت امیرالمومنین علیه السلام
 علیه و آله فرمود که روغن بنفشه بوی پچکانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر
 مردم فوائد این روغن را بدانند هر آنچه از آن بسیار بخزند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تپ با

تجسید بر روغن بنفشه و در حدیث دیگر منقول است که در دسرا زائل میکند و دماغ را با صلاح می آورد
 فصل هشتم در فوائد روشن بان و زنبق بلکه بان شقی هندی است که آن برگی است که از آن
 روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
 دیگر منقول است که شخصی با حضرت شکایت کرد از ترکهای که در دست و پایش بهم میرسد مود که
 پسند را بگیرد روغن بان بر روی و بر ناف خود بگذارد یا روغن را بر روی دماغ آن شخص یک مرتبه
 آن کار کرد آن آزار از دزائل شده و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
 که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش وی شیطان بخوابد بقدرت الهی با وضو نتوان رسانید
 و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر خود بمالد روغن بان الا امان است
 از هر دردی و غیر این از استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
 که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی
 و امام رضا علیهما السلام درین می چکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار است و آن شفا از هفتاد و دو است و از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام نیز روایت است که روغن زنبق منافع بسیار دارد و ظاهر نیست که مراد
 زنبق سفید باشد که آنرا از آن می نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازی وارد شده است
 فصل نهم در فوائد سایر روغنهای منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت
 امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و
 بمالد شیطان تا اهل صبح نزدیک او نیاید و در بعضی از اخبار وارد شده است که روغن گل حیر
 روغن لطیف است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل
 خیر برای بدن خود بمالیدند و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 در وقتیکه صداع ایشان را عارض میشد روغن کنجد بر بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است
 که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد بر بینی بچکانند فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب
 آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد جامه باغی
 خود را بدو خوشبو دارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مرهم بوی بخور بسیار می شنیدند و عمر از

روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام بحکم رخم چون حضرت بیرون آمدند در
 رخت کن عود سوز طلب میداد و خود را خوشبو گردانیدند پس نمود که مرازم را نیز خوشبو گردانید
 و در روایت دیگر وارد شده است که چون زمان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که
 بخور سفید اقل یک سکه از خرمای میحانی که نوعی است از خرمای مدینه میگرفتند و خرمای و پوست را
 ازان دانه دور میکردند و در آتش می انداختند چون انگی دو و یکبار و بعد ازان بوی خوش می آمد
 و جامه را بر بخور می پاشیدند و می گفتند این بیشتر باعث خوشبوی میشود و از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام منقول است که خود خالص بویش بدن یا چهل روز می ماند و عود می که با بویهای خوش دیگر
 پرموده باشند بویش تا بیست روز می ماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
 یا عود حسنی خالص بخور میکردند و بعد ازان کلاب و مشک بر خود می مالیدند و در روایت دیگر
 وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخور قاری بخور میکردند و در حدیث
 دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بخور حسنی که در آن بهشت نوع از شفاست و در روایت
 دیگر منقول است که شخصی که برائی هر روز دارد آنست که ریشش را بروغن بماند و جامه اش
 بر بخور براند و تخم زین زوزه دار آنست که گیسویش را شانه کند و جامه اش را بخور براند و سبیلان
 طاهر و طاهر الرحمن روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در وقت بخور
 کردن این دعا می خواند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّالِحِينَ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ**
وَالْحَيَّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ
وَالْحَيَّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ
وَالْحَيَّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ
 که در وقت بخور بوی خوش کردن این دعا بخواند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ**
وَالْحَيَّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ
وَالْحَيَّ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ وَبَارِكْ عَلَى الْوَالِدِ
 و انواع گوناگون از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که کلاب بر روی خنجر آب ریزد و بگوید
 هریشانی را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرموده که هر که کلاب بر روی بماند در آن روز به حالی نرسد
 و پریشانی باورسد و چون کلاب بر دستها مالده خدا کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اوایل روز ماه مبارک رمضان یک گلاب بریزد و بریزد
 مد آن روز این گریه و از خواری و پریشانی و هر که در آن روز بر سرش یک گلاب بریزد و در آن سال
 از مرض سرسام و ذات الحجاب این گریه و دو بند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر دو کف را از گل سرخ پر کردند و بمن عطا فرمود
 چون نزدیک بشام خود بروم فرمودند که این بهترین گلهائی هست است بعد از گل مورد و در حدیث
 دیگر از آنحضرت منقول است که چون مرا با آسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ
 ازان روئید پس آن گل بدریا افتاد بامی خواست که بردارد و غمخس گرمی است در زیاده که سپید
 داد و دم باریک و دراز خواست که بردارد در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی الکی را فرستاد
 که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بامی داد و نصف را بشوین پس این سبب بخ برگشت سبزی
 در زیر گل می باشد و با شکل دم بامی است که آن بر طرف پری داد و دو تا شکل دم غمخس است که باریک
 است و از هیچ طرف پری ندارد و یک طرف پری دارد و طرف دیگر ندارد که شکاش مثل نصف
 دم بامی است و نصف دیگر شکل دم غمخس است و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت را
 بسجده بردند زمین از میفارقت آنحضرت محزون شد باین سبب که در زمین روئید و چون شبتند
 شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس یکم خواهد که بومی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
 استنمام کند گل سرخ را بگوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم واروده است که گل سفید از عرق من روئید و شب سلیح و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل
 از عرق براق و در روایتی واروده شده است که بومیدن زگرس در غمخس را مالیدن فضائل بسیار دارد و
 چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند حق تعالی آتش را بر او برداشت و سلاما کرد و در میان آتش
 از برای آنحضرت زگرس بهم رسید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیکو گلیست مرزن گوش درویشش میروید و آتش باعث شفائی
 چشم است و در روایت دیگر منقول است که بسیار بومیدن مرزن گوش را که قوت شامه را می آید
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بیست و یک نوع دارد و سید و بهترین همه گل
 مورد است فصل دوازدهم در آداب گل بومیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرگاه بشما گلی برسد
 بپسید و بر دید بای خود بگذارد که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر مالک بن جنی روایت
 کرده است که گلی بجزت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بوییدند و بر هر دو دیده
 گذارشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و بویید و بر دید بای خود بگذارد پس بگوید یا الله یا الله
 صلی الله علیه و آله یا محمد بن محمد بر زمین بگذارشته باشد که گناهش آمرزیده شود و از حضرت امام
 موسی بنی علیه السلام منقول است که هر که گل را بویید و بر دیده بگذارد هشتاد و سه صلوات بر محمد و آل محمد
 بفرستد حقیقی است که او از حسنات بقدر یک بیابان عالمی که در ماهین مکه و شام و عراق کشیده است
 بنویسد و از گناهای او بعد در یک آن بیابان بخواهد پاشد هفتاد و سه حمام رفتن و سه روز
 شستن و دار کشیدن و آداب بعضی از اغسال فصل اول در فضیلت حمام منقول است که عمر
 گفت که بخانه ایست حمام که عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میبرد و حضرت امیر المومنین صلوات
 علیه و آله فرمود که نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیاد می آورد و کسی را از بدن می برد و از حضرت
 امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یک روز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و در هر روز
 رفتن پیر کرده بار میگذارد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان بن جعفر منقول است که گفت بیمار شدم
 تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی گوشت بدنت
 برگردد و گفتم بلی فرمود که یک روز در میان حمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنه هر روز فرمود
 که باعث مرضی من میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسی که خواهد که فربه شود یک روز در میان
 حمام برود و دیگر روز نرود و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که غلاصه شود هر روز حمام
 برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین و دایمی شامقنه و حجامت کردن
 و دار و دیرینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است که دوای لغم حمام است
 و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را به حمام
 نبرد و در حمام تا ویل کرده اند بدو جگر اول آنکه این در بلادی است که در آن بلاد بهشت با گرمی هوا
 استیلاج ندارند به حمام نخستین دویم آنکه مراد این است که زن خود را رخصت نهد که برای سیر کردن
 به حاکم برود فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن از حمام و دعاها که باید خوانند در آنجا

معتبر بسیار داره شده است که هر که ایمان بخدا آورد باید که بی لنگ داخل حمام نشود
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل حمام شود حقتعالی گناهان
او را بر پرده ستر خود پوشاند و حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیده خود را از نظر
کردن بعورت دیگران پوشاند حقتعالی او را از جیم چشم این سبک رواند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهی بی لنگ
و فرمود که در نهی با ساکنان انداز ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن بجام بی لنگ و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام شو مگر آنکه اندک چیزی در معده تو باشد که حرارت
معه را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام شود و تشیکه معده تو
پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آنحضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک
چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بجام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه
اندک چیزی سیباید خورد که صفرا را فرومی نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت
دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود
که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاده شود بعد از چیزی خوردن بجام برو و فرمود که اگر خواهی که گوشت
کم شود بشتاب رو بسند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در تشیکه و درخت کن حمام
جامه پار از خود میکنی بگو **اللَّهُمَّ اَنْزِعْ عَنِّي رِقَّةَ النِّفَاقِ وَنِشْنِي عَلَى الْاِيْمَانِ** پس چون داخل
خانه اول حمام شوی بگو **اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ وَاسْتَعِيْذُ بِكَ مِنْ اِذَاهَا** چون
داخل خانه دوم شوی بگو **اللَّهُمَّ اَذْهَبْ عَنِّي الرَّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِيْ وَقَلْبِيْ** و بگیر از
آب گرم و سرد بریز و بعضی از آن آب را بر پابریز و اگر توانی که برعه از آن آب بخوری بخور که مجرا
بول را پاک میکند و در خانه دوم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانه سوم شوی بگو **اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ**
وَسُئْلَةِ الْجَنَّةِ و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانه گرم و زنه را آب سرد و خرپنه در حمام
منور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود میریز که بدن ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آ
آب سرد بر پابریز که در دراز بدنت کمی شد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو **اللَّهُمَّ اَلْبَسْنِي**
التَّقْوٰی وَجَبِّنِي الرَّدٰی پس چون اینها که گفتیم بکنی از همه دردی امیر شوی و از حضرت امیر المومنین

صلوات اللہ علیہ وآلہ منقول است کہ چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن بگوید تو طایب
 حجامتک و حیمتک تو در جواب بگو اَکْثَمَ اللّٰهُ بِاَلْکَ و در روایت دیگر وارد شده است کہ حضرت
 امام حسن صلوات اللہ علیہ از حمام بیرون آمدند شخصی آنحضرت گفت طایب است حجامتک حضرت او بمن
 نروند پس گفت طایب حجامتک باز او را منع کردند پس گفت طایب حیمتک باز منع کردند او را گفت
 پس بگویم فرمود کہ بگو طایب ما طاهر مینک و طاهر ما طایب مینک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو
 گرداند به نیکی معنوی بجنبست گناہان و توفیق طاعت آنچه پاک شده است در حمام از اعضائی بدن
 و پاک گرداند از لوث گناہان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو کہ آن دل و نفس و عقل
 و سایر قوای اعضائی شریفه باشد و در روایت دیگر منقول است کہ سیکه از حمام بیرون آید باد بگویند
 اَذْفَى اللّٰهُ عُصْلَاکَ و او در جواب بگوید طَهَّرَ کَھُمَّ اللّٰهُ و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ ہر گاہ
 از حمام بیرون می آید عامہ بر سر بہ بندید فرمود کہ بعد از بیرون آمدن از حمام پا ہارا بشوئید کہ در وقت سقا
 زائل میکند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت امام مجتہد و امام جعفر صادق علیہما السلام ہر گاہ کہ
 از حمام بیرون می آمدند در رستان و تابستان عامہ بر سر نمی سپیدند و میفرمودند کہ اماں است از در و سر
 و در روایتی وارد شده است چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب آید آب سرد بر خود بریزد
 تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیہ السلام وارد شده است کہ در روز چارشنبه حمام بروید
 فصل سوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است منقول است از حضرت امام جعفر صادق
 علیہ السلام کہ حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ میفرمودند کہ در حمام بر پشت خوابید کہ پیر گرد
 میگردد از دوسفال و آجر بر پای خود مسائید کہ مورث خورہ است و حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 فرمود کہ مرو با پسر خود حمام نرود کہ نظر کند بعورت او و جائز نیست فرزند را کہ نظر کند بعورت پدر و مادر
 خود و پدر و مادر را جائز نیست کہ نظر کند بعورت فرزند خود و فرمود کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم
 لعنت فرمود کہ کسی کہ نظر بعورت گسیںد در حمام یا بی لنگ رود کہ دیگران بعورت او نظر کنند
 و در حدیث دیگر فرمود کہ بر پهلوی خواب در حمام کہ پیر گردہ ہارا میگردد از دوسفال میکند آدمی را در حمام
 شائز کن کہ متنگ میشود و سر را بگل مشوک غیرت رامی برد و سفال بر بدن مال کہ مورث پبی است
 و لنگ بر روی مال کہ آب در او رامی برد و این بابو بیہ علیہ الرحمہ گفته است کہ مراد بگل مصر و سفال شام

و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام
و جماع کردن در حمام فرمود که بآنی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
که آیا حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرموده
وقتی نهی فرمود که کسی سران باشد پس اگر رنگ بسته باشد بآنی نیست و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که بآنی نیست مگر در آنکه در حمام قرآن بخواند اگر عرض رضائی خدا باشد
نه خوشخوانی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آنحضرت میخواستند بحمام بروند حامی گفت که اگر
میخواهی حمام را برائش ماخلوت کنم فرمود که در کار نیست مومن را کارش ازین سبکتر میباشد که حمام را
برائی او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که از حمام سفالی برود و در بر بدن خود
بمالد پسی باو برسد ملاست نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
و خوره باو برسد ملاست نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که زخم در حمام بر پهلوی خواب که پیر کرده با آب میسکند و بر پشت خواب که در و اندرون بهم
میرسد و شانز کن که مورامی ریزاند و سواک کن که دندان را میریزاند و سر را بچل شو که در و ریزاند
میسکند و رنگ را بر سر و رومال که آب در او میریزد و کفهای پارسیفال مسائی که باعث پسی میشود
و از آبی که در خوشهائی کوچک در حمامهای ستیان جمع شود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهود
و نصرانی و گبر و دشمن با اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا نعلق از سنگ گیسو خلق نکرده است
و سبکه عذات ما اهل بیت دارد آن از سنگ نجس است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
آله منقول است که بول کردن در حمام موش فقر و بریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که بآنی نیست
که مردم با کنیزانش حمام بروند اما باید که رنگ بسته باشند و مانند خزان برسند نباشند که نظر بر عورت
یک دیگر کنند و در روایتی واروده است که در حمام ننگ میسند و آن در صورتیست که رنگ بسته
باشد زیرا که در احادیث بسیار واروده است که آنکه علیه السلام در حمام اسلام کرده اند بر مردم
فصل چهارم در فضیلت شستن بر بدن و دفع بویائی بد از خود کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که کافی است آب از برائی خوشبو کردن بدن و نموده بود که هر که جامه بپوشد باید که
پاکیزه باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که شستن بر تن هر کس میبرد

و آزار چشم را دفع میکند و شستن با سر غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید باب از بویایی بگوید که مردم از آن متاثر میشوند و در پی اصلاح بدن خود به شستن با سر می آیند و شستن بیدار و از بندگانش آن شیف گزیده را که پهلوی می کشد نشیند از متاثری شود و سر بود که آب را بوی خوش گردانید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر و تیکه ایشان را داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مگر و تیکه ایشان را از مصر بیرون کردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که سر خود را بگل مصر بشوید و از کوزه که در مصر می سازند آب بخورید که خواری و لذت می آرد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست نیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آن که مراد ایل گرداند و غیرت را بر برد و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بجهت امام محمد باقر علیه السلام از آن که گرمی در سرم است و بسیاری ریزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که سر خود را بکوب و آتش را بگیر و با سر که که شرباب لعل آورده باشند و بسیار تند باشد بر هم بزن آنقدر که کف کند پس رویش با آن بقوت تمام مال و بشوئی پس بر رخ شیر تازه سر رویش را چرب کن که آن علت را ازل می شود فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سرده و خطی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطی شستن فقر و درویشی را ازل میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطی در هر جمعه امان میدهد از پستی و دیوانه و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطی دل را می کشاید و سودا و اندوه را بر طرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شستن سر با سرده روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون حق تعالی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را امر کرد که اسلام را ظاهر گرداند آنحضرت کعبه مسلمانان بسیاری کافران را دید بسیار عکین شد و حق تعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ سدره از درخت سدره المنتهی فرستاد که سر را با آن بشوید پس آن شستن اندوه آن حضرت بر طرف شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن سر با خطی امان میدهد از درد سر

و نیز از میگردد و اند از پریشانی و سر را پاک میکند از گرمی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم سر خود را با سنده می شستند و می فرمودند که بشوید سر خود را با برگ سدره
که هر یک شرب و هر بنمبر مرسل آن را پاک می دارد است و هر که سرش را با آن بشوید حق تعالی از او و شوی
شیطان را هفتاد و روز دور گرداند و هر که هفتاد و روز و شوی شیطان از او دور شود معصیت خدا
و هر که معصیت خدا کند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول
است که شستن سر با خطی که در آنجا نوشته و جانوران بر راب طرف میکند فصل ششم در فضیلت دار و کشیدن
در حدیث حسن از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دار و کشیدن پاک کننده
بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن بن عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام به جام رفتم فرمود که دار و بکشش گفتم چند روزیست که کشیده ام فرمود که دیگر بکش
که پاک کننده بدن است و برین مضمون چندین حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت شخصی تکلیف دار و کشیدن کرد و گفت که سه روز است که دار و کشیدم فرمود که
باز بکشش پاک سیگر داند ترا و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دار و
کشیدن دفع دلگیری و پریشانی می کند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که گفت موی های بدن را از خود بسند ازید که نجس و شیف است و در حدیث صحیح از حضرت
منقول است که موی بدن چون بلند شود آب پشت را قطع میکند یعنی سر زنده بوجود نمی آید و بند ها را
بست میکند و ضعف و تنگی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند
و پیله کرده ها را زیاد میکند و بدن را سبب میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار
چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و تر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جاع
کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که موی شارب و زیر بغل و پشت زانو
را بلند نگذارید که شیطان در آنجا پنهان می شود فصل هفتم در از آله موزیر بغل و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در از مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان
میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیر بغل بغل را دار و کشیدند
و می فرمودند که کندن موی بغل دوشهزار است میکند و در حدیث دیگر منقول است که دار و کشیدن

زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از نکندن و در حدیث دیگر وارد شده است
 که بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله موئی زیر بغل تمام می‌رفتند و همین آن موضع را دارو میکشیدند
 و بیرون می‌آمدند و آنحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که موئی زیر بغل نکنند
 کند بغل را بر طرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است
 فصل هشتم در رعایت زمانی که نوره را تاخیر می‌توان کرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول الله
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر مردی که ایمان بخدا آورد و قیامت دهم
 پشت زهار را زیاد از چهل روز نگذارد و حلال غیبت زنی را که ایمان بخدا آورد و قیامت دهم
 باشد اینکه ترک کند ازاله موئی زهار را زیاد از بیست روز و آنحضرت صادق علیه السلام منقول
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در هر حجّه دارو می‌کشیدند موئی پشت زهار را و میان
 دو پاراد حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنت در نوره کشیدن نیست
 که هر پانزده روز یک مرتبه بکشد و اگر کسی بیست و یک روز هم یک مرتبه بکشد خوب است و در
 روایت دیگر هشت روز بگذرد که نوره کشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد و سیر که چهل روز
 برو بگذرد که نوره نکشد او مومن و ایمان نیست و او را هیچ گاه است نزد خدا نیست و آنحضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا آورد و قیامت دارد و موئی زهار را زیاد
 از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و گذارد و حضرت امیر المؤمنین صلوات
 الله علیه و آله فرمود که دوست میدارم از برای مومن که هر پانزده روز نوره بمالد و آنحضرت صادق
 علیه السلام منقول است که باید که پشت زهار را یک هفته بیشتر نگذرد و ویکه نوره را زیاد از یک ماه
 ترک کند نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعاهائی وقت نوره کشیدن از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی نوره بردارد و بگوید و بر بیتی بگذارد و بگوید صلی الله
 علی سلیمان بن داود حکما امر قالا النور و انما النور نوره و آنحضرت علی بن حسین علیه السلام منقول
 است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چهره کاه و کثافت‌های دنیوی
 و از گناهان پاک گرداند و بعضی آن موئی با و که است فرماید که در آن مو گناه نکند و بعد در هر
 از پیشان بکشد خلق کند که از برای او تسبیح الهی بکند تا روز قیامت برشتیکه تسبیح از تسبیح ملائکه نوازش

برابر است با ثواب هزار سال از زمین و عا این است اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهَّرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ
 مِنِّي وَابْدِلْ لِي شِعْرًا طَاهِرًا لَا يَنْصِبُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءً سَنَةِ الرُّسُلِينَ
 وَابْتِغَاءً رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَرِّیَّ وَبَشِّرْ عَلٰی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِيَّ وَطَيِّبْ خُلُقِيَّ
 وَرَبِّیَّ عَمَلِيَّ وَاجْعَلْ لِي بِمَنْ يَلْقَاكَ عَلٰی الْحَنِيْفَةِ لِسْمَةٍ مِلَّةِ اَبَوَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
 صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ حَبِيْبِكَ وَرَسُولِكَ عَامِلًا لِّشَرِّ اَعْمَالِكَ تَابِعًا لِّسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
 وَاٰلِهِ اٰخِرًا اَمَّا مَثَلُ بَابِ تَادِيْبِكَ وَتَادِيْبِ رَسُوْلِكَ وَتَادِيْبِ اَوْلِيَكَ الَّذِيْنَ غَدَوْتَهُمْ
 بِاَدَبِكَ وَذَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِيْ صُلْحٍ وَرَهْمٍ وَجَعَلْتَهُمْ مَّعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيَّهِمْ
 فصل دهم در اوقات نور کشیدن و سایر آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که یک مرتبه در ریاستان دارکشیدن بهتر است در فضیلت و دفع از ده مرتبه که در ریاستان کشند
 و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله مرویست که اگر کسی بخواهد از نوره مالیدن در روز
 چهارشنبه در خمس ستر است و چهارشنبه در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلوات الله
 علیه و آله و سلم منقول است که پنج چیز است که مورت پیوسته نوره در روز جمعه و چهارشنبه
 مالیدن و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن
 و جماع و در وقت حیض باران کردن و در حال سیرجی سپید خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام
 منقول است که هر که در روز جمعه نوره بکشد پیش خود ملامت نکند مگر خود را و در نیست که این دو
 حدیث مجهول تقبید باشد یا آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که حدیث گذشته که حضرت پیغمبر
 صلوات الله علیه و آله و سلم در روز جمعه و در حدیث معتبر دیگر منقول است که بخیرت حضرت
 صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نور کشیدن در روز جمعه مکرده است حضرت فرمود
 که چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث
 دیگر منقول است که علی ابن ابیطالب خواست که بخیرت حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا
 مرد در حالت جنابت دارو میسوا کشید و فراموش کرد که حضرت از باب اعجاز باده نوشند که باکی
 نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمود
 که باکی نیست و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که در روز

ائمه پیغمبر و ائمه اهل بیت و در روایت دیگر منقول است کسی بوقت
 دار و مالیدن برائی بوقت نشیندیم نیست که بوقت قیامت متلا شود و بشیر نال با حضرت امام
 علیه السلام بجا می رفت حضرت علی (ع) استند از ناف تا زانو و دستگار حمام را می پیدند که آنچه
 بالا و پایین رنگ بود و از مالیدن بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند
 که هرگاه دار و بکشی چنین کن و در بعضی عاریت تجویز این دارد شده است که غیر عورتین را و دیگری
 ببالد و بسند حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است که کسی آردا
 بار و غن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه دفع بوی نوره شود و فرمود که بآلی نیست
 و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام چنین می کردند و در حدیث دیگر منقول
 است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آردا بعد از نوره بر بدن بپاشد یا نه فرمود که
 بآلی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزی که صلاح بدن
 اسراف نیست پس بسیار وقت است که میفرمایم که آرد پخته را با روغن زیت مخلوط می کنند
 و در بدن میمالند اسراف در چیزی می باشد که مال را تلف کند و بدن ضرر برساند فصل یازدهم در
 فضیلت خنای مالیدن بعد از نوره حسین (ع) این است روایت میکند از پدرش که حضرت موسی بن جعفر
 علیه السلام هرگاه اراده حمام میکرد میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بستره که داخل نمیتوانست
 شد پس میفرمودند که نعلابری زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل می شدند روزی از حمام بیرون آمد
 شخصی از آن بریان حضرت رسید و اثر خنای دوست آنحضرت دید گفت این رنگ است که در دست
 نیست فرمود که رنگ خنای است که پدرم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند
 که هر که حمام رود و بکشد و بعد از آن خنای را با مالدا را مالان باشد از دیوانگی و خوره و پیری
 و آنکه از نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که حکم عین تبه دید که حضرت صادق علیه السلام
 خنای بر پشتند و بر ناخنهای خود گذارند و فرمودند که ای حکم چه میگوئی درین باب گفت چه تو انک گفت
 در کاری که شما بکشید اما این کار را پیش از آن کسی نکرده حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره
 میشود بنا بر هر دوگان مارنگ نشان را بگردانم بخا و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
 علیه السلام از حمام بیرون آمدند و از سرتاپای پیکرشان انگلی سرخ شده بود

از خدا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدایا این بومی بر روی برود آب رو را زیاد میکند
و دوازده خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از دار و دار و سر تا پا با حنابا لد فقر و پریشانی از وضو بگذرد
میشود فصل و دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر اغسال با کله غسلهای واجب بنا بر ششده میان
علمائش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و تحلب است که در
وقت غسل جنابت این دعا بخواند اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ ذَكَرْ عَلَيَّ وَ تَقَبَّلْ سَفْهِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ
خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و اگر این دعا بخواند بهتر است
اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْعَلْ عَلَيَّ لِسَانًا مِدْحَةً وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ
اجْعَلْهُ قُلُوبًا وَ شِفَاءً وَ دَوَاءً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده
و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این
دعا بخواند گناہان از او بریزند چنانچه برگ از درختان میریزند و هر قطره از قطرات وضو و غسل او
حق تعالی ملکی خلق فرماید که تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی کند و سلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و
اثوابش از او باشد و گناہانش آمرزیده شود و دعای این است سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ
وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَ خَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ
وَأَوْصِيَائُهُ أَوْصِيَائُكَ اَعْمَلْهُای سِتِّ شَمْسَتْ و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است
و بعضی از علماء واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکند و در امامیه معتبره
و ابرو شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان و فرج و حفر اگر رخصت داده اند
زنانرا که ترک کنند در سفر رای کے آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل جمعه
پاکیزه کننده و کفاره گناہان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ
خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
و اگر این دعا بخواند گناہان از او بریزند و دعا پاک بگوید و اگر این دعا بخواند گناہان از او بریزند
طَهِّرْ قَلْبِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اتَّقِ عَسَلِي وَ اجْعَلْ عَلَيَّ لِسَانًا مِدْحَةً مِنْكَ دَارًا بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَحْقُوقُ بِهَا دِينِي وَ يُبْطِلُ بِهَا عَمَلِي وَ دَرَفَةِ الرِّضَا ذَكَرَ كُورِ اسْتِ كِه چُون از غسل جسمه فارغ شوی بگوئی اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَنْقِ عَمَلِي وَ اَجِرْ عَلٰی لِسَانِي ذَكَرَكَ وَ ذَكَرَ لِقَابِكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَ دَوَقْتَ اَنْ اَرْجِعَ صادق است روز جمعه تا نماز پیشین و ششم نیست که هر چند نزدیک تر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافته نشود و در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در دفعه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتوان کرد و ظاهر کسی از علمای این قائل نشده است و سنت است غسل کردن در شبهای طایق ماه مبارک رمضان خصوصاً در شب اول و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بد جمع شده اند و در روز ششم اعظم فتنهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیا و اهل بیت در آن شب شهادت یافتند و حضرت عیسیٰ را شب با سمان فرستاده و حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفته و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سوم و آن شب قدر است با احتمال قوی و قول اکثر در آن شب و غسل است یکی معارف غروب آفتاب و دیگر در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای و به آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب یفطر و در روز ششم و روز عید قربان و اهل آنست که درین دور و ز غسل را تا شب بتوان کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و در روز نهم و در روز دهم و شب نیمه رجب و منقول است از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم که هر که ماه رجب را در یابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و در روز بیست و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی بخبر ص بنظر رسید است و شب نیمه ماه شعبان و در روز عید فطر خرم که میجدیم ذی الحجه است و روز مبارک که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز بیست و پنجم است در روز حوالا رخصت بنا بر شهر و آن روز بیست و پنجم ذی الحجه است و درین غسل نیز حدیثی بنظر رسید است در روز نوزدهم و بنا بر مذکور بعضی و در حدیث مسلم بن حنین بران دلالت دارد

و مشهور آنست که روزی است که آفتاب بر چرخ منبت غسل میشود و همچنین سنت است غسل برای
 احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم و بریده حصونین صلوات الله علیه هم از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقاً
 مخصوصاً نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل
 از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضای نماز کوف هرگاه عدا ترک کرده باشد و قرص تمام
 گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکند و بعضی گفته اند که بواسطه قضا
 غسل کند اگر عدا ترک کرده باشد اگر چه تمام قرص نگرفته باشد و از برای او غسل میکند اگر تمام گرفته باشد
 و این قول قویست و سنت است غسل از برای دخول حرم و از برای داخل شدن که معطران برای داخل
 شدن خانه کعبه از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه منوره
 و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و از برای شستن حی و غسل فرزندی که متولد
 شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر قول بعضی و آن
 هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارت است در آن روز و سنت است
 غسل از برای طلب باران و از برای شستن چپاسه و غسل بعد از شستن است و همچنین هرگاه شخصی برود
 برای دیدن سیکه او را بکلی کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب میدانند و اگر چه
 علماء گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او رفته باشد خواه باطل و بعضی
 از علماء گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان باقی بر وجه ضرورت بعل آمده باشد مثل جیره
 و تقیه و همچنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو مس شرک باشد و متنی در آن بیابند و معلوم نباشد که از
 کدام یکسب بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و نیز گفته اند برای کفن کردن میت سنت است
 و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد
 و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب
 مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند و پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خوابی که غسل روز عید فطر بجا آوری در زیر سقایی بکن
 چون خوابی که شروع کنی بگو **اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَقْصِدًا لِقَائِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ**

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحِينَ ارْغَسَ فَارْغَ شَوْى بِكُمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوتِي
وَكُلِّمْنَا لَدُنِّي أَقْهَبُ عَنِّي الرَّحْمَنُ بِأَنَّهُ تَفَاصِيلُ غَسَالٍ وَأَحْكَامُ أَنْهَارٍ إِنَّ رَسُولَهُ كُنْزُ
نَمَاسْتِ انْشَاءَ اللَّهِ تَعَالَى وَكِتَابِ عِبَادَتِ نُورَتِهِ خَوَابُهُ وَاللَّهُ لَفَوْقُ بَابِ شَتَمِ دَرَادَابِ خَوَابِ رَفْتِ
وَبِيدَارِشْدَنِ وِمِيتِ انْخِلَارِ رَفْتِ فَصَلِ اقْلُ دَرِ بَيَانِ اَوْقَاتِ خَوَابِ بَدَانِ كَهْ خَوَابِ كَرْدَنِ بَدَانِ
طُلُوعِ صَبْحِ تَا طُلُوعِ آفتابِ وَمِیَانِ نَمَازِ شَامِ وَخَفْتِ بَعْدَ از عَصْرِ مَكْرُوهِ اسْتِ پِشِ از ظَهْرِ دُرُوقْتِ گِرمِ
هَوَا وِ بَعْدَ از نَمَازِ ظَهْرِ عَصْرِ خَوَابِ قَبُولِ اسْتِ وَسَنَتِ اسْتِ وَازْ حَضَرَتِ عَلِیِّ بْنِ حُسَیْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ
عَلَيْهِ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ بِرَبِّی حَمْدُهُ شَمَالِی فَرَمُودِ کِهْ خَوَابِ کُنِ پِشِ از طُلُوعِ آفتابِ کِهْ مَنِ از بَرَامِی تُو دُوسْتِ
نِیْدَارَمِ زِیرَا کِهْ حَقِّ تَعَالَى رُوزِی بِنْدِ گَازِ اَدْرِینِ وَقْتِ قِسْمَتِ مِیْکَنْدِ وِ هَرِ کِهْ دَرِینِ وَقْتِ خَوَابِ اسْتِ
مَحْرُومِ مِشُودِ وَازْ حَضَرَتِ رَسُولِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ زَمِینِ بَسُوئِ خُدَا مَالِهْ فُتْرَادِ
مِیْکَنْدِ از سِهْ جِیرِ از خُونِ حَرَامِی کِهْ بَرَانِ رِیْخِیْتِهْ شُودِ وِ یَا غَسْلِی کِهْ از زَنَا کَنْدِ بَرِ رُویِ آنِ یَا خَوَابِ کَرْدَنِ بَرَانِ
پِشِ از طُلُوعِ آفتابِ وَازْ حَضَرَتِ صَادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامِ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ خَوَابِ بَا دَا دُشُومِ اسْتِ وِ رُوزِ گِرمِ
مَنْعِ مِیْکَنْدِ وِ رَنَگِ رَا زَرِ دِیْکَنْدِ وِ رُوزِ اَرِیْجِ وَتَغْیِرِ مِیْکَنْدِ وِ اِینِ خَوَابِ رَا مَقْتَدِرِ شُومِی اسْتِ بَرِ سِتِیکِ
خَضَعَالِی رُوزِی رَا از اَمِینِ طُلُوعِ صَبْحِ تَا طُلُوعِ آفتابِ قِسْمَتِ مِیْ نَمَا یِ پَسَرِ نَهَارِ اِینِ خَوَابِ رَا کَنْدِ فِی رُوزِ
کِهْ مَرِغِ بَرِ اَنِ وَتَجْزِیْنِ بَرِ بَنِیِ اِسْرَئِیلِ دَرِینِ وَقْتِ نَا زَلِ مِشُدِ هَرِ کِهْ دَرِ خَوَابِ بُو دِ بَهْرَهْ اُو نَا زَلِ نِیْمِ
وَ حَضَرَتِ رَسُولِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودِ کِهْ کِیْمِ دَرِ جَائِیِ نَمَازِ خُودِ شِیْنِدِ از طُلُوعِ صَبْحِ تَا طُلُوعِ
آفتابِ خُدَا اُو رِ سَتُورِ گَرِ دَانْدِ از آتِشِ جَهَنَّمَ وِ دَرِ حَدِیثِ دِیْگَرِ فَرَمُودِ کِهْ مَثَلِ ثَوَابِ حُجِّ کَنْسَنَدَهْ خَانَهْ کَعْبَهْ
دِشْتِهْ بَاشَدِ وِ گَنَاهَانِشِ اَمْرِ زِیْدِهْ شُودِ اَمَّا دَرِ چَنْدِ حَدِیثِ تَجْوِیزِ دَا رَدِ شُدِهْ اسْتِ کِهْ اِگَرِ نَمَازِ کَنْدِ وَ قَدْرِی
تَقْصِیبِ بَخُوانَدِ وِ پِشِ از بَر آمدَنِ آفتابِ بَخُوابِ بَا کِی نِیْسْتِ چِنَا نِچِهْ دَرِ حَدِیثِ صَحِیْحِ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ حَضَرَتِ
اِمَامِ رِضَا عَلَیْهِ السَّلَامِ تَشْجِیْزِ فَرَمُودِ کِهْ فَرْدِ اَبْدَازِ طُلُوعِ آفتابِ بِیَا کِهْ مَرِ بَعْدَ از نَمَازِ صَبْحِ خُودِ مِیْکَنْمِ وَازْ حَضَرَتِ
صَادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامِ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ تَشْجِیْزِ فَرَمُودِ کِهْ چُونِ نَمَازِ صَبْحِ کَرْدِی وَ ذِکْرِ خُدَا خواندی اِگَرِ پِشِ از طُلُوعِ
آفتابِ بَخُوابِ وِ بَا کِی نِیْسْتِ وَازْ حَضَرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ بَا قَرِ عَلَیْهِ السَّلَامِ مَنَقُولِ اسْتِ کِهْ خَوَابِ اَوَّلِ رُوزِ سَفَاهَتِ
اسْتِ وَخَوَابِ قَبُولِ نِعْمَتِ اسْتِ وَخَوَابِ بَعْدَ از نَمَازِ عَصْرِ حَقِاقَتِ اسْتِ وَخَوَابِ مِیَانِ نَمَازِ شَامِ
وَخَفْتِ از رُوزِی سَرُومِ مِیْگَرِ دَانْدِ وَازْ حَضَرَتِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ مَنَقُولِ اسْتِ

که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن بر پیشانی و دستها آورد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد که من حافظه قوی داشته و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب میلوله میگردی و الحال ترک کرده گفت بل فرمود که باز خواب میلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کشید که شیطان قیلوله نمیکند و منقول است که نیکو یار من است خواب میلوله بر بیداری و عبادت شب فصل و قدم در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که وضو بسازد و بر خست خواب برود و خست خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان خست خواب بیاویش آید که وضو ندارد از لحاف خود بپوشد و اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا صبح بیا و خداست چنان است که نماز میکند و از حضرت امام امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخوابد مسلمان در حالتیکه جنب باشد بخوابد مگر با وضو و اگر آب از برای وضو و غسل بهم نرسد تیمم کند بخاک زیرا که روح مومن را در وقت خواب با آسمان پیوند و حقیقتی او را بجل می نماید و برکت برومی فرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجائی رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده است او را با امیبان خود از طلائک بیدار می گرداند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد و سلمان گفت که من سه روزه که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من سه روزه که کدام یک از شما هر شب را احیا میکند سلمان گفت که من پس عمر بختم آمد و گفت این بروی است از فارس خواهد که بر آید که او قریش ایم خسته کند و دفعه یگویند در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها خواب است و در اکثر روزها خاموش است حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جوابت گوید عمر پرسید سلمان گفت که روزی سال من باهی سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که حسنه کند ده برابر با و ثواب میدهد این روزه سال میشود یا آنکه ماه شعبان را سه روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوانم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود که هر که با وضو بخوابد خواب چنان است که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن و در هر روز سه مرتبه

سوره قل هو الله احد را بخوانم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که بفرستاد امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله میفرمود که یا علی مثل تو در میان است من مثل قل هو الله احد است هر که
سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنان است که ثلث قرآن را خوانده است و هر که دوبار بخواند چنان
است که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر که سه بار بخواند چنان است که ختم قرآن کرده است پس
هر که ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان در او کامل میشود و هر که ترا بزبان دل دوست دارد دو
ثلث ایمان در او کامل میشود و هر که ترا بزبان دل دوست دارد و دست خود را بر کمر بند تمام
ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا برستی فرستاده است نوگنزه میخورم که اگر ترا
اگر از زمین دوست میباشند چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا چنانچه اهل آتش عذاب
نیکو در پیش رسالت شده که گویا سنگی بر دوش گذاشته اند فصل سیم در خوابیدن و
آداب پیش از خوابیدن شهر ریما علم است که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر
حدیث آنست که مکروه نیست گردن بر سجده سر ام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا
تجوید واقع شده است و احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
کس را لعنت کرد کسی را که تنها چیزی بخورد و تنها بفرمود و در یورت تنها بخوابد و فرمود که اگر
تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در خانه تنها بخوابد
یا در بیابانی تنها بخوابد بگوید اللهم انی و خشی و اعیتی علی و خلتی و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوانه شسته باشد فرمود
که هر که بامی بخوابد که دیوانه شسته باشد از امان خدا بر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که مکروه است کسی که بر آفتاب بخوابد یا بر بامی که دیوانه شسته باشد بخوابد و فرمود
مرد زن درین حکم مساوی نیستند که اگر سه طرف دیوانه شسته باشد چون است فرمود که یکی در چهار طرف
می باید دیوانه شسته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دو ذراع است
و در بعضی از احادیث یک ذراع و یا سه برهم وارد شده و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود
از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از آنکه کسی
با دست چپ و با لب و خور و بی خوابد و اگر چنین کند شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و ملاست نمکند

مگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و پایشان را بشویند که اگر نکنند شیطان
ایشان را می بوید و در خواب می ترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که بجا سه خواب رود کناره بامه خود بر خمت خواب بکشد که اگر جانوری داخل
شده باشد برود و باد فرزند سازد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام وارد شده است که باید پیش
از خواب یه بیت بخلا رود و بعد از آن بخوابد فصل چهارم در بیان آداب خوابیدن است
که بر دست راست رو قبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن
و بر رو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
خواب بر چهار قسم است پنجم آن بر پشت میخوابد و دیدن پائی ایشان خواب نیر و نند و مستظر و حی پروردگار
خود می باشند و مؤمن بر دست راست میخوابد و قبله و پادشاهان و سرزندان ایشان بر دست
چپ میخوابند که هر چه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او هر دیوانه و مستغاک بر رو در افتاده
میخوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو نخوابد و هر که استیجند که بر رو خوابیده است او را
بیدار کنید و بگذارید پیش بران حال و فرمود که هرگاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بر زیر جانب راست و بگذارد و دست چپ را بر زیر چپ اندک اندک ازین خواب بیدار خواهد شد یانه و احادیث و فضیلت
خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است فصل پنجم
در آیات و اوجیه که پیش از خواب باید که خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
است که هرگاه کسی دست راست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
إِلَيْكَ وَجْهَكَ خَيْرِي إِلَيْكَ وَفَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَالْجَنَاحَ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ
عَلَيْكَ سَرَّهَ مَعْنَاكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ
الَّذِي أُنْزِلَتْ وَبِعِزَّتِكَ الَّذِي أَدْنَلْتُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بخواند
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که نسیه در وقت خواب این دعا را بخواند لَقِّنِي وَدُّيَّتِي
وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ
لَا يَشْعُرُ بِهَا يَنْبَغِي دَعَاءُ تَعْوِذٍ مِنْ مَفْزُوعِ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِمَامِ حَسَنِ وَإِمَامِ حُسَيْنِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَلَا وَفِي هَذِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ منقول است که سوره قل هو الله

و سوره قل یا ایها الکافرون پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بزرگترین از شکرست
 و قل هو الله احد نسبت به پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن
 درخت خواب سه مرتبه بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقْهَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخْرُ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقْدَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّى الْمُؤْمِنِينَ وَبَيَّضَ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از گناهان
 بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
 که هر که آیه الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 منقول است که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با و موکل گرداند که او را از شر
 شیطان و هر بلا محفوظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر سوره یس و سوره
 اذ اوقت الواقعة هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چاره باشد
 و در حدیث دیگر فرمود که هر که سوره یس که در اول شان سجده و تسبیح است پیش از خواب
 بخواند نیز دانا بخشد حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر ببرد در هر سالگی رسول
 خدا صلی الله علیه وسلم جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح
 اَوْ تَسْبِيحًا وَتَسْبِيحًا كَرَّمَ اللَّهُ بِكَ كَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ
 مِنْ شَيْءٍ مَا دَرَأَ مِنْ شَيْءٍ مَا تَرَعَدَ وَمِنْ شَيْءٍ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي
 عَلَىٰ أَجْرٍ طَائِفٍ مَقِيمٌ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب
 این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا
 وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّهُ كَانَ خَلِيفًا غَفُورًا و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که چون کسی برخت خواب رود بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْبَسْتُ
 نَفْسِي عِنْدَكَ فَأَخْسِمْهَا فِي مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَإِنْ دَدْتَهَا فَأَنْزِلْنِيهَا
 مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى تَتَوَفَّيَهَا عَلَيَّ ذَلِكَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم درین وقت آیه الکرسی بخواند و بعد از آن می گفت سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
 بِاللَّهِ وَكَهْرُتُ بِالْحَبْتِ وَالطَّاعُونَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَسَامِي وَتِي يَفْظُتِي وَبِهَرَمِي
 که آیه الکرسی را ما هم فیما خالدها بخواند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب بسجده تسبیح حضرت

فاطمة عليها السلام بخوان و آية الكرسي و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از
اول سوره و احصافات ده آیه آخر سوره و الصافات بخوان و در حدیث صحیح منقول است
که آنحضرت بفرموده خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان آمین ان لا اله الا الله
و ان محمداً صلی الله علیه و آله عبده و رسول الله اعوذ بکظمه الله و اعوذ بکرمه الله
و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بسلطان الله و ان الله علی کل
شیء قدير و اعوذ بعفو الله و اعوذ بخفایان الله و اعوذ برحمه الله من شر
السامة و من شر کدابة صغیرة اذ کبیرة بلیل او فهار و من شر فسقة الجن
والانس و من شر فسقة العرب و الحمم و من شر الصواعق و البرق اللهم صل
علی محمد عبدک و رسولک و الی الطاهرین و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد
نوبت سوره قل بوالله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه ساله اش را مرتبه شوده و در
حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیه الكرسي و یک مرتبه آیه شهادت و آیه
سحر و آیه آخر سوره حم سوره را بخواند حق تعالی دو ملک را مأمول گرداند که شیاطین را از دور
گردانند و سی ملک را از فریاد کشتی و تسبیح و تکبیر و تهلیل خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شوند
و اب همه از باشد و بسند معتبر است امیر المومنین صلوات الله علیه و آله نقل است که کسی که
اراده خواب داشته باشد بگوید این دعا را بخواند اعیان نفسی و دینی و اهل
و مالی و خواتیم عملی و ما در حق ربی و خولای احرار الله و عظمه الله و جبروت
الله و سلطان الله و رحمة الله و کافه الله و قد سره الله و عفوان الله و قوته
الله و جلال الله و یصبح الله و ان کان الله و یجمع الله و یرسول الله علیه السلام
و یقدر الله علی ما شاء من شئ السامة و الهامة و من شر الجن و الانس
و من شر ما یدب فی الارض و ما یتخرج منه و ما ینزل من السماء و ما یرجع فیها
و من شر کل دابة ربی اید بنا حیاتی ان کنی علی صراط مستقیم و شو علی کل شیء
قادر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم بدستیک این دعوی را هر وقت که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم از برای مسنین صلوات الله علیه بخواند و سفیه فرمود که چون

اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّاتُ جَنَّتِي
 لِلَّهِ عَلَىٰ مَلَكَةِ إِبْرَاهِيمَ وَدَيْنِ مُحَمَّدٍ صَلَاحٌ وَلَا يَدِيَّ مَنْ اخْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ
 كَانَ وَمَا لَكَ لَمْ يَكُنْ كَمْ هَرَكَةُ أَيْدِي عَايِجُوا فِي وَقْتِ خَوَابٍ مَخْوَطٌ بَانَدُ زِدُّ دُعَارَتِ وَفَا
 فرود آید و ملائکه استغفار کنند برای او و فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند
 حق تعالی پنجاه هزار ملک بر او موی کل گرداند که در آن شب او را با سبائی کنند و از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه در بهشت از
 برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهایش بریزد چنانکه برگ از درختان میریزند
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که سوره الفلکم التکاثر در وقت
 خواب بخواند از عذاب قبر این گروه و پسند معبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
 یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهایش آمرزیده شود و او هسالتکاشش
 از بلا محفوظ بماند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از آئینده عرشش آمرزیده شود و در حدیث
 معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْكَ اخْتَرَضْتَ عَلَى طَاعَتِهِ
 عَلِيَّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالحسن والحسين وَعلي بن الحسين وَمحمد بن علي وَجعفر بن محمد
 وَموسى بن جعفر وَعلي بن موسى وَمحمد بن علي وَعلي بن محمد وَالحسن
 بن علي وَالحجة القائم صلوات الله عليهم اجمعين اگر در آن شب ببرد داخل بهشت میشود
 و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناک بخواند حق تعالی
 یازده ملک بر او موی کل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
 صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از در و این گروه
 حُلْ ادْعُوا اللَّهَ وَاذْعُوا الرَّسُولَ اَيُّهَا مَلَكُ الْعَوَالِمِ اَلَا اَشْهَدُكَ الْحَقُّ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا
 تَخَافُ يَمَا وَابْتِغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكًا
 فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكُفِّرُوا بَعْثُهُمْ اَوْ دَرَّ حَدِيثٍ مُعْتَبَرٍ مِنْ حَضْرَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا مَنْقُولٌ هُوَ أَنَّ هَرَكَةَ خَوَابٍ اَيْدِي عَايِجُوا فَرَقُّو بِرِشَانِي اَز دُرْدُرِ
 و هیچ گزیده با وضو رساند اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءُ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ

فَوَكَكْ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَأَنْتَ الْخَوُّ فَلَا شَيْءَ بَدَلَكَ اللَّهُمَّ مَرَّ مَرَّةٍ
 السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ التَّوَارِكِ وَالْأَنْجِيلِ وَالرَّبُّورِ الْقَرَانِ عَلَيْكَ أَعُوذُ بِكَ
 مِنْ شَيْءٍ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ الْخَدُّ بِنَاصِيَتَيْهَا أَنْتَ عَلَى حَرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَرْحَضْتَ رَسُولَ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْقُولٍ است که هر که در وقت رفتن بر خست خواب سوره ثباتك الذي بيديه
 الملك بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللَّهُمَّ رَبَّ الْجَلِّ وَالْأَعْوَامِ وَالْبِلَادِ الْحَرَامِ بَلِّغْ مَرْفُوحَ حُجَلِي
 عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا حَقَّقَالِي دَوْلَاك رَابِر دَمُوكَلْ كِرْدَانَكْ هَزْدَ حَضْرَتَا رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 بَرَوْنَد و بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید براد باسلام و رحمت و برکات
 الهی فصل ششم در دفع ترسیدن خواب و خواب پریشان دیدن و مستم شدن از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يَحْيَى وَيَمُوتُ وَيُمِيتُ وَيُمَيِّتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
 پس پنج حضرت فاطمه صلوات الله عليها بخواند و در طلب الاثمه زیاد کرده است که آیه الکرسی
 و قل هو الله احد نیز بخواند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله عليه و آله منقول است که چون کسی
 در خواب ترسد یا از روی خوابی برونوی شود این آیه بخواند فَضَى بِنَا عَلَى اِذَا نِيْمُ فِي الْكَهْفِ
 سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ لَحْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ اَيُّ الْحَزِينِ يَأْخُذُ بِمَا لَدَيْنَا اَمَدًا و اگر طفل بسیار
 گریه کند این آیه را بر او بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
 که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سوره قل اعوذ برب الناس سوره قل اعوذ برب
 الفلق و آیه الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقول است که برائی ترسیدن شب ده مرتبه این دعا بخواند
 اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ سَخَرَبِائِهِ وَمِنْ
 هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضَرُنِ وَأَيَّةُ الْكَرْسِيِّ بخواند بگوید اِنْفِثْلُمُ الْبُعَاسُ اَمْنَةً مِنْهُ وَجَعَلْنَا
 نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و در حدیث معتبر منقول است که شهاب بن عبد الله بن محمد حضرت صدق
 علیه السلام عرض کرده که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که با خود بر دار
 تسبیح درخت خواب و سی چهار مرتبه الله اکبر و سی مرتبه سبحان الله و سی مرتبه الحمد لله
 بگوید ده مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَكِ وَكَهُ الْحَمْدُ يَحْيَى وَيَمُوتُ

وَيُخَيِّتُ وَيُخَيِّبُ بَيْنَ الْخَيْرِ وَالْأَخْثَرِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَحَّاحٌ
 ورسید حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخیر است در وقت خواب میان آنکه سبحان الله را
 پیش از آنکه بخوابد بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که بگوید تسبیح شود چون
 بر خفت خواب رود و این دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَخُوذُ بِكَ مِنَ الْأَخْثَرِ وَأَمِّنُ مِنَ الْخَيْرِ وَالْأَخْثَرِ
 وَمِنْ أَنْ يَتَلَا عَيْنُ الشَّيْطَانِ فِي الْغَفْظَةِ وَالْمَنَامِ ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن بپلوه که خوابیده است
 به پهلوی دیگر برگردد و بگوید اِنَّمَا الْبُخْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخَيِّرَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
 شَيْئًا اَلَا بِإِذْنِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا عَاذْتُ بِكَ يَا مَلَكُ اللَّهِ الْمُخَرَّبُونَ وَأَنْتَبِأُوا
 الْمُرْسَلُونَ وَبِإِذْنِ اللَّهِ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ودر حدیث
 معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید أَخُوذُ بِكَ
 عَاذْتُ بِكَ يَا مَلَكُ اللَّهِ الْمُخَرَّبُونَ وَأَنْتَبِأُوا اللَّهُ الْمُرْسَلُونَ وَبِإِذْنِ اللَّهِ الصَّالِحُونَ
 وَالْأَكْثَرُونَ الرَّائِدُونَ لِلْهَدْيِ بُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَصْرُفَنِي مِنَ
 الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بجانب چپ خود سه نوبت آب دهان خود را بسیندازد و در روایت دیگر
 وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که دُخْرِي دارم و در شب و روز بسیار می ترسید
 فرمود که فصخش کن و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دخترم بسیار در خواب
 می ترسد و گاهی بسیار حالتش مضطرب شود و اعضایش سست و بی حس می شود و میگوید که
 از تصرف جن است فرمود که فصخش کن و آب شست را با غسل به پزوسه روز با و بده که بخورد
 چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
 که زنی در خواب من را می ترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدی گفت بیدم نموده
 پس بستم و نمیدی بعد از آن زکوة را بخدشت حضرت فرستاد و آن مال اندو بر طرف شد فصل هفتم
 در دعا برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب و در حدیث معتبر از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب بیدن این آیه را بخواند قل اِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
 يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ مَنْ كَانَ يَرْجُوا الْوَقَاءَ رَبَّهُ فَلْيَجْلِ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا كُفْرًا

لَجِبَادَ قِيَامِهِ أَحَدًا هُوَ وَفَتَازُ شَبِّهِ كِهْ خَوَابِ بیدار شود و در رُوتِ دَیْسِ دِیْگَرِ مُنْقَلِی است
 از آن حضرت که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ ہر کہ خواب در آخر شب بیدار شود و چنان
 برخیزد خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِيْ مَكْرُكَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ
 اَقُوْمُ سَاعَةً كَذًا اَوْ كَذَا اَيْضِيْ در فلان ساعت بیدار شوم چون این دعا بخواند حق تعالی سست
 موکل سازد کہ او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم
 علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ خواب بیدار شود و در وقت خواب رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ
 لَا تُؤْمِنِيْ ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِيْ مَكْرُكَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ لَا تَجْعَلْنِيْ فِيْ حَبِيْبِ السَّاعَاتِ
 اِلَيْكَ اَدْعُوكَ فَمَا فَتُجِيبُ لِيْ وَاَسْأَلُكَ فَتُخْلِعُنِيْ بِوَاكِتْلِفِيْمُ لَنْ فَتُفْتِنِيْكَ اِنْ لَمْ
 لَا يُفْتِنِ الدُّنْيَا اَوْ لَا اَنْتَ مَا اَنْزَحَمَ الرَّاحِيْنَ کہ چون این دعا بخواند حق تعالی دو رکعت
 بفرستد کہ او بیدار کنند و اگر بیدار نشود امر کند آن رکعت را کہ از برای او مستغفار کنند
 و اگر در آن شب بمیسروشید مرده باشد و اگر بیدار شود و اگر حاجتی کہ بطریق خدا و عطا فرماید
 و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ هرگز نکند کہ دو ساعتی
 از ساعات شب برای عبادت بر خیزد و خدا باری و آنکہ را رادہ او و آن صادق است
 ہستہ دو رکعت را بفرستد کہ در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر
 از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ بی خوابی او را عارض شود و خوشش نبرد و بیدار
 بخواند سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ دَائِمَ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ يَخْلُقُ فِيْ شَيْءٍ وَدَرِ دَیْسِ دِیْگَرِ
 دیگر منقول است کہ حضرت فاطمہ صلوات اللہ علیہا شکایت فرمود بر رسول خدا صلی اللہ علیہ
 آکہ وسلم از بی خوابی فرمود کہ این دعا بخوان یا مُشِيْعَ الْبَطُوْنِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَايِي الْجَنِيْبِ
 الْعَارِيَةِ وَيَا مُسْكِنَ الْعُرْوَةِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعَيْنِ السَّاهِيَةِ سَكِّنْ عُرْوَتِيْ
 الضَّارِبَةَ وَادْنِ لِيْ بِتِيْ نَوْمًا عَاجِلًا فصل ششم در بیان نماز و دعا اندر برای خوابهای
 نیک و بدین و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ ہم کہ خواب
 کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را و خواب ببیند بعد از نماز مختصر غسل نیکوی بعمل آورد
 و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد مرتبہ آتہ الکرسی بخواند و بعد از نماز ہزار مرتبہ

وَأَمْرُ قُنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَأَمْرُ قُنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَدَرِ حَدِيثِ دِگَرِ مَنْقُولِ
 است که چون از خواب بیدار شوی بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ
 رَحْمَتُكَ غَضَبُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَأَوْحِنِي إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ الْخَوُّمُ وَأَرْحَضَتْ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَنْقُولِ است که هر وقت که از پهلوی پهلوی
 دِگَرِ بگردی بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَأَرْحَضَتْ اِمَامِ عَلِي نَقِی عَلَيْهِ السَّلَامِ مَنْقُولِ است که چون
 در میان شب بیدار شود از پهلوی پهلوی دِگَرِ بگردی بگو لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَاللَّهُ الْمُسْلِمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ
 السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَدَرِ رِوَايَتِ دِگَرِ وارده شده است که چون از
 خواب بیدار شود بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَرَّدَ عَلَيَّ رُوحِي لَا أُحْكَدُ وَأَعْبُدُكَ وَدَعَايَ
 نَظَرَ كَرُونِ وَتَشِيقُ وَرَأَدَابِ اكْشَرِي بَسْتِ كَرُونِ كَشْتِ وَسَارِدَعَاهُمِي اَيْنِ بَابِ چُونِ اَزْه
 مَقْدَمَاتِ نِمَارِ شَبِ است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سائر دعاها همی وقت
 خواب و این را که گنجایش زیاده ازین نداشت فصل نهم در سبب خواب است و در دفع و تعبیر
 خواب و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد
 که مومن گاهی خواب می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن
 ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن بخواب میرود و در خوش بختی بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه
 روح مومن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه
 در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است را وی پرسید که آیا روشن همه با آسمان می رود و هیچ
 در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهیم مرد بلکه از بابت آفتاب است که در آسمان است
 و روشنی و شعاعش بر زمین است بهم چنین روح مصلحت در بدن است و پرتوی از او با آسمان
 حرکت میکند و در روایت دِگَرِ از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر
 مومنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگاری بر بند پس آنچه در آنجا می بیند حق است
 و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشان است و برین مضمون احادیث

بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان هست
که او را نه زرع میگویند هر شب از مشرق تا مغرب سیر میکند از بدن خود و خواب مردم را میبرد باین سبب
مردم خوابهایی بریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد ابوبکر آمدند و از
چند مسئله سوال کردند او عاجز شد پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله ایشانرا جواب
گفت از جمله آنها آن بود که خواب است دروغ چه سبب دارد فرمود که حقیقتی بفرماید
گفته است و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی خواب میرود
روح بیرون میرود و سلطان در بدن بماند پس روح میگذرد و برگردد و چه می بیند از ملائکه و اگر چه می بیند
از جن پس چه خوابهاست است از ملائکه است و هر چه خواب دروغ است از جن است و بدین
دیگر منقول است که خوابهایی مومن می بیند زیرا که نفسش پاکیزه و تقییش درست است
و چون خوش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بشارت است و در حدیث دیگر
منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شد اما خوابها بشارت
دهنده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهایی هست یک حسرت و از هفتاد جزو غیرت
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رویائی مومن خواب او در هر
زمان بر هفتاد جزو از اجزائی پیغمبری است و حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت
دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سوال کرد از تفسیر این آیه که یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا
يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ یعنی آن که نیکو ایمان آورند و پرهیزگار
بودند ایشانرا بشارت است در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خواب
نیکو است که مومن در دنیا می بیند و آن بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن و دوم
نرسانیدن شیطان بآدم خوابهایی بریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهایی دروغ که اثرش
ظاهر نمیشود آن خوابهایی است که در اقل سبب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلا شیطان

متمرد است و آنها خیالی چند است که نزد صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابها
 راست و آن خوابی چند است که در وقت آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است
 وقت سحر و آن خواب برست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا بجه
 سر او است از ذکر و یا در خواب بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر باین حالت خوابیده باشد خواب
 بطل می آید یا در بعضی می آید و از حضرت علی بن سنان الرضا علیه السلام نقل است که رسول خدا
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مراد از خواب ببیند چنان است که مرادیده است و بسیار
 زیرا که شیطان مثل نیست تواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از او صیانی من و نه بصورت
 یکی از شیعیان خالص ایشان بیهوشیکه خوابها بی است یکسبب و از هفتاد و جزو پیغمبری است و از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که در آخر زمان خواب مومن دروغ نمی شود
 هر که رست گوتر است خوابش درست تر است و شوق این مقال نیست که چون حق سبحانه و تعالی
 روح مومن را از عالم قدس غنی کرده است و او را ارتباطی با روح اسبیاد و صیاد داده است
 و در عالم ارواح بایشان مشهور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح
 لشکر یا جمعی متع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنائی یکدیگر نموده اند
 در عالم بدن هم آشنائی شوند و اگر در آن عالم جدائی و نفرت داشته اند درین عالم نیز یکدیگر را نمی بخشد
 و از یکدیگر نفرت نمایند و چون بسبب مصلحت غیر متناهی آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای
 کشیف ظلمانی محبوس گردانیده اند با انواع تعلقات جسمانی و شبهات نفسانی و خیالات
 شیطانی مبتلا ساخته اند بسبب این و از عالم قدس بی غفلتی روداده اما اشخاص را درین
 باب اختلاف بسیار است جمعی که مقرران درگاه الهی اند ارواح ایشان بلا اعلی مرتبه و این تعلقات
 جسمانی ایشان را از آن عالم دور میدارند است بلکه با بدن مردم مشغوراند و ارواح ایشان پیوسته
 با قدریان بکلام مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول را و نیاز است
 و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فائز است و جمعی هستند از اشقیاء که با کلیه آن عالم را
 فراموش کرده اند و بغیر این نشانه فانیه و لذات دنیوی چیز بیخاطر نمی کنند حتی جمعی از ایشان از
 کثرت شقاوت و ضلالت نشاء دیگر را بخیر ازین نشاء باور نمی کنند و پیغمبران را در امر سعادتمندی می بینند

و ایشانرا مقرر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند
و جمعی دیگر هستند که با وجود شب بیداری و عیون و حواس در تحصیل مراتب علییه بزم داشته اند
و در مقام نفس و او را خود را بسته اند گاهی گوش و دل شیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت
می شنوند زمانی با و اعطان و راه نمایان بشهر مشهور اند و زمانی با شیاطین پیش مشغول فسق و فجور اند و گاه بلوث گناه
خود را آریند و گاه آب تفرغ و لوح خود را تظلم می نمایند این جماعت چون روح ایشانرا با اعتبار
اشغال و تعلقات و خطایات و سیئات بعدی عظیم از قاضی الحاجات و نهیادائیه و ملائکه
سموات بهر سینه در وقت خواب که نفس را از اشغال بینی بی کجمله فراغی حاصل شد و خیالات
ناسده که از راه روزنه های شاعر بینی برود داخل می شد مسدود کردند بی کجمله او را با هم شناسایان قییم
یاد می آید و باد و ستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و با همان صورت و معنی عروج می نماید
و بار و مانیان و قدسیان هم زبان میگرد و اما در اول شب چون پاره از خیالات بیداری
در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و طیش آن عالم ناقص است
پس باین سبب شیاطین بر او تموی میشوند و خیالات و عیون باطله او را بصورت های گوناگون
در نظر او در می آورند هر چند از اول شب دور تر میشود و نفس و خیالات بیداری بیشتر محو میشود
پرواز او به عالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از مابین آسمان و زمین و هوا با و
خواهشهای ریشتهای رنگین بدرفته بریزد و عرش الهی صحبت مقربان فائز گردیده است و شیاطین
نهیفت میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را بر آئین تنبیه غافلان و بیدار کردن از خواب غفلت
در بیدار کردن و دور کردن عساکر شیاطین و جیشیان فرو میفرستد لهذا در آنوقت خواهشهای روحانی
و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فائز میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و نزاری و توبه
و پشیمانی آنچه در روز غفلت کرده اند بیدار می کنند و باین سبب نماز شب را در آن وقت
مقرر ساخته اند و آیه کریمه **إِنَّ فَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَظًا وَأَقْوَمُ قِيلًا** در شأنش فرستاده
که حاصل مضرتش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان و کاشیتر است
و گفتار و در آن درست تر است پس چه سعادت مندی که قدر آنوقت را بداند و اندازه آن لغتیهائی
بی اندازه رشتناسد و ملائکه روحانی را بر دفع و ساقط شدن طوفانی یا و خود گردانند و روح مقدس

خود را از آلودگیهای تعلقات زنی پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود رساند و در آن
وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان گردانید
و قدری قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را بیاورد و آن جوهر قدسی خود را بهیائی کم نفروشد
و آن طائر عرشی را در قفس ضلالت محبوس نگرداند و قَفَا اللَّهُ لَعَالَى وَ سَأَلَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ
مَسَالِكِ الْمُقَرَّبِينَ وَ التَّنْفِيهِ عَنْ نَوْمِ الْخَافِلِينَ و بدانکه چون این پروردگار نگارنگ تعلقات
جهانی و شبههائی را از ان ریشهائی و نیوی در وقت خواب و پیش منیده و دل آویخته است
و با وجود سه و چ بمراتب علیه باز بصیرتش باین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتها
دیگر دیده میشود و هر چیزی را بهستبار مناسبات کلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان
انبیاء و اوصیاء برائی عظمای ضعیف و بصیرت محسوسان سدا غرور بآنها مثل زده اند
چون ایشان خود را از معقولات معزول داشته اند از ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را
در لباس محسوسات بایشان بنمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند یاری است که خط و خال نیکو
دارد و طفل نادان بآن لغیبت می شود و در میانش هر چه شنیده است و چنانچه علم که باعث حیات
دلها است شبیه کرده اند آب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سبزه زمین آب است
سبزی دلها بعلوم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ شبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای
ظلمه را بر طرفت میکند علم ظلمتهائی شکوفا و شبهات و حیرتهائی جهالت و ضلالت را زایل میکند
و کلام حق تعالی و انبیاء و اوصیاء باین امثال شجور است و سرش همان است که نمکورشده لهذا در
عالم خواب است با ضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب استاج
تعبیر میباشد و کار تعبیر شده نیست که از ان صورتهائی صورت منتقل شود چنانچه
کسی در خواب بیند که در میان فصله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است
تعبیر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از فضله و حیفه گندیده تر
است میداند که مال بدست او می آید یا می بیند که در میان آب است علی او را
رو میدهد و این علی است عظیم و مخصوص انبیاء و اوصیاء است و حیدره حضرت
یوسف تعبیر خواب بود و تخمین این مقام محتاج بطنی است که این رساله گنجائش آن ندارد و الله

در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بروجه کامل مذکور شود در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود می کنم و خواب بهمان نحو که تعبیر آن می کنم واقع می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که منی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود و خواب دید که ستون خانه اش شکست بجزرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید سلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بفر رفت و او چنین خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بفر رفت و او چنین خوابی دید و بمر دو ثومی برخورد و این خواب را نقل کرد و گفت که شوهرش می آید چنان شد این سبب آن حضرت رسید فرمود که چه تعبیر خواب خوب برآ او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند که خواب مومن در میان زمین و آسمان بر بالا کشیدن پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برآ او تعبیر کند پس آن نحو که تعبیر کردند واقع می شود پس خواب خود را نقل کنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برای مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود و تبر بدم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین کاملی تو خواهد رسید اگر همه تراف را بگیرد در دین حق غوطه بخوردی آن شخص گفت دیگران بپادشاه تاویل کنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاه بهتر است از دین حق که آن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت دیگر منقول است که محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زخم آمد و گردگان بسیاری شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعنه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای تو که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است همچون مسلم گفت که چون صبح جمعه رختهای نو که در عید بپوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم و خرمی گذشت و اظلمه رسیدم و بخانه بردم و باو متعنه کردم زخم مطلع شد و آمد بر سرم و آن دختر که ریخت و من در خانه ماندم رختهای نو را پاره پاره کرد و منقول است که شخصی بگفت که آن حضرت

عرض کرد که خوابی دیدم بسیار میترسم و امانی داشتم که مرده است خواب دیده ام که دست فد کردن من کرد و میترسم که بپریم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش صبح و شام و از مرگ گریزان مباشش اما معافه با مردگان علامت طول عمر است بگو که و اما تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد زیرا که هر که معافه با منام آن حضرت و خواب بکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد این گرد و شخصی گفت در خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهین در سر میداشت خدا ترا پیرس میداد چون آهین نهشته است خدا تو دختر می خواهد داد پس ساعتی صبر کرد و بعد از آن پرسیدند که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود و دوازده دختر بهم خوابی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را شخصی نقل کردم او گفت که من سر زندیکی از آن دختر را می دوازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من در شب مولای علی ابن ابی طالب را در خواب دیدم که در میان چشمش غمیدی بود چنین تعبیر کرده ام که بدین حق در خواب آمد و در حدیث دیگر منقول است که یا سیر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که بهفده شیشه در میان قهصی افتاد و آگاه آن قهصض استاد و شیشها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت رست سخت بیاید شخصی از اهل بیت و خویشان من بهفده روز پادشاه شود بعد از آن سید پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابوالحسن یا خروج کرد و بعد از بهفده روز برگرد و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بهت من دادند آنقدر خورم دیگر کم از میان با نهاییم بیرون آید پرسیدند که بچه تعبیر کردید فرمود که به علم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم و بوضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر آسپ چوبی سوار بود و شیرینی در دست داشت و حرکت میداد و من آنرا مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت میکند برین که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود بر آوری از خدا ترس و مرگ را بیاد آور چنین کن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا اعلم عظیم بتو داده است و علم را از من حدیث

اند کرده بپوشید شخصی از مساکین من بزدمن آمد و گفت که فرزند دارم و تو بخوابم بفرم
 من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من نذر و درج گزرا نیدم و عزم کردم که بقیست بسیار
 از زالی بخرم فصل دهم در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی اللہ علیہ
 وآلہ وسلم منقول است کہ سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث
 معتبر دیگر از آنحضرت منقول است کہ شب بیداری و بختن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب
 گردن و دستہ آن خواندن در آن و در طلب علم و بر آوردن کسی کہ بخانه شوهرش برسد و از حضرت صادق
 علیہ السلام منقول است کہ بچ کس اند کہ خواب نبرد و کسی کہ قصد کشتن کسی داشته باشد و کسی کہ
 مال بسیار داشته باشد و اینی داشته باشد کہ بر دوا عطا کند و کسی کہ در میان مردم دعوای و پتان
 بسیار گفته باشد و کسی کہ مال بسیار از و خواستند و مال نداشته باشد و کسی کہ محبوبی را خواهد و
 نماز و دعا شود و پدرم علیہ الرحمہ و الرضوان یہ فرمود کہ ممکن است کہ این تسبیح باشد مردی را کہ
 خواب غفلت بسیار کنی کنند زیرا کہ ہمہ ممکن باید کہ در پیش تن نفس آماره خود باشد کہ دشمن
 اندونی است و پیوستہ در کشتن این کس است و سرایه ایمان و طاعات کہ این کس دارد
 اینی ندارد و نفس شیطان و هوا و شهوات ہمہ اتفاق کرده اند بر فحاشات آنها و دروغ و پتان
 بسیار گفته است ہر کس را و از ہمہ کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه بایست
 نمکرده اند و چون خدا سبب دارند و خواب غفلت قرب او را از دست میدہند پس کسی کہ این
 ہمہ اسباب بیداری درو باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است
 کہ عجب دارم از کسی کہ دعوی محبت الہی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین
 صلوات اللہ علیہ وآلہ منقول است کہ ہر کہ از شیخون عذاب خدا ترسد باید کہ کم خواب کند
 و منقول است کہ چہا چیز است کہ گش بسیار است آتش خواب بپاری و دشمنی و از حضرت
 رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ما در حضرت سلیمان علیہ السلام با و میگفت کہ زنا
 در شب خواب بسیار کن کہ بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت
 صادق علیہ السلام فرمود کہ ہر چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن آنکہ بیدارشی میدہد باشند و خنہ
 کردن تعجبی و ہر چیز خوری خوردن و فرمود کہ اول معصیت کہ خدا را گردنشدن چیزی و محبت دنیا

و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زن و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت
امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ شیطان را سرمد است کہ در دیدگاه مردم میکشد و موعظه
ہست کہ در خلق مردم میکشد و موعظی ہست کہ در بنی مردم بچکانہ سرمدہ اش پیکلی است
و عوفش و دفع است و سوطش بکبر است و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ فرمود
کہ مستی چہار است مستی خواب و مستی مال مستی شرابست مستی پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام منقول است کہ حضرت موسی مناجات کرد کہ پروردگارا کدام یک از بندگان
خود را بیشتر و شرم بیداری خطاب رسید کہ اگر کسیکہ شب تا صبح مانند مردار افتادہ است و روز را
ببطالت شب میرساند و از حضرت امام موسی علیہ السلام منقول است کہ دیدہ خود را بخواب
حادث ندہ کہ ہمچہ عضو در بدن کمر خدا کمر از دیفہ میکند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ
خدا دشمن بیدار و بسیار خواب کردن و بسیار بی فارغ بودن را فرمود کہ بسیار خواب دنیا
و آخرت را ببرد و بدانکہ بسیار بیداری کشیدن ہم مذموم است و در غیر شبہائی کہ بخصوص
احیای آنها وارد شدہ است تمام شب بیدار بودن کرہیت دارد و در اخبار وارد شدہ
است کہ دیدہ را بر آدمی حتی ہست بسیار بیدار حق آنرا ضایع نماید کرد و بدانکہ در خواب
و بیداری و بافت خوابیدن و شستن کرہیت دارد چنانچہ از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ
علیہ و آلہ منقول است کہ کسیکہ در آفتاب نشیند پشت را بافتاب کند کہ رو بافتاب نشستن در دنیا
پہانی را ظاہر میکند و در حدیث دیگر فرمود کہ رو بافتاب کشید کہ مورت بہیجان بخار است و
رو را متغیر میکند و جامہ کھشد میکند و در وہائی اندر فانی از ان بطوری آید و از حضرت رسول
صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ در آفتاب چہا خصلت است رنگت متغیر
میکند و بادر کین بدبو میکند و جامہ را کھشد میکند و باعث درد میشود فصل یازدہم در آداب
بیت اخلا چون خواہد کہ داخل بیت اخلا شود سر را بپوشاند و اگر بالائی عمامہ چیزی دیگر بپوشد گیرد
بہتر است و بسم اللہ گوید و دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَلْخُبْثِ
اَلْمُخِیْثِ الرَّجِیْسِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و دیگر گوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبِّ اَنْحَرِجْ
عَنِّی الْاَذٰی سُرْحًا یُخْرِجُ حِیَابًا وَ اجْعَلْ فِیْ لَدِّكَ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ یٰمَاقْصُرُ وَ عَنِّی مِنَ الْاَذٰی

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَنِي عَنْهُ هَلَكَتْ لَكَ الْحَمْدُ أَخَصَّنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْمَقْعَةِ
وَأَخْرَجَنِي مِنْهَا سَالِمًا وَحَلَّ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَچون داخل شود یا می چپ
مقدم دارد و بنا بر شهور و حدیث بنظر رسیده است و چون عورتش باز شود بسم الله بگوید
یا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون در نشست بگوید اللَّهُمَّ أَذْهَبْ
عَنِّي الْقَذَى وَالْأَذَى وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای
چپ کند و پای راست را کشاده گذارد و سندان بنظر رسیده است و چون غلط یا بجل بر شوار
بیرون آید و بعضی گفته اند که مطلقا اینده عاجز باشد و طیبانی عافیة فاخرجه
مِنِّي جَنِّتَنِي عَافِيَةً وَ در حدیث است که هر بنده را فرشته موکل است که سر او را بر زیری اندازد
در بیت اخلا که نظر سجدت خود کند پس آن فرشته میگوید که ای سرزنند آدم این جا قبت خوشه ها
ست که سعی بیدار در خوبی و پاکیزگی او میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت کجا
رسیدی پس از او آنت است که در آن حال بنده اینده عاجز باشد اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْحَمْلَ وَجَنِّبْنِي
الْحُرَامَ وَچون نظرش بآب استجا افتد بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ
يَجْعَلْهُ نَجَسًا وَچون خواهد که استجا کند بگوید اللَّهُمَّ خَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَخَرِّجْ
عَلَى النَّارِ وَوَقِّفْنِي لِمَا يَقْبَلُنِي مِنْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَچون بر خیزد دستش بر
باله و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَمَّنَا فِي طَعَامِي وَشَرَّبَنَا فِي مَنَابِقِي مِنَ الْبَلَوِ وَچون خواهد
که بیرون آید پای راست را مقدم دارد و بنا بر شهور و دستش بر کش باله و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
عَزَّفَنِي لَذَّتِهِ وَأَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّةً أَخْرِجْ عَنِّي أَذَالَ يَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا يَقْدِرُ
الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا وَ در بعضی از کتب حدیث یا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ سه مرتبه وارد شده است
و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرک کند و بعضی استبرک را واجب میدانند و طریق استبرک است
که انگشت میان دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا از خیر خصیتین سه مرتبه
و انگشت شهادت بزرگ را بگذارد و انگشت میمیان را بر بالای آن بقوت بکشد تا سه مرتبه
و اکثر علماء گفته اند که سه ذکر را بقصد سه مرتبه و این سه مرتبه را در دست استجا با سه
کردن که دفع بگویم میکنند و بسیار شنیدن در بیت اخلا کرده است و منقول است که حضرت

لقمان فرمود که بزور بیت اخلا با نوشتن که بسیار شستن در بیت اخلا باعث بوسیری شود
 و استنجا با استخوان و سرگین کردن مکرده است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان
 و سرگین برای حیوانات ایشان تدار داد و این سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و
 هم چنین استنجا بضرر مطوعات کردن خصوصاً آن که رسمیت شدید دارد و استنجا بچیزهای مستحبه
 مثل تربت حضرت امام حسین علیه السلام و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا نام ائمه صلوات
 علیهم جمیعین یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بر وجه استخفاف کند کار می شود و استنجا بترت
 است کردن مطلقاً مکرده است و بترت چپ هم مکرده است و صورتیکه در آن پشتی باشد که
 در آن اسم خدا باشد و آحق کرده اند علماء را سزاوار بسیار و ائمه صلوات الله علیهم جمیعین را
 هرگاه بقصد نام ایشان کند باشد و مکرده است با خود بردن به بیت اخلا چنین گشتی را هر چند
 و گشت نباشد و همچنین با خود بردن تسبیح و تلوین دعا و همچنین با خود بردن سه سکه در مکرکه
 و کیسه باشد و مکرده است سواک کردن در بیت اخلا که باعث گند و مانع شود و مکرده است
 حرف زدن در آن حال که بگوید خدا و دعا یا حتی سوره و آیه الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میگوید
 از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند خود گفت
 که حالتی چند بر من میگردد که ترا از ان بزرگتر میدانم که در آن احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی
 در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است و واجب است در سلام یا اگر حضرت
 رسول را بنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد بگوید صلوات
 بفرستد و جائز است که اگر کاری باشد داشته باشد و تریسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشد
 و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت اخلا حرف بگوید چنانچه
 بر آورده نشود و مکرده است خوردن و آشامیدن در حال بول و قیاط و استنجا بآبی کردن که
 بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافته نشود فصل دوازدهم در بیان احوال
 و اوضاع و مکاتباتی که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از ناظر
 محرم پوشانده از زن و متعه خود و از کیزی که وطنی آن تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته

باشند و سایر حیوانات و عورت و ذرست و صغیرین و ذرست و سبج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشانند
یا آنکه پنهان شود و در کوی یا در خانه و اگر در مسجد باشد و در شود که کسی خسته او را نبیند و اکثر علماء بر آنند که
حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواه و حرام باشد و خواه در پناه و چو
چشم تاب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برابر بقبله بول کند از رو
فراموشی پس بخاطر شش آید از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از آنجا بخیزد و اگر آنکه حق تعالی
او را پیام زد و احوط آنست که در حالت استنجای نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که پشت
به شرق یا مغرب کند و این احکام نسبت بملائی است که قبله آن باین مشرق و مغرب باشد و احوط
آنست که از باین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله نداند سعی کند در معرفت
قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باین نیست و درین صورت اگر پشت
بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلند می و یا جائی که خاک بسیار داشته باشد
رو کند تا خاطر جمع باشد که با ذکر شرح نمیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از هر کس شتر از آن بول میکرد تا آنکه هرگاه اراده بول میکرد و نمیدانست بر جای بلند می میفرستند یا جائی که
خاک نرم بسیار بود که مباد بول ترشح نکند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب
از سهیل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب پیاده بول کردن
بتر است و در احادیث متعبره وارد شده است بخوبی بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب پیاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی
است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نیندازد و پیاده بول کردن مکروه است بلکه غایط
را هم پیاده کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که پیاده بول
کند بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول بریزد کردن مکروه است و مکروه است بول
کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط کردن در جرای آب هر چند آب بیشتر باشد و هم چنین
در میان راهها و کنار آنها و در مسجد یا در نزدیک دیوارهای مسجد یا در در خانه یا در جاهای که
سبب آن مردم و شنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه و در درختی که میوه داشته
باشد زیرا که ملائکه در آنوقت بآن درختان می بینند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران بعضی

گفته اند که در غیر وقت میوه هم کرده است و در جاهائی که مردم قافله میسر و می آیند و جاهائی که مردمان
در آن متذمبی میشوند حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که حق تعالی لعنت کرده است کسی که خالی کند در ساینه قافله در آنجا منزل نمی کند
و کسی که منع میکند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمه ها مردم بتوبت بران وارد می شوند
یا آبی که یکجا جماعتی بنهد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد که صاحب نوبت را منع کند و کسی که راه شاع
روم رسد کند بر یو اگر شیدن یا راهزنی کردن یا غشور کردن یا بپایانم در آداب حجامت و تفتیه و
خواص لغوی و دیر و صاباچه از امراض و ذکر لغوی و زاد و جنه و صبر از فعل اقل در ثواب بیماری و صبر کردن
بر آن و بیان شدت ابتلائی مؤمنان و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر بر چنانب آسمان بلند کرد و گفت و تبسم
فرمودند صحابه از سبب آن سوال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که از آسمان
بر زمین میروند و بنده مؤمن صالحی را در جانی نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بگویند
و او را در جانی نمازش نیافتند با آسمان فرستادند گفتند پروردگار افلان بنده ترا در جانی نمازش
طلب کردیم او را نیافتیم و او در بند بیماری است حق تعالی فرمود که بنویسید بر بنده من مثل آنچه
در مال صحت از افعال خیر و در سب و در روز میکرده است با دام که در بند من است و در حدیث معتبر
و دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون بر مومن ضعف پیری غالب شود
حق تعالی امر میکند باینکه آنچه در قوت و جوانی میکرده است برای او بنویسید و همچنین ملکی او را مثل آنچه
میگرداند که برای مومن باین بنویسید آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کار خیر
باین بنویسید آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که بیداری یکشب از بیماری و در بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
و دیگر منقول است که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مومن بنویسد
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بدنی که بیمار نکند طغیان بهم میرسد
و خیری نیست و چنین است که در حدیث دیگر فرمود که یکشب برابر است با عبادت یکسال و دو شب
تسب برابر است با عبادت دو سال و شب برابر است با عبادت هفتاد و سال از حضرت صادق علیه السلام

که کیشب کفار گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیارمی بکشد و به احدی از عیادت گشتگاناش شکایت نکند بل بیکدم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و دهنی بهتر از دهن او پس اگر او را عاقبت هم از گناهان پاک بیکدم آورد اگر بگیرانم بسوی رحمت خود می برم او را و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که کیشب بیارمی بکشد و تسبیح کند آنرا آنچه شرط قبول کردن است با آنکه سیرا خیزند از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که حد شکایت نه نیست که بگوید که تسبیح را خواب نبرد یا تسبیح دهم بلکه آنست که بگوید بسلامتی مستند شدم که هیچ کس آن مستند نشده است و آنچه بمن رسیده است بهیچان رسیده است و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تسبیح رسول مرگ است و زندان خداست و در زمین فرشتش از چشم است و بهر مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن حسین صلوات الله علیه منقول است که نیکو در وی است تسبیح هر عضوی میرساند بجز و از بلاها و خیری نیست و کسی که بلا مستند شود و در روایت دیگر آورده شده است که مؤمن چون تسبیح کند گناهان از او میریزد مانند برگ درخت و اگر بر خست خواب مستندانه اش ثواب منجیان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پہلو پہلو که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بیارمی بر مؤمن پاک کننده اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو و از برای کاف جواب لعنت است و فرمود که کیشب در دهر گناهی طریقی میکند مگر آنکه کیشب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه خصیصه برای او میفرستد تسبیح یا در دهر یا در چشم و در احادیث معتبره بسیار آورده شده که بلامی پس از همه شش بدتر است پس از بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیای هر که نیکوتر و فاضل تر است و مؤمن بعد از ایمان و اعمال نیکش ملا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر است بلائین بیشتر است پس هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکش کمتر است بلائین کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلامی میم باشد و هیچ گرویی را

خدا دوست نیدارد مگر آنکه ایشان ابتلا بلامیگرداند و فرمود که حق تعالی را بندگان خالص است
که از آسمان سیح تخته بر زمین میفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و سیح بلا
میفرستد مگر آنکه میگرداند دیگر این بسوی ایشان و بر دایت مقبره دیگر از حضرت امام حسین
علیه السلام منقول است که چون حق تعالی بنده را دوست میدارد و غوطه میدهد و او را در بلا غوطه
دادنی و میریزد و در بلا آختنی پس اگر خدا برائی دفع آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید اَلَسَّيْتُكَ
ای بنده من اگر زد و بتوبه بهم آنچه طلب میکنی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنی برای روز حشر بهتر است
از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مومن چهل شب ببرد
نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوگین می شود که بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در
حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در بهشت منزلی است که هیچ کس با آن منزل نمیرسد مگر
آنکه بلائی بدن او برسد و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب بگذاشت هر سینه
آرد کند که پیش از آن مقرر است پاره پاره کند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند مالین
یاد میکند مومن را به تخته بلا چنانچه کسی از تخته بر اهل خود بفرستد او را بر میزند و دنیا چنانچه طبیعتا بر میزند
میفرماید از چیز آنکه با وضو میرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم را بخانه خود طلبیده حضرت چون داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالا
دیوار هم کرده و آن تخم افتاده بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شده و نیفاذ و شکست حضرت
تعجب نمودند آن شخص گفت که ازین تعجب منماید بختی آنخداوندی که ترا برستی فرستاده است
که هرگز نقصان بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول فرمودند و گفتند
که هرگز نقصانی با تو نرسد امید خیر دار و نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مومن را بهر بلائی
مبتلا میکند و بهر مگر او را فی میراند اما عقاشش را بر طرف نمیکند نمی بینی که شیطان بر مال فرزندان
و اهل حضرت ایوب تسلط شد و بر عقاشش تسلط نشد که آن عقل خدا را به بیگانگی شناسد و در حدیث
حسن دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر نه این بود که مومن در دل خود چیزی نیافت آهسته عصاره
بر سر کافری بستم که هرگز در رسد با و زسد فصل دوم در فضیلت و آداب حجاست بسند صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دو چهار چیز است حجاست کردن و دوارا دیدنی

چنانچین وقتیه وقتی کردن و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه شد شمارا اگر تاخیر میکردند ایسین روز یکشنبه که در در بیشتر از بدن کشید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه حجامت میکردند و با حجامت حجام گندم میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن در سه روز دوشنبه روزا از بدن میکشد کشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدایتوشوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هرگاه خون زیادتی کند بر تو خواه در شب خواه در روز آینه الکرمی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که حجامت کند در روز دوشنبه هفتاد و یک ماه یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد از درد پائی همه سال و شفا بخش او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی النقی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل کوه دینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکنند که هرگز در روز چهارشنبه حجامت کند و پیش شود دلاست نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پس شود که مادرش در حیض با و حامله شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز دوشنبه حجامت کند بدستیکه در هر پس حجامت خون از جایی خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر میگردد و اصبح روز دوشنبه قیامت بود که هر که حجامت کند دوشنبه آفراده و اقل روز در دایم الزامش کشد و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محمد را بریزند اللهم الله اعوذ بالله الکرم فی حجامتی هذیه من العین فی الدیم و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت کرد و در میان هر دو گفت و در پشت گردن میکرد و یک را نافه میسنا میزد و دیگری را میخیشه یعنی پیر یا در سینه و سیوم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلا یا و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سینه یعنی شکر بی بجانب بالا و بهر جا که برسد در آنجا حجامت کنی و در روایت منقبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه

[illegible]

منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت میکردند آب سرد غسل میکردند
 تا حرارت خون فروکشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت
 اقل در پشت گردن میکردند پس ریل آمد و امر کرد آنحضرت را حجامت ایمان و کف و در
 حدیث دیگر فرمود که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سپارچه فیند
 یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متوکل میکند و حرارت را قطع میکند
 و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول است که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن
 و خون اندر و ناصاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که حجامت روز شنبه باعث صفا
 و در روایت دیگر منقول است که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در شب زیادتی خون میخفتند
 در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در ماه مبارک رمضان
 بهتر است که در شب حجامت کند و فرمود که حجامت در روز یکشنبه است حجامت شنبه و در روز یکشنبه است و فرمود که
 در چهار حجامت ناشتا مکن تا آنکه چیزی نخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود
 و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از
 اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت
 حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس از آن
 طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند
 و گفتند که خوردن انار در این وقت صفر را فراموشی نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر
 پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیزی خوردند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست
 و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است کسیکه خواهد حجامت کند در روز شنبه کند و فرمود
 که حجامت کردن در روز یکشنبه شغائی همه در بد است و در روایت دیگر وارد شده است
 که نباید کرد حجامت در روز چهارشنبه گاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام ضیاء علیه السلام منقول
 است که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن تفرق میشود
 پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی وارد شده است از حجامت کردن در وقت
 ظهر و در جمعه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر مضم به ماه حسنه بر آن رو که در اول

تابستان است حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که حجامت را در خمر روز بجا آرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
 که حجامت در گوشت سر موجب غلبه فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که حجامت سر بفریاد رسنده است و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف
 ابرو شبر گردند بجانب پشت و آنجا که انگشتها رسید نشان دادند که در اینجا حجامت بسیار کرد
 و در روایت دیگر منقول است که در روز سه شنبه ساعتی است که اگر حجامت در آن ساعت
 اتفاق افتد خون در بدن بندنی شود تا بر قوسه مود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند
 و بلای پای و برسد ملائکه نگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیه الکفرسی بخوان و در هر روز که خواهی
 حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و در دندان و در
 حدیث دیگر تاریکی چشم و در سردی غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود همراه او یکبار
 حجامت کنی در گوشت سر که لعابش را خشک میکند و سدرت را از سردی بدش میکشد و منقول
 است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه بسبب طلب بنیاد و فرمودند که رگ کف دست
 بکشاید و منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد و جگر حضرت
 او را فصد پا فرمودند و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمودند که سه مرتبه هر دو پا را حجامت
 کن و پشت پا و در میان کعب و بند پا و شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد
 از سرب فرمود که فصد پائی رست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک
 بریز و بخور و ماهی کوسه که مخور و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرب
 فرمود که رگ اکحل را بکش فصل سیوم در بیان انواع تدابیر که از ائمه علیه السلام وارد شده است
 و بیان جواز رجوع طبیبان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در دسه است
 و دوا سه است پس در دمه است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوا خون حجامت است و دوا
 مژه سهیل است و دوائی بلغم حام است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوائی
 پیغمبران است حجامت کردن و کوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام منقول است که بهترین دوا گاه شامقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن

و حمام رستن و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در حمامت حقیقه است و آخر دوای
ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در بخت چیز است
حمامت حقیقه و دار و بسینی چکانیدن و حمام رفتن و خوردن و غسل و آخر دوای ایشان داغ
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقیقه از جمله ددبائی عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دو چهار چیز است حمامت و دار و البیدن و گردن حقیقه
کردن و فرمود که طبیبان حمامت حقیقه و حمام و قی و دار و در بینی چکانیدن و چشم و
دار و سوختن است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین چیز بای که آن مداومت کنی حقیقه است شکم را
فربه میکند و درد بای اندر وی را پاک میکند و بد زقوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی
چکانید و در فقه الرضا مذکور است که حمیه و امساک سر سده و او است و معده خانه همه در بای
و هر بینی را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که حبس آب کن از دو خوردن تا بدنت تاب
ورود دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید
بول کن و تا ضرورت نشود جماع مکن و هرگاه ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح
باشد همیشه و فرمود که حقیقی دارا مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتیکه مقدر شده است
که آن مرض تا آنوقت باشد و چون آن مدت منقضی شود او را رخصت اثر میدهد و آن دوا
شفای یابد مگر آنکه پیش از آن مدت دوا یا تصدق یا کار بای خیر کند که خدا پیشتر از آن مدت دوا را
رخصت تاثیر میدهد و فرمود که در غسل شفا می هر دردی است که هرگز یک گشت غسل شفا بخورد
بلغم را دفع میکند و سودا را بر طرف میکند و دهن را صاف میکند و قوت میدهد حافظه را هرگاه
با کندی خورده شود و آب سرد حرارت و سفر را فرومی نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاطی که
در فم معده است میگرداند و تب را بر طرف میکند و فرمود که اگر چیزی بد زافیه میکند بالیدن
بمن است و جامه بآنزم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رستن و اگر مرده را مالندگی کنند
وزنه شود لعید میست و تصدق بلبائی آسمانی را دفع میکند و قضا بای حکم را بر طرف میکند و
بجاری را می برد چیزی مثل دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهائی برهیز و امساک

چهارده روز است و پریزده نیست که چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر نخورد و فرمود که صحت و
 مرض در بدن آدمی بایکدیگر در مقام معارضه و مقابله اند پس در وقت که صحت غالب آید بیا
 بشوئی آید و آشتهائی طعام بهم میرساند پس نگاه طعام بطلد برسد شاید شفایش در آن
 باشد و فرمود که شفائی هر روز در قرآن هست پس بیمار آن خود را دعا کند بصدق و طلب شفا
 کند بقرآن که هر کرا قرآن شفا دهد هیچ چیز شفائی او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 مروی است که هر که درد بار در بدن خود یا بد حسد رت بر فراخ خود غالب یا بد با زبان جلع کند
 که حرارت را فردی نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه در دوا و بیماری با
 از غلبه سودا و صفرا و خون سوخته شده و بغم زیاد می باشد پس باید که آدمی قهدا حوال خود کند
 پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 بر آسانید معتبره منقول است که دو کنید بیمار آن خود را بصدق و فرمود که تصدق بلامائی محکم را
 دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهائی بدر از عاصی دفع میکند و در روایت دیگر منقول است
 که شخصی بخت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من باده نفر از عیالم هم بیایم فرمود که ایشان را دوا
 کنید بصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق دفع میکند و پسند مقبر از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین با و فرمود که از زن خود یک هم
 از مهری که با و داده بطلب که بتو بخش و عمل بخور و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت
 از سبب آن پرسیدند از آنحضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زبان از مهر خود و شما بطیب طاهر
 چیزی بخشد بخورید گوارا و با عاقبت نیک و در باب عمل میفرماید که در آن شفاست از همه در که
 از برای مردمان و در آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گواهی
 حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث دیگر منقول است که مرد پیری بخدمت حضرت
 صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند و بخورم حضرت
 فرمود که چرا دوا خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است گفت با من قوت
 نمیکند فرمود که چرا عمل بخوری که خدا شفائی مردمان گردانیده است گفت پرستم نمی آید فرمود که چرا
 شیر بخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است گفت با طبع موافقت نمیکند و نمرد

بخوابی که از رخصت بهم که شراب بخوری و الله که هرگز چنین نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت
 منقول است که راه رخصت بیمار باعث نکس مرض و زیادتى آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول
 است که شخصی خدمت آنحضرت عرض کرد که بیمار آن که نزد ما بیمار میشود اطباء ایشان را امر باساک
 و پیر می کنند فرمود که ما اهل بیت اساک نمیکنیم مگر از خرمای خود امداد کنیم سیم بسبب و آب سرد
 پسید که چرا اساک از خرمای کسید فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را در بیماری ازان اساک فرمود و در روایت
 دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز بیاید پیر و اساک بیمار را فرمود که ماده روز و در روایت
 دیگر یازده روز و در حدیث دیگر فرمود که اساک و پیر بعد از هفت روز دیگر نفی ندارد
 و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پیر همان نیست که در اصل چیزی نخوری بلکه
 آنست که بخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که حضرت موسی بن عمر ان علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا در درگاه تو میسر خطاب رسید
 که من پرسید که دو از کیفیت خطاب رسید که از من پرسید که پس چه گفتند مردم این حکیمان را
 خطاب رسید که دلپاشی مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از
 امام موسی علیه السلام سوال کرد از داغ کردن بیمار آن وعوذها و افسانه ها بر ایشان خواندن فرمود
 که بانی نیست در داغ کردن و افسانه که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که شخصی
 از آنحضرت پرسید که من شجاع می شوم طبیب نصرانی و بنزد او بمعالجه میروم و بر او سلام میکنم
 و او را دعا میکنم فرمود که بانی نیست دعا و سلام تو با و نفی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که
 ناممکن است رجوع بمعالجه طبیب میان کنی که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار
 میکشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مسلمان را باید که دعا کند
 تا غالی نشود بیماری او و بر بخشش و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که صحتش بر بیماری غالب
 باشد و معالجه کند و ببرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که باین حال دعا بخورد
 اعانت کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 پرسیدند که بمعالجه طبیب نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که بانی نیست شفا بدست خداست

و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دو دایم خورد و گاه هست که او را
میگشاید و گاه هست که شفا میسر نیاید یا بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حقیقی دوا را فرستاده
است و شفا میفرستد و هیچ دردی خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن فریده است بخورد
نام خدا بر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی با مردی شش
آب سیاه می آورد و اطفال میگویند که چشم ترا میزند میباید که یکبار یا چهل روز بر پشت
بخوابی و حرکت نکنی و باین حال نماز با ایما میباید بکنی حضرت فرمود که چون مضطرب باشی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیا شد پس گفت که
دوائی کنم تا آن سیکه مرا آورد و داده است شفا بد حقیقی با و وحی فرستاد که تا دوائی کنی من شفا
ندهم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت عرض کرد که من جسته تپ را می برم و داغ میکنم
آتش فرمود که بانی نیست گفت که دوائی تلخ که سمیت دارد بر دم میدهم مثل غاریقون فرمود
که بانی نیست گفت که گاه هست که میبرد حضرت فرمود هر چند که میبرد بانی نیست گفت که گاه هست
که شراب و بوزه میدهم که بخورند فرمود که در سمرام شفا می باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که شخصی بآن حضرت عرض کرد که شخصی دایم خورد و در گهائی نیش را میزند گاه مستفیع میشود و بسیار است
که او را میگشاید فرمود که کنسید و در حدیث دیگر عرض کردند که سیکه داغ میوزانند بر بدن و گاه
که میگشاید فرمود که شخصی در زمان پیغمبر داغ میوزانید و حضرت بالا نمی سوزانده بودند و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقول است که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در
بدن در گردا برمی انگیزد و هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که با محتاج نشوی تعریف و بدن نکنی
فصل چهارم در معالجه انواع تپ در احادیث بسیار وارد شده است که ما در اینجا نمی بینیم تپ را
مگر نخستین آب سرد بر بدن خوردن غیب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تپ از بوی چمن است و
نشانی حرارت آن آب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تپ هیچ چیز نافع تر از دعا و آب
سرد نیست و از منقول منقول است که بخند است از حضرت رفت در ایام بهستان و از حضرت تپ
داشتند و دید که طبعی گذشته است پراز سبب سبب عرض کرد که مردم این را خوب میدانند برای
تپ فرمود که این تپ را بر طرف میکنند و سدرات را فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقلد

و در هم قند با آب سرد شاد خوردن برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه آمدند و آنحضرت تب داشت فرمودند که سنجیدناول فرماید و آنحضرت امام موسی علیه السلام منقول است که خاریدن بدن و قلبه خواب و نبوره ها و دهنها علامت زیادتی خون است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شکست گرمی تب را به بنفشه و آب سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما این عیت کردن شفاست از تب و صبح در دهان و ساء و شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند و در ارض میکند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام او شخصی سید که شما بیماران خود را چه چیز دوا کنی سید گفت که باد و آبی تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود و قند سفید بگوید و آب سرد بر بریزد و با بخورانی که آن خداوندی که تلخ شما میدهد قادر است که بشیرین شفا دهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که آب دفع تب میکند و فرمود نه دوا به بیماری کشیدم خدا ما را الهام کرد که برنج را گندم کنند و آنکی بر روی آتش بپزد و در هم سیاه خورند و دوا فرما خوف کردم دوا را در میان آب کردم و خوردم بر طرف گردید و فرمود که تب پاد و لا دخیل بران و در برابر دیگران سیاه باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که علاج تب به حبیر میباشد بخی و عرق و شنبلیله و از ابوسعید خضری منقول است که بخند حضرت صادق علیه السلام رفت و شکایت کرد از تب ریح فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریزد و داشتاد هر وقت که خست علاج آب خوردن شود بخور چنان کرد و بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که در معالجه تب به عسل سیاه دانه را با هم محض و کُن و سه انگشت ازان بخور که این هر دو مبارک است و خدا عسل افزوده که شفاست و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در سیاه دانه شفای همه در دست مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و آله منقول است که بهترین چیز برای تب ریح آنست که در روز نوبت پاد عسل بسازی و در آن بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن چیز بخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که این تعویذ است برای شیعیان ارسِلْ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْاَدْبَابِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ

وَيَا أَيُّهَا الْمَلَأَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ لَبِئْسَ الْمَلِكُ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفِي سَائِرَ الدُّنْيَا
 وَإِيَّاكُمْ لَبِئْسَ الْمَلِكُ وَإِيَّاكُمْ لَبِئْسَ الْمَلِكُ وَإِيَّاكُمْ لَبِئْسَ الْمَلِكُ وَإِيَّاكُمْ لَبِئْسَ الْمَلِكُ
 این دعا را بخوانی تا خدا ترا شهادت بخول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این دعا را عارض شد جبریل آمد و این صوره را بر حضرت خواند و در ساعت پیشانی شد
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَشْفِيكَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُغْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ
 بِسْمِ اللَّهِ شَدَّهَا فَكَانَتْ نَكَتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا أَفْئِمُ بِمَوَاقِعِ الْجُحُومِ لَسَبْرًا
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَدَرَجَتِ حَدِيثِ مُعْتَبَرِ مَنْقُولِ است که بر هیچ بیماری و صاحب در که مبتلا و مرتبه سوء
 حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن در دو ساکن میشود و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت
 حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و آنچه اطباء گفتند بیهل
 آوردم و بر طرف نشد حضرت فرمود که بنده بانی پیر این خود را بکش و سدر را در گریبان پس بپوشان
 داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم
 گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از بزرگان آن حضرت بسیار ضعیف بود
 که ده مرتبه یا الله بگوید هر روز که بگوید مگر آنکه حق تعالی بفرماید که بستی یک حاجت خود را بگو و در
 حدیث دیگر فرمود که هر که اعلتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند و اگر بر طرف نشود هفتاد مرتبه
 بخواند که من ضایع منم که آن علت بر طرف شود و در حدیث معتبر منقول است از داود بن نعیم که
 گفت بیمار شدم و در مدینه بیمار شدم چون این سوره بخواند امام جعفر صادق علیه السلام رسید
 برین رشتند که یک صلح گندم بخورد و بر پشت بخوابد و آن گندم را بر سینه خود بریزد و بگوید اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرَّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَ مَكَّنْتَ
 لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَ خَلْقَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ
 بَيْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي بِرِسْتِ نَشِينِ وَ گندم را جمع کن و باز آن دعا بخوان فان
 گندم را چهار حصه کن هر حصه یک فقیر بده و باز دعا بخوان و او گفت که من چنین کردم گویا از بندی
 رها شدم و بسیار کسان کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون بزر
 بیماری رو هفت مرتبه بگویی اَعِيزْكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِيْقٍ

فَتَأْتِيهِمْ شَرُّ النَّارِ وَدَر حَيْثُ وَبِكَرُوهُ سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه في
ليلة القدر و آية الكرسي بخوان پس بگفت شهادت بر بهلوی بیار بنویس اللهم ارحم
جلد لا الرقيق و عظمه الدقيق من سورة الحرفيق يا اتم مبدء من ان كنت امنيت
بالله و اليوم الآخر فلا تأكل اللحم ولا تشرب الدم ولا تشك في انجسهم ولا تصدع الزمان
و انشغل عن فلكك بن فلان و نام او و مادرش بنویس الى من يجعل مع الله الها الآخر
لا اله الا الله تعالى عما يشركون علواً كثيراً و در روایت دیگر فرمود که بیار سر را
در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامت بگوید و سوره حمد بخواند و سه مرتبه قل هو الله بخواند
و بگوید اَعِيذُ نَفْسِي بِحَبْلِ اللَّهِ وَ قَدْ سَرَّ اللَّهُ وَ عَظَّمَهُ اللَّهُ وَ سُلْطَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِ اللَّهِ
وَ بِمَجْمَعِ اللَّهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِعِزَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ وَ بِوَلَايَةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ
مَا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْحَيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اشْفِنِي لِشِفَائِكَ وَ دُلُونِي بِدَلِيلِكَ
وَ عَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بان حضرت شکایت کرد که بیش
بسیار بطول انجامیده است فرمود که آیه الكرسي را در ظرفی بنویس و آب حل کن و بخور و کفشی
از کتب مشبه منقول است که برای تپاین تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بندد و سوره حمد را
تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد اللهم و با الله اعوذ بكلمات الله التامة التي
لا يجاوزهنَّ وَ هُنَّ بِرُؤُوسِهَا جُزُءٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّةِ وَ السَّامَةِ
وَ الْعَامَّةِ وَ الْأَمَةِ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ
وَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْبَنِينَ وَ الْأَنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّ كَيْدٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ
وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ أَخَذَ بِمَا صَبَّهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ رَبَّنَا عَلَيْنَا نَوَكُلَا
وَ إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ يَا فَارُكُوْنِي بَرِّدْ أَوْ سَلَامًا عَلَيَّ يَا أَرْهَبِيْمُ وَ أَدَاوِيَا
كَيْدًا فَجَعَلْنَا هُمُ الْأَخْسَرِينَ بَرِّدْ أَوْ سَلَامًا عَلَيَّ فَلَانِ بْنِ فَلَانَةَ نَامُ بِجَارِ وَ مَادَرِشِ
رَبَّنَا لَا نُؤْخِذُكَ مَا أَنْ لَيْسِنَا أَوْ أَخْطَاكَ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَ عَلَى الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا

فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَتَوَكَّلْ عَلَى
 الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ عَذَابٌ عَنِيبٌ الْبَصِيرَ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَرَمَ الْأَعْرَابَ وَحْدَهُ
 مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَأَخْلِقَ آفَاقَهُ مِثْلَ آفَاقِ قَوْمِ عَزِيزٍ
 الْأَوَّلِ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلَبُونَ وَمَنْ يَخْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ
 عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَرْسَلَنَ فَارِسِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مُنْقَلِبًا
 ثُمَّ كُفْتُ بَعْدَ زَوَاتِ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُوحَانِهِ هَيْرُونَ أَمَدَمَ وَرَأَى
 حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَافِقَاتِ كَرْدَمَ فَرَمُودَ كِهْ بِرُوحَانِهِ وَحَضْرَتِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْهَا كِهْ تَحْتِ اَزْبَاشَتِ بَرَأْنِي وَأَمَدَمَ مِخْوَانِدَ كِهْ تَبُو عَطَا فَرَايْدَ تَجْوِيلِ نَحْدَمَتِ اَنْحَضْرَتِ شَتَا فَنَمِ
 فَرَمُودَ كِهْ دِيرُوزِ دَهْمِينِ مَوْضِعِ نَشْتِ بُدُومَ وَدَرْ خَانِهْ بَسْتِ بُودَ وَغَلِغَلِ بِدُومَ وَفَكْرِ مِكَرْدَمَ وَرَشَقِطِ
 شَدَنَ وَحِ اَهْلِي اَز مَانِيَا مَنَ بِلَاكُمُ بَسُوئِي اَنَا كَاهِ دِيدَمَ كِهْ دَرْ كَشُودِهْ شَدَ دِهْمَ وَخَرَبِهْ اَنْدَرُونِ
 آمَدَمَ كِهْ كِهْمِي بِسَنَ وَجَالِ وَطَرَاوَتِ وَنَزَاكَتِ وَخُوشْبُوءِي اِيْشَانِ مَرُوزِ نَدِيدِهْ اِسْتِ چُونِ اِيْشَانِ
 دِيدَمَ بِرَنَاسْتَمَ وَسَوَالِ كَرْدَمَ كِهْ شَمَا اَز اَهْلِ مَكَّةِ اِيْدِيَا اَز اَهْلِ دِينِهْ كُفْتَنْدَايِ خُشْتَرِ حَضْرَتِ رَسُولِ خُدا
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُ اَز اَهْلِ زَمِينِ بَسْتَمَ مَارَا بِرُودِ كَا عَزَّتِ اَز اَهْلِ بَهْشْتِ جَاوِيدِ بَسُوئِي
 تَوْفَرِ سَنَادِهْ وَبِسَارِ شَتَا قِي تَوْبُو اِيْجَمِ اَوِي كِهْ بَرَزْكَ تَر مِسْنُودِ پَر سِيدَمَ كِهْ چِهْ نَامِ دَارِي كُفْتِ
 مَقْدُودِهْ كُفْتَمُ بِچِهْ سَبَبِ تَر اِيْنِ نَامِ كَرُونْدَ كُفْتِ بِبَهْشْتِ اَكْبَرِ اَز بَرَأْنِي مَقْدُودِ بِنِ اسُو وَخَلْقِ شَدِهْ اَمِ
 بِسْ اَز دِيْكَرِي پَر سِيدَمَ كِهْ چِهْ نَامِ دَارِي كُفْتِ ذَرَهْ اَز سَبَبِ نَامِ پَر سِيدَمَ كُفْتِ زِيرَا كِهْ اَز بَرَايِ
 اَلْوَرِغْ خَارِي خَلْقِ شَدِهْ اَمِ اَز سُوْمِ پَر سِيدَمَ چِهْ نَامِ دَا كُفْتِ سَلَمِي اَز سَبَبِ نَامِ پَر سِيدَمَ كُفْتِ زِيرَا كِهْ اَبَرَا كِهْ سَلَامِ
 فَارِسِي اَنَادُ كَرْدِهْ پَر تُو خَلْقِ شَدِهْ اَمِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَرَمُودَ كِهْ بِسْ اَز بَرَايِ مَنِ رَطْبِي چِسْنَدِ بِيْرُونِ اَوْرُونِ
 مَانَدِ كَرْدِهْ بَايِ تَا هِيَايِ بَرَزْكَ اَز بَرَفِ سَفِيدِ تَر وَاَز مَشَاكِ خُوشْبُوءِ تَر بِسْ سَلَامِ كُفْتِ كِهْ حَضْرَتِ
 فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كِي اَز اِنِ طَرَسِ بَهَا بِسَنَ دَاوَنْدَ فَرَسُوْدُ مَزْدَكِهْ اَشْبِ بَايِنِ طَرَسِ اِفْطَارِ كَرْنِ وَفَرَا
 هَسْتَمَ اَشْ زَا بَرَأْنِي مَنِ بِيَا دَر بِسْ اَز رَطْبِ رَا كُفْتَمُ وَبِيْرُونِ اَمَدَمَ بِجَرِ جَمْعِي كِهْ اَز اصْحَابِ رَسُولِ خُدا
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُ مِكَوْشْتَمُ مِي پَر سِيدَمَ كِهْ اَمِي سَلَامِ مَكْرِ شَاكِ هَمْرَاهِ دَارِي مِكَوْشْتَمُ بِلِهْ

اینده بخوان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم تو کلت علی النبی الذی لا موت
والحمد لله الذی لم یتخذ قدا ولم یکن له شرک فی الملک ولم یکن له ولی من
الدن وکتبه تکیرا ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت
موسی بن جعفر از عیسی السلام بجهت شکیات کرد از طبع رطوبت حقایق او را فرمود که بلیله و
بلیله و آله را باید و با غسل خمیر کند و بخورد حضرت فرمود که این است که شما اطریض میگویید
و در طب الایمه روایت کرده است که شخصی بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه عرض کرد
که در همسایگی ما شخصی اعتراف گزیده است و بیم آن است که بپاک شود فرمود که بخورانید
با و دو جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بار سیده است پس فرمود که سبیل
در عفران و قاطله و سر قرصا و خربق سفید و بذرا بسنج و طفل سفید همه مسا و یکدیگر فرسودان
و برابر هر یک از آنها بسیار نرم بگویند و اگر بر بیرون کنند و با غسلی که کفش گرفته باشند
خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا به آب طبیعت با و بخوراند که در
ساعت شفا می یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای
فالج و لقوه یک حب آنرا آب مرزگوش و سینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی صلوات الله
علیه نقل کرده است که از برای سرد و معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا آب
زیره پنجه بخورند و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای
از اگر سر یک حب آنرا آب سرد و اندک سر که بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام
نقل کرده است که از برای درد پهلوی است یک حب آنرا آب زیر پنجه بخورند و از برای
درد پهلوی چپ یک حب آنرا آب ریشه کرفس که پنجه باشد بخورند و در حدیث دیگر فرمود
که از برای اسهال یک حب آنرا آب سرد پنجه بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت
گرفته است که یک حب آنرا آب سرد یا آب زنجبسته بخورند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه نفقهها است هر سینه قیمت هر شفا
و و مشقال طلا شود و بدستیکه امان می بخشد از بیهوشی و پیسی و خوره و دیوانگی و فاجع و لقوه و اگر با بوی
سرخ بی دانه و بلیله کابی و بلیله زرد و بلیله سیاه همه چیز مساوی عمل آورند و هر روز ناشنا

که پوشاند آنها را و آتش نرزم تقدیر زیر پاتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن
چیزی نماند پس همان مقدار شیر گاو تازه زائیده بر آن بریزد و آتش نرزم تقدیر بر سر آن که از آن
شیر هم چیزی نماند پس همان قدر عمل مصفیه که موش را گرفته باشند در پاتیل بریزد و آنقدر آتش
بسوزان که آنرا هم بخورد پس از سیاه دانه در نیم و از فلفل و مرزگوشت هر یک سیخ و در هم بگیرد و نرم
گوب و در پاتیل بریزد و بر هم زن تا مخلوط شود بان سیر پس طری را بگیرد و اندرون آنرا بر روغن
گاو چرب کن و این دوا را در آن بریزد و در میان جویا خاکستر چهل روز پنهان کن و هر چند
نه نه تری شود نیکوتری شود و فرمود که نافع است بر دفع لقوه کهنه و تازه و درد اندرون و
هسته و تازه که سیر که سرانده باشد و برای سیل چشم و در پاد ضعف معده و صرع و غش اطفال و
ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خورده و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرود
نه چون یک ماه برین دوا بگذرد بر آرد و دندان و امراض بلغمی بقدر نصف گردگان هشتاد بخورد
و چون دو ماه بر آن بگذرد برائی تبیه لوزه و آنرا برای چشم نافع است و چون سه ماه بر آن بگذرد
برائی صفرا و بلغم سوخته و تبیه مضطرب صفراوی هشتاد خوردن فحش است و چون چهار ماه بر آن بگذرد
برائی تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بر آن بگذرد و کسیکه در دشت باشد
بقدر نیم عدد سس ازین دوا بار روغن بنفشه مخزوج گردانیده در بینی بچکاند و چون شش ماه بر آن بگذرد
کسیکه در وثیقه داشته باشد بقدری که حدس از آن بار روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی
بچکاند از آنجا که در وی کند در اقل روز و چون هفت ماه بر آن بگذرد برائی دفع بادی که در
گوش بهر بقدر یک حدس بار روغن گل سرخ مخزوج ساخته در گوش بچکاند در اقل روز
در هنگام خواب و چون هشت ماه بر آن بگذرد آنرا با آب خوردن بر دفع خورده نافع است
و چون نه ماه بگذرد نافع است بر غلبه خواب و بیداری گفتن در خواب و ترس و بیم باید که بار روغن
شخم تر بناشتا در وقت خواب بقدر یک حدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برائے
غلبه صفرا و پشهائی اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک حدس بار که بخورند و بر آغشیدی چشم
ناشتا در وقت خواب بخورد و چون یازده ماه بر آن بگذرد بر آغشیدی چشم و ترس
و دوسو سس اندازد بقدر یک بخور بار روغن گل سرخ هشتاد بقدر یک بخورد و بی روغن در هنگام

خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد بر آن فالج کهنه و آزه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود
 بخورد و باروغن زیت و نمک بر پا مالده و در وقت خواب و از سبزه که و شیر و ماست و سبزیها
 و ماهی حبشنا بسپارند و چون سیزده ماه بگذرد یک نخود از ان با آب سداب حل کند و در
 اقل شب بخورد نافه است برای در دانه فلفل و خستیدین بی سبب و باریش بازی کردن و اگر
 چهارده ماه بگذرد بر آن دفع زهر با نافه است و اگر زهری با و خورائیده باشند تخم بادنجان را
 بمویند و بچوشانند و صاف کنند و با یک نخود ازین دوا و حبه بخورند و آب نیم گرم از عقیقش
 بخورند سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد بر آن دفع سحر و بادها نافه است و چون
 شانزده ماه بگذرد و بقدر نیم حدس آنرا با آب باران تازه حل کرده بیده کسی بکشند که پیشانی
 نم شده باشد و در باد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر بر طرف نشود تا هشت روز
 و چون هفده ماه بگذرد بر آن دفع خوره یک گلوله از ان باروغن پارچه گاف و ماشتا و در وقت
 خواب بخورند و بقدر یک جبه اش بر بدن بالند و اندکی را باروغن زیت یا روغن گل سرخ
 در بینی بچکانند آنخمس روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد بر آن دفع بقی آنموضع را سوزان
 بزنند که خون در آید بقدر یک نخود باروغن با دوا ملخ یا روغن صندوب بخورند و اندکی را دوا
 بچکانند و با نمک بر آنموضع بالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر
 یکدانه جواز خطل و با یک نخود ازین دوا انشتا بخورند بر آستین دفع سهو و فراموشی و بطنم خسته
 و تب کهنه نافه است و چون بیست ماه بگذرد و بقدر یک حدس از ان گرفته با آب کنند حل
 کنند و بر آن سنگینی گوش در گوش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر بار بچکانند و اندکی
 بر گله و سرش بریزند و از برای صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافه است و در حبه
 دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم آورد و فرمود که چهار رطل از سیر قشقر بکیزند و در پاتیل کمینند و چهار رطل
 شیر گاؤ بر آن بریزند و بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاؤ بر آن بریزند و آنقدر
 بجوشانند که روغن نماند پس بقدر و در هم با بون بر آن بپاشند و بر هم بزنند تا خوب با قوام
 آید و در کوزه کرده سسش را به بندند و در میان جویا خاک پنهان کنند و در مدت ایام پنهان

و در زمستان بیرون آورند و در باد اقدریک گردان بخورند برای هر روز و نافع است
 و کفین در حدیث معتبر روایت کرده است که اسماعیل بن الفضل شکایت کرد و بخدمت حضرت
 صادق علیه السلام از قدر معده داینکه طعام در معده اش منجم نمی شود حضرت فرمود که چرا
 نیگیری آن بسید را که مایه خوریم و باعث پضم طعام می شود و تو را در باد های شکم را دفع میکند
 پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشو و در ظرفی کن و آن را آب
 بر آن بریز که همه را پوشاند و در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس در
 آن آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل
 عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از غسل نخستن شده بود پس نخستین
 خولجان و در آیینی و زعفران و سدر نخل و مصطکی را بگیر و همه را کوب و در میان پارچه کهنه نازکی
 بچین و در دیگ بسننداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پائین بگذارد و شوشو پس صاف کن و هر صبح
 و شام و پسین قدر از آن بخور رادی گفت که چنان کردم از ارم بر فسد فصل ششم در معالجه
 در شقیقه و زکام و احتلال و داغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
 که برای دفع در و سر و نصف سر این دعا بنویسد و بر آن جانب سر که درد میکند بیاویزد و الله اعلم
 لَكَ يَا إِلَهَ إِلَهِكَ شَأْنُ لَا يُوتُ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَحَلَّ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَاكَ وَلَا كَانَ
 مَبْلَكَ اللَّهُ مَذْعُورًا وَتَسْتَوْذِيهِ وَتَقْضِيهِ إِلَيْهِ وَفَدَّكَ عَنْكَ وَلَا آفَافَكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ
 فَتَشْكُ فِيكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَصَلَّى اللَّهُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِبَيْتِهِمْ وَدر روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس
 سرداشته باشد یا بولش بنده شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اَللّهُمَّ
 بِالَّذِي سَكَنَ اِلَيْهِ مَا فِي الدُّنْيَا وَالدُّنْيَا وَهُوَ التَّجْمِيعُ الْعَلِيمُ وَاز حضرت امام علی نقی علیه السلام
 علیه منقول است که از برای در کس این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد و او که بخورد ازین آیه
 اِنَّ السَّحَابَ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رِقْعًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا اَللّهُمَّ اِنَّا
 و در حدیث معتبر منقول است که سبب سیالی شکایت کرد حضرت امام محمد باقر علیه السلام که
 هفت روز و مرتبه از شقیقه میگیرد و فرمود که بگذارد دست را بر آن جانب که درد میکند و سر

يَا ظَاهِرًا مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ أَوْ يُبَايِعُكُمْ مَّقْضُودًا زِدْ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفُ يَا كَرِيمُ
الْبَيْكَلَةُ وَأَذْهَبَ عَنْ مَنَاحِيهِ مِنْ أَذَى إِنْكَ وَحَقِّمْ وَدُودٌ وَدَرْدِثٌ وَغَيْرُ مَسْمُودٍ
لَهُ بَرَاءِي وَفَعْدٌ مِّنْ مِّنْ بَرَاءَةٍ وَهَفْتٌ نَوْبَتٌ بَكْوِيْدٌ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ
مَنَافِي الْبَرِّ وَالْجَحْرِ وَمَنَافِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَدَرْدِثٌ وَغَيْرُ
مَنْقُولٍ هُوَ كَبَرَاءِي وَفَعْدٌ مِّنْ مِّنْ بَرَاءَةٍ وَهَفْتٌ نَوْبَتٌ بَكْوِيْدٌ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي
وَلَهُ الْوَسْطَةُ بَرَاءِي وَفَعْدٌ مِّنْ مِّنْ بَرَاءَةٍ وَهَفْتٌ نَوْبَتٌ بَكْوِيْدٌ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي
يَقُولُونَ إِنْ أَلَا تَبْتَغُوا إِلَيْنَا فِي الْحَرْثِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَحَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
وَالِی الرِّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ یَعِدُّونَ عَمَلُکُمْ وَدَاوَدَ وَرَحْمَتُ مَسْمُودٍ
است که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که من بسیار میکنم و در موضع
هوانا کسب می برم چیزی بن تعلیم نموده که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جای واقع شو
دست را بر بالا سوزان و باواز بلند بگو اَللّٰهُمَّ اَعْظِمْ لِيْ دَیْنَکَ وَتَقَبَّلْ مِنْ سِرِّیْ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَآلِیَّکَ تَوَجُّبُونَ اَنْ شَخْصٌ گفست که در بیابانی واقع
شدم که نمی گفتم که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که بگیر پیش این آید خواندم
شنیدم که دیگری جواب گفست که چگونه بگیرش و حال آنکه بناد بآیه طسبه برود و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بان حضرت شکایت کرد که بسیار دارم گاهی اوجم و اقامت بسیار
میگیر و بختی که از و نا امید می شوم فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با شک و در حضور
بر طرفی بنویس و با آب بشو و تا یک ماه از آن آب به آب بخورد و راوی گفست که یک مرتبه که شوره
بر طرف شد و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که صبح بگیرد و بخواند این دعا را ختمت علیک
يَا رَجُوعُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ رَسُوْلُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ جَنِّ وَادِي الصَّبْرِ لَا فَاجِبُوا وَأَطَاعُوا لِمَا أَجَبْتُ وَأَطَعْتُ
وَحَرَجْتُ عَنْ فُلَانٍ بَنِ فُلَانَةٍ السَّاعَةَ وَدَرْدِثٌ وَغَيْرُ مَنْقُولٍ هُوَ كَبَرَاءِي وَفَعْدٌ مِّنْ مِّنْ بَرَاءَةٍ
وَلَعْنَةُ بَرِّ سَبِيْدَةٍ هُوَ حَضْرَتِ او فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان بَلِّغِ اللَّهَ
وَيَا لَللَّهِ اَسْتَثْنَيْتَ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاعُوْتِ اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنِيْ فِيْ مَنَاحِيْ وَفِيْ بَقِيَّتِيْ اَعُوذُ

امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقول است که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیه الکرسی
نخواند با اعتقاد درست که البته شفای یابد و در روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق
علیه السلام شخصی فرمود که بخوابی و دعای تعلیم بنایم ترا که برائی و نیا و آخرت تو نافع باشد
و در چشم ترا زایل کند گفت بی فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اللهم
اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تَصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ
وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصْرِیْ وَ الْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ
عَمَلِیْ وَ السَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَ السَّعَةِ فِیْ رِزْقِیْ وَ الشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم برائی در چشم
و عار ایستاده بود که بخواند اللهم فَرِّعْنِیْ بِمَعْنِیْ وَ بَصْرِیْ وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَیْنِ مَعِیْ وَ انْضُرْنِیْ
عَلٰی مَنْ ظَلَمْنِیْ وَ اَوْفِیْ فِیْهِ فَاَسْرِیْ و در روایت دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام آمد و دید که چشم آن حضرت آزار عظیم دارد و روز دیگر نزد آن حضرت
رفت و دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اَعُوْذُ
بِعِزَّةِ اللهِ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللهِ اَعُوْذُ بِحُكْمَةِ اللهِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللهِ اَعُوْذُ بِجَمَالِ اللهِ
اَعُوْذُ بِکَرَمِ اللهِ اَعُوْذُ بِهَمَاءِ اللهِ اَعُوْذُ بِغُضْرِ اَبْنِ اللهِ اَعُوْذُ بِحِلْمِ اللهِ اَعُوْذُ
بِدُکْرِ اللهِ اَعُوْذُ بِرُسُوْلِ اللهِ اَعُوْذُ بِالْاَمْرِ اَعُوْذُ بِاَمْرِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ
عَلٰی مَا اَجِدُ فِیْ عَیْنِیْ وَ مَا اَخَافُ وَ مَا اُحْذَرُ وَ اَللّهُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِیْنَ اَذْهَبْ ذَٰلِکَ
عَنِّیْ بِحَوْلِکَ وَ قُدْرَتِکَ اِنَّ سَهْرَ شُوبِ رَوَايَتِ کَرِهَ اَنْتَ کَرِهَ مَرْکُورِ شِیْئِیْ کَرِهَ اَمِیرُ الْمُؤْمِنِیْنَ
صلوات الله علیه و آله این دعا را میخواند شخص نجانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز
این دعا را خواند و چون باین موضع رسید اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصْرِیْ دیده اش بینا شد دعا
این است اللهم اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا رَبَّ الْاَزْوَاجِ الْفَانِیَةِ وَ رَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَةِ
اَسْئَلُکَ لِبَطَاعَةِ الْاَزْوَاجِ الرَّاجِعَةِ اِلَی الْاَجْسَادِ مَا وَ بَطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمَلْتَمَةِ اِلَی
اَعْضَائِهَا وَ بِاِشْفَاقِ الْقُبُوْرِ عَنْ اَهْلِهَا وَ بِدَعْوِیْکَ الصَّادِقَةِ فِیْهِمْ وَ اِخْلَاصِ
بِلِحَقِّ بَیِّنِهِمْ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْظُرُوْنَ نَاقِضًا لَکَ وَ یَرَوْنَ سُلْطَانًا لَکَ وَ یَخَافُوْنَ

مَا لَكَ يَا سَمَاءُ أَقْلِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَخُضِيَ الْأَمْرُ وَاشْتَوَتْ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَقِيلَ
لِبَعْدِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ وَهَمًّا
لَا يَبْصُرُونَ وَنَقُولُ اسْتَغْنِي عَنْكَ اللَّهُ الْوَحِيمُ لِيَسْمَعَ اللَّهُ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ
وَأَعْوَدُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مِمَّا شِئْتُ قَدْ وَفَّقْتُكَ وَنَاصِيكَ بِأَسْمِكَ
يَا رَبِّ الظَّالِمِينَ الْمَقْدِسُ الْمُبَارَكُ الَّذِي مِنْ سَلَاكَ بِكَ أَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ
أَحْبَبْتَهُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ
تُعَافِيَنِي بِمَا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي رَأْسِي وَفِي بَصَرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي ظَهْرِي وَفِي يَدَيَّ
وَفِي رِجْلَيَّ وَفِي جَمِيعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا أَبُو بَصِيرٍ كَايَا كَرْدُجُ حَضْرَتِ إِمَامِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرَادَ دَعْوَانِ كَفَتْ شَبَهَ الزَّيْنِ وَرَوَّابِيَا رَسِيحًا شَمُّ فَرَمُودَ كِهْ هَرَّكَاهُ أَشْرَشَ
شُورُودِ سِتْ بِرِ مَوْضِعِ دَرُوكْ دَارُ وَسُورُهُ حَمْدُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نَحْوَانِ بَسْمِ الْيَا رَا نَحْوَانِ وَتَوَيَّ
الْجِبَالِ نَحْمُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُوتُ مِنَ السَّحَابِ خُشِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِيَّاهُ
حِينَ يَمَاتُ تَعْلُونُ وَأَرَضَتْ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَوْلُ اسْتَكَ كِهْ إِيَّاهُ رَا نَحْوَانِ بِأَسْمِهِ أَمَّا الزَّيْنُ
فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ وَأَرَضَتْ سَامِرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْقُولُ اسْتَكَ كِهْ بَرَّكَ وَنُفَعِ دَرُودِنَا
دَسْتِ بِرِ مَوْضِعِ سَجُودِ بَالِدِ وَبَرُوضِي كِهْ دَرُودِي كُنْدُ بَالِدِ دِكُورِ بَرِّهِمُ اللَّهُ وَالنَّاسُ فِي اللَّهِ وَكَأَحْوَلِ
وَلَا حُفَّةَ إِلَّا يَا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَدَرُودِي دِكُورِ مَنْقُولُ اسْتَكَ كِهْ بَرَّكَ وَنُفَعِ دَرُودِنَا سُورَةُ
حَمْدُ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نَحْوَانِ بَسْمِ الْيَا رَا نَحْوَانِ وَتَوَيَّ
الْوَحِيمِ وَكَهْ قَامَ حَسَنٌ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ الشَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرًّا
وَسَلَامًا عَلَى ابْنِ آدَمَ وَأَسْأَلُكَ بِهِمْ كَيْدَ أَجْعَلْنَاهُمْ الْإِخْسَرِينَ نُوَدِّي أَنْ يُؤْرَثَ
مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوَّلَهَا قَسِيمَانِ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا كَافِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا
يَكُنْ مِنْكَ شَيْءٌ إِلَّا عِبْدٌ لِعَوْنِ أَمْرِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْفَكُ وَيُحْدَرُ وَفِي شَرِّ الْوَجْهِ

الَّذِي يَشْكُو إِلَيْكَ وَدَرِ رَوَايَتٍ دِيْكَرٍ مَّنْقُولٍ هِستَ كِه جَبْرِئِلُ مَعْتَوِيزُ رَا بَرَاءِي حَضْرَتِ اِمَامِ
حَسَنِ عَلِيّه سَلَامُ اَوْرِدِجِيْتِ دَر دَوْنِ اَن كِه دَسْتِ رَا بَرِ اَنْدَان كِه كَرَمُ خَوْرْدِه هِستَ بَكْدَازِندُو
هِفْتِ مَرْتَبَه بِنَوَانْدِ الْعَجَبُ كُلَّ الْعَجَبِ لِيْلَةِ اَبْنَةٍ تَكُوْنُ فِي الْقَمِيمِ تَاكُلُ الْعَظْمُ وَتَقْرَأُ اللَّحْمَ
اَنَا اَرِيْ وَاللّٰهُ شَاقِي الْكَافِي لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَادْفَعْتُمْ نَفْسًا
فَاَذَارَ اَنْتُمْ فِيْهَا وَاللّٰهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْفُمُوْنَ فَقُلْنَا اَخْبِرُوْا بَعْضُهَا كَيْدَ اِلِكِ يَحْيٰى اللّٰهُ
الْمَوْفٰى وَيُؤَيِّدُكُمْ اَيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ وَدَرِ رَوَايَتِ دِيْكَرِ مَعْنٰى بَكِيْرٍ دُو سُوْرَه حَمْدِ وَقَوْلِ اَعُوْذُ
بِرَبِّ النَّاسِ وَقَوْلِ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ هَرِ يَكِ رَا سَه مَرْتَبَه بِنَوَانْدِ پَسِ بَكُوِيْدِ مِنْ يَحْيٰى الْعِظَامُ وَهِيَ
وَمِيْمٌ يٰ خُرْسٌ فَلَانَ بِنِ فُلَانٍ وَنَامُ صَاحِبِ دَر دُو پَرِشَرِ الْبَكُوِيْدِ اَكَلَتْ الْحَادَّوَالْبَارِدَ
فِي الْحَارِّ وَتَكْنِيْنَ اَمُّ بِالْبَارِدِ تَكْنِيْنَ وَلَكِنْ مَاسَكُنْ فِي اللَّيْلِ وَالتَّمْلِكُ وَهُوَ التَّيْبَعُ الْعَلِيمُ
وَشَدَّ ذَنْتَ فَاَعْنِ هَذَا الضُّرْسُ مِنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ بِنِمْ اللّٰهُ الْعَظِيْمُ پَسِ مِيخِ دَر دِيْوَارِ
بَكُوِيْدِ اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ وَدَرِ رَوَايَتِ دِيْكَرِ مَّنْقُولٍ هِستَ كِه شَخْصِي نَجْدِ مَسْتِ اِمَامِ مَوْحِيّه سَلَامُ
شِكَايَتِ كِرْدَنِ اَز كَنْدِ دِيَانِ حَضْرَتِ فَرَمُوْدَه كِه رَسِيْدَه بَكُوِيْدِ اللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَادَّبَ
الْاَزْبَابِ يَاسَيِّدَ السَّادَاتِ يَا اِلَهَ الْاِلَهَةِ يَا مَالِكَ الْمَلِكِ يَا مَلِكَ الْمُلُوْلِ اِشْفِنِي بِشَفَاؤِكَ
مِنْ هَذِهِ الدَّاءِ وَاصْرِفْ عَنِّي فَاِنَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَاتَّقَلَّبُ فِي قَبَضَتِكَ
رَاوِيْ كَفْتِ كِه يَكْرَمِ تَبَه اِيْنِ دَعَا رَا دَر سَجُوْدِ خَوَانْدَمِ شَفَا يَافْتَمُ وَآزِ حَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمُ
مَّنْقُولِ هِستَ كِه دِيْمِلَانِ اَز گِيَاهِ بَهْشْتِ هِستَ وَاَبَشِ اَز بَرَاءِي دَر دِشَمِ نَافِعِ هِستَ وَحَضْرَتِ
صَادِقِ عَلِيّه سَلَامُ فَرَمُوْدَه مَسْوَاكِ كِرْدَنِ اَنْبَخُشْتَنِ شِمِ رَا زَا اِلِ مِيكَنْدِ دِشَمِ رَا جَلَامِيْدَه
وَدر حدیث صحیح منقول است که شخصی خبرت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود
که دارم بساز از جدار و کافور و همه چیز را مساوی یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف
چشم و خیالات دیگر را بر طرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دهنه فرنگ بر آرد و دفع میکند
که بر روی باهره ببرد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام نقل است
که صبر سقوطی و کافور یا حی را مساوی یکدیگر بسایند و از سر بر گردانند و با هر یک مرتبه
در چشم بکشند که درد با هر دو چشم را میکشد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقول است

که شخصی از اصحاب خود فرمود که لیلۀ زرد را با هفت دانۀ فلفل بسائی و به پز و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی
که در چشمش پدید آمده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یک دو دهم
و نوشا و پاکیزه صاف یکد هم هر سه را خوب بسا و از جیره بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و
ساعتی مبر کن که سفیدی روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و در داسا کن میکند
چشم را با آب سرد بشوئی و بعد از آن ستره سنگس بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله بسلامان و ابو ذر فرمود که مادر چشم دارید بر پهلوی چپ بخوابید
چهار ماه خورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن برادر چشم زیان دارد و
دست چشم را بیدار دست شستن بعد از طعام از درد چشم مانع میدهد و در چشمه
و مبه شارب و ماخن گرفتن از درد چشم مانع میدهد و در روایت دیگر منقول است که شخصی
شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بیستاید فرمود که نهیر بسیار بکنند را
قدری کم و نرم بگویند و با تیر زن مخرج کن و بر رو آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوش کن و میکند
بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کنجد پوست نکنده و یک
کف خمدل هر یک را طعمه بگویند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در
شیشه بچینند و سرش را با انگشت آهن مخمر کنند و هر وقت که خواهند و قطره از آن در گوش
چکانند و چند قطره در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده
است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش چکانند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که سداب بر آرد گوش نافع است و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که برای درد گوش سیر یا فخر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بهیروی گذشتند
دیدند که مردم آن شهر روگای ایشان زرد و چشبهائی ایشان بود است و از بسیاری مرضیان
حضرت شکایت کردند فرمود که گر شا گوشت را ناشسته می پزید و بهیچ حیوانی از دنیا بدر نمیرو
مگر آنکه جنابتی با و هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند و با شش بر طرف شد و حضرت

عیسی شهری دیگر گزشتند دیدند که دندانهای نخیسته بود و روی ایشان باز کرده بود و فرمود
 که در وقت خواب و بیدار باز کنید و برهم بگذارید چنان که دندان آن صفت از ایشان زایل
 شد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که برای درود دندان سعد را بران بگذارند
 فرمود که سر که از شراب بعمل آورده باشند بن دندان را محکم میکنند و در حدیث معتبر منقول است
 که حمزه بن طیار بخدمت آنحضرت آمده که کشید حضرت پرسیدند که چه میشود ترا گفت که دندانم
 در می کند فرمود که حجامت بکن ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ سودی بجحامت و خوردن
 عمل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درود دندان منطل بگیرد و پشتش را بکند پس رویش را
 بگیرد اگر دندانش را گرم خالی کرده باشد در میان آندندان چند قطره از آن روغن بچکاند و پسند را
 باز روغن آلوده کرده در میان آندندان بگذارد و در پشت بخوابد تا شب چنین کند و اگر بن
 دندان در داند در آن گوشتی که در جانب آندندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه
 قطره بچکاند و باز فرمود که هر کس که در دندان داشته باشد یا خون از بن دندان آید یا در دند
 یا دانتش جوشیده باشد و در گتن بسرخ میبل گشته باشد یک منطل تازه که رسیده باشد و در
 شده باشد بگیرد و تماشای بگل بگیرد و در دند و کاه کند و از آن سوراخ داخل کند و منظرش را
 بتراند بهواری که سوراخ نشود پس که بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در سوراخ
 بریزد و بر دانتش بگذارد که بسیار بچسبند پس بر آورد و هر وقت که احتیاج شود بعد از ناخی
 بگیرد و بر دندانها و دندان بمالد و بعد از آن بسند که مضمضه کند و اگر خوابد آنچه در میان منطل است
 در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آتش برافشاند شود سر که بر دانتش بریزد و هر چند که تر شود
 نفشش بیشتر است و در حدیث معتبر منقول است از ابی حمزه که بن بطالم گفت دندان مرا در گاه افتد
 و پاوده گرم در دانتم گرداند بعد از آن و دانتم را بر آتش گرفت که دندانهایم تمام رخت پس حضرت
 امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دانت بکن تا دندانهایت برود بعد از
 چنگاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام به محل ما وارد شده است و خبر اسان میرود و در وقت
 آنحضرت قدم و حال خود اعرض کردم همانرا فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم برود
 فصل هشتم در سائر خنازیر و سبوح و قروح و لول و ثبور و خوره و میسی و بهق و امثال آنها

چنین کنی آن دریم بزودی بر طرف شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله
و کم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر نیست که بترتیب عدد بنویسد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بر این مثنوی و در ملامت بنویسد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۹	۴
۱	۱۴	۱۵	۳

15	2	3	14
4	11	10	5
12	6	9	7
8	13	16	1

[illegible]

چند را با گوشت گاو چپن و خوردن پی را بر طرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که
 شخصی شکایت کرد با حضرت از بهی و پی نموده که بحام رو و حار با نوره مخلوط کن و بر آن
 موضع مال که دیگر تجویزی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گوشت
 گاو خوره و پی را زائل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیزی نافع تر
 نیست برای پی از تربت امام حسین صلوات الله علیه با آب باران بخورد و در آن موضع مال
 و فرمود که کندن موی بینی آنست از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 خوره را زائل میکند و فرمود که از سیکه خوره پی داشته باشد بگیریزید و بر نظر ایشان کن
 و ایشان معاشرت نمایند که سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود
 که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
 که هیچکس نیست مگر اگر گریه خوره در بدن اوست و آنرا که را میگذارد خوردن تخم در حدیث
 دیگر منقول است که شخصی با حضرت عرض کرده که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود
 که سبب خور آن شخص خوردن عافیت یافت فصل نهم در معالجه امراض اندرونی و قولنج و باد
 و آزار معده و سرفه منقول است که شخصی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از در سینه
 حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید که فیه شفا لکل ما فی الصلوة و ربی
 و قرآن شفا هست برای آنچه در سینه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت برادر من از درد شکم آزار دارد
 فرمود که آبگوانکی از غسل با آب گرم بخورد و روز دیگر آمد و گفت که خور و دفع نکرد فرمود که برو و باز
 غسل بده بخورد و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادرش شافق
 است باین سبب خوردن غسل و دفع نه بخشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی حضرت
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخورد و این دعا را
 بخوان یا الله یا الله یا الرحمن یا رحیم یا رب الاکواب یا الله الا الهه یا مالک اللوک
 یا سید السادات اشفنی بشفایک من کل داء و سقم فاقی عبدک و ابن عبدک لافعلک
 فی قبضتک و در حدیث دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت

گرو از در و ناف فرمود که دست بر ان موضع بگذار و سه مرتبه بگو اِنَّهٗ كِتَابٌ غَرِيبٌ لَا يَاتِيهِ
 الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَلِيمٍ حَمِيدٍ و در چند روایت وارد شده
 است که برای قولنج و در شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و الفلق و قل هو الله اذدر ارجا
 باشک و عفران بنویسد و این دعا را نیز بنویسد اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِخُرْقَةِ النَّبِيِّ
 لَا قَرَامَ وَبِقَدَرِهِ الَّتِي لَا يَمَسُّهَا شَيْءٌ مِّنْ شَرِّ هَٰذَا الْوَجْعِ وَشَرِّ مَا فِيْهِ وَشَرِّ مَا اخَذَ
 مِنْهُ وَبَاب بَارَان بشوید و بخور و داشته در وقت خواب و در روایت دیگر منقول است که برای
 فالج و جمیع با و با نفع است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بجزت امام محمد باقر علیه السلام
 شکایت کرد از درد تریگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی بر موضع سجود ببال و بعد از آن بر موضع
 درد ببال و این آیات را بخوان اَفْسَبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ مُّحْسِنًا وَ اَنْتُمْ اِلَيْهَا لَا تَرْجِعُونَ فَقَالَ
 الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَبِيرِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُدَّ لَنَا
 لَهُ بِهِ فَاِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهٗ لَا يُبْلِغُ الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَبِيرٌ
 الرَّحِيمِينَ راوی گفت چون چنین کردم بزودی بر طرف شد و در روایت دیگر از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که دست بر تریگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ
 امْسَحْ عَنِّي مَا اَجِدُ فِيْ خَاصِرَتِيْ و در هر مرتبه دست بر ان موضع کشد و از حضرت علی بن حسین
 صلوات الله علیه منقول است که از برای دفع الم سپید زاین آیات را بر عفران بنویسد و بآن بنرم
 بشوید و بخور و قل ادْعُوا اللَّهَ اَوْ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيُّمَا مَلِكٍ مَّوَدَّلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا
 تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تَخَافُ بِهَا وَاتَّبِعْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ
 وَلَدًا اَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَكَثِيرٌ مَّا يُنْفِقُ
 شخصی بجزت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از تریگاه و صدایائی شکم و گفت بر تریگاه آنرا نرم
 که با سبکه سخن میگویم شرمند میشوم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان
 اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا اَعْمَلُ فِيْهِ وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِيْ
 فَلَا اَعْدُ رَجِيْ فِيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَحْكَلَ عَلَيَّ مَا لَا اَحْكَلُ فِيْهِ اَوْ اَمِنَ مَا لَا اَمِنُ فِيْهِ

و در روایت دیگر همین دعا بر او نازل شده است و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بان حضرت از پیش شکم فرمود که آبی بگیر و این آیات را بخوان **يُزِيلُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُزِيلُ بِكُمُ الْعُسْرَ** پس مرتبه بگو **أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** پس اگر بر او نوزد است بر شکم مال و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بر او نخواند و بر شکم مال زدیم **اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ فَفَتَقْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنَمَّرٍ وَجَعَلْنَا مِنَ الْآبِ مَاءً عَذْبًا فُلُوقًا فَذُوقُوا فَتَقْنَعُوا عَلَيْهِمُ أَبْوَابُ كُلِّ شَيْءٍ** باسم سلطان بن سلطان **أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام در سفری بودند و در راه فرزند آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و در پشت حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخواب و این دعا را بخوان **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَيَصْنَعُ اللَّهُ الَّذِي آتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ** **أَسْكَنْ يَارَبِّجِبَالِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَنَافِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ الْقَيُّومُ الْعَلِيمُ** و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست را بر آن موضع که درد دارد بگذارد و سه مرتبه این آیه را بخوان **وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ** **كُنَّا بَأْمُوجٍ لَا وَهْنَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَثَوَابَ مِنْ يُرِيدُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ ثَوَابَهُ مِنْهَا وَتَسْتَجِزُ الشَّاكِرِينَ** و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در حدیث دیگر منقول است که مفصل بخد مت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگ نفس و گفت اندک راهی که میروم تنگم تنگ میگردد و نمی شینم فرمود که بعل شتر بخور تا ساکن شود و کلینی در حدیث حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت فرمود که قدری از انجیران روی باها افتد و از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یک مرتبه خوردم بر او نوزد شد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخد مت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از مرض سلس حضرت فرمود که سنبلی و قاقله و عرقان و عاقرت جا و بنز البنج و خربزه سفید و فلفل سفید چسب از اسادی بگیر و ششغیرین را دو برابر هر یک از اجزا بگیر و تمام چسب از اساید از حریر بیرون کن

و با عسل که گفش را گرفته باشند خیر کن و بقدر یک نخود با آب گرم در سه شب بخور چنان کرد
و شفا یافت و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام سکایت کرد
از سرفه فرمود که بگیر از طفل سفید یک حبزه و از زعفران دو جزو و خرقه سفید یک جزو و سنبل یک جزو
فاصله یک جزو و زعفران یک جزو و زرد لیس یک جزو و حبزه را سائیده از سر بر بیرون کن و بشل
و زن تمام حبزه را عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده حبزه با ساز و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت
خواب با آب راز یا نه نیم گرم بخور و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند که آیا بحضرت عیسی علیه السلام میرسید در دایه که بفرزند آدم میرسید فرمود
که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ باو میرسید و در بزرگی بیماری خوردن باو میرسید
و در دهیگاه از درد بای بزرگانست در طفولیت که گاهی او را مارض میشد باو خود میگفت که
عسل و سیاهانه دروغن زیت را با یک دیگر خیر کن و از برای من بیا و چون می آورد که هیت
داشت از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا که هیت داری خود طلبی گفت که به علم پیبری
آنرا طلب کردم و از برای جسنج طفولیت و بزرگی دو اگر هیت دارم گفت پس میگفت و تنال
می شد فرمود و در چند روایت وارد شده است که خوردن ریزه های که از سفره میریزد و در دهیگاه
بر طرف میکند و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید امر و که
دل را جلا میدهد و درد بای اندرون را ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که بخورید یا سجده
روی که در دهیگاه راز امل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت
عزیز را قرحه در جگر بهم رسید و دعا کرد و حق تعالی باو وحی فرمود که شیر شیر را بگیر و بر سینه خود
از بیرون بمال چنان کرد آن آزار از او بر طرف شد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام سکایت کرد از شدت سرچرخه فرمود که پاره نقره بده و در نخبه و از ابار و غن غلبه
پزد و سه روز بخور بخور آن که آزاره سپرد دارد که اگر خدا خواهد شفا میدهد و همچنین بسند معتبر روایت
کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که یکی از ضلایان آنحضرت از او سپرد و از
فرمود که سه روز نره او را بخورانی چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که بخورید که که از شراب ساخته باشند که که جهای معده را می کشد و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرماشتا خوردن کرم معده را می کشد و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجمه در وقت خواب بخورد و کرمهای
 معده اش را می کشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است برای
 دفع اسهال که قدری از برنج بگیرد و بشویند و در سایه بچکانند و بر رو آتش بپوشند و نرم
 بگویند و هر بار دایک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که برای
 دفع اسهال که برنج را در یک کن و با آب بچوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذارد
 تا سرخ شوند و پیه تازه قلوه را بگیرد و آن سنگها در میان کاسه بیندازد و کاسه دیگر بر شش
 بگذارد که بخار شش بیرون نرود و حرکت دهان آن پیه آب شود چون برنج پخته شود این روغن را
 بر شش بریزد و بخورد و در روایت دیگر منقول است که شخصی از زحیر شکایت کرد و حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را بگیرد و بر رو آتش ملائم بوی بد و معفوف کن و بخورد
 و در حدیث دیگر فرمود که برزق طونا وضعی کرد و گل ارمنی را بوی بد و معفوف کرده
 بخورد که زحیر را بر طرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی حضرت امام رضا علیه السلام
 شکایت کرد از درد و پیش شکم فرمود که گردگان را بگیرد و بر رو آتش بگذارد و چون سبز شد بیان
 شود پیشش را بکشد و بخورد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی حضرت صادق علیه السلام شکایت
 کرد از قره شکر فرمود که سیاهانه بخور با غسل و در حدیث معتبر منقول است که شخصی حضرت
 صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که حسنه را با آب سرد بخورد و جزا گویاست
 شبیه بگرفتن آن را سیوه زامی گویند فصل دهم در معالجه اوجاع منفاصل فالج و بواسیر و امراض
 شانه و سایر امراض در حدیث معتبر منقول است که معلی بن خنیس حضرت صادق علیه السلام
 شکایت کرد از درد و فرج فرمود که عورت خود را در موضعی کشوده که سزاوار نبوده و باین
 سبب این درد بران بهر سبب است دست چپ را بر سرچ خود بگذارد و این دعا بخوان
 بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ يَا مَنْ أَسْمَىٰ وَجْهَهُ اللَّهُ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَا أَجْرَ إِلَّا عِنْدَ رَبِّهِ فَلَا خَوْفَ عَلَيْنَا
 وَلَا هُمْ يَنْزِلُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ قَوْصِي أَمْرِي إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ
 يَا إِلَهَ الْإِلَهِ وَ در حدیث دیگر منقول است که شخصی حضرت امیر المؤمنین شکایت کرد از درد

راشها فرمود که آب گرمی در پشت کمر و در میان آب بشین و دست بر آن موضع که درد دارد بگذارد و این آیه را بخوان **أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخیرت حضرت امام حسین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پا فرمود که از اقل سوره **أَفْتَحْنَا بَخْوَانَ تَاوَكَّانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَحْكِيْمًا** و در روایت معتبره وارد شده است که ابو جعفر حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز این دعا بخوان **يَا اَجُودَ مَنْ اَعْطَى وَيَا خَيْرَ مَنْ سَمِعَ وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ جِلَّتِي طَهِّرْهُ مِنْ وَجْعِي چنان که در زودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقول است که سالم بن مجاهد شکایت کرد بفرست صافق علیه السلام از درد ساق و بند پا و گفت که این در و مرا از همه کانه ها جسد کرده است فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان **وَاَنْتَ يَا اَرْحَمَ إِلَهٍ مِنْ كِتَابٍ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُطْتَحِلًا** و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخیرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست بر آن موضع بگذارد و گوید **اللَّهُ وَبِاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** و ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخیرت صافق علیه السلام شکایت کرد از در و شانه فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یک مرتبه بخوان **أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَلَكُوتُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخیرت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نوشت که شخصی از شیعیان شکایتش بند شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار بر او بخوان تا شفا یابد و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر سه در آیات آخر **وَلَوْ أَنَّا كُنَّا هَذَا الْقَوْمَ الَّذِي عَلَى جَبَلٍ** تا آخر سوره سه مرتبه بخوان و در سه مرتبه آب در میان آن بر آن موضع بیندازد و در روایت دیگر منقول است که شخصی آن حضرت شکایت کرد از در و فاصل فرمود که این دعا بخوان **أَللَّهُمَّ ارْحَمْنِي****

اسْمُكَ بِاسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةٍ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِ
 وَبِحَقِّ اِسْمِهِ فَاطِمَةَ بِحَقِّهِمْ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِي
 شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِلَّا اَذْهَبَ عَنِّي شَرٌّ مَا اَجِدُ بِحَقِّهِمْ وَبِحَقِّكَ يَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ حِينَ
 ايند ملاخو اندامان ساعت در ساکن شود و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق
 علیه السلام شکایت کرد که بر سر قنای فرمود که هرگاه اثر شش ظاهر شود دست بر آن موضع
 بگذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِتَعْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوْذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْکَبِیْرِ
 وَاعُوْذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَرَقٍ لِّعَارٍ وَمِنْ شَرِّ النَّارِ اِنْ شَمَسَ
 سه مرتبه ایند ملاخو اندامان مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شده است
 که شخصی بالقوه در دو ماه مرض شده بود بحضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود
 که بر بروی بر وضو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در رکعت نماز کن و دست برو بگذارد و بگوید
 بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهَذَا الْخُرُوجِ اَقَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ النَّاسِ اَوْ عَيْنِ جِنٍّ اَوْ جِنٍّ
 الْخُرُوجِ اَقَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ اِبْرَاهِیْمُ خَلِيْلًا وَكَلَّمَ مُوسٰی تَكْلِيْمًا وَخَلَقَ
 عِیْسٰی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ لَمَّا هَكَذَا وَطَفِئَتْ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ اِبْرَاهِیْمَ اَطْفِئْ
 بِاَذْنِ اللّٰهِ وَمرتبہ چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که بر آن
 عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند شش مرتبه بکشد بی کار و بیمقراض و بنا بر دعوت
 گره بران بزند و بر هر گری سه مرتبه سوره حمد را بخواند سپس مرتبه بران رشته یا بر آن شخص
 ایند ملاخو اندامان بِسْمِ اللّٰهِ الْکَبِیْرِ الْکَبِیْرِ الْمُحْصِی الْعَدَدِ الْقَرِیْبِ لِمَا بَعْدَ الظَّاهِرِ عَنِ الْعَالَمِ
 الْعَالِی عَنْ اَنْ یُّوْلَدَ الشَّجَرُ لِمَا وَعَدَ الْعَزِیْزُ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِیُّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ
 وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ یَا خَالِقَ الْخَلِیْقَةِ یَا غَالِمَ السَّیْرِ وَالتَّحْفِیَةِ یَا مَنْ السَّمَوَاتِ بِعُدَّةٍ
 مَرَجَاهُ یَا مَنْ الْاَرْضِ بِعِرْقٍ مَدَّ حَوْثًا یَا مَنْ الْجِبَالِ یَا رَادِّ قُلُوبِهَا مَرْسَالًا یَا مَنْ تَجَاوَزَ صَاحِبُ
 الْغُرُقِ مِنْ كُلِّ اَمَةٍ وَبَلِیَّةٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَیْرَ خَلْقِكَ وَاشْفِ اَللّٰهُمَّ فَلَانِ بْنِ فُلَانٍ
 بِشِفَائِكَ وَدَاوِیْلَیْكَ وَآلَمَکَ دَعَا فَمِنْ مَوْتٍ بِلَا اَمَلٍ اِنَّكَ قَادِرٌ عَلٰی مَا تَشَاءُ وَاَنْتَ اَرْحَمُ
 الرَّاحِمِیْنَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَالْاٰلِ وَارَحَضَتْ امیر المومنین صلوات الله علیه و آله

منقول است که خواندن این دعا برای دفع بوسه سیرافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا بارئ یا راحم و صل علی محمد و آله و امره و علی نبیک و آله و نبی و صلی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام حکایت کرد از ابوسعیر فرمود که سوره لیل را بعمل بنویس و بشو و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگز آدمی پسند حق به سر کار روی را بگیرد و بر آن موضع ببالد و بگوید بسم الله از قبیلک من الحکد و الحدید و الحذر و من اثر السوء و من الشجر الملبوز و من العرق الفاق و من الوباء الاخر و من الطعام و حق و من الشراب و بکره الفضاة الیک یا ذی الله الی اجل مسمى فی الارض و الاکرام بسم الله ففکت و بسم الله حقت پس آن کار در آرد و زمین پس و برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را وادانگی یابد و سکه عارض میشد دست میکشوند و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخوانند و دست را بر سر کشند و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که بر سر قولنج و باد باورد و سفاسل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف کنند با یک کف انجیر خشک بگیرند و آنقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگر پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز بخورند و یک روز بخورند تا آنکه در جمیع روز یا بقدر یک قلع بزرگ خورده شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخاست حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پای مرا گرفته است فرمود که سیر دروغ و منق منق را ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر منقول است که صحاب بن محارب بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی را با لثوه در روز و بهر سیده است و در ویشش را بر گردانیده است فرمود که پنج مثقال آتش نخل بگیرد و در شیشه بکند و سدرش را شکم بزند و گل ببالد و در آفتاب بگذارد و بقدر یک روز در بستان او دور و زردستان پس از شسته بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و در پشت بخوابد و آن طرف بدن که گریخته است ببالد و بر آن حال خوابیده باشد تا آن که نفل خشک شود و پهلون خشن کند آن مرض از در طرف شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی

بجرت امام محمد بن علی علیه السلام شکایت کرد و از آنکه بوش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از د
می بکاید فرمود که آغشته را بگیر و شربت آب برود و کنوبت آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس بار و غن گل
چرب کن و مغوف کن و بخورد و در روایت دیگر منقول است که برای ریگ شانه هلیله و بلبله
و آله و طفل و طفل و چارسی و در شبیل و شقاقل و انیسون و خولجان همه از اسادی گرفته
بگویند و پزند و بار و غن گاو تازه مزوج کنند و دو برابر تمام همه از اعلی صاف کرده و آشامد
پس از غلش کنند و در هر سه مرتبه بعد رفتنی بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن
نزه بر طرف میکند بوسیرا و در روایت دیگر فرمود که برنج و خرمائی نارس بوسیرا را رازل
میکند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بوسیرا
فرمود که هلیله سیاه و بلبله و آله همه از اسادی گرفته بگویند و از حریر پیرودن کنند پس قدری
از مقل ارزق گرفته در آب تره بخسانند شب پس این دوا را در میان آن ریخته خیر
کنند و دست را بر و غن بخشنه چرب کرده آنرا بقدر حدس میکنند و در سایه خشکانند و اگر
در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در آن
ایام که این را بخورد از راهی و سه که کوسه بزیهاست ناب کند و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بجرت امام علی نقی شکایت کرد و از گندهاں فرمود که خرمائی برنی بخورد و دیگری شکایت
کرد و از یبوست مزاج فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخور چنان کرد و فریاد شد و
رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد و فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخورد
و آب بعد از آن بخورد چنان کرد و مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که برای دفع زیادتی بلغم بگیرند زان رومی و کنند و ابریشم و سیان و سیاه دانه همه از اسادی
یکدیگر و همه را نرم بگویند و پیروا عسل خمیر کن و در شب در وقت خواب بقدر یک فندق
بخورد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خرمائی
دو مثقال و از عاقر قریا یک مثقال و سیار زرم بگویند و ناشتا بروند آنها با مال که بلغم را دفع
میکند و در هین را خوشبو میکنند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که ناشتا بحام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحام رفتن سودا و صمغ را دفع میکند و حضرت

چشم باور رسیده باشد دستها برابر و بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس
 و قل اعوذ برب الفلق بخواند دست بر پیش بر کشد و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقول است که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد آیه سحر را بخواند اِنَّ رَبَّكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ لُفْلُفًا يُدْعَى إِلَيْهِ
 خَشْيَةً وَالْهَرَمُ وَالْجُوعُ مُمْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ
 رَبُّ الْعَالَمِينَ اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُضوعًا إِنَّهُ كَانَ يُحِبُّ الْمُتَضَرِّعِينَ وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
 بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و در روایت
 دیگر منقول است که شخصی حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و
 وساوس شیطانی که بر دست یافته فرمود که دست بر دل بگذارد و سه مرتبه بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِأَمْرِ
 اللهِ مَنَنْتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْفِرَانَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ
 فَأَمِنْتُ عَلَى الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالزَّافَةِ وَالْعَفْوَانِ وَتَمَامَ مَا أَوْفَيْتَنِي مِنَ الْقُصُورِ
 وَالْإِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا وَحْدَانُ سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ سُبْحَانَكَ
 اَعُوْذُ بِكَ بِأَعْدَادِ الْكَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَاسْأَلُكَ أَنْ تُجَلِّيَ عَنِّي الْإِحْزَانَ
 پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت
 کرد که چون نماز می‌ترسم و چون میان مردم می‌روم بر طرف می‌شود فرمود که دست بر دل بگذارد
 و بگوید بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ پس دست بر دل بگذارد و بگوید اَعُوْذُ بِعِزِّ اللهِ وَاعُوْذُ
 بِقُدْرَةِ اللهِ وَاعُوْذُ بِجَلَالِ اللهِ وَاعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاعُوْذُ بِجَمِيعِ اللهِ وَاعُوْذُ بِرَسُولِ
 اللهِ وَاعُوْذُ بِأَسْمَاءِ اللهِ مِنْ شَرِّ مَا أَشَدُّ رُوحِي مِنْ شَرِّ مَا أَخَذْتُ عَلَى نَفْسِي مَفْتَنِي
 این دعا بخوان و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از آرزوی
 بسیار کردن و دوسو سخا می‌سینه فرمود که دست بر سینه بکشد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِأَمْرِ
 رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْحَكِيِّ الْعَظِيمِ الْمَوْفِقِ
 اِسْتَجِبْ عَنِّي مَا أَعْدَدْتُ لَكَ بِشَرِّكُمْ بِأَمْرِ وَبِأَمْرِ مَنْ تَرْضَى خَيْرُكُمْ خَيْرٌ مِنْكُمْ
 اِذَا نَزَلَ مِنْهُ وَشَيْخِ أَحْمَدُ كِتَابُ عِدَّةِ الدَّاعِيِ از برای کشودن سیکه او رسیده باشد بر نفس

و آنها خلی گشت و بگوید اللهم مد ربنا فیال واجبت و ربنا کل اسمک مستاسیدیا حفظه
 و احفظنا علی غفیر و قمرود که سیکه از عقر برسد این آیه را بخوانه سدا م علی دوح فی
 العالمین انا لک ایاک یحیی المؤمنین انه من عباد المومنین و در حدیث معتبر منقول است
 که حضرت صادق علیه السلام شخصی گفت که چون شیرابه بنی در دوی آیه الکرسی بخوان و بگوید
 علیک یسبح الله و عونه محمد و رسول الله و عونه سلیمان بن داود و علیکم
 السلام و عونه امیر المؤمنین علیه السلام و الاثمة من بعدیه الا یحییتم
 کل نفسنا و لکم ثوابنا و الا لای ذکرت را وی گفت که بشیر بر خوردم و اینده خواندم شیر
 بریزد اخت دوم را در میان پایهای خود کشید و برگشت و در حدیث معتبر منقول است که
 شخصی حضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من جانوران در زیر پایم میکنم و شب و روز
 و جاهای هو لنا کسب میرم فرمود که چون داخل خانه شوی پائی راست را پیش بگذارد و بسم الله
 بگوید چون بر دهن آئی پائی چپ را پیش بگذارد و بسم الله بگوید که سببی تو نمیرسد و از حضرت امام
 رضا علیه السلام منقول است که چون شیرابه بنی در برابرش سه مرتبه الله اکبر بگوید و بگوید
 و اکبر و اجل من کل شیء و اعوذ بالله من الشاف و لا یخدر و چون سگ بر روی تو
 فرار کند و عمل کند این آیه را بخوان یا مغش الحین و الا لیس این استطعمتم ان تنفذوا
 من اقطار السموات و الا کفرین فانفذوا الا یسلطان و از حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام منقول است که برائی دفع ضرر جانوران زمین بگوید یا بخوانه بسم الله
 الرحمن الرحیم بسم الله و یا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله اعوذ
 بحدیث الله اعوذ بحدیث الله علی ما شاءه من شیء کل هامة تدب باللیل و النهار
 ان ینزل علی صراط مستقیم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه که
 کسی نظر کند در شب ستاره سهیله که نزدیک ستاره دوم باشد انفس است و سه مرتبه بگوید اللهم
 یا مقلب القلوب و الا یحیی و یا محمد و یا علی و یا محمد و یا علی و یا محمد و یا علی و یا محمد و یا علی
 گفت که تا مال یک شب بخوانم حدان شب مرا عقر بگزید و در حدیث دیگر فرمود که سیکه
 از بار و عقر برسد و داخل شب باشد یا بخوانه بسم الله و یا الله و صلی الله علیه و آله

اَخَذْتُ الصَّابِرَ وَالْجَنَابَ كُلَّهُمَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَخْوَاهُمَا وَإِذْ قَامِيهَا وَأَمَّا عَمَّا
وَابْصَارِيهَا وَقَوْمَاهَا عَنِّي وَتَمَنَّنَ أَحْبَبْتُ إِلَى صُحُوفِ النَّمَا إِنْ تَمَنَّاهُ اللَّهُ وَدَرِ رَوَايَتِ
وَيَكْرِفُ مَوْدُكِهِ أَيْدِ عَابِخُوَانِهِ يَسْمِعُ اللَّهُ قَوْلَهُ وَكَوْكَلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ يَكُنْ عَلَى اللَّهِ فَوَاحِشُهُ
إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَفِّكَ وَفِي جَوَارِحِكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ
وَدَرِ رَوَايَتِ مَعْبَرِ از حضرت موسی علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم در بعضی از جنگها با حضرت شکایت کردند از بسیار می یکبار فرمود که در وقت
خواب این دعا بخوانید اَللّٰهُمَّ اَلَا تُسَوِّدُ الْوُجُوْهَ اَلَّذِيْنَ لَا يَكُنِيْ عِلْقًا وَاَبًا مَا عَزَمْتُ عَلَيْكَ
يَا اُمُّ الْكَيْسِ اَنْ لَا تُؤْذِيْنِيْ وَلَا اَصْحَابِيْ اِلَى اَنْ يَكُنْ سَبَبَ الْبَلَاءِ وَتَجِيْجُ الصُّبْحِ بِمَا جَاءَكَ
وَأَزْهَرْتُ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که هر کس که غضب متولی شود اگر سبب باشد
بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بن خود را بیدار و
برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که هر کس که غضب این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَذْهَبْ
عَنِّيْ عَيْظًا فَلْيَ وَاغْزَوِيْ ذَنْبِيْ وَاَجْزِيْ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ اسْأَلُكَ رِضَاكَ وَاَعُوْذُ
بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَسْأَلُكَ جَنَّتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ قَارِكِ وَاَسْأَلُكَ الْخَيْرَ مَعَاكُ
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ تَنَبَّيْ عَلَى الْهَدْيِ وَالصَّوَابِ اجْعَلْهُ رَافِعًا مَرْتَبًا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مَضِلٍّ
وَدَرِ حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان از
خاطر تو محو کرده باشد خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ
يَا مُدَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَاَكْمِرِيْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِي مُحَمَّدٍ وَتُكَدِّرَنِيْ مَا
اَتَيْتَنِي الشَّيْطَانُ ودر حدیث معتبره وارد شده است که از برای ادائیجی تضرع
ایند عَابِخُوَانِ اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِيْ بِجَلَالِكَ عَنْ جَرَامِيْكَ وَبِفَضْلِكَ عَنْ مَيِّتِكَ وَشَخْصِيْ
تجدید حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرص بسیار دارم حضرت نوشتند که
هفتاد بار بکن و زیارت را تر بار بخواندن سوره انا انزلناه و در روایت دیگر فرمود که هر
دفع پیشانی هر روز صد مرتبه انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که برای دفع فتنه و پیشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

تُرَدُّ الصَّلَاةُ فَرَدَّ عَلَى صَلَاتِي فَأَيُّهَا مَنِ دُرْتُكَ وَعَظَمْتُكَ اللَّهُمَّ لَا تَقْنِ بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا
 تَقْنِ بِهَا كَافِرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَهَلْ أَتَيْتُهُمْ وَأَرَحِمْتَ
 إمام رضا عليه السلام منقول است که برای گم شده بگویم عِنْدَكَ مَقَاتِلُ الْعَيْبِ لَا يَطْلُقُ
 الْإِسْمُ وَكَيْفَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبُحْرِ وَتَقَطُّ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةَ فِي ظِلْمَاتِ
 الْأَرْضِ وَلَا خَطِيبٍ وَلَا بَابٍ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الصَّلَاةِ
 وَتَقْنِي مِنَ الْعَمَى وَتُرَدُّ الصَّلَاةُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْ لِي وَرَدَّ صَلَاتِي وَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدر حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است
 که برای ردلم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و بعد
 نماز دست بسوی آسمان بر دارد و بگوید اللَّهُمَّ رَاةَ الصَّلَاةِ وَالْعَادِي مِنَ الصَّلَاةِ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَى صَلَاتِي وَارْدُدْهَا إِلَى سَائِلَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 فَأَيُّهَا مَنِ دُرْتُكَ وَعَظَمْتُكَ يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَبِاسْتِئْذَنِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ
 رَدَّ وَاعْلَى صَلَاتِي فَأَيُّهَا مَنِ دُرْتُكَ اللَّهُمَّ وَعَظَمْتُكَ وَدر روایتی منقول است که از حضرت
 صادق علیه السلام پرسیدند که تعویذی با خود می‌داریم و جنب می‌شویم چیست فرمود که
 باکی نیست اما چون زن حائض شود باید که تعویذی که با خود نگاه دارد در میان پوست
 باشد و نرسد مود که هر چه از حد آن و تعویذ که خواهمید بزرگ گوشتها و در دما بخوانید
 اما قسمها که معنیش معلوم نباشد بخوانید خمس مود که بسیار از تعویذها و اغوینها کفایت
 فصل و از و هم در فوائد تربیت شریف حضرت امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از او
 مفرد و را حدیث معتبره بسیار وارد شده است که در خاک شجر حضرت امام حسین
 علیه السلام شفای هر دردی هست و آنست دو آذین برگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که هر گاه حلقی حادث شود و تربت آن حضرت را و آکنده بته شفایاب
 مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفایابی نباشد از هر چه
 و اما آن می‌دهد از هر تری و در حدیث دیگر فرمود که کام خمر زندان خود را تربت آنحضرت
 بر دارد که اما آن می‌دهد از بلا و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام

و هیچ تنافی بجای نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربیت آنحضرت در میان ایشان بگذشتند
 که برکت آن محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی ایفور از حضرت صادق
 علیه السلام سوال کرد که بعضی از مردم از تربیت امام حسین صلوات الله علیه میگرفتند و شایع
 میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در
 حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که زنی رفته بمن داده است که بخندم به
 منظره بهم که جامه کعبه را بآن بدوزند حضرت فرمودند که آنرا بدو و عمل در آن بخور و خاک
 قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگیر و بآب باران نرم کن و در میان آن عمل کنی بریز و
 بشیعیان باده که بیاران خود را بآن داکسند و در روایت دیگر فرمود که خاک کعبه بکام بین
 صلوات الله علیه شفای همه دردها است هر چند ثلث فرسخ دور تر از قبر بردارند و در روایت
 دیگر فرمود که ماه غناده ذریع از قبر تربیت شفاست میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود
 که تربیت شفای را با یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هر چه
 مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر و حاجت بگیر که برکت آنرا کم میکند در جایایی نامناسب
 آنکه شتر است و کم اعتقادی آن کسی است که بخورد اما کسیکه یقین داند که آن شفاست هر دو
 که بآن حاجت کند بمشقه او بدو لطف دیگر محتاج نمیشود و فایده و کم می کنند نفع تربیت را همین
 و جنبه بیان کافی که خود را بآن میالند و بهر کس که میگذرد آنرا میسوزند و شیاطین و کافران
 عین شک می برند چنانچه دندان آدم پس خود را بر آن میالند که خوشبوی و نفش را کم کنند و هر
 تربیتی که از عائر بیرون می آید آنقدر که نتوان شمرد و از شیاطین که از بیم ملائکه داخل خانه میشوند
 در بیرون میپایانده باشند که از عائر بیرون می آید خود را بآن میالند و اگر تربیت ازین سالم
 مانده هر چه حاجتی که بخورد و در شفاست شفا را بپس چون تربیت را بر دار بپند و پنهان کن و امام خدا
 بر آن بسیار بخواند و من شنبیده ام که بعضی تربیت را بر میدارند و آنرا سبک سبکی شمارند حتی آنکه
 در میان توبه چهار بار بآن را در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربیتی چون شفا یا بدو بشک
 کسی که صاحب یقین نیست بهستحقاق بر امور حق که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد
 میگرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که مراد من و مرعی بسیار میباشد

امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که غناب تب را از اکمل میکند و در روایتی منقول است که ابن ابی شیبہ گفت دیدم بن سفید ثوبی بنو و چیزی نمی دیدم شبی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دیدم فرمود که غناب را بگو ب و در دیده بکش چون بیدار شدم غناب را با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح و بینا شد و در حدیث صحیح منتهر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که مرا دو کمانچه پیشگاه اگر چیزی مرگ را رد میکند آن سناست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که طبعیت را بحال می آورد و آنرا سوراخ و خرابی نارسختگی و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سوراخ پادانه شفا می دهد و در دست بفرست از مرگ و در بعضی از روایات وارد شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله پرسیدند که چگونه استمال کنیم فرمود که بیت و یکدانه بشن و در کیسه بپاش و یکشب در آب بخیسانید و چون صبح شود در بینی است و قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین کنید و در روز سوم و در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در هر شب دانه ها را تا از کیسه و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی از حضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن اجل آزار می خورم فرمود که سیاه دانه و از شر شب بخور و فرمود که من آنرا بخورم برکت تب و در کمر و از از چشم و در شکم و جمیع درها و خدا را بآن شفا میدهند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود که بر هر یک از برگ و دانه و درخت اسفند یکی مگر آن است که بانه ها هست تا آنکه بوسه درش آید آن و شاخش غسم و سحر را بر طرف میکند و در دانه اش شفا هفتاد و در دست پس مرا و اکسید به اسفند و کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که در آن اسفند است شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دور می بکشد و آن شفاست از هفتاد و مرض که آسان تر آنها خورده است و در روایت دیگر منقول است که پیغمبر اینجند شکایت کرد از این بین اینست خود و می برد تا نعل شده که امر کن است خود را که از پیغمبر بخورند که باعث شجاعت می شود و فرمود که کند برگزیده پیغمبر است و در روز و در آن روز آن با آن با آن فرمود و آن روز که شفا پیدا می شود و پیغمبر است و از حضرت امام

حسین صلوات الله علیه منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافعی در طایفه زرد است
هر سینه بوزن آن را بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بخورید آنچه که بر این
دفع قویج نافع است و فرمود که گند دانه را بر طرف کلاه و تخم از آن می کند و مورد در بدن می رود
و در دمای برود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خوردن شیر تر و خشک
بوی سیراقطع می کند و قریب غلبه برودت باطن را دفع می دهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که برگ خشک و عسل را زیاد می کند و هیچ گیاهی از آن شریف تر و نافع تر نیست و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که باد و ریح از است و تره تیرکسان بنی است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که گاه و خوش از فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت
خضر و الیاس کفرس و در می لانت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر
سدا به بخورد در شب بخوابد و آن شب باین شهر از درد بایر و بی و اندر و بی و ذات که جنب
و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت زین العابدین و سید اهدانه و ابی شام را سفوف می کردند و بلند از دنیا
و کلاه که می فرستاد از آن بود و اول فرج می نمودند و گاهی با یک سائیده مزج ساخته پیش از
طعام بخوردند و می فرمودند که چون باد ادا این را بخورم از خوردن هیچ چیز پرهیز می کنم و تقویت
معه می کند و بطن را می برد و از آن می خشد از لقوه و فرمود که حقیقی برکت قرار داده است
در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بر آن بهفتاد غیر برکت فرستاده است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بن نماز محکم می کند و که مباحی شکم را می کشد و عقل را محکم می
و فرمود که خوردن ایشان را نوبار است می کند و آب پشت را فاسد می کند و فرمود که هر
زنبان و گردن با هم بخورد و سیرامی سوزاند و باد را دفع می کند و معده را زیر می کند و در دهان
گردم که در دهان می رود که چشم و نمک با یکدیگر باد را دفع می کند و سدا را اسی کشاید و بطن را می کشد
و سبب از راه اول می شود و درین باخوب می کند و لقوه را دفع می کند و معده را نرم می کند و قوت جماع را زیاد می کند
و در حدیث دیگر وارد شده است که مالیدن نمک زهر غریب را و گردن گان را دفع می کند
باید و هم در آداب معاشرت با مردم و حقوق مسافران فصل اول در بیان حقوق
خویشاوندان و غلامان و کنیزگان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هم در نوز و یاست

چنگ و درش آگهی میرند و میگویند پروردگار هر که مرا در دنیا سزا داده است تو امروز او را بر حست
خود و دل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از حست خود قطع کن و در این باب
بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاد میسازد
و از بار ارفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو طرف هر اطاعتی که در راه خدا و رحمت است پس یک
در امانت مردم حیانت نموده است و با خویشان خود نیکی کرده است از طرف هر اطاعتی که در راه
سینکند و در بهشت میرود و کسی که خیانت در امانت نکرده است و قطع رحم کرده است
عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را در آتش می افکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صلته
رحم کردن و با همسایگان نیکو سلوک کردن خانه را آبادان میکند و عمر را دراز میکند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هیچ عملی تو بیش از دو ترا از صلته رحم نبرد
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما چیزی را نمی یابیم که عمر را زیاد
سینکند مانند صلته رحم تا آنکه گاه هست که شخصی را سه سال از عمر او مانده است و بسبب صلته رحم
عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی که از عمرش سی و سه سال مانده است بسبب
قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقول است که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان
دارم که شکی نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند
اگر شکی باشند و حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صلته رحم و نیکی با برادران مؤمن
حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صلته رحم و نیکی با برادران ترک
نمید اگر چه اسلام کردن و نیکو جواب اسلام دادن باشد و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که هرگاه خویشان یا دیگر کسی شنند مال ایشان بدست بدکاران می افتد
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سه چیز است که هر که مرتکب آنها
میشود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی در گرفتار
و بسبب صلته رحم مال خود را از آن بستان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانه ها را از آتش خالی
میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بیانی

خود بخانه خویشتان برود بدین ایشان یا از برای آنکه مالی هر که بایشان برساند مستحالی شود
و مشبه او را اگر است فرایه و بعد و هر گاهی که بر او دچهل هزار حسنه و زاده عمارش نهشته
شود و دچهل حسنه از گناه محو شود و چهل حسنه از درجه از برای او در بهشت بلند شود و چنان
باشد که صد سال عبادت نماید با خلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر کس آنکه
داخل بهشت نمی شود کسیکه همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قلع رحم کند و فرمود که هر
رعایت حق خویشتان خود کند حقیقی در بهشت با و هزار هزار درجه که است کند که آن هر درجه
تا و درجه دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از فقر و دیگری از مراد و دیگری از زمر و دیگری
از زبرجد و دیگری از مشکب و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و هم چنین از سایر چیزهایی که
خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شب سراج
دیدم رحمتی بیش از این و آنچه از رحم دیگر شکایت میکنند پروردگار خود پرسیدم در چند بهشت
نسب تو او بهم میرسد گفت که در چهل بهشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که من اینم بر آنی کنی که
صلوات رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و در ویش فرسخ کند و عمر را زیاد کند و او را داخل بهشت
کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر و مادر
و قطع کنند و رحم و مرد و پیر و ناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که بنده خود را حدی از حد و آگهی بر غلبی آنکه جسد از و صادر شده باشد که بحسب شریع
مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را غیر از آنرا کردن او و در حدیث معتبر منقول است
که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نبرد آیا حلال است
زدن او فرمود که نه اگر موافق طبیعت باشد نگاهدار و گرنه بفروشن یا بکشد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در ادب اطفال و غلامان و کنیزان
بیخ تا زانیه یا شش تا زانیه بیشتر زنند و آنرا هم برفق و هوارنی زنند و در حدیث معتبر دیگر
منقول است که زبانه از آنحضرت سوال کرد و از زدن بنده فرمود که هر چه که در دست او
تلف شود یا تقصیر او بنده چیزی نیست اما اگر دست او را زنی تو که میستوی زدن او گشت
چه مقدار زنید از مرد که صد یا چهار یا پنج از زانیه و آنحضرت در سوالی که پرسیدند که اگر دست او

که فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد و در باب غلام و کنیز تا آنکه همان کردم برای ایشان
حدیثی است که خواهد کرد که چون بانچه برسد آنرا دشوند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزادی شود و بعد از آن خدمت کردن او
حلال نیست و حلال کرده اند این حدیث را بلکه سنت معتبره است که بعد از هفت سال او را آزاد
کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار صفت است که در
هر که باشد حقیقی او را می آفرزد و ساکن میگردد و در اعلای علیین و در اعلای سوره های شرف
سبک پناه و پستی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزله پدر سر بیان باشد و سبک کند
ضرعیان و اعانت ایشان نماید و سبک مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدار کند
و احسان نماید و ایشان را آزاده نکند و کسیکه ندی و سفاقت با بنده خود نکند و او را یاری نماید
بر خدا تا بیکه باومی نماید و کاری بر او دشوار باشد با و نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقول است که به بندگان خود بخورانید آنچه خود بخورید و با ایشان بپوشانید آنچه خود
میشوید و در وایت دیگر منقول است که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میجو سید جبر و هم
شمارا به بدترین مردم گفتندی یا رسول الله فرمود که کسیکه شما سفر کند و عطا خود را از مردم
منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که کسی که اگر بر ایشان ظلم نکند ایشان بر تو
ظلم نمیکنند و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل
ایشان مورد عتاب ساد و در حدیث دیگر منقول است که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام
ناپید شده بود حضرت او را می طلبیدند تا آنکه دیدند که در جایی خوابیده است بر بالین او نشسته
و او را بادمیر زدن او بیدار شد پیش فرمودند که ترغیب که شب و روز همه خواب کنی شب خواب
کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که کسی که نماز ایشان مستحب
نست غلامی که از آقایی خود گر خیمه باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نماز می کرد
آن که با و ارضی نباشند و زنی که شوهر از دشمنانک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقول است که اول کسیکه داخل بهشت شود شهید است و غلامی که نیکو عبادت
کند پروردگارش را و خیر خواه آقایی خود باشد و مرد عیال داری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در آخر

معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بنده آزاد کند حق تعالی
بهر عضوی ازان بنده عضوی آزاد را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که مستحب است که در شب سه روز در عرفه بخدا تقرب بجویند باز او کردن و تصدق نمود
فصل و رقم در حقوق همسایگان و یحسان و غیره و سبب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت می نمود بر عایت همسایه تا آنکه گمان کردم
که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزاد کند حق تعالی ابوی بهشت را بر او
حرام گرداند و او را می او جستم باشد و فرمود که هر که از همسایه شش در یک شهر زمین خیانت کند خدا
آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی گرداند و در گردن او با چون او را بمقام حساب آورد آن طوق
در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که آزاد خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سه چیز است که بدترین بلا است پادشاهی یا صاحب مملکی
که اگر احسان با او کنی شکر نکنند و اگر بدی کنی نگذارند و همسایه که چشمش تر پسندد و دلش مرگ ترا
خواهد و اگر نیکی پسندد پو شانند و مذکور شانند و اگر بدی پسندد ظاهر کنند و منتشر گرداند و زنی که
اگر حاضر باشی ترا شاد گرداند و اگر غائب باشی خاطرت بان مطمئن باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که آزاد همسایه کند برائی طمع در خانه او خدا خانه او را به همسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که آیا در مال حق بغیر از زکوة هست فرمود
نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن به همسایگان سلمان بدرستیکه
ایمان بمن ندارد و کسیکه شب بیدار شود و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود
که از جمله حقوق مال از حق با عون است که حق تعالی و سید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید
و آن صدقه می است که به همسایه دهد یا نیکی که بایشان کند یا ضروریات خانه که بایشان عاریت دهد
یا دعای سرخ کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان باریت بهیم نمی شکنند و ضایع میکنند
در نیصورت بر آگنای هست اگر بایشان بهیم فرمود که هرگاه چنین شد گناهی بر شما نیست

اگر ایشان همسید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از مسایکن
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که با عودن را منع نماید از مسایکن
حق تعالی امانع نماید از خیر و احسان خود را در خیرست و او را بخود گذارد و ای بر مال او و آ
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنها را متوجه حقوق بشوید که بر خود لازم کشید آنچه
از خرجها که بر قبیله واقع میشود پسید و مضائقه نکنید و اگر از قبیله شما کسی شمار را تکلیفی کند
که ضرر شش بر شما زیاده از نفی باشد که با و میرسد قبول کنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در بیان بدیدن صمصع بن روحان که از اصحاب بزرگتر آنحضرت بود
تشریف آوردند پس فرمودند باینکه من بعبادت تو آدم فخر نکنی بر قوم خود و اگر ایشان از او آمرزنی
خود را از آن امر بکنار گیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و ایشان محتاج است و اگر بیک
ایشان منع کرده و یا برهائی بسیار ایشان را بخود گردانیده پس اگر ایشان را در حال خوبی به بنی یاری
ایشان بکن بر آن امر و اگر در بلائی باشند ایشان را و گذارد و باید که یاری کردن شما یکدیگر در سخت
خدا باشد بر ستیکه همیشه بار فاقه است و نعمت خود میدود و اگر یاری یکدیگر کنید در سخت
خدا و باز استید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقول است که اسیر چند را بنزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آوردند از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند و آنکمال
حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی که گردنش را بزنی بگردم طعام میخواهد
و مهمانداری میکرد و خرجهای که در میان قبیله واقع میشد میداد و بیک گران اهل قبیله میداد و
خود میداشت پس حضرت بان خیره بودند که حق تعالی چنین دمی فرستاده است او من تر از او کردم
از کشتن این خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد و فرمود که ای اسیر
گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو بختی آن خداوندی که ترا برتری فرستاده است که هرگز
از مال خود کسی را برنگردانیدم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که ثور و نال و شمشیر
بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که نگاهداری کند یمنی را و او را نفقه دهد من او و بهشت مانند این هدیه است یا هم
باشیم و اشاره به کشت شهادت و میان خیره بودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یمنی را در حال

داخل کند و مسرعه او را بدین تا او مستغنی شود از دغدغه بهشت را بر او واجب گردانند چنانچه
برائی خورنده مال یتیم چنانچه را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که دست بر یتیم بکشد از رسول
ترحم حق تعالی بعد و هر سوئی که دستش بر آن یگر و حسنه برائی او بنویسد و در روایت دیگر منقول
است که هر سوئی حق تعالی نوری باو در است فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواه
دشمن نریم شود یتیمی از نزدیک خود بخواند و باو مهر بانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از رسول
شفقت دست بر سر روی او ببالد یتیمیکه یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر
فرمود که چون یتیم بگریه بر آید بر او بلرز دلیس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه
آورده است این بنده مرا که پروردگار من را گرفته ام بعزت و جلال خود سوگند بخورم که هیچ
بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برائی او واجب گردانم و در احادیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در قرآن مجید بر کسی که مال یتیم را بناحق بخورد و دو
عقاب مستحق فرموده یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از او بایستیمان او بکنند
آنچه او بایستیمان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی جماعتی را
در قیامت از قبر با محشور گرداند که از دشمنانی ایشان شش شعله در باشد و آنها جماعتی باشند
که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حق تعالی فرماید یکصد تنیکه آن جماعتی که مال یتیمان را بطلم بخورند
نیخورند و در شکم خود گریه کنند و بر دوش آتش اندوزند و در جهنم گردند بدانکه دلی یتیم که تصرف در مال او
تواند شود پدید است جدیدی و دومی که ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شده
یعنی امام علیه السلام و کسیکه آنحضرت تعیین کرده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علماء را اعتقاد
است که مجتهد جامع باشد یا طایفه یکسکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که مؤمنان صالح از برائی خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه
صرف ضبط ایشان باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان
باشد بعد از سرچ ضروری خود از مال ایشان خرج میکنند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند

که زیاده از اجرت شمارفته آن عمل بر ندارند و هم چنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت
در مصرف ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نه داشته باشند که وفا بقرض کنند از مال ایشان مستثنی
و اگر پدر و جد پدری بر ایشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان مستثنی اند بر دشمن و اگر
ماورهم بر ایشان باشد نفقاً و مالی از مال مستثنی می تواند داد و اگر قد خرج طفل را حساب کنند
و بالنفقه خود ضم کنند و با هم چیزی بخورند باکی نیست فصل بیستم در حقوق صداقت و اخوت
در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در وقت فوت
وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که برادر گن بابرادران از بزرگ خدا و دوست دار
صالحان را برای صلاح شان و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برادر دشمنی را
برای خدا دوستی نماید ضامن و بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که کسی که بعد از اسلام فائده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا
گرفته باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی تجدید حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد
که بسیار است که اندوگین بیوم بی سببی بحدی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من
مشاهده می کنند فرمود که تقصیری از این نیست بهشت آفریده است و از نیم رحمت
خود روح در ایشان جاری گردانیده پس این سبب مومنان برادران پدر و مادر یک دیگرند
پس چون بر یکی از مومنان اندوهی رسید مومنان دیگر بر آن اندوه او محزون میشوند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که نظر کردن بگو امام عادل عبادت
است و نظر کردن بسوء عالم عبادت است و نظر کردن بر پدر و مادر از روی
شفقت و مهربانی عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برادر
خدا عبادت است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
برادران دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران
خندین و صحبت دشمنی اما اول پس ایشان بمنزله دوست اند و بالند و امانند و بالند پس چون
بر برادری چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با او دستاورد
دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و درارش را برپا ساز و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن

و بدانکه این قسم برادران کتر از ازا گوگرد سرخ که است و اما موقع پس تولد صحبت
ایشان زای یابی این را از ایشان قطع کن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره
وارد شده است که اخوت و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده
و درین نشأ چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می آورند و در احادیث معتبره وارد شده است که مؤمن
برادر مؤمن است و دیده اوست و راه نمائی اوست با او خیانت نمیکنند و بر او ظلم نمیکنند و
او را فریب نمیدهند و با او وصه که میکند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگویند و غیبت او نمیکنند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت دیاری و دوستی حدی چند دارد
که هر که همه آنها درو نباشد او را بحال صداقت نسبت ده یکس که هیچ یک از آنها درو نباشد
به هیچ چیز از صداقت او نسبت ده اول آنکه شکار او پنهانش با تو یکی باشد دوم آن که
زینت تر از نیت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیوم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی
سلوک او را با تو تغیر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت
محبتها و ملاقات او انگارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران
مؤمن نوسه مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه عرف بدی در حق تو نگوید و او را بدوستی و یار
خود بگیرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود کن که راندنائی خود را
یا و سپاری که در وقتی که آواز تو برگردد و چاو نتوانی کرد و آن حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که محبت بیت ساله خویشاوندی است و علم الهی را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد
از پدران و آن حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهم رساند
و ده یک آنچه با تو دوستی میکرد بکن دوست بدی نیت از برائی تو و آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
علیه السلام منقولست که دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را پرده بایشان بلکه رد گرد دشمن
تو شود و دشمنی را با دشمنان خود هموار کن شاید که روی دوست تو شوند و آن حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را بر از خود مگردان که اگر دشمن تو بداند تو
ضرری برسد زیرا که گاه هست که دوست گیر و دشمن بشود و آن حضرت امام موسی علیه السلام منقول
است که بهترین حدیث دنیا فراخی خانه و بسیار دوستان است و حضرت لقمان پس خود را گفت

آنکه با کسی صاحبت کن و با یک کس دشمنی کن و راضی باشی که غلام بچکان باشی و راضی شوی
 که فسرزدان بران باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که هر کس که
 نباشد زنجیری بر دگوار نیست صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مؤمنی موافق و در
 حدیث دیگر فرمود که هر که را بپندهند از دلش و زجر کنند از نفسش و مصاحبی که او را بر آخر
 برادر نباشد شیطان برگردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع شنائی از دوستان
 بر خود کن که روشنی حوائت تباریکی مبدل میشود و منمود که هر که محبت خود را بنیز محبتش بگذارد
 خود خسران قطع محبت خود شده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست
 آنکه هر که خود را در محل تهمت در آورد و دلاست نکند کسی را که گمان بیاورد و بدو هر که راز خود را بچکان
 دارد و خست یار با خودش است و بخرسبیکه از دو کس گشت فاش میشود و چون با کسی برادر می کنی
 آنچه از دینی بر محل نیک حمل کنی تا آنکه بجدی برسد که دیگر محل نیک نیابی و زنجار گمان بد بر سخی
 که از برادرت ساد می شود تا محل نیک برای آن نیابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در
 وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا و در وقت بلا سپردن برائی دفع اعدا و مشوره با بجا
 بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر هر سیرگاری ایشان دوست دار و هر سپهر از زمان
 بد و از بیکان ایشان در خد باش و از حضرت امام رضا علیه التجه و له شناس منقولست که اگر خواهی که
 تمام شود برائی تو است و کامل شود برائی تو مردی و مروت و با صلاح آید برائی تو امور عیشت پس
 شریک گردان غلام و مردم دون را و کار برائی خود که اگر ایشان را این گردانی خیانت میکنند
 و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلایی پیش آید ترا یاری نمیکنند و با صاقل مصاحبت بکن
 هر چند که یم نباشد و از عقاشن بهر و شود از خلق پیشی بستر از کن و با کریم مصاحبت کن هر چند
 صاقل نباشد که بعقل خود از گرم او مستفیع میشوی و بگریز نهایت گرختن از احمق که نجس باشد
 فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یک دیگر و حسن معاشرت با خلق پسندیده منقولست
 که معلی بن خنیز از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود
 که هفت حق است که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها ترک کنی از دوستی و طاعت
 خدا بر میرو و پرسید که آنها چیست فرمود که برائی و محل یاری و رعایت آنها میکنند

آسان ترین اول آن حقوق آنست که آنچه از برای خود و دوست میداری از برای او دوست
 دادی و آنچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی و دوم آنکه هر سیر از غضب او و پیروی
 خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی سیوم آنکه او را یاری کنی بجان و مال و دین
 و بدست و پا چهارم آنکه دیده و رهنما و آئینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او اگر سینه باشد
 و تو سیر نباشی و او نشسته باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو
 خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامه او بشوید
 و طعناش را سازد و رخت خوابش را بگسترد و مهمتم آنکه ترا اگر قسم دهد بعل آوری و اگر ترا بخانه
 دعوت کند قبول کنی و اگر بیار شود بیا دش بر و اگر ببرد بجزا زش حاضر شوی و اگر
 دانی که حاجتی دارد پیشی گیری به بزرگان آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوندد
 محبت خود را به محبت او و محبت او به محبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی
 نزد خدا بهتر از او کردن حق مؤمن نیست پسند حسن از حضرت امادق علیه السلام منقولست
 که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذر است که کفاره ندارد و هر که خلف وعده کند
 اول ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و بعد غضب الهی شده است و در حدیث
 حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا آورد و روز
 قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود پسند که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است اول آنکه در حضور او تعظیم نماید و
 صحبتش در عین او باشد و مال خود را به او صرف نماید و محبت او را بر خود حرام داند و چون بیازد
 بیاد او رود و چون ببرد بجهان زش حاضر شود و بعد از گرفتن از نیکی او چسبید و بگوید
 پسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست دار برادر سلطان خود را
 و بخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و بخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون
 محتاج شوی از سوال کن و سه گاه از تو سوال کند با و عطا کن و یکی را از ذخیره مکن تا او هم
 از تو ذخیره کند و یا در او باش تا او نیز یاور تو باشد و اگر غایب شود رحمت او را غایبانه نگاهدار و چون بایر نشد
 برو و او را گرامی دار بر ستم که او از دست و تو از دلی و اگر با تو در مقام قتال باشد از دین و جان مشغول

ناکینه را از سینه او بکنی و اگر نعمتی با او برسد خدا را شکر کن و اگر بلائی او پیش آید یا در او پشیمانی
 و با او محسرتی زیاده کن و از حضرت سائر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مسلمان را
 بر برادر مسلمان شش حق است هرگاه با او برسد بر او سلام کند و هرگاه بیمار شود بیاد او
 برود و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون ببرد بکنار او حاضر شود و هرگاه او را الضیافت
 لطیفه قبول کند و از برای او روزه چهار روزه از برای او شستن و از برای او شستن و از برای او
 از برای او شستن و بسیار دوستی و بسیار دوستی و بسیار دوستی و بسیار دوستی و بسیار دوستی و بسیار دوستی
 که هر که صبح کند و استقامت با او مسلمانان بخشد باشد او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی سب را بد
 میکند که امی مسلمانان سب را بد من برسد و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم
 کسی است که لغزش مردم بشنود و فرمود که هر که گروه از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند
 بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق مؤمن بر
 مؤمن آنست که او را اهل دوست دارد و اهل خود را از دوری ندارد و اگر بگریزد رود با خون اهل
 او پیرا و از دیگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عظمای مسلمانان هستند و او خائب باشد بخواهد
 از برای او بگیرد و چون ببرد زیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او حیانت
 نکند و بر روی او اف نگوید و اگر آفت بگوید دوستی از میان ایشان بر طرف شود و اگر گوید تو دشمن
 منی یکی از ایشان کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته است
 دیگری کافر است یعنی صاحب کبر است و چون او را به همتی منهدم سازد ایمان بدو نشاید و چنانچه یک آب
 در دره دشت دیگر فرمود که باید برادر مسلمان خود بخوابد و آنچه از برای عمری ترین اهل خود بخوابد و نخواهد از برای او آنچه از
 برای عمری ترین اهل خود بخوابد و دوستی او را خالص گرداند از شوائب تا آنکه از شادی او شاد باشد و در
 اندوه او اندوگین شد و اگر تواند سعی کند که غم او را زایل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوهش را
 بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی خدمت آن حضرت آمد از او پرسیدند که برادران خود
 بر چه حال گذشتی گفت که بر نیکی عالمی گذشتم ایشان فرمود که تو نگران ایشان چگونه باحوال
 فقیران میرسی گفت که فرمود که تو نگران چه قدر بدیدن فقیران میروند گفت کم فرمود که تو نگران
 چه مقدار احسان بخیران میبینی گفت چیزی چند میفرمایید که در پیش اینها می بینم فرمود که

پس چگونگی ایشان دعوائی شیعیه می کنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران نیکو کار باشند
و از برای خدا بایکدیگر دوستی کنید و بدین یکدیگر بروید و با یکدیگر نشینید و دین ما و احکام
ما را بگویند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که واجب است از برای مؤمن
بر مؤمن که بقتل و کبیره او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجب است
از برای مؤمن بر مؤمن که خیر خواه او باشد و در حضور غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد

بخیر خواهی خلایق که هیچ عملی نزد خدا ازین بهتر نیست **فصل پنجم در قضای حاجت مؤمنان**

و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که هر که مؤمنی را شاد گرداند مرثیادگر دانیده است و هر که مرثیاد
گرداند خدا را شاد گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که بتکم کردن در روی برادر مؤمن حسنه است و خاشاکی از او برداشتن حسنه است و هیچ عبادتی را
نداد و ستودنی ندارد از شاد گردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود

یا حضرت موسی علیه السلام که بدوستیکه مرا بندگانی است که بهشت را برای ایشان بباح میکنم
و ایشان احکام میگرددانم و بهشت حضرت موسی گفت پروردگار اکیستند ایشان فرمود که کسی که
سعد در مؤمن داخل کند پس حضرت فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه بتباری بود آن پادشاه

در مقام آزار او و از او گرفت و شجر کفار رقت و پناه بکافر بر داند کافر او را جاد و مکرر
و ضعیف است کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی او را در می فرستاد که عزت و جلال خود
سوگند بخورم که اگر ترا در بهشت بجای سپردم هرگز ترا بهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرام

است بر کسی که کافر میبرد پس خطاب نمود بائش چه کنم که او را بر سران الماسوران و امر مسلمین
نه در اول آخر و در هر چه او روزی برسد و حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حق تعالی وحی نمود بفرشته داود که بنده از بندگان من حسنه نزد من آورده که من بهشت را

بر او بباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بر بنده مؤمن خوشی داخل
گرداند اگر چه یک دانه خرباشه داود گفت که پروردگار از اول بهشت که کسی که ترا بشناسد
قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که کسی که مؤمنی را شاد گرداند و او را شاد گرداند

است و بسن بلکه بارشاد گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد
گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از سیر بیرون می آید
با او شغنی پس بدین آید دست گوید بشارت باد مرتیابکرامت از جانب خدا
و خوشحالی پس مؤمن با او میگوید که خدا ترا بشارت بدیکی بدین با او میباید و بجز موی که
میگذرد و میگوید که این از تو نیست و بجز نیکی که میگذرد و میگوید که این از تو نیست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهند تا آنکه بمقام حساب آید پس چون آنکس بخشد که او را به بهشت برند با او میگوید
که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو گیتی که از قبر تا اینجا را بشارت
دادی و مؤمن من بگوید و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از ان مخلوق کرده است که بشارت دهنده تو بود
تختانی سوس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار هزار حسن
برای او بنویسد و در حدیث معتبره دیگر فرمود که هر که یک حاجت برادر مؤمن خود بر آورد و عطا
در خیاست صد هزار حاجت او را بر آورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان
و آشنایان خود را داخل بهشت گرداند اگر ناصبی نباشد و در حدیث دیگر فرمود که بر آوردن
حاجت مؤمن بهتر است از هزاره گان آزاد کردن و هزاره سپ در راه خدا بجنگ فرستادن
و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از میت حج که در هر حج صاحبش متده هزاره هم صرف کند
و در حدیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد بنده
از آوردن و حسن کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بهر خانه
در وی ایشان را از سوال کردن حفظ کند بهتر است از مقدار حج و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق منقولست که هر که هفت شوط طواف در دنیا کند بیکه حق تعالی برای او شش هزار حسن بنویسد
و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برانی او بلند کند و شش هزار حاجت او را بر آورد
و بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که
حاجت مسلمانی بر آورد حق تعالی او را نیک کند که ثواب تو بر من هست و راضی نیستم برای تو
بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برادر مؤمن حاجت مؤمن را بر آورد و حق تعالی

و ملک را موکل گرداند از جانب دست و پایش که برای او استغفار کنند و دعا کنند که
 حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که هر که
 برادر مؤمن او برادر و بیاید برای حاجتی او در حق است که خدا تعالی بسوی او فرستاده است
 اگر تسبیح کند پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی
 موصولست و اگر او را در کرد و او قادر بود که حاجتش برآورده و حق تعالی بر او تسلط گرداند در قبر یا
 از آتش که او را بگرفتار و در قیامت خواهد در روز قیامت او را خدا بپارزد و نخواهد عذاب
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی برادر و بیاید
 و او قادر نباشد بر آوردن حاجت او در شش انگشت شود و بسبب این خدا بهین بهشت را
 برای او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر
 مؤمن خود راه رود و حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه بهشت بر او
 او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد امام و از حضرت امام
 رضا علیه السلام نقلست که خدا را بنده گان است که سعی میکنند در حاجت مردم
 ایشان اینانند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند حق تعالی دل او را در قیامت
 شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برادر و برادر حاجت
 برادر مسلمان خدا مقادیر پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بجز قدیمی برای او
 حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کار سازند غنی و فاسخ شود ثواب
 حج و عمره در نامه حاشن بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون راه روم در حاجت
 برادر مسلمان دوست ترמידارم از آزاد کردن بنده و هزار کس را بر سپان زین و لجام
 گزیده سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برادر
 مسلمان خود از برای رضائی خدا تعالی برای او هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خوشایان
 و همسایگان و آشنایان او را بپارزد و هر که با و نیکی کرده باشد در قیامت با و خطاب برسد
 که داخل بهشت شود و هر که در دنیا با و نیکی کرده است او را برودن آورد داخل بهشت کن گزرا نیک
 پس اینست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فرمود که حق تعالی فرستاده است

که ملائق عیال من اند محبوب ترین ایشان نزد من کسی است که ایشان محسبان باشد
و سی در بر آوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که برادر مؤمنی را بخواهد
در هنگام شدت و غمی انیسیم او را برادر و حاجت او را برآورده و حق تعالی واجب گرداند بر او
او متناوود و رحمت که یکی را در دنیا یاد بدهد که کارهای دنیائی او با وساخته شود و فساد و کسب
رحمت دیگر ببرد و از خیر کند بر آن سرسبها و شدتهائی در قیامت و فرمود که هر که برادر مؤمنی
بردارد و حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد و چون آن قبر بیرون آید شش من طمئن شد باشد
و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی از میوه های بهشت او را طعام دهد و هر که مؤمنی آب دهد
حق تعالی از شراب بهشت او آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد
حق تعالی حاجات دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی او را
عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند و مؤمن و یاری او را مؤمن بهشت خدا یاد
اوست و در حدیث معتبر از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است که هر که
حاجات برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجات او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که
غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت برآورد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر
ظالمی خدا او را یاری کند و در گذشتن بر هر اظلمه و ستمیکه در میان افراد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد
که او شاد شود چنان باشد که حضرت یحیی علیه السلام را که در شکم ماهی بود و هر که مؤمنی را
را آب دهد و وقت تشنگی حق تعالی او را از شراب بهشت سیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر کند
حق تعالی از میوه های بهشت او را سیر کند و هر که بر مؤمنی جامه بپوشاند در وقتیکه عریان باشد
خدا او را از دیاوسر بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر عریانی بپوشاند در دنیا
خدا باشد از بلاها و از آن جامه بر آن مؤمن ماری باقی باشد و هر که خادمی بپوشد خدا او را بر سر
بهشت خادم بپوشد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را بر آقا و از اقامت بهشت سوار
کند که در قیامت با ملائکه مبارکات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان باشد که او
جامه داده باشد از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی بمؤمنی بدهد که یا او نسر گیرد و حق تعالی
در قبر علی مؤمن او گرداند بصورت محبوب ترین اهل و نزدیک او و هر که در میان عیادت مؤمنی کند

ملاک او را از جهت فرو گیرند و گویند خوشحال تو و گوارا با و پشت از برای تو و البته که فضا
 حاجت مومن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و احتکاف کردن و دوا و ازاینها حاجی سلام
 و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در
 زیر آن سایه غیبت مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مومن را آزاد کند یا مؤمنی که تو فر
 مومن را آزاد کند یا مؤمنی که مؤمنی بگذرد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که مؤمنی در روز قیامت بگذرد و شخصی که حقتالی از سر مرده باشد که او را به بنم
 برند و ملک او را بر وجه خطاب کند مؤمنی را که بفریادم پرسس که در دنیا من بتو نیکی میکردم
 و حاجت ترا بر می آوردم مؤمن بچاک گوید که دست از او بردار حقتالی نسد باید که چون
 بنده مومن شفاعت او کرد او را بگذار و در حدیث خبر از حضرت علی بن حسین صلوات الله
 علیه منقولست که گردان مسلمانان از نزد خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشانرا بمنزله پدر خود
 بدان و خود دان ایشانرا بمنزله فرزندان خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود
 بدان هر کدام یک زینیا و بنوای که ستم کنی یا لعن کنی یا عیب ایشانرا فاش کنی و اگر شیطان
 خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را بینی که از تو بزرگتر است بگو که او
 لایزال و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خود ترا از خود
 بینی بگو که من شیتر از تو گنا مان کرده ام پس او از من بهتر است و اگر هم سال خود را بینی بگو
 که ایقین گناه خود را در معدن گناه او شک دارم پس ایقین خود را برای شک بگذارم و اگر بینی
 که مردم ترا تعظیم و تکریم می کنند گویا این یکی از ایشان است که بحاسن آداب عمل می کنند
 و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو که این از گناهی است که من کرده ام چون
 چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی
 ایشان شاد شومی و از بدی ایشان و استغاثه شود آنکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است
 که خیرش با ایشان رسد و از ایشان استغنی باشد و سوال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر
 کسی است که محتاج باشد و سوال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا بکلی از بی مال میروند و هر که
 با ایشان در مال مزاحمت نمیرساند عزیز است نزد ایشان و هر که مزاحمت نمیرساند و از مال خود

هم پاره بایشان میرساند عزیز تر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
عیسی علیه السلام یکی از اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی که بانو بکنند با هیچکس مکن و اگر
کسی طباخچه بر جانب در دست بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر بنزد او بیاید برائی حاجتی و اوقاف
باشد بر بر آوردن آن حاجت و بر نیار و در حقیقی او را در قیامت سزایش کند و تغییر نماید
و بگوید که برادر تو برائی حاجتی بنزد تو آمده که من ترا قادر گردانیده بودم بر بر آوردن آن
و بر نیار و دمی برائی آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت
نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیا مرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مومنی که
منع کند از مومنی چیزی را که او بآن محتاج باشد داد قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران
با و برساند حقیقا او را در روز قیامت بار و سپاه و دیدگاه و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس
بگوید که این نیست خائنی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بگوید که او را چه تخم بزند
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت کسی در سایه عرش الهی بنشیند
در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زنی بدد و کسی که خادمی با و دهد
آن کسی که راز او را پنهان دارد فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان
در احادیث معتبر بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله
علیهما که هر که بدین برادر مومن خود برود از برائی رضائی خدا حقیقی او افتاد و نیز از ملک او
موکل گرداند که او را ندانند که آنجا خانه خود برگردد که خوشحال بود و گوارا بود بهشت از برائی تو
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جبرئیل مرا خبر داد
که حق تعالی ملک از من فرستاد آن ملک رسید بمردی که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب
خانه رخصت می طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار دارد
گفت که برادر مسلمان من است از برائی خدا بدین آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر
بغیر از این ندارد گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده ام تر سلام میرساند
و میگوید که بهشت را واجب گردانیدم برائی تو و منی سزا میاید که هر مسلمانی که بدین مسلمانی

برود چنان است که زیارت من آمده است و توانش بر من بهشت است و در حدیث
 دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بدین برادر مؤمن شود و برود بخانه او و حق تعالی او را خطاب
 نماید که تو همان منی و زیارت من آمده و همان داری تو بر من است و بهشت را بر تو
 واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست داشتنی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از
 امام محمد تقی علیه السلام منقولست که مؤمنی که بر من می آید بجزم دیدن برادر مؤمن خود
 خداوند عالمیان ملک با و موکل دیگر داند که یک بالش را بر زمین بگذارد و بیک بال دیگر
 بر سرش سایه می افکند پس چون داخل خانه مؤمن شود خداوند جبار او را ندید میکند که ای
 بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم
 از من سوال کن تا تو عطا کنم و مرا بخوان تا ترا اجابت دهم و اگر خواهی ساکت باش
 تا من ابتدا بر حجت بگویم پس چون برگردد ملک او را متابعت کند و بال بر او داشته باشد
 تا بخانه خود برگردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است
 بر من که ترا گرامی دارم و شایسته که بهشت را برائی تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان
 خود شایسته و اوم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بپیدا برادر مؤمن رفتی
 از برای خدایت بهتر است از ده بنده مؤمن آزاد کردن و هر که بنده مؤمن را آزاد کند حق
 بحر خصوصی از آن بنده خصوصی از آن جنتم آزاد گرداند و در حدیث مقرر منقولست که آن
 حضرت به دافین سر جان فرمود که شعیبان مرا از من سلام برسان و بگو خدا رحمت کند
 بنده را که با دیگری نشیند و یاد کند احادیث را که سوم ایشان ملک است که از برای ایشان
 استغفار میکند و هرگاه که با یک دیگر نشینند یا با واحد یا با چند که بسبب نشین
 و مذاکره نمایند و دین از ده پیشود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که مذاکره احادیث ما
 بلند و ما را یاد کند و آن حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که بدین یک دیگر برود
 خانه بگوید که باین نژاد میانه دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذاهب ما را از ده بار و از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشحال آنکه دوستی کسی کند با یکدیگر بر سر خدا
 بدینیکه حق تعالی در بهشت نمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بران نمود و هفتاد و هشتاد

قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را از برای کسانی
 که دوستی با یکدیگر کنند و برین یکدیگر برونند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که هر که قادر باشد که با احسانی بکند به صاحبان شمیمیان با احسان کند تا ثواب
 احسان کردن با او نامه عیادت نوشته شود و هر که قدرت بردیدن ماند شسته باشد بدین
 صاحبان شمیمیان با برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث دیگر از حضرت
 صادق علیه السلام منقولست که هر که عیادت کند مسلمان سیصد بار و اگر نه هفتاد هزار بار
 بر و صلوات فرستد اگر صبح باشد تا شام اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود
 که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را شایسته کنند و بر او استغفار
 کنند تا خانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را
 عیادت کند در رحمت الهی سه روز و پس چون نزد او بنشیند رحمت با او احاطه کند پس چون
 برگردد و حق تعالی هفتاد هزار ملک را با او موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند و بر او
 بر خرم کنند و بگویند که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر با تو بقیت و با و
 خطا فرمایند و بهشت که سواره بر آن چهل سال باز دوازده حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که هر مؤمنی که بیماری را در بیماری عیادت کند از برای خدا حق تعالی با و موکل سازد
 ملک را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر
 فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی با و موکل سازد و هفتاد هزار ملک را که همیشه
 خانه او آیند و در آن خانه تسبیح و تهلیل و تکبیر و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب
 ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار آنست که کسی که بیمار شود برادر
 مؤمن را اعلام کند که عیادت او بیایند که آنها ثواب ببرند و او ثواب بسیار بدخیز کردن آنها که اگر
 چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده بار از برای او بلند شود و ده
 حدیث دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود و مردم را رخصت
 دهد که عیادت او بیایند بدستیکه چنانست مگر آنکه او بر و عیالتی است و او را
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که عیادت برادر مؤمن برود و برادر مؤمن بیمار شود

طلب دعا کند که دعای او مانند دعای ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام نقل
است که هر دو چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز مستوالی او را باید دید و بعد از آن
یک روز نه یک روز پس چون بیماری بسیار طول کشد او را با عیالانش میباید گذاشت و
عیادت نمیباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بیدین بیمار روید سببی یا ناری یا
یا ترنجبی یا بوی خوشی یا خودی یا خود برید که بیمار بآن استراحت ییابد و در حدیث دیگر
فرمود که از تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذارد و وقت دعا کردن
درد و خرسینی که عیادت احقان و شواتر تر است بر بیمار از دوا و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که نزد
تر بر خیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از دو سوال کند که نشیند فصل هفتم در طعام

دادن مؤمنان و آب دادن بایشان و جامه پوشانیدن و سایر احاطه های ایشان
و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را سیر کند
بهشت برو واجب شود و هر که کافر را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم
گند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کرد اند حق تعالی او را از بهشت
طعام دهد جنت الفردوس و جنت عدن و جنت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مؤمنی را طعام دهد تا او سیر شود و بچیک از خلق خدا نماند که او را چه ثواب است نه ملک
مقرب و نه پیغمبر و رسول مگر خداوند عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهاییکه آمرزشش واجب
میگردد و از طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که شربت آبی بکافی بدهد در جائیکه آب بهر سه حق تعالی بهر شربتی هفتاد
هزار حسنه بآو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جایی که آب کمیاب باشد چنان باشد که ده
بنده از سر زندان اصحاب عیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد
برادر مؤمن خود را از برادر خود چنانست که صد هزار گرسنگی از او بگذرد و از طعام داده باشد و در حدیث
حسن دیگر فرمود که بسیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من
و غنایم کند باین سه فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پس بده

که مالدار یا پریشان را فرمود که مالدار هم گاه هست که خویشش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که یک لقمه که برادر مسلمان بخورد نزد من بهتر است نزد من انیک بنده آزاد گردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی مالدار سی را طعام دهد برابر است با یک بنده از فرزندان اسماعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مؤمن مستاجی را طعام بخورد برابر است با صد بنده از فرزندان اسماعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر کس یکی از آنها را بخورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب گرداند یا اگر سینه را سیر کند یا عرابی را پوشاند یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و آن حضرت رسول صلی علیه و آله وسلم منقول است که بهترین اعمال نزد حق تعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمان را ادا کردن یا غمی از او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن طعام داده میشود و در ترمیر و در آن فرزندش بخارد و بگوید یا آن حضرت علی بن حسین صلوات الله علیه منقول است که هر که جامه زیاده داشته باشد و داند که برادر خویش آن محتاج است و بادهد حق تعالی او را سزگون دستانش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بملائیکه فرماید که شمارا گواه میگيرم برین بنده که من او را اگر گرم و نا فرزانی من کرد و طاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود گذارستم و هرگز او را نیامرزم و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ایمان نیاید است بکسی که بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در خانه ساکن شود و او راضی نشود حق تعالی بملائیکه فرماید که بنده من بخل و در زیمه بر بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خود و گوشت بخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و آن حضرت رسول صلی علیه و آله وسلم منقول است که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهار صد آیه بر او بنویسد که بهر حرفی ده بنده بزرگ او بخوابد و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بیکت خاری که از راه مسلمانان برفت و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت

بگوید و فرمود که هر یک که بگوید یا اوست یا میسر و فرمود که و انکم گردانید
 هر یک را پس فرستادن نظر فحاشی بدید و فرمود که هر یک بر سه قسم است بدید که در برابرش
 توقع نفسی داشته باشی و هر یک که بعنوان رشوت فرستی و بدید که از برای خدا فرستی و غرض
 دنیوی نداشته باشی فصل هشتم در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا
 و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرائی
 مؤمنان چهل سال پیش از تو نگران ایشان بهشت متعم می شوند پس فرمود که مثل بیستم مثل
 فقیر و غنی دو کشتی است که بهشت را بگذراند کشتی حاکم از دور و نه میگذرد و نگاه نمیدارد کشتی پرازیار از برای
 حساب نگاه میدارد و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده می شود و تنگی روزیش بیشتر شود
 و فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان احراج و مبالغه در دعائی طلب روز میگردند هر یک
 ایشان را بهائی تنگسترا از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقولست که فقر و درویشی انانی است از خدا نذر خلقش پس هر که ترا بپنهان دارد و خفتن
 او را مثل ثواب کسی به هر که روز بار و زه باشد و شبها نماز استاده باشد و هر که آنرا اهل
 کند پیش کسی که قادر باشد بر آوردن حاجت او و نکند بختی که آن فقیر را کشته است
 بیشتر و نیزه بلکه آنجا بر احتی که در عمل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که حق تعالی در روز قیامت خطاب فرماید با فقرائی مؤمنان مانند کسی که معذرت
 طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شمار او در دنیا فقیر نگردانیده ام برای
 خواری شما نزد من و امروز خود میباید که با شما چه خواهیم کرد و هر که در دنیا با شما نیکی کرده
 است و شش را بگیرد و داخل بهشت کند پس یکی از ایشان گوید که پروردگار اهل دنیا را
 بخشوده و خواستند و جامه های نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانه های نیکو بکن
 کردند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس مردی به نام مثل آنها عطا فرمود حق تعالی فرماید که هر یک از شما
 و اعم مثل بنفاد برابر آنچه بحیث اهل دنیا داده ام از اهل دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود
 که مردی الداری که جامه های پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 آمد و گفت پس مرد پرتیانی که جامه های پیر کین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست

آن مالدار جامه خود را از زیران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که آیا ترسیدی که از فقرا و چیزی تو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از تو بگری تو چیزی
با و برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامه ایت پر کین شود گفت نه فرمود که چسبید و چنین
کردی گفت یا رسول الله مرا منتهین بهیست از نفس شیطان که هر بی را برای من
زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من میکند و من تنها یک آنچه کردم نصف مال خود را
با دمی ششم حضرت برادریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه تو نگر گفت که چرت بول
نیکمی گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بشخص پشانی
فرمود که آیا باز از میروی و میوه یا و چیزی با من میگیری منی که قادر بر رسیدن آنها نباشی گفت
بلای من فرمود که بجز چسبیدن به بینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی شش برائی تو نوشته
می شود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که در روز قیامت گرد می از مردم بر سیر
و بیایند تا در بهشت پس ملائکه ایشان گویند که شما کیستید گویند فقیرانیم ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بمانداده اید که ما را بدان حساب
کنند حق تعالی فرماید که رست میگویند بروند به بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حق تعالی میفرماید که من بسیار تو نگر نکردم بر آنکه ایشان گرامی بودند بر ما
و فقیران را بی چیز نگردانم برای خواری ایشان نزد من ولیکن تو نگر از امتحان کردم و بفقیران
و اگر فقیران نسیب بودند تو نگران هرگز نسیب بهشت نمی شدند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مؤمنی را برای پشانی او حق تعالی او را در حضور
خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هتیا می جنگ است
تسبی که آزار کند بنده مؤمن مرا و باید که این نباشد از غضب من و یک گرامی دارد بنده مؤمن
مرا و اگر از میان شرق تا مغرب نباشد مگر یک مؤمن پاک امام عادل هر چند بعبادت ایشان
استغنی شوم از جمیع آنچه خلق کردم در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت زمین ایشان بر آید
و بگو و انم از برای ایشان از ایمان ایشان مولی که محتاج بمونس دیگر نباشند و در احادیث
معتبره بسیار منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا خوار گرداند چنان

کہ بر روی من بجای سیستان است و من بسیار نزد یار می جنگم و دوستان خود را و آن
 حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ دلیل ترین مردم کسی است کہ مردم را
 خواهد کند و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر کہ مؤمنی را دلیل کند خدا او را دلیل کند و تفسیر بود کہ مؤمن
 مؤمن را از شکست و خیال و قدرت خود آفریدہ است پس کسی کہ برو طعن کند یا سخن او را
 رد کند بر خدا رد کردہ است و آن حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ وآلہ منقولست
 کہ حقیر شمار خلیفہ یگانہ برادران خود کہ ہر کہ مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با مؤمن و بہشت
 جمع کند مگر آنکہ توبہ کند و آن حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ بسیار
 شوریدہ مولی گرد آلودہ کہ بد و جاسہ کنند پوشیدہ باشد اگر بر خدا قسم دہد قیامت بر او
 و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ کسی کہ با مردم استہزا کند در محبت ایشان طبع بہشت
 باشد و تفسیر مرد کہ حقیر شمارید مؤمنیست را کہ ہر کہ حقیر شمارد مؤمن سیر را یا استخفاف او کند
 خدا او حقیر شمارد و پیوستہ با او و غضب باشد تا توبہ کند و آن حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ
 علیہ وآلہ منقولست کہ عقل نیست مسلمانی کہ مسلمانی را برساند و آن حضرت صادق علیہ السلام
 منقولست کہ ہر کہ اعانت کند بر آن از دوستی بہیم کلمہ در روز قیامت در میان دشمن
 نوشته باشد کہ ما امیہ است از رحمت الہی و آن حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
 منقولست کہ ہر کہ گرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک کلمہ از روی لطف یا حاجت او را
 بر آورد و یا غمی از دہر دارد و پیوستہ رحمت الہی سیر او سایہ انداختہ باشد تا در کار سازی و
 صحرایی برادر مؤمن پیشہ فرستد مود کہ مؤمن را برائی این مؤمن بیگویند کہ مردم در جان و مال
 خود از و این اند و سلمان کسی است کہ مردمان از دست و زبان سالم باشند و مہاجر کسی است
 کہ از گناہان سبقت کند و ہر کہ مؤمنی را دشمنی یزد کہ او را بآن سبب دلیل کند یا با پنچہ برود
 او نزد یا چیز کی کہ خواہد پیوستہ با او و بلائیکہ پیوستہ او رحمت کند تا او را راضی کند
 و توبہ کند پس از عمار کہ تعجیل کند در آن از مردم کہ شاید او مؤمن باشد شما ندانید و صبر
 دوستی در ہر امر کی پیوستہ کہ پیچ چیز نزد خدا بہتر از نرمی و استغنی است و در حدیث دیگر فرمود
 کہ ہر کہ با پنچہ بر روی مسلمانی بر نزد حق تعالی قیامت استخوانہایش را از ہم بپاشد و دست

و اگر در آن غل کرده مشغور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود
 نه و شمام وادن نخوس گناه بزرگست و با او جنگاگر کردن بر است و نصیبت او
 آوردن بهرمانی نداد است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
 هر که بر سر آیه مؤمنی را بصاحب حکمی که آزاری با او برساند و نرساند او را آتش است و اگر ترسان
 و آزار با او برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بکش کسی که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را
 نه قصد زدن او نداشته باشد ملعون است لعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که حق آنجا و ند
 که جانم در قصه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند گشتن مؤمنی بآزار
 شوند بکشته شدن او همه را داخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت
 اوست که هیچکس را با حق تا زیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل آن تا زیانه را بخورد و فرمود
 نه هر که نظری کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن ترساند خدا او را ترساند و روزی که بحسد او پناه
 نیاشد و او را بصورت مشهور چه مشهور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
 که لعنتی که از دکان شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش را می یابد و آنجا قرار میگیرد و اگر نه
 بگویند هوش بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعمی کند بر سر مؤمنی بمیرد بدترین
 سزوها و سزاوارست که عاقبتش بخسید نباشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بان حضرت
 عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدین او نیاید و او در خانه باشد پس
 رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانی که بدین
 مسلمانی بیاید یا بی کار می بیاید و او در خانه باشد و او رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته
 و لعنت خدا باشد تا بیکه دیگر ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
 هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که با او نتواند رسید حقیقتا لی میان او و پشت در
 قیامت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری
 تا حصاری دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
 که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مؤمنان بودند پس به نفر از ایشان در خانه مجتمع بودند پس

گفتگوی چهارم آمد بدین خانه و در روز غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو کجاست گفت
 در خانه نیست آن شخص گریست و غلام رفت و بولائی خود گفت که فلان شخص آمد و من با او
 چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را ملالت نکرد که چرا چنین گفتمی باز
 برگشتن آن مرد آنروزه نشدند هیچکس از ایشان و مشغول سخن خود شدند و روز دیگر آمد و با ما
 بنزد ایشان آمد و دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بزرگوار خود میر و نیر ایشان سلام کرد
 و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را از تو خواستند زیرا که آن مرد و پیر ایشان و
 محتاج بود در آشنائی راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون
 ابر مجاذبی سر ایشان شد منادی از میان ابرها کرد که ای پسر ایشان را بگیر و منم جبرئیل رسول
 از جانب خدا پس ناگاه آتشی آمد و آن سه نفر را در آتش فرو برد و محتاج نرسان و حیران و متحجب ماند
 پیش هر گشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا
 بر ایشان غضب کرد و بعد از آنکه ایشان را ضعیف بود بسبب آنچه نسبت به تو عمل آوردند و آن قصه را
 برای او نقل فرمود آن مرد گفت من ایشان را حلال کردم و در گذشته از کرده ایشان یوشع گفت
 نه اگر پیش از آمدن خدا بسبب یوشع میکرد اما بحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را
 نفع دهد حلال کردن تو در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که بیک
 نگردد برادر مؤمن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حاضر نشود احدی از شما در کسی که حاکم ظالمی
 سیر از دنیا کند یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن مؤمن و واجب است
 هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی از یحسان را
 در سبزه نشاند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی تو میزنیم گفت طاقت ندارم
 پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا اینکه یک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند
 چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی
 بیوضو نماز کردی و بر ضعیفی گزشتی که بر تو ظلم می شد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب
 خدا بر تو زدند که قبرش را از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کس اند که حق تعالی در قیامت

نظر حرمت بسوی ایشان می افکند شخصی کسیکه چیزی او خریده باشد و پشیمان شود و پسر و صد
 و او تسبیل کند و کسیکه بفریاد مضطرب برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسیکه غری را که خدا کند و آن
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کسی که بپسندد برادر مؤمن خود برسد که او را
 از ورطه یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب
 ده بنده آزاد کردن با و گریست فرماید و ده عذاب را از او بردارد و ده شفاعت برای او
 در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام عسکری علیه السلام منقولست که هر که پسندد بیچاره
 را در راهی که چهارپایان فدا شده است و گنجی برآید او نبرد پسندد برآید او برسد و او را بر چهار
 پایی خود سوار کند و بارش را بردارد و حق تعالی با و خطاب نماید که خود را بشقت انداختی و نهایت
 سعی کردی در رسیدن برادر مؤمن خود برای تو موکل سازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد
 از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد که آسان باشد برو
 برداشتن آسمانها و رسیدن به آسمانها کنند برای تو در بهشت قصرها و خانه ها و بلند کنند برای تو
 درجه ها و چون در بهشت رآی از پادشاهان بهشت باشی و یک دفعه کند از مظلومی ضرر ظالمی را
 که خواهد ضرر دیدن او یا مال او برساند حق تعالی خلق کند بعد از او گنجتهای او و بعد از هر حرکتی
 از حرکات او و رنگی از رنگهای او صد هزار ملک که دفع کنند از او شیاطین را که قصد میکنند
 که او را کمر بکنند و بازائی بر ضرر قلیله که از او دفع کرده باشد صد هزار از خدمتگاران بهشت
 و صد هزار از حوریان با و عطا فرمایند که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر
 آن دفع کردن ضرر است از مال و بدن برادر مؤمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول
 است که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای شرف خدا و او را ایمن گرداند از ترس
 روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن پیش سفید قوسه نمود که ازمانیست هر که
 خردان را از چشم نکند و پیران را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند برای خود
 حاجتی از حاجات دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا بر آورد و حق تعالی
 او را بیزاری و سدا از اتفاق و از آتش جهنم و مقادیر حاجت از حاجات دنیائی او را بر آورد و همیشه
 در رحمت الهی باشد تا بر گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بر کسی سبب را سازد این

بی آنکه دستنگ شوی تصدیق است آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول
 است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هر که قایم کوری شود چهل گام
 بر زمین بپزد و قایم کند بگذر سوزنی از آن اگر تمام زمین را بپزد از طلا و اگر بر سرش
 بپزد بپزد و او را از آن نجات دهد و بگذارد او را و در ترازی حسناش کثاده ترازی بیاید صد
 هزار مرتبه و بر همه گناهایش زیادتی کند و همه را بخوندد و او را با اعلانی سه خدای بهشت برساند و از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که بسیار نظر کنی بسوی اصحاب بلا و آنها
 که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریز
 چنانچه از شیر بگریزد و با او سخن گویند مگر آنکه بقدر یک ذراع از او در شهید و از حضرت
 صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را ببینی از خدا عافیت بطلبید و از مرض
 ایشان خافل شوید که مباد ایشا ملیت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
 که هیچ کس اندک بهمه حال از ایشان جتناب مباد کرد کسی که خوره داشته باشد و پیش و دیو
 و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنی با بل و بلا و از ایشان
 مروید و چون ایشان بگریزند بگریزید که شمارسد آنچه ایشان سیده است و در حدیث
 موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون سیراب بینی که بلایی مبتلاست
 بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق آیهست
 بگو که او نشود و در حدیث حسن از حضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سیراب
 آیهست بگو که او نشود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق آیهست
 هرگز بلا با و نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مبتلا
 را ببیند و ایند عاجز باشد هرگز آن مبتلا نشود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به
 و فضلنی علیک یا العافیة اللهم عافنی مما ابتلیت به و در روایت دیگر فرمود که این عاجز
 اللهم عافنی لا آمئرو ولا فخر و لکن الحمد لك على عظیم نعمائک علی و از حضرت رسول صلی
 علیه و آله وسلم منقولست که چون محاب بلا را ببینی حمد کنی و با ایشان شنواید که عفت
 اند و ایشان میشود فصل نهم در رعایت حقوق مومنان و بیست ایشان در حدیث معتبر منقولست

که شخصی حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مستبدع میداند
 حضرت فرمود که حق پنجمش این است که او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت
 نکردی که چنانکه من نمیدانم از دین رسائیدی همه را مرگ پیش است و محشور خواهد شد
 و وعده همه قیامت است و خدا میماند ما حکم خواهد کرد و زنها را که غیبت کن که ما نخورش سبکان
 بهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که ایمان
 بخدا و رسول و اندیشند در مجلسی که به امامی دشنام دهند یا غیبت مسلمانان کنند و در حدیث
 دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانان را ثواب نوزده و وضویش طهر میشود و در روز قیامت
 از دلیلی آید که تر از بوی مراد که اهل محشر همه در آزاره باشند و اگر پیش از تو بپیر و حلال کرده
 باشد چنانکه خدا حرام کرده است و هر که احسان کند یا برادر مؤمن در مجلسی غیبت او
 کنند و بگذارد که او غیبت کند حق تعالی از انواع پدران دنیا و آخرت از او دور کند و اگر در کنگره و قد
 بر رویست او شسته باشد مثل گناه آن غیبت کنند و به خدا و برادرش باشد و از حضرت
 صادق علیه السلام منقولست که هر که ابدیده خود بر بی گناهی کند و دو گواه عادل بر او گواهی
 دهند که گناهی کرده است او را اهل عدالت است و گواهی پیش میروند است هر چند در واقع
 گناهکار باشد و هر که غیبت کند او را گناهی که درو باشد او از دوستی و یاری خدا بیرون است
 و در دوستی و یاری شیطان داخل است و تحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرش از رسول خدا صلی الله
 علیه و آله وسلم که هر که غیبت کند مؤمنی را چیزی که درو باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع
 نیندازد و هر که غیبت کند مؤمنی را چیزی که درو نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت
 کنند و در بهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده
 و گوشش شنیده باشد از آنجا خواهد بود که حق تعالی چنانکه بپرسد که بپرسد که آنانکه میخوانند که
 شایع شود گناهمان بد در مؤمنان برای ایشان است عذاب در دوزخ و دنیا و آخرت و در حدیث دیگر
 فرمود که غیبت آنست که در برابر مؤمن بگویی عیبی و گناهی را که علیه او پوشانیده است و بهتان آنست
 که در چیزی بگویی که درو نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود یا یکی از
 دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نقطه او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود

که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز برای او لازم میشود کسی که چون سخن گوید دروغ نگوید
و چون با مردم خلط کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوجه خود وفا کند و واجب است که
صلوات او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و نصیبت او بر ایشان
حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که نصیبت بدتر است از زنا زیرا که زنا کار تو به میکند و خدا تو پیش را قبول نمیکند و غیبت کشنده
تو به پیش منقبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که برادران خود را یا دشمنان هرگاه غائب باشند از شما بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غائبانه یابند
و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پیر و انکند او را حرمت نیست و غیبت
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی اندک که ایشان را حرمتی نیست
کسی که صاحب بیعت باشد و امام و پیشوای ظلم کنند و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که رو کند خضره بی روی را که در عرض برادر مسلمانان گویند برای او
بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد
اغویبت کشند برادر مؤمنش را پس او را نصرت و یاری کند خدا تعالی او را در دنیا و آخرت
و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب بکند و نکند خدا هست کند
او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسین علیه السلام منقولست که هر که حاضر باشد
در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض برادران مؤمن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او
رو کند بر آن ظالم عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حقیقتاً بگیرد و ملائکه را جمع میشوند نزد بیت
المعصومین و آنجا نصف ملائکه آسمانها آیند و ملائکه کرسی و شمشیر را و ایشان نصف ملائکه حجاب اند
که ایشان همه نزد خدا و را مدح و ستایش میکنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلند می زنند
و در سوال کنند پس حقیقتاً فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعد و هر یک از شما که مدح او می کنید
مثل صد و بیست و شش و قصر او یا غنای او یا پست و تنهایی او و درختان از آنچه خواهیم که عقل مخلوق
بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس نقلی کند در مذمت
مؤمنی برای آنکه عیب او را بگوید و مردم را از دیدن او بدیناورد

خدا اورا از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث معتبره منقولست که هر که دور و دور زبان داشته باشد که در حضور مردم هیچ ایشان کند و در غایت غیبت ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود و زبان از آتش داشته باشد یکی پیش رو و دیگری پشت سر و در محشر نکند که این بود که در دنیا دور و دور زبان داشت و در برادریست دیگر منقولست که محمد بن فضیل بن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از دین میبرد که خوشم نمی آید پس از سوال میکنم و او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه چنین سب را بمن نقل کرده اند آنحضرت فرمود که چشم و گوش خود را نکذیب کن در حق برادر مؤمن خود اگر بخانه کسی شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و آنها را نکذیب کن و برای او چیزی را فاش نکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان است که آن گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را بخیر رسوا کند از دنیا برود و آنرا خود نکند و از حضرت علی بن حسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگویی در عرض مسلمانان نگاه دارد خدا یتعاسل گناهایش را در قیامت بیاورد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که بهستانی بگوید برادر مؤمن یا دین مؤمنی بخیری که در دنیا باشد خدا یتعالی او را در میان چوک فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوشد نگاه دارد تا آنکه از عهده گفته خود بر آید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که بر کسی چیزی بگوید که مردم آنرا دانند نصیبت نیست و در حدیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اظهار شامت و شباهتی مکن در بلایی که برادر مؤمن تو نازل شود که خدا یتعالی او را بر هم میکند و از دفع میکند و بر تو میفرستد آن بلایا و فرمود که هر که شامت کند بر سببت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا آن سبب را نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیک ترین احوال بنده بجنس آن است که کسی با مؤمنی برادر می کند و غش و شرها و گناهایش را در خاطر نگاه دارد که یک روز آنرا با آنها سرزنش کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید و ایمان ببل شما نرسیده است نزد من مسلمان نیستید و تفحص بجهنم ایشان کنید که هر

انحصار عیبی مردم کند خدا و او را سوا کند اگر چه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت امام
 امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که سرشش مومنی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرشش کند
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین دروغها گمان بد مردم بودن
 است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که شهم سازد برادر مومنش را ایمان
 در دلش گذاشته می شود چنانچه یک در میان آب گذاخته میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شمارا از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله
 فرمود که آنها که در میان مردم بجن چینی راه میروند و در میان دوستان جدائی می اندازند و از
 برای بی سبب بچیند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بجن
 چینیان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دو شخص از رنگی از چشم جدا
 نمی شوند مگر آنکه یکی مستحق پزایی و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت
 که اگر یکی مظلوم باشد چه مستحق لعنت شود و دیگر آنکه چنانمی آید بنزد آن دیگری که او را بدارد
 بصله و احسان و از بی او درگذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
 که از رنگی و جدائی زیاده از سه روز نمی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
 که پیوسته شیطان در سر و شادی است تا دو مسلمان از یک دیگر آزرده اند و دور می کنند
 و چون با هم ملاقات کنند از انوائش برسم بخورد و بندایش جدائی شود و فریاد می کند که اولیا
 چه بلا بود که بر سر آورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر دو مسلمان که از
 هم دور می کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی
 بر طرف می شود و پس هر یک که زود تر با دیگری سخن بگوید در قیامت زود تر بهشت خواهد رفت
 فصل دهم در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان پسندیدم از حضرت امام موسی
 کاظم علیه السلام منقولست که شیعیه میان خود فرمود که ای گروه شیعیه گردنهای خود را دلیل کنید
 بر که اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خطا بپسید که او را از شما باقی دارد و اگر ظالم
 است هیچ را باشد از خطا بپسید که او را با صلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست
 و پادشاه عادل بهتر از پادشاه ستمگر است از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و اگر پادشاه ستمگر

آنچه از برای خود میخواهند و بسند منبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خدا رحمت
 کند کسی که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن با خود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
 که هر که متعرض پادشاه ظالمی بشود و از او اناری بیاید خدا و را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را بکوبد
 کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او
 شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حضرتعالی فرماید **لَا تَكُونُوا إِلَى الَّذِينَ
 ظَلَمُوا أَقْنَمَتِ كُفْرًا** یعنی بل میل کنید بسوی آنها که ظلم می کنند پس سب کنید شمارا آتش و
 فرمود که هر که رهنمایی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با امان و زینب عیون باشد و هر که از جانب ظالمی خصوصت
 کند یا یاری آن نماید در آن خصوصت چون ملک موت بنزد او آید بگوید شارت باد ترا بمحضت خدا
 و آتش جهنم و هر که از زیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جا بری استحقاق تعالی آن تازیانه را
 در قیامت از دوشی گرداند از تمش که درازی آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند آنرا بر او و بر تمام
 دوشی فرمود از حاضر شدن بر میزده فاسقان و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فدوت فوت
 وصیت فرمود بجهت امام حسن که دوست دار صالحان را برای اصلاح ایشان و مدارا کن بظاهر و با فاسقان
 و در دل دشمن ایشان باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دوست دارد و بدو
 طالت از دوست داشته است که خدا تعالی را معصیت کند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت
 کند با خدا تعالی دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی علی بن سینا و علیه السلام
 بانی اسرائیل میگفت که یار کسی سید ظالم را بخلش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و فراق را در دل میرد و باند چنانچه
 آب درخت را میرد و باند شنیدن ساز با و خوانندگیها و خوش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی
 شکار رفتن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نکا بهارید و حفظ کنید دین خود را
 به پیروی گاری از محرمات و فوت و هیه دین خود را به تقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخواه از
 طلب کردن حاجت از پادشاهان و بدانید که هر مومنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب ملکی یا کسی
 متعالفا و باشد در ویش از برای طلب آن دنیائی که در دست اوست خدا او را گم نام کند و دشمن
 دارد و او را بکوبد و بگذارد اگر چیزی از دنیا بپوشش بیاید خدا برکت را از آن بردارد و او را ثواب ندهد

اگر چه چنگیز گنجه را بپایند آنکه کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که چون روز قیامت شود منادی از جانب خدا تعالی ندا کند که کجایید ظالمان و
مردگار ان ایشان و آنکه دو است ایشانرا اینکه گنجه نشسته اند یا سر کسبه بر ایشان بسته اند یا مد ظلمی ایشان
داده اند آنها را هم با ظالمان محکومستید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده پادشاهی نزدیک
نمی شود مگر آنکه از خدا دور شود و هیچ بنده مالش نپاوه نمی شود مگر آنکه حسابش دشوار تر شود و هیچ بنده
اتباعش زیاد نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتری شوند و فرمود که زنهار از گنجه سید از در خانه
پادشاهان و آنها که پادشاهان سپیاشند که نزدیکترین شایانها دورترین شایانها از خدا و هر که
پادشاه را بر حق تعالی خستیار کند خدای هرگز گاری را از او بردارد و او را حیران کند و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مستطاف
بر او کسی که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را برانستم که میکشد تو را
نهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حق تعالی بیاو دشمنان
تا دست ازان یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه
ظالمی بود که حاجت نمونی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح
هر دو در یک روز مردند و مردم همگی حیرت منزه آن پادشاه جمع شدند و در بازار ایستادند و کردند
آن تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا که همای زمین و آسمان و در پس حضرت موسی بعد از آن
روز آن مرد صالح را با آن حال مشاهد فرمود و گفت پروردگار ازان دشمن تو بود که باغی بر او و اکرام
او را بر داشتند و این دوست است و باین حال مانده است حق تعالی دمی فرستاد و او که با موی
این دوست من ازان جبار حاجتی سوال کرد و او را آورد و او را مکافات دادم بر او آوردن حاجت
آن مؤمن و که همای زمین را بر روی این مستطاف گردانیدم برای سوالی که ازان جبار کرد و در حدیث
دیگر منقولست که سلیمان بیکر بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که میخیزد
و کارهایی که مردم مشکلمی شوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان
و یاری ایشان کردن و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عموما نظریه ای ایشان کردند گناه
بیره است و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر که در روز نوزد نگری و بزدانگی کند

برای تو گران اود و ثلث و بیش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که برود و بزرگوار شاه ظالمی و اوزار امر بر پرستگار می کند و بند نصیحت بگوید و او را
ثواب جن و انس بدهد باشد و از حدیث بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نوایندگان
بنی امیه با من بخدمت حضرت جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من جد دیوان بنی امیه کار
میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر زاین بود که مردم بر بنی امیه کتابت
می کنند و نسبت برائی ایشان جمع می کنند و از برائی ایشان جنگ می کنند و بنزد ایشان
حاضر میشوند هر سینه حق با را غصب نمیکردند لکن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر
بگویم خواهی کرد گفت میگویم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را می شناسی
پس ده و آنچه نمی شناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضمانت بهشت می دهم برای تو پس آن شخص
ساعتی هر دو پیش افکند پس گفت چنین میگویم علی بن حسن مرگفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را
داد حتی آنجا مهاباتی که پوشیده بود و او در میان خود مالی جمع کردیم و جاها را برگزیدیم و خرج
برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بپارشد چون من بدیش رفتم در حالت جان کندن بود
چشمم کشود و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بضامن خود وفا کرد این را گفت و مرد
پس او را دفن کردیم و در سال دیگر خدمت آنحضرت رفتم چون آنحضرت بر من ایستاد و فرمود که
والله که برائی رفیق تو وفا بضامن خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعیه
منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که میدانی خدایانی
که من بنزد این خلفا میگویم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسانی بشیعیان بده حقتالی میفرماید که حنات
گناهان بوسیلت رومی برود و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتر دار آمد بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوب است بغیر از آنکه شتر باری خود را به یاران
ریشخند گرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را با دگر گرایه نداده ام برائی کاری بکن
یا سکاری یا الهوی ولیکن از برائی راه مکه مضطربم با دگر گرایه داد و ام و من خود را با او میروم تو گران و
خدا مان خود را میفرستم فرمود که آیا میخواهی که اینقدر زنده باشی که گرایه ترا بدست بگفت بل
فرمود که هر که ریشخند گرایه از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل جهنم است و در

حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن قاسم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرمایید
 در باب رفتن نزد پادشاه فرمود که خوب نیندازم برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و ملازم
 ابن سیم لیسر و لیدر نزد حضرت فرمود که رفتن نزد پادشاه و حکام باعث سیه چهری میشود اول
 محبت دنیا و دوم فراموشی مرگ سوم راضی نبودن با آنچه خدا ترا روزی کرده است گفت
 یا ابن رسول الله من مرد و عیال دارم و تجارت میروم با نجا برای منفعت حضرت تجویز آن فرمود
 و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او
 کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله و سلم منقولست که
 دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان موجب
 فساد جمیع امت فقیهان و پادشاهان و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود امید
 نجات دارم برای کسی که اعتقاد با امت داشته باشد ازین است مگر کسی که صاحب نیکی
 آن ظلم کند بر عریت خود و کشیک درین بخت کند و کسی که علانیه حق کند و فرمود که کسی که
 بایشان منازعت کند دلیل و بمقداری شود پادشاه و شمشیر خواهد و از حضرت رسول صلی
 علیه و آله و سلم منقولست که یوفاتر و کم دوست تر از هر کسی پادشاهانند و حدیث حسن از
 آن حضرت منقولست که هر که حکومت اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بکشاید و پرده بردارد
 که هر کس را بدو شسته باشد و باحوال همه مردم برسد بر خدا لازم است که ترسان او را در قیامت
 باینی مبتل گرداند و او را داخل بهشت گرداند و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر عینی خواهد
 پادشاه هر بان برایشان مسلط کرد و اگر داند و برای او وزیر عادل میگرداند و بسند معتبر از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خداوند عالمیان فریاد میکند که منم پروردگاری که
 بجز من خدائی نیست آفریده ام پادشاهان را و دلپایان ایشان برست من است پس سرگروی که
 اطاعت میکنند دلپایان پادشاهان را برایشان رحمت میگردانم و هر گرهی که حصیت من میکنند
 دلپایان پادشاهان را برایشان غضب میگردانم پس مشغول گردانید خود را بر دشنام دادن پادشاهان و
 تو گنید یسوی من تا دلپایان ایشان را بر شما عزیزان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی
 بهشت را خلق نمود فرمود که به بزرگوار می خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکم کسی را که همیشه شراب

خورد و سخن چسبناز او و بیوث را و چون کیان ظالمان را شوکافند گان سپهر را و تمنای چنان را
 که عثور از مردم میگیرند و قطع کنند و رحم را و کسیکه بجز قابل باشد و در حدیث دیگر فرمود
 که هر که بناحق سر کرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یا بدحق تعالی او را در کنار جنم بازمانی هر روز
 هزار سال بدارد و چون عثور شود و دستهای او گردن نشسته باشد پس اگر باز خدا و یا ایشان عمل کرده باشد
 خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را به جنم اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 منقولست که هر که زالی سلطان شود و ایشان را ضائع گذارد و باحوال ایشان نه پرواز خدا او را
 ضائع بگذارد و در حقیقت خود را از و باز گیرد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول
 است که هر والی که مردم را متنوع سازد از آنکه کارهای خود را با و عرض کند حقیقتی در قیامت
 حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی بر سر میگیرد چنان است که غنیمت و زوی کرده است
 که بقیه و زدیهاست و اگر شربت گیرد چنان است که بخاشرک آورده باشد و در حدیث معتبر
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقیقتی و حق میسر شود بگویند پسران پسران
 که در مملکت پادشاه جباری بود که بر و بان پادشاه بگوید که من ترا پادشاه نموده ام که خون مردم را
 بریزی و با الهامی ایشان را بگیرد پس این ترا پادشاه کرده ام که خدا الهامی مظلومان را از من بازگیری
 برستیک من ترک باز خواست تنهایی که بر ایشان میشود نیکنم هر چند کافر باشند و از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جنم کوهی است که آنرا صعد میگویند و در آن گوه
 وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی است که آنرا سبب میگویند هرگاه که پرده
 آن چاه را بر میدارند اهل جنم از گرمی آن بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در
 روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا
 در در خانه پادشاهان جماعتی است که خدا وین خود را با ایشان عطا فرموده است و ایشان را استیلا
 بر شهر داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضربا و ستمها را دفع کند و برکت ایشان
 صلاح آورد و انبیا و سلامان را از مؤمنان در حالهایی بد ایشان پناه میبرند و محتاجان شیعیان با
 ایشان متصل میشوند و با ایشان خدای رسن مؤمنان را با منی مبدل میکند و در مملکت ظالمان
 ایشان مؤمنان بحق و سستی و ایشانند ایشان خدا و زمین و نور ایشان و دشنی میدهد اهل آنرا

چنانچه ستاره باروشنی میجستد این زمین را در قیامت نور ایشان بر محشره را روشن میکند
 و ایشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاد گردان نمونان از ایشان
 بار آورده در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی
 علیه و آله وسلم منقولست که هر که بر سائید پادشاهی حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را با و
 رسانیدن حقیقی باایش را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقولست
 که صبری عرض نمود که من خدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که شخصی هست که شهادت
 او قافست و حلال میداند تصرف آنها را ولی پروا میگرد و و صرف میکند و من گاهی در راه او
 دارم و شوم و اگر طعام او را بخورم با من عبادت میکند و گاهی بدیده هم بر آید من میفرستد حضرت
 در جواب نوشتند که اگر آن مرد مالی و معاشی نیز از آنچه در دست اوست از وقف و اطعامش
 بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی دیگر ندارد و طعامش را بخور و مالش را قبول کن
 و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه دعا است که از درگاه خدا روئی نشود
 دعائی بد بر اخی سر زند نیکو کار و نفرین او بر سر زند بدکار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعائی به
 مظلوم بر کسی سب که انتقام از ظالم بر او بکنند و دعائی مؤمن بر اوست مؤمنی که از برائت
 دوستی الهیست او را به مال خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسی که اعانت او کند با قدرت
 و تمیاج آن مؤمن با و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حق تعالی
 میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم کند بر کسی یا در محببت من نماید
 و در حدیث دیگر منقولست که حقیقی میفرماید که من توبه نمیکنم دعای کسی را که مظلوم از
 کسی نزاد باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله وسلم منقولست که ظلم کنند و قیامت
 کنند او بر ظلم و کسی که راضی بآن ظلم باشد هر سه در گناه شریک اند و از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند حقیقی بر او انگیزد و کسی که مثل آن ظلم نسبت
 بآویافسزد ندان یا فرزند آن فرزند آن او بکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که حق مؤمنی را بر سر
 کند حقیقی در قیامت او را پانصد سال بر باد رود تا آنکه از عرقش رعد خانها جاری شود و عذاب
 نداد که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را سزایش کنند پس

بفرماید که او بیگانه بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهترین جهادها آنست که چون کسی صبح کند غلام کسی در خاطر داشته باشد فصل یا زده ام در آداب معاشرت با کافران و مخالفان در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شرکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برایشین چیزی بخرد یا چیزی بایشان بپارد یا دوستی بایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مسلمان را نباید که با کبر و یک کاسه چیزی بخورد و یا با او میخانه نشیند و یا با او مصاحبت کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر محتاج شوی طبعیت سبایاکی نیست که بر او سلام و اورد و عاکنی که دعائی تو نفی با و نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اینه آئین اهل کتاب را السلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگویند و در جواب ایشان و با ایشان مصافحه کنید و ایشان را بجنسیت نام ببرید مگر آنکه با آنها مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها مشورت خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری تنها آنجا مشورت خواهی شد و نور تو در قیامت پیش ویتو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پرسیدند که دعا برای جودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ لَعْنَةُ بَرَكَةِ دِهْ خُدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستش در دست تو برسد دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جودان و ترسایان گوسه ان مصافحه کنی دست را بنخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و شش و میان سسماه آنست که آن دست را بنخاک یا بدیوار مالیدن بصورتیست که دست مسلمان و ایشان هیچیکه تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با کبری مصافحه کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جود یا ترسایا کبری را ببیند بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَا قُتَابُ مُحَمَّدٍ نَبِيَّنا وَبَعَلِي اِمَامُنا وَبِالْمُؤْمِنِينَ اخوانا وَبِالْكَلْبَةِ قَبِيْلَةُ

خدا تعالی میان او و آن کافران و جہنم جمع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که تقیہ سپر ایمان است و ایمان ندارد کسی که تقیہ نمی کند فرمود که نه عشر دین تقیہ است و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آله منقول است که تقیہ در بلاد مخالفان کردن واجب است و کسی که از روی قسم بخورد از برای آنکه دفع ضرر از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیہ بیشتر کند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دین خود را حفظ کنی و پنهان داری تقیہ گردان از مخالفان بدستیکه شمار میان سنیان از بابت نگرش علیہ در میان پزندگان اگر مرغان بدانند که غسل و شکم آنها هست یکی را زنده نمیگذارد و اگر سنیان بدانند که محبت مادر سینه شما هست هر سینه را بر شما میگذارد و حضرت امام رضا علیه السلام است و القنار فرمود که کسی که تقیہ را ترک کند چنان است که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیہ در بلاد مخالفان و سنیان واجب است هرگاه بیم ضرری باشد بدانکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشان را ظاهر کنند و در تقیہ ایشان مطلع باشند و وضو و نماز و سایر عبادات را بطریق خود مخفی واقع نتوان خست و وضو و نماز و سایر عبادات را بطریق ایشان بجا آرند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف ضرر است و تقیہ لازم است و تقیہ در بلاد شیعوونی در امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم است مگر در خون که در آن تقیہ نیست باشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و گرنه ترا میکشیم باید که خود کشته شود و او را نکشد فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی انار موت می افتد شود اول کسیکه باید باحوال او و پدر و مادر و آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت و ریش دارد و در خود آن سفر او را نوشته میباید پس اهل چیزی که او را ضرر است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و زیادت از گذشته ها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته او در گذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد او را بخود و انگذار و پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و دیگران نگذارد که بعد از مردن بسیار از دستش بر رود و بحسرت در اموال خود نگرند و شیاطین چون دین و سوسه بکنند و او عیاد و از ثانیان او را مانع شوند که ذمه او را بر می سازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا که انقدر آنچه از اعمال شماست بخوابم

در مال خود یکم و از وشنوند و حشرت و ذامت سود بخشد پس بقدر ثلث مال خود از بر آید
خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه که مناسب احوال خود و اندوختن کند که زیاده از ثلث را
اختیار ندارد پس اگر از مردن برادران مؤمن خود بطلبد و هر که غایت کرده باشد یا امانتی یا
آزاری یا اورسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر
نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابرائی ذمه بخورند پس امور اطفال و عیال خود
بعد از توکل بر جناب مقدس یعنی بگذار دو وصی برادر اولاد و صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
مهیّا کند و از شهادتین و عقائد حق و ادکار و اعمید آیات آنچه در کتب مسوده مذکور است و این
رساله ذکر گنجایش آنها را در تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بفرماید که بنویسد و این
در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیّا نکرده باشد و اگر نه مؤمن میباید که همیشه
گفتن مهیّا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که
گفتن را بداند باشد در خانه اش و او را از غافلان نویسد و هرگاه که نظر ثلث آن کفن ثواب باید و باید که بعد از آن
در فکر زن و سرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بپا د او باشد و تفکر کند که این امور
فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی ندارد و انیسر و بدان که
چون توکل بر حق تعالی کند امور باز ماندگان او با حسن و جود صورت خواهد یافت و بدانکه اگر خود باقی
ماند بدون شیت الی لغی با ایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آنجا که
که ایشان را هم رسیده است از دایستان مهربان تر است و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد
و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت
ایمه معصومین علیه السلام امید و شسته باشد و مستقر قدم شریف ایشان باشد و بدانکه هر گاه در
آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را بشارت میدهند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت مرگ و شیت نیکو
فکند علامت نقصان عقل و مروت اوست گفتند که یا رسول الله چگونه نیکو شیت کند فرمود که
چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فَاطِمَةُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
تَالَمْ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنِّيْ أَعْقِدُ إِلَيْكَ إِنِّيْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

وَجَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ
 السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ
 حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنْ النِّعَمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالشَّرْبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ
 وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَحْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ
 كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَأَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ
 فِي دَارِ الدُّنْيَا إِنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا
 وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَلَنْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَتُحِبُّ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ حَقَّقْتَ عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي
 تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيَّتِي فِي نَجْمَتِي وَالْهَمِي وَالْهَمِي أَبَايَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكْسِلْنِي
 إِلَى النَّفْسِ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا أَوْ النَّسِ فِي قَبْرِ حَيٍّ وَخَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَكُونُ
 أَلْفَاكَ مَشْهُورًا بِرَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودَكَ أَيْنَ عَهْدٍ وَبَيَانِ مَيْتِ
 بِإِخْدَارِ رُزْمِي كَمَا يَخُودُ أَهْلَهُ وَصِيَّتْ كُنْزِي وَوَصِيَّتْ لَزْمِي وَوَاجِبِ اسْتِ
 مَامِ حَقِّ صَافِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ تَقُولَ أَيْنَ حَدِيثِ فَرَمُودَكَ تَصْدِيقِي أَيْنَ خُشْيِ دُرُودِ مَرِيَّتِي
 كَمَا حَقَّقْتَ لِي مِغْفَارِي لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا أَيْغِي دَرِيَامَتِي
 بِالْأَسْبَاقِ شَفَاعَتِي سَتَنْدُ مَكْرَتِي كَمَا كَرَفْتَهُ بَاشَدَ نَزْدِ رُودَكَ خَشْنَدَهُ عَمْدِي وَأَيْنَ أَنْ عَهْدَتِي
 وَحَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَضْرَتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَكَ أَيْنَ وَصِيَّتِي
 تَوِيَادُ كِيرِ وَبَيَادُ اسْمِيتِ خُودِ شُعِيَانِ خُودِ بَدَهْ چِنَا نَجْمِ جَبْرِئِيلِ تَعْلِيمِ مِنْ نُمُودِ الْكَرِيمِ خُودِ شَرِ
 دَرَسْتِ نَكْرُودَه بَاشَدَ جَمْعِي از مُؤْمِنَانِ رَا حَاضِرْ كُنْدِ وَبِرَ عَقْدَاتِ خُودِ اِشَارَ الْكَوَاهِ الْكَبِيرِ دِيَانِ خُودِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ
 وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ لِيَسْئَلَهُ بِمَا رَجَعَ
 كَمَا خَشِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسْتَمُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُ
 فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَانِ بْنِ بِلَانِ دِيَانِ خُودِ دِرْ خُودِ نَبِيْسِدَ أَشْهَدُهُ هُمْ وَأَسْتَوْدَعُهُمْ وَأَقْرَأَهُ

واعتقاد بوحانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امامت ائمه
مخصوصین صلوات الله علیهم اجمعین و سایر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات
کمالیه الهی و تشریفه خدا از تفانص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخواند و دعا بخواند
بر او بخواند و معنیش را اگر عجز کند بر او الفا کتند و پایش را بسوی قبله کنند و در آنوقت
حاضر و جنب نزد او نیایند که ملائکه از ایشان حضرت می کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد بر او
اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جان برود و آنها بیرون روند و در آنوقت
مقبور وارد شده است که اگر جان کند بر او دشوار شود و آنرا نیز نباید بجائی که همیشه باز میگرد
است یا بر روی جانمانی که بر او نماز میگرد است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست
شفا می یابد و اگر نه جاننش باستانی بیرون می آید و در حدیث مقبر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدند بر شخصی از فسر زندان عبد المطلب و او در حال اختضار بود
فرمودند که پائی او را بسوی قبله کنی تا ملائکه باور و آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زیحار در حالت استضار دست بر او گذارید
و اگر دست و پا زدنانش مشهود چنانچه جاهلان می کنند و زدا و قرآن بخوانید و یاد بخوانید
و صلوات بر رسول و آل و بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در اختضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار حال نشسته
بودند و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و نمی نمودند که دست بر او گذارید که او
درین حالت در نهایت ناتوانی است هر که دست بر او میگذارد چنان است که او کشته است
و در حدیث مقبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که لمقین سید مردگان
خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر سخنش گفته لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در
حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله لمقین ایشان بکشید که گناهان را در هم می شکنند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیایند
این کلمات فرج را لمقین کنند که او بگوید لا اله الا الله التحکیم الکبر لا اله الا
الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما

فِيهِمْ وَمَا يَكُنُّ قَرِيبَ الْعَوْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَدَر حدیث دیگر
منقولست که هرگز اهل خانه حضرت امیر المؤمنین مختصر میشد آن حضرت کلمات فرج الثقیین
ایشان می فرمودند که بخوانند چون بخوانند می فرمود که برو که دیگر بر تو پاکی هست و در حدیث
حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حالت جان کندن می فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا
او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که یکس
نیت مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را مکل میکرد و اندر او در وقت مردن که او را بشکستند
در دین خود با جانش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتواند او را بشکست و اذاعت
پس در آنحال ثقیین ایشان بکنند کلمات تسبیح و شهادتین و تسبیح ربانهم علیه السلام بکنند
تا او از سخن گفتن بازماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن تسبیح ربانها
ایم مخصوصین علیه السلام بکنند و تسبیح را اعتقاد کند آتش جهنم هیچ عضو او نمیرسد و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی را مرگ رسید حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیرون
بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از سوال کنم پس آن شخص
بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیزی می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم حضرت فرمود
که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سیاهی پس حضرت فرمود که بگو اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ
مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ پس آن شخص بهوش شد باز ملک الموت سرود
که دست از او بردار پس دوباره حضرت فرمود که چه چیزی می بینی گفت که سفیدی بسیار
سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت که سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند
پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که ایندهارا
بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نزد جوانی حاضر شدند
در وقت مردن و با او گفتند که بگو لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ زبانش نداشت بود و نتوانست گفت
حضرت پرسیدند از زنی که بر بالین او شسته بود که این مادر دارد گفت که من مادر او می فرمود
که از او خوشنودی یار او غضب نمائی گفت شش سال است که با او سخن نگفتم فرمود که از او راضی

پس حضرت با آن جوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش کشوده شده و گفت پس حضرت از د
 پر سینه که چه چیزی بینی گفت که مرد سیاهی ببرد و بد بوی جامه چرکین بپوشد و منم که نزدیک
 است و گفتمی هر اگر فته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل
 و یا الیسیر و اغف عنی الکثیر انک انت العفو و الرحیم چون آن جوان این دعا را خواند
 حضرت فرمود که چه چیزی بینی گفت که مرد سفید روی خوشبو خوش جامه بپوشد و منم که نزدیک
 من است و آن مرد سیاه می رود و فرمود که بار دیگر این دعا بخوان چون خواند فرمود که چه چیزی بینی
 گفت که آن سیاه را نمی بینم و سفید را می بینم که نزدیک من است این را گفت و فوت شد پس چون
 فوت شود سنت است که دیانش را بر هم گذارند و چانه اش را بپای بندند و پیش را بر هم سم گذارند
 و دستهایش را بر پهلویهایش بکشند و جامه بر رویش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و نود
 پر و از بندش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که برادران را
 خبر کنند بمردن او تا بجا نزاره او حاضر شوند و بر او نماز کنند و بر او استغفار کنند و میت
 ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
 که چون مؤمن را بقبور بگذارند تا کمی نهند او را که اهل عطائی که ترا وادیم پشت است و اقل
 عطائی که دادیم آنها را که بجا نزاره تو آمده بودند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول
 تخفیه که بمؤمن میدهند در قرآن است که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در
 حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کند حق تعالی او را قیامت بهشتی و پاک
 بر او بکار و که همراهی او کنند و استغفار بر او بکنند از قبر تا بموقف حساب و قسم فرمود که هر که
 یکطرف جنازه را بگیرد و میت و پنج گناه سیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد و اگر گناهان
 بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بهوش
 داشت خود بر دارد پس با پی دست میت را بدوش راست خود بر دارد پس با پی چپ میت را
 بدوش چپ بر دارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بر دارد پس چون خوابد که دیگر تربیع
 کند از پیش روی جنازه شود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بجا و دوش تربیع بجا آورد و بهتر
 آنست که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر حدیث آنست

که اگر جنازه مومن باشد پیش آن را نخستین خوب است و در جنازه خلاف نه سب پیش آن نباید
رفت زیرا که ملائکه او را استقبال می کنند و با جنازه سوار نخستین کرد است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که جنازه را پسیند و این دعا بخواند هیچ ملکی و گناهی
نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و الله اکبر و هذا اما وعدنا الله ورسوله وصدق الله
فیه قوله اللهم زدنا ایمانا وکلیما التحکم الذی تعزنا بالله نورا و قهر العباد بالموت و آت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بجز قومی که بر او در
صد هزار حسنه بر او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه بر او باشد شود
و اگر بر جنازه اش نماز کند حق تعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازه او نماز
کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار
ملک را حق تعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید و قیامت و
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و بگوید
او را از پهلوی پهلوی بگرداند و این دعا بخواند گناهایان یک ساله او آمرزیده شود مگر گناهایان کبیره
اللهم ان هکذا ابدن عبدک المؤمن وقد اخرجت روحه منه و فرقت بیننا
فغفوک عفوک و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل دهد و آنچه از عیسه با آن میت
بر او ظاهر شود کسی نقل نکند گناهایان او آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی
صلی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که میتی را غسل دهد و حی باو
رسید که او را از گناهایان می شویم مانند روزی که از مادر متولد شده و در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن
مکرر بگوید رب اغفرک عفوک خدا او را با مرز و در رفقه الرضا مذکور است که در توبه است
بر کشن باله این دعا بخواند اللهم انی استأثرت حب محمد و آله صلوات الله علیهم فی کل
فاستأثرتک فی سبیلک و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که قضا من پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برای مؤمنی قسبه چنان باشد که او را در خانه موافقی جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت

رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ ہر چار روز نماز کند ہفتاد ہزار ملک بر او نماز
 کنند و گناہان گذشتہ اش آمرزیدہ شود پس اگر ہر ای کند تا او را دفن کنند بھر قدمی کہ بردارد
 قیراطی از ثواب باو دہند کہ آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر مؤمنی کہ بر
 جنازہ نماز کند بہشت اورا واجب گرد و اگر گنہ منافق یا عاق پدر و مادر باشد و سبند معتبر
 از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ چون مؤمنی بمیرد بر جنازہ او پھل نهند از
 مؤمنان حاضر شوند و بگویند اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِثْلَهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِاَمْرٍ اَحْسَنِ
 خداوند ما از و بخیر از نیکی نمیدانیم و تو دانائی باحوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرستد
 کہ من شہادت شمار قبول کردم و آمرزیدم آن گناہانی را کہ من میدانم و شما نمیدانید و در بہشت
 معتبر دیگر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ اول چیزی کہ در عنوان نامہ مؤمن
 می نویسند بعد از مرگش آنچیز است کہ مردم در حق او بگویند اگر نیک بگویند نیک می نویسند
 و اگر بد بگویند بد می نویسند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست
 کہ چون میت را بقبر رسانی او را از پیش پای قبر داخل کن پس چون در قبرش گذاری آیہ الکرسی
 بخوان و بگو تَسْمِیَ اللّٰهُ وَبِاللّٰهِ وَفِی سَبِیْلِ اللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ
 وَآلِہٖ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْلَمُ فَتَعَرَّکَ فِی قَبْرِہِمْ وَاَحْمَدُہُ بِحَقِّہِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مُسْتَفْزِزًا
 فِی اَحْسَانِہٖ وَلَنْ یَّکَانَ مُسْتَفْزَا فَاغْفِرْ لَہٗ وَادْخِلْہُ مَوْجِہَا وَنَعْنَدُ وَاسْتَغْفِرُ اَبَیْہِ
 بسیار بگو و حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام چون میت را داخل قبر میکردند نمایند عاینہ خوانند
 اَللّٰهُمَّ جَاوِ الْاَكْثَرَ عَنْ جَنْبِیْہِ وَصَاعِلَ عَمَلِہٖ وَلَقَبِہٖ مِنْکَ وَضَوِّاْنَا وَدَرِّحِہٖ دِیْکَ
 فرمود کہ چون میت را بقبر گذارند باید کہ اولائی مردم باو نزدیک سرش باشد و امام خود
 برو و صلوات بر حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بفرستد و پناہ بردارد از شر شیطان
 و سورہ حمد و قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق و قل هو اللہ احد و آیہ الکرسی بخواند
 و اگر تواند رویش را بوسند کند و بر خاک بگذارد و در آنجا تلقین کند او بہ شہادتین و استسار
 ائمہ معصومین علیہم السلام و سایر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود کہ چون خاک بر
 بہشت بریزی بگو اِنَّمَا نَا بِکَ وَلَقَدْ یَقَابِبُتْکَ ہَذَا اَمَّا وَعَدَ اَللّٰهُ وَرَسُوْلُہٗ

اما آنکه بعد هر ذره از آن خاک حسینند و زانم آن نوشته شود و چون قبر را بکنند و مردم برگردند
 نزدیک ترین مردم با و نزدیک بر قبر نشینند و آواز بلند آورند و التفتین کنند که این تفتین باعث
 این میشود که منکر و کبیر از سوال بکنند و منت نخورند است که در نزد قبر بعد از دفن میت
 اهل اورا تعزیت بگویند و پیش از دفن میت نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که اندوید بکین را تعزیت بگوید و قیامت
 او را عجب پویشاند و مثل ثواب النصاب محبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود
 و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مردگان از زیارت بکنند
 که ایشان خبر میشوند بعد از رفتن شما و شادی شوند و بشما انس بگیرند و چون نزدیک قبر
 روید بگویند اللَّهُمَّ جَافِ الْكَرْخَ عَنْ جُؤَيْمٍ وَصَاحِبِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ وَكَفِّهِمْ
 مِنْكَ جُنُودًا وَاسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَخَلِّ تَمَّتْ وَلَوْ لَيْسَ بِهِ وَخَشَمْتُمْ
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برود و مؤمن
 خود برود و در و قبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند
 از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حق تعالی او را وسیله
 قبر ابراهیم و یسار و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی
 از شیعیان ایستاد و این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اِنْ عَذَّبْتَ غُرَبَاءَ وَصِلْ وَحَدَّ قَاهُ وَالنَّاسِ وَخَشَّاهُ
 وَامِنْ رَحْمَتِكَ وَاسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَفِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ وَالْحَقُّ
 بِمَنْ كَانَ يَسْتَفِي لَهُ و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی بخواند
 هفت مرتبه حق تعالی او را بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آنکس
 برای میت بنویسد و چون از قبرش مشور شود به روحی از اهل و آل قیامت که برسد حق تعالی
 بسبب آن ملک آن محل را از و دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است
 که نزد قبر مؤمنی سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیه
 الکرسی هر یک را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و باز ده مرتبه سوره قل هو الله احد

نخوند و ثوابش بمرگدان آن قبرستان پنج شد بعد از مرگدان اجر و ثواب باید دانست که چون این رساله محل
 ذکر احکام چهار فصل و کفن و نماز و دفن نبود قلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله ازین فوائده
 خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار مذکور است باب یازدهم در آداب مجالس از
 سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب شستن و بر ساجتن
 و صحبت داشتن و امثال اینها فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر
 منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم اصحاب خود را امر نمود بهیفت
 خصلت عیادت بیمار آن و شایعت جنازه مرگدان و قبول کردن گفته کسی که این کس را
 قسم دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بفرستادن سلام کردن و قبول
 ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در بیست و نه غرضه چند هست که از
 اندوختن بیرون سپارید و بیرونش اندرون سپارید کسی از امت من در آنها ساکن می شود
 که بر زبان نیکب با مردم سخن گوید و طعام ببرد بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب
 و روزه یکم مردم همه در خواب بپوشند پس سرود که افشای سلام آنست که بخل نورزد و سلام
 کردن بر احد از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جمله ثواب وضع و
 شکستگی آنست که با هر که بر خوری سلام کنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
 منقولست که هر که ابتدا کند سخن گفتن پیش از سلام جوابش بگوید کسیرا بطعام خود می بین
 پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجز ترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد
 و خبیث ترین مردم کسی است که سلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که نهد
 از مسلمانان بر خود و بر ایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن و زائنه علقش نوشته
 می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که جماعتی از مؤمنان
 سلام کند ملائکه در جواب سلام او میگویند سلام علیک و رحمة الله و بركاته ابتدا
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سلام کردن سنت است و
 جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون
 کسی سلام کند بنده سلام کند که بشنوند تا گوید که سلام کردم و جواب سلام من بگفتند

[illegible]

خوش طبعی ایشان و شام مادر است و کسی که نزد ایشان بیاید از انواع نعمت رها می کند و بر
 کسی که طنبور یا عود نوازند و قمری که مردم با او عمل و اطاعت کنند و کسی که در اثنای نماز باشد
 و کسی که سوز خورد و قافعی که حلایه فنی کند و پروا کند و در روایت دیگر واروده است
 که سلام کردن کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نبی واروده است از اسلام
 کردن کسی که شراب خورد و در نیست که اکثر اینها محمول باشد بر اینکه سلام کردن بر اینها ضلالت
 بسیار ندارد و یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان
 نباید کرد و بر آنکه اخبار بسیار واروده است که بر هر کسی سلام کردن خوب است و از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد و در آن مجلس
 آن مجلسین سلام کردن که اگر بعد از و حرف خیر می گویند و ثواب شریک ایشان خواهد بود
 و اگر حرف بدی گویند گناهش بر ایشان خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام منقولست که کوچک بزرگتر سلام میکند و کسی که گذرد و بر کسی که نشسته
 سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام می کنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره
 باید که بر پیاده سلام کند و سوار بر خر و اسب سلام کند و اسب سوار بر خر و سوار سلام کند
 و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی
 بگذرد یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزئست و اگر کسی بر جماعت سلام کند یکی از آنها که جدا
 بگوید از دیگران مجزئست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم بر زنان سلام کردند و ایشان جواب می گفتند و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر زنان
 پیرو سلام میکرد و گویا است که ایشان از سلام کردن بر زنان جوان و خمیسه نموندند که میسرسم
 خوشم آید و از او و گناه بر من داخل شود و زیاده از ثوابی که سلام کردن طلب میکنم و امثال اینها
 به این تعلیم دیگر آن خمیسه برزد و خود را امثال اینها محصوم و منزله بودند و از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام منقولست است که ابتدا گفتید اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس را
 سلام و چون ایشان سلام کنند بگویند علیکم السلام و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا
 نصرانی یا مجوسی را دیدید بر او سلام کنید و بگویند علیکم السلام و اگر آن مجوس یا نصرانی یا یهودی

نخست است که چون خواهند داخل خانه کسی شوند بشیر مست است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام
 کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام و چنین نیست و اگر
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که نخست طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول کسی شنود
 در مرتبه دوم حذر می کنند در مرتبه سوم اگر نخواهند رخصت میدهند و اگر نیکو خواهند ساکت
 میشوند که اگر گرد و دو و حقتالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانه ای خود تا استیذان
 نکند و سلام برایش نکشید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیذان کشش بر زمین بدست و
 سلام کردن است که ایشان خبر شوند فصل دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر گرفتن
 و معاافه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از امامی تجتبت و سلام کسی که در حجر باشد مصافحه کردن
 است و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردن است و در حدیث
 معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من بهم کهجاوه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم و من
 اول کهجاوه میرفتم پس آنحضرت کهجاوه میفرستند و چون هر دو در کهجاوه دست نمی شستیم حضرت
 بر من سلام میکردند و احوال از من میگرفتند مانند دو کس که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند
 و با من مصافحه میکردند و چون از کهجاوه می آمدم اول آنحضرت فرود می آمدند پس چون هر دو در
 زمین می نشستند از یکدیگر دست سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند دو کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند
 من گفتم که یا ابن رسول الله شما کار بسیار چند می کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین میکنند حضرت
 فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدستیکه دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات
 کنند مصافحه کنند پیوسته گناه ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حقتالی
 نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابو حمزه منقولست
 که گفت من کهجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون باره فرود آوردم حضرت
 اندک راهی رفته پس آمدند دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدایتو شوم چون ایشان
 بودند در کهجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مؤمن چون از کسی که کشتی بکند و بعد از آن دست
 بر او در مؤمن فرود آید و یا او مصافحه کند حقتالی از نظر رحمت بسوی ایشان میکند و در

رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گنایان میفیراید که فرمودند از ایشان تا آنکه چون
از یکدیگر جدا می شوند دیگر هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که در مصافحه آنست که دو دور دور درخت بنزد یکدیگر ایستاده و از آن
مصافحه سفت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که مرا در آنست که دو مؤمن که از
یکدیگر بگریزان شوند اگر چه بدخشی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس چون ملاقات کنند نباید
که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را در بر بر میدارد و او را بشویند بیشتر است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با کسی
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را می شست و در حدیث
دیگر فرمود که باید که مصافحه کنید که کینه را از آن سینه ها میرود و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر
است از مصافحه کردن با ظالم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول
است که چون با برادران مؤمن ملاقات نماید با ایشان مصافحه کنید و لباس است و خوشبو
نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و یا دشمن خود نیز
مصافحه کنید هر چند او نخواهد که حقیقی چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او میشود
و در حدیث دیگر از ائمه منقولست که گفت من در کوفه میبودم و شیعیان بسیار بزرگوار
من آمدند من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگوید که اینجا نیست پس
در آنسال حج رفتم و چون به خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آن حضرت را از خود متغیر رفتم
گفتم فدایتو شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است
از مؤمنان گفتم فدایتو شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست
میدارم حضرت فرمود که ای اسحاق ملان بهم رسان از بسیار آمدن برادر مؤمن بدیدن تو
که چون مؤمن با برادر مؤمن خود بر بخورد و با او مرجا میگوید خدا از برای او تاقیاست مرجا
میگوید پس چون با یکدیگر ملاقات نمایند مصافحه می کنند حقیقی بیان و دلایل
ایشان حدیث میفرستد که نود و نه تایی آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد
پس حقیقی روی رحمت را بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد

روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یک دیگر کنند رحمت ایشان فرسود
میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر ایستند و عرض نیوی نهشته باشند ایشان خطاب میرسد
که آمرزیده شدید عمل از سر بگیرد پس چون از یک دیگر احوال گیرند سخن گویند ملائکه با یکدیگر
گویند که دوزخ دید که ایشان بخوانند که با یکدیگر از می گویند و خدا بر ایشان پوشانیده است
اسحاق گفت که در چشم من میگویم ملائکه بنویسند حضرت ای بلند کشیدند و گریستند آنقدر
که آب دیده مبارک ایشان بر روی او نشاند و آن شد فرمودند که ای اسحاق حق تعالی ملائکه را
امر فرموده است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند خداوند ایشان در روز پنهان
و آنچه در سینه ایشان است نزد او آشکار است میدانند که چه میگویند پس ای اسحاق از خدا ترس
چنانچه گویا و ارامی بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند بگو
می شوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدای میکنی
پس او را نه که کسی بهتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شمار او مصافحه کردن مثل ثواب است
هست که در راه خدا جهاد می کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود و خواهر یا برادر
حق تعالی بجز گامی حسنه در نامه اعمالش بنویسد و گناهی را از او محو کند و درجه برای او بلند کنند
پس چون در خانه آن مؤمن را بگوید در بانی آسمان بر او کشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حق تعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند
پس حق تعالی ایشان با ملائکه مبارکات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن
یکدیگر فرستند و از برای رضائی من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را
عذاب نکنم پس چون برگردد در امتیاز است که کنند ملکی چند بعد از قضای او و گاه هفتاد و
و خشنه های او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر آنوقت و اگر درین میان
ببر و از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را بداند و این
ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شما بسیار از انوری و در میان

هست که بآن نور شمارا و در نیامی شناسند چون بیکدیگر بر خورید آن موضع نور را از پیشانی
 یکدیگر بپسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا
 صلی الله علیه و آله و سلم یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد و محکم است
 که مخصوص آن معصومین علیهم السلام باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علمای نیز باشد زیرا که
 تعظیم ایشان بزرگ آن می کنند که فرزندان آنحضرت یا حافظ علوم و مرقع دین آنحضرت اند و
 آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت
 امام موسی علیه السلام منقولست که کسی خویش خود را برای خوشی بوسد بر او چیزی نیست و برادر و برادر
 پهلوی را و ایشا را بوسند و امام را میان دو چشمش بوسند و از حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که دوازده بوسیدن نمیشاید مگر از برای آن فرزندان خود فصل سیوم در آداب
 نشستن مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که وصیت فرموده
 حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله که هر کس اندک که اگر خوار شوند ملامت نکنند
 مگر خود را کشیکه حاضر شود بر سر سفره که او را خوانده باشند و کشیکه حکم کند بر صاحب خانه و
 کشیکه طلب سیر کند از دشمنان خود و کشیکه توقع احسان کند از دشمنان و کشیکه خود
 را آورد و در راه که میان دو کس باشد بی خصمت ایشان و کشیکه استخفاف نماید پادشاه و کشیکه
 در مجالس درجا بنشیند که او را از آن نباشد و کشیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از
 حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کسی که مجموع این نه خصلت یا یکی
 از آنها در دنیا باشد و در صد مجلس نشیند احق است اول آنکه هر چه پرسند جواب تو انکفت
 دوم آنکه چون دیگران صحبت شوند او حق را بیان تواند کرد و سیوم آنکه در سخنانی برائی که صد
 ایش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست نمون
 که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که پا بگردن مردم گذاشتن و بالا رفتن جلالت
 سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از علامات
 تواضع و تسبیح آن است که آدمی راضی شود و مجلسیکه هست تر باشد از مجلسی که سزاوار است

و بجز که بر سر سلام کند و ترک مجاوله کند هر چند حق بالو باشد و بخواید که او را به پر ویر گارسی ستایش
 کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جائی بنشینند و دیگری در آنجا اگر کسی از آنها
 و در الطلبة و جا از برایش بکشد برود که آن کراتی است که نسبت با و کرده است بر او و من
 او اگر کسی بجا از برای او بکشد هر جا که کشاده تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
 چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه بغیر یا بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود
 را بهتر میداند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که زنها که بر سر راهبان بنشینند
 و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جاسه را اندان خود و در کند و آن حضرت
 امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بنشیندن در جای که مناسب شرف و
 بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا بر خیزد و آن حضرت صادق علیه السلام
 منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل مجلسی شدند بهر جا که بنگاه نزدیکتر
 بودی نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو قبله می نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می نشستند و رو قبله و در حدیث دیگر منقول
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رو شمس نشستند گاهی را نواها را از زمین بر می داشتند
 و دستها را بر ما بین نواها گذاشته ساعد یک دست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو نوا
 می نشستند و گاهی یکپار ابر و پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار نوا نمی نشستند و در
 حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته
 بودند و یکپار ابالای ران پائی دیگر گذاشته بودند و گفتم که مردم این شستن را خوب نمیدانند
 و میگویند که این شستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای و اما ندگی چنین نشسته ام
 و خدا را و اما ندگی نیس باشد و او را پینگی و خواب نیس باشد و جسم نیست و نشستن او را نی باشد
 و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پائی راست را
 بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم فرمود که من از برای شستن که با یکدیگر بنشینند و در ایستادن بعد از استخوان فرام که

تقریباً یکشنبه باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرا آزار نگینند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسیر که در جائی تنگ چهارزانو بنشینند و در چپند حدیث وارد شده است که حجاب دیوار عربانست و احبباً آنست که پا پا را با پشت به جانم به بند بروش کنند و مدت یا دست را قفل کنند بزنان و با چنانچه گذشت یعنی ایشان را و صحرایا و جایا که نزدیک دیوار نباشد این بعوض تنگیه دیوار کردن است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پرسیدند که احتیاج چیست فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جائز نیست مرد را که حجاب کند در برابر کعبه فصل چهارم در آداب ملاقات صاحب خانه یا کسیکه بخانه اومی آید در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بر خاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسیکه بجهت دین بلند علم و صلاح و نیکی او تعظیم کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حق کسی داخل خانه می شود بر اهل آن خانه آنست که در وقت داخل شدن بیرون رفتن پاره ها و راه روند و خانه مود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا که بیرون رود و آنچه گوید باید که صاحب خانه اطاعت او کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که تحفه برای مؤمنی بیاورد مثل بالشی یا مسکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت بن شود که او را مکافات دهد پس حقیقی با و وحی نماید که من طعام اهل بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر پیغمبری یا وصی پیغمبر پس چون روز قیامت شود بهشت خطاب رسد که امرو مکافات تحفه های شما را بده پس غلامان و سیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر روی آنها دستمالها از مر و اید انداخته باشند و بنزد ایشان بیاورند چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهل آن و بهشت و آنچه در آن هست عقل شان پرواز کند و اذان طبقه ها بخورند پس مساوی از عیسای ایشان را نداند که حقیقی حرام کرده جهنم را بر کسیکه از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمدند حضرت از برای کسی که از ایشان بالشی انداخته یکی بر روی بالشی نشست و دیگری ایستاد حضرت فرمود که بشین که ایستاده از گرامت مگر ضرر بعد از آن بود

که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی باشد
 شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که کسی را دوست دارد که کسی
 جاهل بحق ایشان نیست مگر منافق کسی که در اسلام ریش سفید شده باشد و کسی که جاهل لغظ یا معنی
 قرآن باشد و امام حادل فرمود که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم منقولست که کسی را که اگر کم شنند او را گرامی دارند باید که او قبول کند و در حدیث
 که روئین کند که است را اگر ضرورت در چند حدیث منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند
 که کدام است این که است که روئین بسیار کرد فرمود که مثل آنکه جای از برای او بنشیند یا بگوید
 خوش برای او بیاید یا بالشی برای او بگذارد یا مثل اینجا از کرامتها و از حضرت امام حسن
 عسکری علیه السلام منقولست که اگر کم کن سیرا بجز بگوید و دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را حق تعالی مثل حد و ایشان
 خدمتکاران در بهشت با او کرامت فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که برادر مؤمن
 او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر ملاطفی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حق تعالی او را
 از خدمت بهشت که است فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هر که اگر کم کند برادر مؤمنش را یک کلمه
 که از روی لطف با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول این کلام
 باشد فصل پنجم در بیان مجالس که در اینجا داخل شدن رواست و جماعت یکدیگر بنشینند و صحبت
 ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن که جمعی که را
 میگرداند و خیر خواه است و متابعت کن که سیر که ترا میخوانند و در مقام فریب دادن است
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که نظر کن سید که با که سخن میگویند و صحبت
 می کنند که هر که هست در وقت مرگ مصاحبانش را با او میخوانند که اگر حالشان نیکو
 است از مصاحبت ایشان شاد می شود و اگر حالشان بد است غمگین شود و حضرت
 صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبها را من بگویم
 پسندید که بر تو با و مصاحبان بکنند و خدا کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را عیب

و امانتی و وفائی نیست و پر خد را بش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر
المومنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنجهار چنانست که از جایانی که محل
تهمت اندازد از مجلسی که گمان بد او میشود که هم نشین بد فریب میدهند صاحب خود را و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سزاوارترین مردم تهمت کسی است که با اهل
تهمت هم نشین باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که خود را
در محل تهمت اندازد و دلا مت کند کسی را که گمان بد او میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که هرگز نباید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد
زیرا که هر کس نمیداند که مادر اوست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود
که صاحب بد اخلاقش هرگز نمیتواند با کسی که هم نشین بر اینکس را هلاک میکند نظر کند
و اگر با کسی هم نشین میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی بیکان بایکان ثوابیست
برای بیکان و دوستی بدان بایکان فضیلتی است بایکان و دشمنی بدان بایکان زینتی است برای
بیکان و دشمنی بیکان بایران خواری است برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
منقولست که با هیچ کس مصاحبت و هم زبانی و رفاقت مکن زنجهار که با او در غلوه مصاحبت مکن
و اگر از بابت سر است بدو غمهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک نماید و نزدیک
را بر او دور میکند و اندوخته که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کنیز
و دیگر این سه در شمه و با جمیل مصاحبت مکن که او ترا باطل خود را بی نمیکنند و سرگامی که نهایت
احتیاج به هر سالی و با حق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که تو نفع برساند ضرر میرساند و با کسی که
قطع رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت
صادق علیه السلام فرموده که سزاوار نیست مسلمانان را که با جمیع و احق و در غلوه راوری کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کسی اندک که هم نشینی ایشان دل ایمیداند نشستن با مردم
و بی و سخن گفتن با زبان و نشستن با تو نگران و حضرت اعمان با پدر خود گفت که بسیار با ایشان
از و یک سو سپان مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان و صدی هم مکن که خوار میشود و یکی ناگهانی
که خوابان آن باشد و هر چنانچه میان اگر گشتش دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی

نسب باشد هر که نزدیک قبر میرود بسته باو چپ پیم چنین هر که باید کرد و صاحب است میکند از پیر
 آدمی آموزد و هر که مجاوله با مردم میکند دشنام می شنود و هر که در مجالس بد داخل می شود هست
 زود می شود و هر که با هم نشین بد می نشیند از بدی سالم بماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد
 همیشه پشیمانی میرود و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که مصاحبت و نیم نشینی با صاحب
 عبت گنبد که نزد مردم مثل آنها خواهد بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 فرمود که آدمی بدین دوست و صاحب خواهد میسب باشد و فرمود زنها را با احمق مصاحبت مکن
 که در سنگ می که از و راضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا بر بخاند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و
 آله و سلم منقول است که حکیم ترین مردم کسی است که از صحبت جا بطلان بگریزد و آن حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که کسی که برادر دشمنش را برامری که مکرده باشد ببیند و تواند که او را
 برگرداند از آن امر و برگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که جهتناب نکند از
 مصاحبت احمق یزودی اخلاق او را بر می دارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و
 آله فرمود که بدترین مصاحبان او کسی است که محصیت خدا را در چشم تو زینت دید و فرمود که
 هم نشینی با بدان مورش گمان بد برون است در حق یکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که نظر کن بچهره که نفع دینی تو نمی بخش مصاحبت او عمت نباشان او بکن و
 در صحبت او غبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع می شود محبتی که با
 کسی داشته باشی که بی وفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر تو نکند و علی که بر کسی بیاموزی که گوش
 ندهد و رازی که کسی بسیاری که نگاهداری راز کند و آن حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
 که در مزبلیها با عالم صحبت و دشمن بهتر است از صحبت و دشمن با جابل هر دو فرشته های نیکو
 و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حواریان بجز حضرت عیسی علیه السلام
 گفتند که یا که هم نشینی کنیم با کسی که خدا را بیاد شما آورد و دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن
 گفتن او و شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین دشمن
 شرف دنیا و آخرت است و آن حضرت امام محمد علیه السلام فرمود که یک دشمن با کسی که بر او
 اعتماد داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یک سال و در حدیث دیگر فرمود که با نوکران دشمنید

که بنزد که اقل بایشان می نشیند چنان میدانند که خدا بر نعمت بسیار دارد و هنوز بر نخواست است
 که چنان گمان میکنند که خدا هیچ نعمت بر ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
 است که چهار چیز است که دل را میسر اند گناه بعد از گناه کردن و باز آن بسیار سخن گفتن و بنا
 احسان مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بحق برنگردد و پنجم نشینی با مردگان کردن گفتند یا
 رسول الله مردگان نیستند فرمود که هر تو نگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام
 زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزند آن خود میفرمودند که با اهل دین و معرفت پنجم نشینی
 نمسید و اگر بدست شما نیاید بخائی مونس تر و سالم تر است از صاحب تخریب ایشان و اگر ناچار
 باشد از پنجم نشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشیند که ایشان در مجالس خود مجلس میگویند
 و از حضرت موسی علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که آدمی صاحبان پر خود را نگاه
 دارد که نیکی او بایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان بپسر
 خود فرمود که ای پسر بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یا خدای می کنند بایشان
 بنشینن زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع میدهد بتو و از پنجم نشینی بایشان علم تو زیاده می شود و اگر
 جاهلی ترا علم بیاموزند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا هم بایشان نرسد و اگر
 بدینی جماعتی را بنماید خدای می کنند بایشان نشین که اگر تو عالمی علمت تو نفع نمی رساند و اگر جاهلی
 جهلت زیاده میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم بایشان نرسد و از حضرت
 امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بر تو باد بجا فرستیدن در مجالس که آنجا یا خدا
 بخشد و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشتگی می گفتند که سزاوار آنست که
 ترود کردن بجانها بیکی از ده وجه باشد اول رفتن بجائۀ خدا از برای دای حج و عمره دوم در خا
 پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب است
 و نفع شان عظیم و ضرر مخالفت ایشان سخت سوم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم
 دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل خود و خویشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم
 در خانه خیمه و انیکه مردم در حوادث دهر بایشان محتاج می شوند و در حاجتها بایشان پناه ببرند
 ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج بایشان هفتم در کافه جمعی که

نزد ایشان امید منفعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان و تقدیرست خرم ایشان در امور و شجاعت
کردن با ایشان چشم در خانه برادران مؤمن بسبب آنکه موصلت ایشان واجب و حق ایشان لازم
است چشم در خانه دشمنانی که بموصلت و درار کردن ساکن می شود ضررهای ایشان و برفق و مدار
و دین عداوت ایشان دفع می شود و هم در خانه جمعی که از دین ایشان آداب حسنه استفاد می نمایند
گردانن به خیرانی ایشان می توان گرفت فصل ششم در آداب عطسه و آرق و آب دمان :

اما احتیاج از حضرت صادق منقولست که مسلمان را برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند پیرو
سلام کند و چون بیار شود او را عیادت کند و در خانه یا بیرون خانه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و بایم
که آنکه عطسه میکند بگوید الحمد لله رب العالمین لا شریک له و دیگران با او بگویند یا شاکت
الله و او در جواب بگوید فیض بکم الله و یخیرکم بالکم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کند اگر چه در میان فاصله باشد و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام نقلست که در هر بار که شیطان از
عطسه از جانب خداوند عالمان و در حدیث دیگر منقولست که حقیقت اینست که بسیار بزرگوار
است در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده فراموش میسکند که خدا را بران
تغنیها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی که در بخشش جولان میکند و از پیشش بیرون آید
پس از نجات مفر گردد اند که درین حال خدا را حمد بگوید که این حمد غانی شکر آن نعمتها باشد
که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزی است عطسه نفس
می رساند به بدن و خدا را یاد می آورد و در حدیث حسن از حضرت منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید الحمد
لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله و سلم و در حدیث دیگر فرمود که چون
عطسه کند با و بگویند یا شاکت الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یخیرکم و در حدیث
دیگر فرمود که کسی که عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریک له و دیگران با او بگویند یا شاکت الله
و او در جواب بگوید یغفر الله لک و لنا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که طفل را تا آنکه
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطسه کرد و گفت الحمد لله رب العالمین حضرت با او فرمود
یا ذلک الله و ذلک و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کرد و فرمود

نه مودد الحمد لله رب العالمین پس انگشت را بر بینی گذاشتند و نه مودد رحمہم آتقی
 لله رحمہم آخرا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که هر که بعد از
 بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال در دین و داندان نیاید و از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که هر که عطسه کسی را بشنود و جدا کسی کند و صلوات بر خیر و اهل بیتش بفرستد در چشم
 و در دندان باو نرسد و فرمود که این را بگو اگر چه در یاد میان تو و او فاصله باشد و در حدیث
 دیگر فرمود که برای دفع درد گوش و درد دندان که چون کسی عطسه کند محمد را بگوید و در حدیث دیگر
 منقول است که ترسانی عطسه کرد از حضرت با گوشتند بنحوك الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول
 صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برای عقیقه
 ملائکه از جانب او بیگویند الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید الحمد لله رب العالمین
 ملائکه میگویند یغفر الله لك و فرمود که عطسه کردن بیا صلاست عافیت اوست و
 رحمت بدن است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عطسه نفع می بخشد ببدن مادام
 که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود در رویا رست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه
 کند و دست را بر روی بینی گذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهلہ
 و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون می آید از پنج
 کوچک تر و از گس بزرگ تر تا برود بر عرش و استغفار کند از برای او تا روز قیامت و در
 حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی
 علیه وآله وسلم در چند روایت منقول است که عطسه تصدیق میکند سختی را که مقارن واقع میشود
 و صلاست راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که عطسه را
 سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را و اگر در و در روایت دیگر منقول است که چون
 کسی عطسه کند سر او را آن است که انگشت شهادت را بر روی و بینی بگذارد و بگوید الحمد لله
 رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و رحمہم آتقی لله رحمہم آخرا
 صاخر غیر مستغنی و لا مستعین و هر گاه و گری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید بسم الله
 و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و چون مرد مومن عطسه کند بگوید بسم الله و اگر زن

باشد بگوید عافاك الله و اگر گفت باشد بگوید نَزَعَكَ اللهُ و اگر بگوید بگويد شَفَاكَ اللهُ
و اگر کافر وقتی باشد بگوید هَذَاكَ اللهُ و اگر بنیبرای امام باشد بگوید صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ و در جواب
بگوید یَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَ لَكُمْ و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن
این بسیار دانه از پنج در و اول خوره و دوم لقوه و سوم نزول آب در چشم چهارم صلابت و
خسوفت پرده های بینی پنجم بیرون آمدن مود چشم و اگر خوابی که کم شود عطسه غرض از گوش
در بینی بچکان بتر یک دانگ را آوی گفت که پنجره ز چنانید میبندد و از حضرت امام محمد
علیه السلام منقولست که هر که در بیت اخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر خود بگذارد و متل است
که مراد همیشه گفتن باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون
کسی عطسه کند با و بگویند بِرَحْمَتِكَ اللهُ و او در جواب بگوید یَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ و بِرَحْمَتِكُمْ و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول و آل حضرت واجب است
نزد عطسه کردن و نزو کشتن حیوانات و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسی که آهوق زند بجانب آسمان بلند نکند و نه بود که آهوق نعمت خداست بعد از آن
حمد الهی کند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که مؤمن آب دیا نرا بجانب قبله
نهند از دو اگر از روی جنبه نموشی پیدا ند استغفار کند و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطسه کند بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ و در حدیث
دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه میکند و تو در نماز باشی بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ
اگر چه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دیا و میان باشد فصل بمقام در مزاج کردن
و خیسندین و سرگوشی کردن و آداب صحبت و راز مجالس اینخان و شستن در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد بن علی علیه السلام و در حدیث دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام منقول
است که چون نغمه در مجلسی بشنود و نامی ایشان با یک دیگر سرگوشی کند که موجب آهوق
و ایدائی آن نسیق دیگر است و در حدیث مشهور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که هر که در میان سخن برادر سلمان خود سخن بگوید چنان
است که خدشه و خسته اش در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقول

است که مجالس باانت است یعنی آنچه گذشت بایک در جائی دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان
راضی اند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که احدی نایست که مخفی را که
صاحبش بخوان دارد و نقل کند مگر آنکه صلی باشد که اهل بار آن لازم است یا ذکر نیکوهای آن
شخص باشد و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که مجالس باانت است مگر
مجلسی که در آن خون حسدی ریخته شود یا فرج حرامی را که حلال کنند یا مالی را که بناحق بر بردار
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در و مزاج و خوش طبعی می باشد
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی کردی شما بایکدیگر چون
است گفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاج کردن از نیکی خلق است و موجب
خوشحالی برادر مؤمن میشود بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مزاج می کردند
باشخصی که او را شاد گردانند و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد
کسی که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و آن حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خندیدن مؤمن بسیار بایکدیگر بهتر باشد و عدناندهشته باشد و در حدیث دیگر فرمود
که بسیار خندیدن دل را میبرد و دین را میگیرد از چنانچه آب نمک را میگیرد از دهنش بود
که از نادانست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن فرمود که زنجار مزاج
بسیار کند که اگر ورامی بردوشه بود که چون سیرادوست داری با او مزاج کن و مجاز
حسن و در حدیث حسن دیگر فرمود که فیهقه کردن از شیطانست فیهقه بود که بسیار خندیدن
از ورامی برد و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله وسلم منقولست که زنجار مزاج کند
که کینه با هم میرسد و دشنام کوچک است و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون خنده جمعیت به کنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقنتی و آن حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مزاج کردن از ورامی برد و مهابت مردان را بر طرف میکند و
در حدیث دیگر فرمود که مجازله کن که محبت را می برد و خوش طبعی کن که باعث جرات مردم
می شود و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مزاج کن
که نور ایاانت را می برد و عزت و مرویت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت

ای علی‌ه السلام میگردد و میخندید و حضرت عیسی علیه السلام میگردد و میخندید و آنچه که حضرت عیسی
 میگردد و بهتر بود از آنچه که توحی میگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت داود علیه السلام بجزرت
 سلیمان علیه السلام میگفت که اخی سرزند زهار که بسیار خنده کن که بسیار خندیدن آدمی را
 فقیر کند و در قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که عجب دارم از کسی که این
 بچشم و از چه میخندد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسی که بسیار خندد و اندر روی
 لعب و قیامت گریه اش بسیار باشد و چه بسیار کسی که بسیار گریه بر گناه خود در بهشت خوشحالی
 و خنده اش بسیار باشد پس ازین چهار و اخبار دیگر چنین هست می شود که مومن می باید که عبوس
 و گرفته نباشد و کشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاج مطلوب است اما بسیار خندیدن
 و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل بخیر دان و سفیهان است فصل هشتم در سائر
 آداب مجالست و حقوق اصحاب مجالس یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
 منقولست که نیکو مجاورت کن یکدیگر با تو مجاورت کند تا مومن باشی و نیکو مصاحبت کن
 با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
 رفتم فرمود که مصاحب تو که بود در راه گفتم که شخصی از برادران مؤمن بود چه شد گفتم که تا ذیل
 مدینه شدم ام جایش را ندیدم فرمود که مگر نمیدی ای که کسی که چهل گام با کسی مصاحبت کرد و حق تعالی
 از حق از او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که
 همین عیب بسیار است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم را پوشیده و
 مردم را سرزنش کند بر چیزی که خود ترک آن نمیتواند کرد و آثار کند بمنشین خود را به چیزی که نفعی باو
 نهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مؤمن اند یا جاهل پس مؤمن را آزار
 نباید کرد و با جاهل چسب و نباید کرد و اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که از مائست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفقا
 خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که نمک خور و با او و نیکو مهر بانی نکند با کسی که با و مهر بانی کند
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بر زبان خوش ساز کاری بکن و محبت
 قلبی را خالص گردان برای مؤمنان و اگر پیروی با تو هم نشین کند نیکو مجالست کن با و و حضرت

رسول صلی الله علیه وآله فرمود که مهربانی کن با مردم تا را دوست دارند و در حدیث دیگر
فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برائی برادرش صاف و خالص میگرداند اول آنکه چو را
با بر خور و خوشروئی و خوشحالی او را ملاقات کند دوم آنکه جا از برائی او بکشد چون نزد او بنشیند
سوم آنکه بفرمانی که دوست میدهد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن
عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون سیرا دوست
دوستی خود را با او چهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم قسمت میکردند نظر که در نهانی خود را در میان اصحاب
خود که یکی بیشتر از دیگری نظر میکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بحسبیت بخوان و چو را
غائب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای حسبیت است مثل آنخوند و آقا و میرزا و
نواب و اشال آنها و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که چون کسی برادر کسی
مسلمان خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدر و نام قبیله و خوشیانش را بر سر دست از
گه این از جمله حقوق لازم بر برادری و دوستی است و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در
حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی بر کسی طعامی مهیا نکند و او خلف و صده کند
و زود که طعام او را بخورد و دوم آنکه شخصی با کسی صاحبیت و نیم نشینی کند و معلوم نکند که
ثبت و از کجاست تا از و جدا شود سوم آنکه با زن خود جماع کند پیش از آنکه زن آب بدهد
او آب بدهد بلکه سیباید که بتائی بکند و کث کند تا مرد و بهم آب بدهند و از حضرت امام موسی
منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود بردار که باعث بر طرف شدن
حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود کاسبی
یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی او را در نامه عاشر بنویسد و هر که بتسم کند در رو
برادر مؤمن خود حق تعالی بر او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله
منقولست که هر خاشاکی یا مانند آن از برادر مؤمن بردارد او را در برابر علی و گوید اما ظا الله
عناک ما ناکدی یعنی خداور کند از تو آنچه را میخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود از آنکه کسی بگوید یکی که لا اَحیَوتُکَ وَحَیَوتُکَ فَلَانَ چنانچه
 در فارسی بگویند که بجان تو و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود که بدترین اتمت من جماعتی
 اند که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بجا ایشان بدستیکه از من نیست که هر که چنین باشد
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ولد الزنا را چند علامت است اول شغنی
 املی میت رسالت دوم آنکه باطل است بآنچه که از و خلق شده است سوم آنکه دین را
 و سبک شمار و چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان آزار میکند و سبکسای مردم بر بخورد
 و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه ولد الزنا است یا در حیض یا در شرف او حامله شده است و از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زنهار با مردم میانعت نکنید که
 گرامت را می برد و مروت را بر طرف میکند و پیوسته جبرئیل علیه السلام مرانگی کرد از
 مجادله با مردم کردن چنانچه نمی کرد و از شتاب خوردن و بیت پرستیدن و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که کینه مؤمن در همان محل میباشد که نشسته است چون
 از برادرش جدا شود دیگر در دلش کینه ماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام
 محمد تقی علیه السلام منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و
 گفت که مرا وصیتی فرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را باروی کشاده و حضرت
 صادق علیه السلام فرمود که حدیثی خلق آنست که هر پادشاهی و سخت را نیکو کنی و با مردم باروی
 خوش بر خورنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خوشحال و خوش رو
 با مردم بر خوردن کینه را میبرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیزی است که از مکارم
 دنیا و آخرت است آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسیکه از تو بد و حاکم کنی با
 کسیکه با تو بخوردی کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که خشمی فرسود و خور و خدا عزت او را در
 دنیا و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که خشمی فرسود
 خور و وقار باشد که آنرا بعمل آورد و حق تعالی دلش را از ایمان بپرسد در روز قیامت فصل نهم
 در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مبادرت کنید
 بسوئی یا غمائی بهشت پرستند که در آنست یا غمائی بهشت فرمود جانها و جمعگیان و خدا را نگویند و حضرت

از ایزد المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که در هر جمعه خدا را یاد کنید که او همه جا با شماست و در حدیث معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از هیچ مجلس برخیزانند و نیت نباشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار بگویند و در احادیث معتبره منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که یاد کنند خدا در میان غافلان مانند کسی است که چادر کند در راه خدا در سنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او بهشت است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که در آن جمیع شوند یکو کاران و بدکاران و خیرینند و یاد خدا در آن نکرده باشند در قیامت باعث حسرت و زهدت ایشان خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گروهی که در مجلس جمعی شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است بر ایشان و در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که نوشته است در توراتی که تغییر یافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود سوال کرد که خداوند این مجلسی پسند بر من و ایدمی شود که رعش از ترس و جلیل تر میدانم از آنکه ترا در آن مجلس یاد کنم حقیقتی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقیقتی فرمود که ای فرزندی آدم مرا یاد کن در جمیع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمیع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که ای فرزندی من را یاد کن در جمیع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمیع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حقیقتی می فرماید که هر که مرا یاد کند در میان جمعی از مؤمنان من او را یاد کنم در میان جمیع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در قیامت ثواب کامل یابد و دوستی که بخوابد که از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقولست که این کفایت گنایان آن مجلس است فضل و بهم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و آنکه علیه السلام در مجلس و مساحفه علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشان را یاد کردن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمعی شوند و خدا را یاد نکنند

و باز ایام بختند آن مجالس را ایشان در بال و حسرت نخواهد بود و در قیامت و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یاد کردن از یاد خداست و یاد دشمن مگر کردن از یاد شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقیقاً ای را ملکی خبیث است که ایشان میگرددند در زمین و سرگاه که میگرددند بر جاعتی که یاد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می کنند بیکدیگر میگویند بایستید که مطالب خود را فستید پس نشینند و با ایشان شرکایی شوند و آن امر پس چون بر میزنند اگر عیار شوند بعبادت ایشان میروند و اگر بر میزد بخانه ایشان حاضر میشوند و اگر فاسد می شوند جستجوی ایشان می کنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانها ایند نظر می کنند بسوی یکسایه و در وند از شیعیان که فضیلت آل محمد صلوات الله علیه بر او می گذارند پس یکدیگر میگویند که منی سینید این جماعت را با یکی ایشان پس با دشمنان ایشان فستید آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر می کنند پس ملائکه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خداست بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از میر سپید که آيا شما شیعیان ما بیکدیگر خلوت می کنید باز علوم الهیست و فضائل ایشان آنچه خواهید میگویند گفت بلی و الله حضرت فرمود که و الله من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس و الله که من بوی شما و نسیم شما دوست میدارم بر ستمیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس با کسی سینید ما را در دفاعت خود بر پیروز گارے از محرمات و منی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمیع میگردند از نفس از مؤمنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند و اگر چیزی از خدا می طلبند ملائکه آید میگویند و اگر نیا بخواهند بر خدا شری دعا می کنند ملائکه که خدا آن بد از ایشان بگرداند و اگر حاجتی می طلبند ملائکه از خدا سوال می کنند که حاجت ایشان را بر آورد و جمیع نمی شوند نفسند یا زیاده از انکار کنند گاه حق اهل بیت علیهم السلام مگر آنکه ده برابر ایشان است شیاطین حاضر میشوند و تهنیک میگویند شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر سخند با ایشان میخندند و اگر زیست دوستان خدا می کنند با ایشان رفاقت می کنند پس اگر کسی از مؤمنان بیست ملا شود بهم نشینی ایشان چون شمع روشن کند بخت و دوستان خدا بر چیز و شرکاء و بهم نشین شیاطین نباشد که هیچ کس

ماست و خاومت غنیمت نه افکار و لغت خدا را هیچ چیز دفع نمیکنند و اگر تواند که خیر سزد و بدل انگار
 کنند و آنکه سباعتی خیر بود و باز برگردد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هیچ چیز
 شیطان و لشکرش را نمیبرد و هیچ شیطان را نمیبرد و هیچ شیطان را نمیبرد و هیچ شیطان را نمیبرد
 خدا پرستیکه و دشمنی که با یکدیگر میخورند و یاد خدا می کنند و فضیلت با اهل بیت را یاد می کنند
 نیز و شیطان هیچ پاره گوشت نمی ماند مگر آنکه کشته و میریزد و آنکه روحش به تنگانه می آید از
 شدت الهی که ازین امر میساید پس ملائکه آسمانها و خانان بهشت بر این معنی مطلع می شوند و
 اورا لعنت می کنند و هیچ ملائکه نیست که نیاید مگر آنکه اورا لعنت میکند پس ای سیدم و ملائکه
 نیز بر زمین افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که زینت در عهد مجاهد خود را
 بیکر فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام که در دنیا و خلافت از خصلتهائی پیغمبران است و در
 حدیث دیگر فرموده که حق تعالی برای برادر من علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده
 که از بسیاری احصائی آنها نیست و آن که هر کس که یک فضیلت از فضائل او فکر کند از روستا
 اقرا و از میان گنجان گذشته آید و او آمرزیده شود و هر چند در قیامت با گناهان حسن و حسن بسیار
 و هر که یک فضیلت از فضائل او بنویسد یا علامتی از آن که ماست باشد ملائکه از برای او متغفار
 کنند و هر که گوشه از فضائل آنحضرت خدا را بر مرد گنجان را که گوشه و درون کرده باشد
 و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضائل آنحضرت بدان نوشته باشد خدا از دنیا مرد گنجان را
 که چشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر او برسد بر او طلب علم نماید تعالی بر او آید
 بکشاید بسوی بهشت برستیکه ملائکه الهائی خود را میگذارند از برای او طلب علم کنند و علم با خدا
 و خوشنودی و متغفار می کنند از برای او طلب علم می کنند و هر که در ایمان و میر که در زمین است حتی
 با ایمان دریا و فضل عالم بر عابدانند فضل او است و شریب چهارده بر سایر ستارگان و در
 حدیث دیگر فرمود که اف باد بر مردی که در هر چند خوراک کارشائی دنیا فارغ نسازد و بر او یاد
 گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی هر چه باید که ذکر کرده علم در میان بندگ
 من و الهائی مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر ذکر کنید و ملاقات کنید
 و حدیث نقل کنید که حدیث جلاله و ولها را برستیکه و لها زنگ میگوید چنانچه شش

رنگ بگیرد و بگوید ایها محمد پسر است از حضرت امام محمد بن علی علیه السلام منقولست که مذکور
 علم ثواب نماز مقبول دارد فصل یازدهم در مشورت کردن برادران مؤمن و آداب آن از حضرت
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که نفس خود را بخاطر هائی اندازد کسیکه مستغنی شود
 به این خود از رائی دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسد و دوست
 دار برادران مؤمن را بقدر پیر و پیر گاری ایشان و پیر و پیر از زنان بدو از میان ایشان در حدیث
 اگر زن یکی امر کنند مخالفت کن ایشان را اطاعت نکنند و اگر آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در
 حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانان با او مشوره کند و آنچه خیر او را و ران و اندک گوید
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر گروهی که با یکدیگر مشوره میکنند دو
 میان ایشان کسی باشد که نامش محسن یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشوره ایشان داخل
 باشد البته آنچه خیر ایشان است بر ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
 که چهار سال باطلی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی بر تو مستقیم باشد و مردت تو کامل و زن و گانه
 تو نیکو باشد در امور خود مشوره کن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 منقولست که مشوره کن چهلستان و ترسانان که راه بد و شرا بر تو تنگ نمی کنند و مشوره کن
 با نخیل که طایع می شود ترا از رسیدن بنایت مقصود خود و مشوره کن با کسی که حرص دنیا داشته
 باشد که زینت میدهد برائی تو هر رایی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسی که طلب
 خیر از خدا تعالی میکند حیران نمی شود و کسی که در کار با مردم مشوره میکند پشیمان نمی شود
 و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که ملاک نمی شود کسی که مشوره کند و در حدیث دیگر
 منقولست که بسیار بود که حضرت امام موسی رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میکردند با
 سیاهی از خلایان خود و میمودند که بسا باشد که خدا خیر را بر زبان او جاری کند و در احادیث
 دیگر منقولست که با جماعتی دیندار پیر و پیر گار مشوره کن و چون کسی بگوید خلافت آن مکن که
 موجب فساد دنیا و آخرت تو می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
 هر که برادر و منشی با او مشوره کند و آنچه محض خیر او باشد بگوید خدا عقل و رای او را بر طرف میکند
 و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کن در حدیث دارد که هر که آنها را از مشوره ببرد او

پیش از ضعف است اول آنکه آن سببیکه بری او مشوره می کنند عاقل باشد و دوم آنکه آزاد و متین
باشد سیم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام ستم خود مطلع گردانند که چنانچه
خود بجاست آن امر را میدانند و بهم مانده اند چنان دارد و یکی نقل نموده اند که اگر عاقل است ستم
میشود مشوره او و اگر آزاد و دیندار است آنچه حق می است می کند و در خیرخواهی او و اگر باده و دست
تست چون از خود باو گفتی افشانی کند یا آنکه از برادرش فحشیدت مشوره و استعمال در آن همین کافی است
که حق سبحانه تعالی این چیز خود را که عقل مگو است بود در قرآن مجید امر مشوره فرموده است قَوْلُهُ
أَهْلًا وَبِشَارٍ مُّصْطَفَى الْأَمْرِ فَإِنَّا عَرَفْتُمْ قَوْلَهُ عَلَى اللَّهِ يَنْبَغِي مشوره کن یا اصحاب خود
و را مور پس چون ستم کردی پس هر کس کن بر خدا می ستم و فعل فصل در این دویم در ادب نامه
نوشته ام از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که حضرت ابی و حضرت در بیان
برادران مؤمن در حضر این است که به بین یک دیگر بروند و در ستم باین است که نامه بیکدیگر
بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که جواب که ابی نوشته و جواب است مانده
جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک کن نوشتن اللهم الله الرحمن الرحیم
اگر چه بعد از آن ستم نویسی و ستم نمود که سبب بایدهم اللهم الله الرحمن الرحیم بهتر از ستم چیزها
که می نویسی بنویسی و در حدیث موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابی اسم شخص که
نامه باو می نویسد پیش از نام خود در آن چون است فرمود که بایکی نیست این اگر می است
که او را می شنند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند
و چون دست آنحضرت دادند فرمود که چگونه باید دید که آنچه در نامه نوشته اند بعمل آید و حال
آنکه انشاء الله تعالی و حال این مناسب است نامه نوشته آید پس فرمود که به بین که حدیثی که
انشاء الله تعالی ندارد بنویسد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیه و الشانه نقل است
که چون نامه را نوشته اند که ابی و ستم نامه بپاشید که حاجت بهتر و واقعی شود و در حدیث
منقول است که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اوائی نامه می نوشتند اللهم الله الرحمن الرحیم
أَذْكُرُ انشاء الله تعالی و الا کفر بید الله و ستم فرمودند که اگر بگویم که سببیکه ترک میکند
گفتن و نوشتن بنویسد الله و کار یا نوشته باشد مثل کسی است که نماز را ترک کند هر چند است گفتن

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال عقل و بینائی او
میستوان کرد و از رسول و ائمه استدلالت بر سبب و بزرگی او میستوان کرد و در حدیث دیگر فرمود
که چون بقعه یا نامه برای حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت بر آید بقلیم محمد ادر بر رقع بنویس که
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْخُرْجَ بِمَا يَكُونُ هَوْنٌ وَالْوَدَّ
مِنْ حَيْثُ لَا يَجْتَسِبُونَ جَعَلْنَا اللَّهُ قِيَامَكُمْ مِنَ الدِّينِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
راوی گفت که هرگاه چنین بیکردم حاجتم بر آورده می شد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که کاغذ یا نزد جامع می شوند آیا با کتش میستوان سوره انبیا هرگاه
در آنها نام خدا باشد مودند نه بلکه آباء اول بشوید و در حدیث صحیح دیگر منقولست است از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کاغذ را را میخوانید و لیکن میخوانید و بدید و در حدیث
حسن از آن حضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را آباء دین میخوانید و فرمود که بپاک تر
چیزی که بیاید میخوانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کتاب خدا و
نام خدا پاکترین آنچه میباید میخوانید و بهی فرمود از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلیم میخوانند
و بعضی سخنها بجای قلم قدم است باب دوازدهم در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن
فصل اول در کشادگی خانه و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که از سعادت آدمی آنست که خانه او کشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آن خانه ساکن شو که خانه
تنگ است آن شخص گفت این خانه آنست که پدرم احداث کرده است بدیدستوانم رفت حضرت
فرمود که هرگاه پدر تو احق باشد تو نیز باید که احق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چیزی اند که موجب راحت مؤمن اند خانه کشاده که عیبها و امور مخفی او را از مردم پنهان
رود و زن صالحه که در امور دنیا و آخرت او یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه
رون کند یا مردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که یکی
مگالی در کشادگی خانه و بسیار می خدمتگاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت
یا در سر اخفی خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که از شقت زندگانی است خانه تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی
خانه شکایت کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فرمود که با و از بسیار بلند از حد طلب
که کثادگی در خانه توید پدر و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش با و
شبهه باشد و زن خوشه روی دیندار داشته باشد و چهار پایی رهوار داشته باشد و
خانه کثاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت است و بد
همسایگان و بسیار عیسیها آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت
است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت
است زن بد و خانه تنگ و همسایه بد و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام معلوم
است که از تنگی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و آن را باز از سرین فصل دوم
در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بلند بسیار ساختن و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او سلاطین و اندامات
گرون و خاک و آب را که آن مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که مبنائی که زیاده
بر قدرت نیاز باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که
عمارت کند زیاده از آنچه در وسعتی نماید و در قیامت او را تکلیف میکند که آنرا بردارد و آن
حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که خدا تعالی در زمین خود بقعه چند قرار داده است
که آنها را مرحومات می نامند و دوست میدارد که نام او را در آن بقعه بایزند و او را بخوانند
و اجابت دعائی ایشان بکند و خداوند تعالی در زمین بقعه چند قرار داده است که آنرا بنیستقامت
می نامند پس چون کسی مالی را غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آن میسرها را بر او
سلاطین بگرداند که آن مال را در آنجا هرفض نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المومنین
علیه السلام از در خانه شخصی گذشت که از جمعه ساخته بود حضرت پرسیدند که این در خانه کیست
شخصی گفت که از ظالمان مرد غافل من در پس بر خانه دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته
بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور و غافل دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریاء و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز

قیامت آن خانه با اطبقة بمقعر زمین آتش کشیدند و در گروان او را از زیر پشم او را در جملهم
 و هیچ چیز او را نگاه ندارد و ناقص جرمم گر آنکه او بکند پرسیدند که یا رسول الله برای زیاد سمع و فهم
 چه معنی دارد و فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسیار و برای آنکه زیادتى کند بر مساکنانش و فرمود
 و مساکنات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی ملکی را موكل فرمود
 گردانیده است بجمارت که هر که سقف خانه اش از زیاده از بهشت ذرع بلند کند یا و یکو بد که
 تا کجا بخوابی بروی آقا سابق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت دیگر
 وارو شده است که هر که سقف خانه را زیاده از بهشت ذرع بلند کند جسیان و شیاطین
 در آن خانه بامی کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام
 که جسیان از ارازل خانه و عیال من می کنند حضرت فرمودند که ارتفاع سقف تو چقدر
 است گفت ده ذراع حضرت فرمود که از زمین تا بهشت ذرع به پیا و از زمین تا بهشت آیه الکرسی
 بنویس بر دیوار خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از بهشت ذرع باشد جسیان در آن خانه
 حاضر نباشند و در آنجا مسکن نمی کنند و در چند حدیث دیگر منقولست که هر خانه که
 ارتفاعش زیاده از بهشت ذرع باشد بر سر بهشت ذرع آیه الکرسی بنویس و در حدیث دیگر
 منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از جسیان که بارها از خانه
 بدر کرده اند حضرت فرمودند که سقف خانه های خود را هفت ذرع کنید و یکو بر دیوار
 خانه بادهید و آوی گفت که چنین کردیم دیگر مدتی ندیدیم و در حدیث معتبره از حضرت صادق
 علیه السلام منقولست که بنا کن خانه خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است
 شیطان در آنجا ساکن می شود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمی سپاسد بلکه در میان
 آسمان و زمین است و در روایت معتبره منقولست که ابو ذر غفاری گفت در خانه حضرت صادق
 علیه السلام دیدم که آیه الکرسی بر در حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آن حضرت
 نیز آیه الکرسی نوشته بود فصل سیوم در نقاشی کردن و تصویق پیدان و صورت صاب
 روحی را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علماء آنست که حرام است چنین چیزی
 را ساختن بر دیوار یا و جامها و نقش کردن کرده است و بعضی حکایت قائل شده اند و اصول

آلت که طلا کار نمی کنند و مطلقاً صورت نکشند حتی صورت و اشغال آن خصوصاً
 صورت انسان که تمام و کمال باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه
 چشمش را بکشند یا عضوی را از آن محو کنند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقولست که جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترا نهی میکند از مثالبها
 و صورتها کشیدن در خانهها و در احادیث معتبره از آن حضرت منقولست که جبرئیل گفت که ما
 کرده ملائکه داخل خانه نمی شویم که در آن خانه سنگ باشد یا صورت بدنی باشد یا طریقی باشد که در آن
 بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر صورتی که بسازد او را در قیامت حذابند
 که جان در آن صورت بدمد و نتواند دید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام پرسیدند از بالش و نهشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه نشو
 باشد که پا مال شود و بر رویش نشیند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه
 السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانهها باشد اگر سه شش را تغییر دهند و سائر بدن
 بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز کن در خانه که صورت
 در برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس آن صورت را قطع کن و نماز کن و در چند حدیث معتبر
 از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
 فرستادند که هر صورتیکه باشد محو کنیم و بسجدها بلند را هموار کنیم و سگها را بکشیم و در حدیث دیگر از حضرت
 صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر بالائی قبر بکشید و صورت در سقف خانه کشید که حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم ازین دو چیز گریزت داشته باشند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند
 از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماهتاب فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیات نباشد فصل
 چهارم در آداب نشستن خانه از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سه چیز است که نفرت است
 چهار پائی نیکو و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی بر
 خود و فرشی بر آرزو و خود و فرشی برائی جهان در کار است و زیاده ازین از شیطان است
 و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام پشیا و نهاده بودند
 و در آن مثالبها و نهادهها و صورتها بودند و بر سر آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقول

است که جمعی بنام آنحضرت آمدند بالشها و فرشهای نفیس و بدید عرض کردند که ما در منزل شما چیزی
چندی سپیم که خوشی آید ما را حضرت فرمودند که بازمان بخواهم و محمد ایشا را میبهر ایشان
آنچه بخواهند از برای خود بخشدند آنها از اینست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی خدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که آنحضرت در خانه نشسته اند که فرشتها نیکو
و زیاده اند پس فرمود دیگر رفت و دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حدیث چه میکرد و در آن نیست
و خود پیر این گنده پوش شیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیر و زودی آنجا ناز من نبود و از نه و نه
من بود و دیر و زو بت اول بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی حضرت امام محمد باقر علیه السلام
عرض کرد که شخصی نشیند بر فرشیکه در آن صورتهاست فرمود که همان تعظیم می کنند
چنین شری را و آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام پرسیدند از فرش سیر و دیبا یا بر روی آن توان خوابید و بکیه کرد و نماز کرد و حضرت
فرمود در زیر می اندازی و بر رویش ایستای اما سجده بر آن نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی پشم
و در خانه بامبائی گنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و در
روایت معتبره منقولست که چون حضرت امیر المومنین علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را
تزیین کرد و پوشش ایشان عبا می بود و فرش ایشان پوست گوسفندی و بالش ایشان پسته
پستی بود که در میان آن لایف خرابه کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق
علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن خفوت
مرغان است پس جامه بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام بر آن می پاشم
آوردند و در آنها صورته مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سر را می ایشان را تمیز دادند و بصورت
درخت کردند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشته از در
می استرند که در آنها صورتههاست حضرت فرمود که چیزی را که فرشتگان میکنند و میکنند و بر
رویش راه روند باکی نیست اما صورتهائی که روی او کردی نصیب نمیشوند خوب نیست و در حدیث
در آداب عبادت کردن بنحونه در پیش صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

حضرت امیر المومنین علیه السلام حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و مصحفی و ششیری چیزی دیگر نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله حجره در خانه قرار داده بودند که در بسیار کوچک بودند بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب میشد طفلی را با خود بآن حجره میبردند و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت نوشتند بهیچ که دوست میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و در جامه گنده بپوشی و بآن موضع بروی و از خدا سوال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعائی را شروع کن یعنی این که کن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که منور گردانید خانه های خود را بتلاوت قرآن و خانه های خود را مثل گوز خود کند چنانچه یهود و نصاری که در آن نماز را در مسجد پا خود میکردند و خانه های خود را معطل میگذاشتند بدستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آن خانه بسیار شود و آتش بر فایده است و نعمت میباشد و آن خانه روشنی میدهد بآل آسمان چنانچه ستارها را روشنی میدهد بآل زمین را و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمانان در آن قرآن خوانند بآل آسمان آنگاه را بایک دیگر رسانند چنانچه کواکب آسمان را بآل زمین بیک دیگر رسانند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خانه که در آن قرآن خوانده شود و یاد خدا در آن خانه کرده می شود برکت آن خانه بسیار شود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین دوری شوند و روشنی میدهد بآل آسمان چنانچه ستارها بآل زمین را روشنی میدهد و خانه که در آن قرآن خوانده شود و یاد خدا در آن کنند برکت آن خانه کم نمیشد و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در آن خانه حاضر نمیشدند فصل ششم در حکایت شستن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و سگ و دس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حیوانات را که در خانه بسیار نگاه دارند که شیاطین بآنها مشغول شوند و با اطفال شما حاضر رسانند و آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خوب است حیوانات در خانه شستن مثل کبوتر و مرغ و نیزه خاله تا آنکه اطفال جنتیان با ایشان بازی کنند و با اطفال شما بازی کنند و در حدیث معتبر منقول است

که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سکایت کرد از خطائی حضرت فرمود که یکجفت
 کبوتر در خانه نگهدار و در حدیث منیج از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان
 پیغمبران است و در حدیث حسن و دیگر فرمود که کبوتر از جرم از نسل کبوتری چنداند که حضرت
 اسماعیل علیه السلام نگاه داشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتر
 چند نگاه دارند که بال شان از چیده باشند که با آنها انس گیرند و در حدیث دیگر فرمود که مرغ خانه که در آنجا
 کبوتر باشد آفتی از جن باطل آن خانه نرسد زیرا که بیقران جن باز می کشند و خانه چون کبوتر در خانه است
 مشغول آن می شوند و متوجه آدمی نمی شوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگهدارید که
 دوست دانی است و وصارده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مثل آن
 باعث انس نمی شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست هر بانی که کبوتر می زند
 باعث نفرت و گریختن شیاطین می شود و در روایت دیگر از داؤد بن حسن منقولست
 که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر را عجب دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود
 که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفت نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین
 علیه السلام پس ایشانرا در خانه خود نگهدارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی گفت
 که آنحضرت را دیدم که از برای کبوتری چند که در خانه آن حضرت بودند نان ریزه میسپرد و در
 حدیث دیگر از عبد الکریم منقول است که گفت رفتم بخانه آن حضرت دیدم که سه کبوتر سبز
 در خانه آن حضرت بود عرض کردم اینها خانه کمرشیف می کنند حضرت فرمود که مستحب
 است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله وسلم یکجفت کبوتر شریخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله
 علیه و آله چاهی کنده بودند خبر دادند آن حضرت که جنسیان بان چاه سنگهای اندازند
 حضرت آمدند و بر سر آنچاه ایستادند و فرمودند که دست ازین عمل بردارید و اگر نه کبوتر را
 فدایا جا بیند هم پسند نمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از آن محمد بن کزیم منقول
 است که گفت آنحضرت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم یکجفت کبوتر در منزل حضرت
 دیدم که کبوتر سبز بود و قطعاتی پدید داشتند و کبوتر را ده سیاه بود و حضرت نان بر آن

آنها را بر روی بگردانند و قسم بخورند که اینها در شب حرکت نمی کنند و مؤمنان من اند و هر مرتبه که در شب
 بال بهم میزنند جنتیان و شیاطین را که داخل شده اند دفع می کنند و در چند حدیث از حضرت
 صادق علیه السلام نقل است که کبوتر را که بجای دو بر خیزد تا منی سرخ راه از روی دامن
 می رود و بر میگردد و آنچه زیاده از من است از روی دامن می نیست بلکه آن خودش قفسه بر گزلی آورد
 و در چند حدیث منقول است که کبوتر خانگی یا کبوتر یا یهود یا خدا بسیار می کنند و اهل بیت را دوست
 میدارند و صاحب خانه را و عامی می شنند که خداوند تعالی شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که خروس بال کشاده بغی می که در خانه باشد آن خانه و هفت
 خانه دور آن خانه را از بلا نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر دو نیک بهتر است از هفت
 خروس تنقید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یا رمن دیار هر مؤمنی است و از حضرت
 امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت است از خصلتها پنج غیران
 سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نماز و بسیار جماع کردن و غیث و از حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام منقول است که فریاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که گوشه نام دهد خروس را که از برای
 نماز مردم را بیدار میکند فصل پنجم در نگاه داشتن کوفته و در خانه و در حدیث موثق از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که هر آن خانه که یک کوفته نگاه دارد و خدا روزی آن کوفته را بایشان
 میدهد و روزی ایشان را زیاده میکند و فقر از ایشان یک منزل دور می شود و اگر دو کوفته
 نگاه دارد خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کند و پریشانی از ایشان دو منزل
 دور می شود و اگر سه کوفته نگاه دارد خدا تعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کند
 و پریشانی از ایشان سه منزل بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر
 اهل خانه که نزد ایشان کوفته شیر دهد باشد هر روز دو مرتبه ملائکه را ایشان میگویند که خدا شما را
 برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که در خانه
 او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملائکه را ایشان را دعا کنند که مظهر پاک شما
 و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد آخرت شما و اگر شیرده باشد هر روز

و مرتبه ناکب چنین و خاکند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 باینکه خود فرمود که چه مانع است از آنکه در خانه خود بکشی نگاه داری گفت یا رسول الله بکشت
 کدام است فرمود که گوشتی که شیر و در پیش نهاده بود که هر که در خانه او گوشت نهاده یا بز شیر
 یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانه او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه چیز
 برکت فرستاده است آب و آتش و گوشت و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که هر اهل خانه که سی گوشت هر پسین داخل خانه او شوند ملائکه نگاهبانی ایشان می شوند
 ماصبح و در حدیث دیگر فرمود که گوشت نگه دار و شیر نگاه دار و حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم فرمود که نیکو مالی هست گوشت و در حدیث دیگر فرمود که چون گوشت نگه داری
 خوابگاه ایشان را نیکو و پاکیزه کند و خاک را بدین شان پاک کند فصل هشتم در بیان احوال سائر
 طوایف و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان رواست یا روا نیست و در حدیث معتبر منقول
 است که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند که او خنجر
 میبرد و فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید قتل قتل قتل یعنی نیست
 شویدیست شویدی پس فرمود که من آنرا دفع میکنم پیش از آنکه او را دفع کند پس فرمود که آنرا
 کشتند و در حدیث دیگر منقولست که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسماعیل فرستاد
 خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت فرمود که احمی نمیدانید چه باعث
 شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته نگزیدانی که این شوم است و مگر نیدانی که نفرین
 میکند صاحب خانه را پس آنرا نیت کشید پیش از آنکه او شمار نیت کند و در حدیث معتبر
 منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام شسته بودند شخصی گشت و پرستگشته
 در دست داشت حضرت جرئت بردند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا
 عالم شما کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدستیکم مرا خبر داد پدرم از جانش
 که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود از کشتن شتر جانور کشتن عسل و مورچه
 و قورچ و هر چه در پرستگاه اما کس عسل زیر که پاکیزه بخورد و پاکیزه از و جدا می شود و آنرا
 چیزی که خدا با و وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است

و اذ اوتی امرتک الی النبی و اما مورچه زیرا که فحطی در زبان حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام
 به هم رسید و آن حضرت بطلب باران با اصحاب خود بیرون فرستند آنگاه مورچه را دیدند آن
 حضرت که بر پایستاده دست آسمان دراز کرده و میگوید که پروردگار ای از جمله پیغمبرهای
 تویم و از روزی تو بی نیازیم پس برود و بده باز از نزد خود و از گنجینه های بهشت و از فرزندان
 آدم علیه السلام پس حضرت سلیمان علیه السلام فرمود که برگرد و بگو که حق تعالی شما را بدعا می داند
 باران داد و اما وزع زیرا که چون نمود آتش بر آن حضرت ابراهیم علیه السلام بر فرزند
 جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزد حق تعالی به چنگ رخصت
 نفرمود و پیغمبر پس دوشت او را آتش سوخت و یک شمشیر باقی ماند و اما چه زیرا که آن
 دلیل حضرت سلیمان بود و بگو که ملک بقیس و اما صر که آن مرغی است که سر بزرگی دارد و بگو که
 شکار میکند زیرا که راههای حضرت آدم علیه السلام بود از بلاد سرزمین تا بلاد جدید یک ماه
 و اما پرستک زیرا که گردید آن در هوا بر آسمان و اندوهی است که بر مظلومیت است
 رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم دارد و بهر شیخ خوانند سوره حمد است مگر نمی بینی که در
 آخر خوانندگی خود میگوید و الا الضالین و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی
 علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند
 از کشتن بیدار فرمودند که آزارش مکن و مکش و فوج مکن که نیکو مرغی است و در حدیث
 دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام و الثناء منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه
 و آله و سلم نمی فرمود از کشتن مورچه و صوم که مرغی است در میان نخاستان پستان
 و معروف است و مگر عمل دهد و مورچه و ذرع و امر فرمود و کشتن مورچه جانور کلاله و گور
 گور و آرد و مقرب و مگس درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم فرمود که هر که ماری را بکشد چنان است که کافری را کشته است و در حدیث منقول
 منقول است از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که حضرت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ماری را بکشد که کشتن آن گناه است
 از من نیست اما اگر از راهی این کشتی که حیوانی است و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث

و دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود از آنکه حیوانی را با تشنه بگویند
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی عذاب فرمود و را از تشنه برای آنکه اگر بپایست
بود تا از تشنه گی مرده بود و در حدیث معتبر منقول است که باکی نیست که پشتمن مورچه نخواهد آزارت
بخشد و نخواهد کند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که پست که
صورت بدارید که زیاده از نیمه مرغان نیستن مردم میگیر و در فکری که میکنند سوره خمین خواند و در
حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در هر بال هر پرنیان سه سیئه نوشته
است که ال شکیل خیر و البرکة یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بهترین خلایق اند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید هو چه را و دشنام ندهید و در بید
باطفال که باز نمی شنند که تسبیح خدا بسیار میکنند و تسبیحش اینست که لا اله الا الله تعالی
علیه السلام یعنی لعنت کند خدا دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن
الحسین علیه السلام منقول است که آن کاکلی که بر سرش بوجبه است از دست مالیدن حضرت
سلیمان علیه السلام بهر سینه است زیرا که روزی که با ناده خود خواست که جمع شود
و ناده مضائقه میکرد و نگفت میخواهم که فرزند می بهم رسد که خدا را یاد کند پس ناده راضی شد
چون خواست که تخم بگذارد و نگفت که تخم را کجا میگذاری گفت میخواهم که دور از راه بگذارم
نگفت اگر نزد راه بگذار می بهتر است که اگر کسی باید گمان کند که بر او دانه چیدن با نجا آمده
است آن چنین کرد و چون نزدیک شد که جوجه ببرد آن ناده را نگاه دیدند که حضرت سلیمان
علیه السلام بالشکر شش آید و مرغان بر سر سله کرده اند و ناده گفت اینک سبیلان
بالشکرش رسید و میترسم مارا و تخم مارا با مال کنند و نگفت که حضرت سلیمان مرد در حسیم
و مهربان است ایان نزد تو چه چیز می است که بر آن جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلی طایفه
که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو چیزی بر آن جوجه خود خیر کرده ای گفت بل
خجسته دارم که از تو پنهان کرده ام بر آن جوجه خود و ناده گفت که پس از خرابی خود را برو
و من را بخود را بر می دارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان رسید و ناده را بخود را میگذارد
و حاجت خود را عرض میکند و سلیمان را میگوید و ناده را بخود را میگذارد و ناده را بخود را میگذارد

و با و ده پنج گال گرفت و هر دو پرواز کردند و بنجد دست حضرت سلیمان آمدند و آنحضرت بر روی
 تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید و ستیبار کشود و زیر دست راست آنحضرت نشست
 و با و بر دست چپ آنحضرت و حضرت از حال ایشان سوال نمود و قصه خود را نقل کرد و در بیان
 هدیه ایشان را قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست ببرد
 ایشان را مالید و دعا کرد بر ایشان بیکت پس باین سبب این کار کل بر سر ایشان بهر سبب
 و در چند حدیث معتبر وارد شده است که چو چرا از ایشان شکار کنید بلکه بگذارید که پرواز
 کنند بعد از آن ایشان را شکار کنید و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشان را شکار
 کنید که شب در آن ماند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
 که بای نیست شب مرغان را از آشیانه ها گرفتن لهذا اصلاً گفته اند که مکرده است شب مرغان را
 شکار کردن و چو چرا از ایشان گرفتن و هم چنین حیوانات را در شب تن مکرده است و در
 حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طائوس
 میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حشش نیاده از خروش و سسید نیست و خروش خوش آواز
 تر از آنست و کبرش بیشتر است و ترا آگاه میگرداند در وقت نماز با و طائوس نرسین و دلیل
 و عذاب بر خود میکند بآن گنایمی که کرده است و بآن سبب منخ شده است و در حدیث
 دیگر منقول است که طائوس بیجا بنجد دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از
 پرسیدند که تو بی طائوس گفت بلی حضرت فرمود که طائوس مرغ شومی است که بسا حجت صحیح
 گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث دیگر منقول است که سالم بن جریث
 آنحضرت رفت چون شصت جنی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی که چه میگویند
 گفتند فرمود که میگویند که خداوند ما آفریده چندی از آفرید بای تو و چاره نیست ما را
 از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام زین
 العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که ایشان تسبیح پروردگار خود میگویند و طلب
 روزی خود از خدا تعالی میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
 که چند روزی از سابق در خانه ها بایم کرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد

و طعام بنزدش میرختند و نیز در و چون حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند از آبادی
بیرون رفتند و در راه با دو کوبه او همراهی کردند و گفتند که ای حسین بن علی بن ابی طالب
را می کشیدند و این ستم از شما که مرا کشیدند و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که تا حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند بعد از آنکه پیدایش خود را بین
در شب پیدای شود و از آن روز تا روزی که در آبادانی جاگیر دو پیوسته روزها روز و شب
و اندوهناک و چون شهید می شود و افشار می کنند و پیوسته ناله و گریه می کنند چنانچه حضرت امام حسین
علیه السلام را هیچ دور حدیث دیگری از آنحضرت منقول است که اگر نه این بود که گرسنه طعام مردم
می شنیدند و اینهم که گرسنه می خوردند و پیوسته می شدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که چون گرسنه و ناله طعام را آنکه پیوسته آنرا غوطه دهید و بسیندای
که در یکجا بالش نهاده است و در بالای آن گیر شفاست و آن بال را هر گاه که راد را آب و طعام فرو
سپرد و شما آن بال دیگر را بر زمین نهاده و بر آن که سر زنده و فصل نهاده و منع از نگاه داشتن رنگ
در خانه و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر ده است که در
خانه مسلمان نه گرسنه بوده و پخته و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هیچ کس نیست که سگی در
خانه نگاه دارد مگر آنکه هر روز از آن آب مالش کند و غیر اطعمه می شود و در حدیث صحیح از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقول است که غیر از این نیست در سنگها اگر رنگ شکاری یا سگانه بگذرد
و آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در حدیث موثق که نگاه بر اینگاه
شکاری را در خانه مگر آنکه در میان او و او در آب باشد که بر سر و آن بسته شود و در حدیث موثق
و دیگر نه بود که سگهایی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که سگها از ضعیفان جن اند هر گاه طعام خورید و سگی حاضر باشد
یا طعامش برپیداد و درش کشید که نفسهایی بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که سگی که سیاه یک رنگ یا سفید یک رنگ یا سرخ یک رنگ بود و با سگهای دیگر از جن اند و
سگهایی ابلق شده اند از جن و آنس و در حدیث صحیح از ابو حمزه منقول است که گفت
در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان که مدینه ناگاه آنحضرت

گفتند پس بپایب سگ سیاه بکری را و بپزند فرمودند که چیست ترا خدا قبیح گرداند ترا
 چه بسیار تند میروی ناگاه و پیدم که شبیه بخری شد و پرواز کرد و پرسیدم که این چه چیز بود
 فرمود که این عجم نام دارد و یکسختی است درین ساعت هشتم مرده است او
 پرواز میکند بر شکر و خبر مرگ او امیر ماند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم نخست و او نجاعتی را که خانه های ایشان دور باشد از آبادانی که سگ
 نگه دارند در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از پی
 همکاری بسیار مرید که بیم ضرر است بشما چون مدامی سگ و فریاد خورال شغوبید پناه بر
 بنده از شر شیطان جیم زیرا که آنها می بینند چیزی چند که شما نمی بینید و در حدیث
 موثق منقول است که حیوانات را باید بگزین سگ انداختن خوب نیست مگر سگ را
 که نیازند بر حیوانات بر آشکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که هر حیوانی
 را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا بچ کن و اگر جان نداشته
 باشد حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر
 شکار کند یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی و سیکه جان داشته
 باشد و آنرا بکشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر بکار یا به تیر
 بی پیکان که در بکش فرود و آنرا بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد آنرا بچ کن و اگر
 جان نداشته باشد حرام است و اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلال است و همچنین
 بشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر سگ یا تفک یا کمان بکشد و
 سایر چیز را که آهنی ندارد و سبکی میگذشت شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد و بچ کنی
 حلال است و اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول
 است که شکاری که سگ سیاه بکشد یا بکشد که خوریدند یا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم امر فرموده که چنین سگی را بکشند و حاصل برکرات است کرده اند و همچنین سگ
 دارد و شده است از خوردن شکاری که سگی بکشد که به و سی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم
 کرده باشد و این را حل نیز برکرات است کرده اند و همچنین مکرده است مایه را شکار کردن

در روز جمعه پیش از نماز و در شکار یا هر چه طاعت است که آنرا زنده از آب بدر آورند و در بیرون بچ
 بگردانند و در میان آب ببرد و حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از او
 بگیرد و در دست مسلمان ببرد حلال است و هم چنین اگر باهی خود در کنار بقیعه و مسلمان او را بگیرد و
 زنده باشد حلال است و اگر بپسند که زنده است و دست گرفته بگیرد و خلاف است و احوط
 است تناب است و شکار با آن میشود که مسلمان آنرا بدست خود یا آلت شکار بگیرد و ملحق که
 بپر و از نیاید باشد حلال نیست و بدانکه شکار پر و دلب گردن که مطلب از آن سبزه کردن
 باشد باین نحو که زنده اند از دهان نیست و نماز را در چنین قسمتی تمام میباید کرد و روز را
 میباید گرفت و اگر مطلق یعنی عیان با تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روز
 میخورد و این سه گانه بخشش و مصلحت احکام شکار را در از محاش طلب باید کرد و فصل دوم
 در آداب چراغ افروختن و خانه خردن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن قاتل است یعنی موش
 مستیله را نکشد که آتش در خانه بیندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که چهار چیز است که ضایع میشوند و کسی از آنها مستفیع نمی شود یکی چسبندگی در راه تناب
 روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است
 که ضایع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند و غن ضایع میشود و از روشنائیش مستفیع
 نیست و آن شده و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد و باران ضایع میشود و از زمین بعضی حاصل نمی شود
 و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و در فکسی بپاورد که او سیر باشد مستفیع نمی شود و زن
 خوشه دمی را که عروس بخشد و برای شوهر عتقین بپزند و یکی که شخصی بخشد که شکر نکند و در حدیث
 دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب
 پریشانی را بر طرف نمیکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبره دیگر از حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر است دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه
 در پیش روی او چراغی یا آتشی خسته و خفته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون
 چراغ را باندرون خانه بیاورند این دعا بخوانند **اللهم اجعل لنا نوراً** بخشی به فی الناس

وَلَا تَحْزَنْ مِمَّا تَقُولُ لَكَ رَبُّكَ إِنَّكَ تَقُولُ بِاللَّهِ الْإِلَٰهَ الْأَوَّلَ وَحْدَهُ
 مَسْنُودًا يَنْدَعِبُ مَا يَخْتَارُ اللَّهُ مَا خَرَجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَوَدَّاعًا دَيْتَ مَعْبُورًا وَحَضْرَتِ
 رَسُولِ صَلَّی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ خانہ بخر و سنت است کہ ولیدہ مہمانی بکنہ
 و درہدیش معبر دیگران نہ فرستہ منقول است کہ ہر کہ خانہ سازد پس کہ سفند فی سبیلہ بکشت
 و گوشتش را ببرد ہم پریشان بخوراند پس بگوید اللہُمَّ اذْخِرْ عَنِّي مَرَدَّةَ الْجَنِّ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَ الشَّيَاطِينِ وَ بَارِكْ لِي فِي بَنَاتِي خُصَّالِي وَ فَعِضْ خُرْمَتِي وَ انْجِنِ جَنِّ النَّاسِ بِطِينِ اَنْ وَ بکنہ و ان
 خانہ ساختن را از برای او مبارکست گر و اند فضل یازد ہم در بیان صائر آداب خانہ و در حدیث
 معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ گرامت وار د کہ آدمی در خانہ
 شب بروز آورد کہ در می و پروہ نہشتہ باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صَلَّی اللہ علیہ
 و آلہ وسلم منقول است کہ کسی اند کہ خُصَّالِ اُحْضَظْ وَ حَاجِبِ خُودِ رَا اَنْ اِشَانِ بِرِ دَارِ وَ کُشِیکِ
 و خانہ شکستہ نازل شود و نہ سبک ناید و کُشِیکِ در میان را و نازد کند و کُشِیکِ بہار پانی خود را
 سرد و مندی بر آن نگذارد و کسی بر آن نگارد و در حدیث معتبر صحیح از حضرت صادق صلوات اللہ علیہ
 منقول است کہ صاحب خانہ پانی نہایت خود را جار و کُشِیکِ و شعیبہ شود بہر چہ و ان کہ ایشان جار و
 کُشِیکِ سفند و در روایت معتبر از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول است کہ خاک رو بہ خانہ
 را شیب در خانہ نگذارد بہر و ان برید کہ شیطان در ان جایگہ و و حضرت امام محمد باقر
 علیہ السلام فرمود کہ خانہ را جار و کُشِیکِ پریشانی را بر طرف می کنند و حضرت رسول صَلَّی اللہ
 علیہ و آلہ وسلم فرمود کہ خانہ شیطان در خانہ پانی شمای چائی است کہ عنکبوت می تند و در حدیث
 معتبر از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ زبان ظرف چائی آفتاب و طعام را بہ بندید و در
 خانہ را بہ بندید کہ شیطان را بہ (ظرف رستہ زنی کشاید و چراغ را خاموش کشید کہ موش
 انگش در خانہ شمشیر از و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و
 سلم فرمود کہ اگر خانہ بیرون می آمدہ برای خوابیدن در روز شنبہ بیرون می آمدہ و چون
 بہ کعبہ می شد داخل خانہ می شد نہ بہر خوابیدن در روز جمعہ داخل میشدند و در حدیث
 صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ بر کو قبری بول یا خا لکند یا بہ

بول کند یا در آسب تهاوه بول کند یا در خانه تنجا بنجا بدیادست آلوده بطعام بنجا بد و شیطان او را
بگیرد و دیوانه بکند دست از او بر ندارد و هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد والا مانند این را چو
بدرستی که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بجنگی میفرستند و بوا دی رسیدند که در آن جن
سیار بود و در میان اصحاب خود اندک روزی که هر روزی است یکدیگر را بگیرد و داخل این و آن
شوی و بیچسب تنجا زد و یک شخص تنجا رفت و او را صرع گرفت بجفرت خبر دادند حضرت انکشت
چنین او را گرفتند و فشرودند و گفتند بسم اللہ اخرج خبیث انار رسول اللہ پس آن شخص
مترش را اهل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که و کجا
فرود آید گفت بد فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی هست بازو گفت نه حضرت فرمودند
که در خانه تنها باش و از آنجا بنجا دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی حسد ندارد
مثیل آنکه در خانه تنجا باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است
که در دست مال گوشت را شب در پورت گذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاک رویه
در پشت درج کسب که آن خوابگاه شیطان است و چون بدختر خود پرسید بسم اللہ
گوئید که شیطان میگردد و چون داخل حجره شود سلام بکنید که برکت نازل می شود
و آنکه آنس میگردند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است که خاک رویه را
شب در خانه نگذارید و روز بیرون برید که آن جای شستن شیطان است و از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقول است که پاک کنید خانه های خود را از غنکبوت که گدازشتن
آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که شستن طر فها و جارب کردن خانه ها و ساحت اندرون و بیرون خانه روزی را زیاده
میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که تنیده عنکبوت را و خاک رویه را
در خانه گدازشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است
که ستمالی که از آن دست را پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در پورت
گذارید که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که طر فها خود را بی سروش گذارید که طرفی را که سرش را تنیده شیطان در آن

و من بجه اندازد از آنچه در آن هست آنچه میخواهد ببرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چهار پایان اطفال و یاران خود را می افطت نمایند بعد از فرو رفتن آفتاب تا وقت خفتن که درین بابین شیاطین بر ایشان استولی میشوند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه بکشد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش خلعت برائی من نخواست است و من میخواهم سرگامان از فرزندان من و بیجان ایشان با دست و ریش و جامه خود بازی بگردانم و نماز و محش گفتن در روز روزه و سنت گذشتن بعد از تصدق و جنب بسجده رفتن و در قبرستانها خندیدن و برخانهائی مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در محبسه بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه درگاه آن محبسه نظر کرد حضرت فرمود اگر نزد یک سیب و دم چیت را کور میکردم فصل و دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بعد از یک خواب اول شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در نیوقت پهن میشوند در زمین و آنچه می نمایند می کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون از خانه بیرون رومی بگویند بسم الله امنت بالله تو کلت علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله که چون این را بگوئی ملائکه بروی شیاطین میزنند و ایشانرا از تو دور می کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله ملائکه باو میگویند که سلامت مانی پس چون بگوید لا حول ولا قوة الا بالله ملائکه باو میگویند که کار بایت ساخته شد پس چون بگوید تو کلت علی الله ملائکه باو میگویند که از بلاها نگاه داشته شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون پدرم از خانه بیرون می آمد این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول الله وقوته لا حول ولا قوة بل بحولك وقوتك يا رب متعزضا ليردك فاتي بي غافية و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که چون کسی داخل خانه خود شود بر ایشان سلام کند و اگر اهل بیته باشد بگوید السلام علینا من دینا و چون داخل خانه می شود

سوره قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خوابد که بی حاجتی برود
باز در درخت شنبه برود و آیات سوره آل عمران که پیش از شستن آن در خلق السموات و الارض
آنک لا تخلف البعاه بخواند و آیه الکری سوره المائده و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون رود بگوید اللهم توكلت على
الله ما شاء الله لا قوت الا بالله اللهم اني اسئلك خيرا ما خرجت له و اعود بك
من شر ما خرجت عليه اللهم اوسع علي من فضلك و اتمم علي نعمتك و استعملني
في طاعتك و اجعلني راعيا فيما عندك و توفني في سبيلك و على ملتك و صل
رسولك صلى الله عليه و آله و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بپا مرزد و توبه
قبلش و کارهایش را بسازد و او را از بیدها و شرنگاه دارد و دعائیت اعوذ بما عادت به
ملائكة الله و رسله من شر هذا اليوم الجدید الذي اذا غابت شمسه لم تحل من
شر نفسي و من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لا ولیا له الله و من
شر الجن و الاشرار و من شر السباع و الطیور و من شر کوب الحاریم کلها اخیرو نفسي
بالله من کل سوء و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت
بیرون رفتن از خانه سه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و حفظ و حمایت الهی باشد تا به خانه خود
برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواند
اللهم بك خرجت و لك اسمت و بك امنت و عليك توكلت اللهم بارئني في
يومئ هذا او امر دفتي فؤنه و فتحه و قصره و ظهوره و هداة و بركة و اصرف
عني شره و شر ما بينه بيني الله و بالله و بالله اكبر و الحمد لله رب العالمين اللهم اني
خرجت قباري في خروبي و انفعني به و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که
چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بالله اخرج و بالله اكل
و على الله اتوكل سه مرتبه پس بگوید اللهم افتح لي و جبي لهذا الخير و اختم لي بخير و قتي
شر كل افة انت اخذ بناصيتي ان ربي على حرام مستقيم چون این دعا بخواند پیوسته

در زمان حقیقی باشد تا برگرداند و از آن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند
حَسْبُكَ اللَّهُ يَا مُؤَيِّدُ كُلِّ مَخْلُوقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أَمُورٍ كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِهَا الْآخِرَةِ وَوَرْدِهَا
و دیگر منقولست که چون آنحضرت صلی الله علیه و آله بیرون آمدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ لِأَحْوَالٍ وَلَا خَوْفٌ إِلَّا بِاللَّهِ وَآزِجُ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّهِ السَّلَامُ منقولست
که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه گنجانست تر خود را بکف دست بگیرد و در آن کف
و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَّثَكَ لَا شَرَّ لَكَ كَمَا اَمَنْتُ بِمَنْ اِيَّاهُ
وَعَلَّاهُ يَتِيمٌ دُرُوزَنَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ
بیرون آمدن از خانه بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ
پس سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیه الکرسی
هر یک را از جانب پیش رو پشت و سر و جانب راست و جانب چپ و بالا سر و پائین پا
بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ
وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ وَحَدَّثَكَ بَسْمِ اللَّهِ
و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِيَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسی که تحت الحما
یست از خانه بیرون رود آنکه بسلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون بطلب حاجتی بیرون رود و در روز بروید که در شب حاجت
برآورده نمی شود با کسی بیرون رود و آب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت
و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن فصل اول در سوار شدن اسب و ستر و لاغ
و انواع هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از سعادت آدمی است
که چهارپایی را رهبری داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپایان را

که زینت شماست و کارهایی شما بآن ساخته می شود و روزی شش بر خد است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که از بدی زندگانی است چهارپایی بد دشتن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که چهارپائی بخسود و از او ریش از دست و روزی شش بر خد است و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپائی داشته باشد که برای حوائج خود و کار سوار بر او را ن مؤمن بر آن سوار شود و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود بیونس بن یعقوب که الاغی نگاهدار که بارت را بردارد برستی که روزی شش بر خد است را وی گفت که الاغی خسودیم چون هر سال حساب خرج خود کردیم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از اهل بیت پیغمبر پرسیدند بر چه چیز سوار میشوید گفت بر الاغی فرمود که بچند غریزه گفت بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این سوار است که الاغی بخسود باین قیمت و یا بوی که گفت خرج یا بوی بیشتر است فرمود که آن سیکه خرج الاغ را میسر سازد خرج یا بورا هم میسر سازد مگر نیمی دانی که هر که اسپ نگاهدارد و انتظار خسود و جابا بسببیت بکشد و دشمن یا را بخسود آورد نگاه داشتن آن اسپ حتمی روزی شش بر سازد و سینه اش را کشاده گرداند و آرنجهایش را بر آورد و یا و را دست بر حوائج او و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند سوار شدن شخصی از مخالفان گفت که این چه چهارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دوامد و بر رو آن جنگ نمیتوان کرد و حضرت فرمود که رفعت و فرستاد اسپ را ندارد و بذلت الاغ را ندارد و بهترین وسط آنها است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بندد اسپ پیر و یا و بدی را هر روز از نام عمل او سه گناه محو شود و یا نده سه نوشته شود و هر که اسپ پیر بندد که یکی از مادر و پدرش غیر عربی باشد هر روز و گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه بر او نوشته شود و هر که یا بوی به بندد بر زینت خود و بر آوردن کارهایی خود یا دفع دشمن خود و بر و زینت گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه بر او نوشته شود و در روایت معتبره از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خیر نیکی بر پیشانی سپان بسته است تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که

نگاهدار و اسپ رخ موئی که در پیشانی سفیدی بسیار پاکمی بود و سپید و اگر سفیدی پیشانی نباشد
آمد باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانه که در آن چنین اسپ
باشد فقر و پریشانی داخل آنخانه نمی شود و مادام که آن اسپ در ملک آن شخص داخل است ظلم
در آنخانه داخل نمی شود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از خانه خود یا از
خانه دیگری بیرون آید در اول روز و اسپ پاک پیشانی سفیدی را ببیند که در دست و پایش
هم سفیدی باشد در آن روز بجز از خوشحالی نمی بیند و اگر سفیدی پیشانی تا پائین آمده باشد پس
نهایت خوشحالی در آن روز او را رود و اگر بی کاری رود و چنین اسپ را ببیند آن حاجتش
برآورده شود و حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله چهار اسپ
از زمین بهدی آوردند بر آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که در میان آن
اسپی است که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که بلای اسپ
آن نشان دار است فرمود که آنرا برای من نگاهدار باز فرمود که دو کهر نشان دار است فرمود که
آنرا برای من نگاهدار پس فرمود که چهارم اسپ سیاه یونگ است
فرمود که آنرا بفروشن قیمتش را صرف عیال خود کن که مبارکی و مینت اسپ در نشانهاست
سفید است و گویا حدیث مراد نشان سفید است و پاسبان و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که چهار پایان بکرنگ بودن گرامیست دارد که الاغ و ستر و نشانهای سفید در الاغ
و ستر گرامیست دارد و نشان سفید در پیشانی ستر گرامیست دارد مگر آنکه سفیدیش تا پائین
کشیده باشد و آن اهم بر خوب نیست و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که بهترین
چهار پایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که نیکترین
اسپ در سرخ و در سیاه پیشانی سفیدی است که دست و پایش سفید باشد و دست
و پایش سفیدی داشته باشد و از طرخان دلال چهار پا منقول است که حضرت صادق علیه السلام
از من طلب میداد ستر سیاهی که ز پر شکم و میان پایهایش و دهانش سفید باشد فصل دوم در ادب
نگاه داشتن در رعایت حقوق چهار پایان در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که چهار پا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتداء کند بجلف دادن آن

چون سه دو آید و هرگاه که آب رسد آب را بر و عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر و پیش چیزی نبرد
که تسبیح پروردگار خود میکند و بر و آن سواره نه ایستد و در وقتی که چهارگسند در راه خدا
زیاده از توانائی آن بارش نکند و تکلیف رفتار آنقدر نکند که طاقت داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده از فرسودگی بر و پیش مانع نکند و از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که چهارپائی را بسفر برد چون سه دو آید
او را آب و حلف دهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر کس یک چهارپا را در یاف سوار شود که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیشش شسته است
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را دیدند که بارش پیشش است و پایش بسته
است فرمود که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد که این شتر را او در قیامت نصرت
خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست که قطار شتری از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت
دیدند که بار یک شتر کی شسته است بصاحب شتر گفتند که حدالت کن بر این شتر که حدالت
دوست میدارد و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بست حج کردند بر شتری و یکس تا زیاده بر آن نروند و در احادیث معتبره منقولست که هیچ
صاحب رجی را چیزی بر و پیش مرنید که تسبیح پروردگار میگویی و هر چیز را حرمی است و حرمت
حیوانات در و ایشان است و از ابوذر غفاری رضی الله عنه منقولست که چهارپایان میگویند
که خداوند مالک ملکوتی بامر است فرما که رفیق و مدارا کند با ما و نیکی کند با ما و آب و حلف با بخوراند
و علف و تعدی بر ما نکند و بدو سفند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که هر دایه که صاحبش خواهد که بر و سوار شود در آنوقت میگوید اللهم اجعله
لی رحیمًا خداوند او را بمن مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در زبده الاغ خود را آب میداد از پرسید که مگر
کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
که فرمود تسبیح و این نیست مگر آنکه هر سوار از خدا سوال میکند که خداوند او را در و کن مرا صاحب هست
ملکوتی که مرا از حلف سیر و از آب سیراب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب

میخواهم که خود آنرا آب و هم و در حدیث موثق از صفوان شتر و از منقول است که گفت شتری
 برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدیم بهشتاد و نهیم چون بخدمت آنحضرت بروم فرمود
 که آیا کجا و همیشه تواند برداشت پس من کجا و در آن بار که در دم و بخدمت عرض کردم حضرت فرمود که
 اگر هر دم بدانند که حقیقی چهارپایان ضعیف را چگونه توانائی بار برداشتن میدهند پس هرگز
 چهارپائی گران نخسند و در حدیث دیگر از این پیغمبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام دید
 که من پیاده راه میروم فرمود که چرا سوار نمی شوی گفتم شتر ضعیف است میخواهم که بارش بک
 باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا آب و توانائی بر دشتن میدهد و در چند
 حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بر کوهان شتری شیطان نشسته
 است آنرا کافر مینماید و نرم کنسید و نام خدا بر آن برید و وقت سوار شدن و بار کردن و در
 حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هفت مرتبه آنرا بچ بزند و در موقف عرفات حاضر
 شود البته حقیقی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه
 بار و شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بر شتر پیاده و در سوار شود
 و خود را از آن پسنداند و در وقت پائین آمدن و ببرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه
 چهارپا در زیر کسی سوار آید و صاحبش با و بگوید که نقت یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید لعن الله
 للرجل یعنی هلاک شود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در حدیث معتبر از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر را بهرم کند او را بزند و در سبب آمدن فرزند او را
 و در حدیث دیگر فرمود بر سوار چهارپا پیاده و پائی دیگر نکند از ید یا آنکه بیک جانب میل کنسید
 و شتر را مجلس مکنسید که ایستاده بر روی آن صحبت بداری بلکه قوتیک راه نرو پس بدانید
 و چون خواهید به راه روی سوار شوید و از حضرت علی بن حسین علیه السلام منقول است که حیوانات
 از چهار چیز غافل نمی باشند پروردگار خود را می شناسند و مرگ را میدانند و فدا ده را می شناسند
 و چراگاه خوب را میدانند و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت باید از زمین
 برای راه رفتن فرسود که اگر آن روش که در وقت جمع بطویل بروی و در آنرا بن فصل سوم
 و آیات بن و انجام بدانکه احوط و ادلی آنست که زمین و انجام هیچ یک طلا و نقره نباشد و نیت

است که بالمش میان زمین و آتوک که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند
 حسی بر نباشد و سرخ نباشد و زمانه بر زمین سوار شدن که است شدید دارد و در احادیث معتبره
 وار شده است که از جمله علامات بدی که در جسم الزمان ظاهر شود آنست که زنان به زمین حاشوند
 و روایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زمین مرکب مغنوست برای زنان و
 بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که جانر نیست زن را سوار شدن بر
 زمین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر آبی که زمین یا لجام آن نرسیده باشد فرمود که اگر
 روکش باشد که از آن جسد میتوان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار میتوان شد و در
 حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حلقه بینی ناله حضرت رسول خدا صلی الله
 علیه و آله و سلم از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وار شده است که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم از حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که زهار سوار میشود بر شیره شتر که آن را از
 چیزهای است که شیطان بر آن سوار می شود و شیره بالمش زمین است و بالشی است که بر روی
 چهار شتر میگذازند و بر روی شش سوار میشوند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زمین
 الحاد برین علیه السلام بر روی قطیفه سرخ سوار می شدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت
 صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر
 حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشیده و در احادیث
 معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک
 نکنیم یکی سوار شدن بر الاغ جلی کرده و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در بینی هر
 چهار پایی شیطانی است چون خواهیم که آنرا لجام کنیم بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار پایی که نموشی کند و وقت لجام کردن و غیر آن
 یارم کند و گوشش اگر بگذارد و اگر نه بر و بخواند این آیه را اخذ و دین الله یغفون و که استلم
 من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون فصل چهارم در ادب و عیب و آداب
 سوار می بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی بر چهارپای

سوار شود و بسم الله بگوید ملکی بر وی افتاد می شود و او را نگاه میدارند و آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله بگوید شیطان ردیفه او می شود و باو میگوید که خوانندگی کن اگر نتوانی نتوانی
 فرو باو میگوید که از روی باطل محال کن پس او پیوسته در آرزوست تا پائین آید و نه سودی که هر
 در وقت سوا می گوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله العلیّ و الله الذی هدانا لهذا
 لیکن او ما کنّا لیه فیهما فی الاولی ان هدا ان الله سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا له
 مقربین لبسته محفوظ باشد خود و چهارپایش پیوسته و آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 منقولست که هر که سوار شود و آیه الکری بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
 هو الحق القیوم و اتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی فانّه لا یغفر الذنوب الا انت
 حق تعالی بگوید که خطا نیست که بنده من میداند که گناهان را بخیر از من نمی آید و کسی پس گناه شایسته
 که گناهان را از من بدم و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون سوار شود
 بر چهارپایان خدا را بگوید و گوید سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا له مقربین و انّا
 الی ربنا المنقلبون و از علی ابن ربیع منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام چون پا در
 رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون در سوار شدند این دعا خواندند الحمد لله
 الذی کرمنا و حمّنا فی البر و البحر و در قنای الطیبات و فصلنا علی کثیر من خلقت
 تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا له مقربین پس مرتبه سبحان الله و
 سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر میفرمودند پس این دعا خواندند ربنا اغفر لی ذنوبی فانّه
 لا یغفر الذنوب الا انت و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام
 پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا له مقربین و گفت
 مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله گفتند و در روایت دیگر
 منقولست که چون از حضرت سوار ششمی شدند این دعا میخواندند بسم الله لا حول ولا
 قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا له مقربین و انّا الی ربنا المنقلبون
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بر کوهان ششصد شیطان می ایست
 چون سوار آن شود چنانچه خافرموده است بگوید سبحان الذی سخر لنا هذا او ما کنّا

عذر می طلبید پس آنکه بر سر پیکان ناز می نژاد خوش رفتار بآن نخوت و غنچ و دلال سوار میشوند
و بر آسمان و زمین بر رفتار خود منت میکنند و غیر خود کسیر اموجود می شمارند چکر نه عذر خواهند
خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آیا شنیدیم که شما بر سر
چهار پایی خود خوانندگی نمی کنید و آن در زیر نیایش پیچ پروردگار خود می گوید و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقول است که فرمود که چهار پایی من هرگز بسجده و نیاید زیرا که هرگز من بر سر و زرعیت
لکمی نرسانم و گشت زار کسی را با مال نکردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این
فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی ابن جعفر
علیه السلام منقول است که تن را در راه رفتن حسن نموده رومی برود و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که زمان باید که در کنار راه بروند و مردان در میان برود
و در حدیث دیگر فرمود که سوار را حق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و دپایی هر سه با حق
است بمیان راه رفتن از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان هموار راه می رفتند که گویا مرغ بر آب حضرت
نشسته است و می ترسند که پرواز کنند و دست راست آنحضرت بردست چپ پیسته
نمی گرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرگاه راه
رو کسی بر سر و زمین بکعبه و خیال لعنت کند او را بر زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای
زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که کرکوشی کنند امت من از سلطان بدقتی که
از ایشان چیزی طلبند و از روی خشم راه روند پروردگار من لعنتت خود و موگن خورده
است که ایشان را یکس و دیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار
بتحرکت کنند و دستهای ایشان کنند خلایان فارس و روم در میان ایشان
فتند و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود
از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر هر گاهی بر او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو
شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرند که او ستمها
پیغمبر است و بی ستمی است و پیغمبر و پیروان ایشان عصا بدست می گرفتند تا آنکه خدای

و کبر کنند در راه رفتن و دست و پا بر زمین میمالند و بر شانی را بر طرف میکنند و شیطان از نوک
 او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر عاقلی بپاید که بهر جانب که متوجه شود
 اول بیت خود را در دست کنی و عرض محسبی بر حرکت خود قرار دهی و نهی کنی نفس را از آنکه از نماز و
 منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجایب صنع
 الهی بگیری و در رفتار بجزر کنی و دیده خود را پوشی از چیزی که درین خدا پسندیده است و
 پیوسته مشغول ذکر خدا باشی برستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا کرده شود شهادت میدهند
 برائی او در قیامت و استغفار می کنند برائی او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم سخن
 بسیار نگو که خلاف ادب است و اکثر راهپاگیران گاه شیطان است از کمر او غافل میشن
 و چنان کن که رفتن و گشتن در طاعت خدا باشد و زقارت بر آن چیزی باشد که موجب
 خوشنودی خداست برستیکه جمیع حرکات تو در نامه عیلت نوشته می شود و فصل ششم
 در نگاهداشتن ترگا و گو سفند در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکار و در وقت
 در و کردن حق خود را بر دارد و حق خدا را بدیگفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است
 فرمود که شخصی که گو سفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی یابد آنها را بچراند و نماز را
 بجا آورد و زکوة مال خود را بدیگفتند بعد از گو سفند کدام مال بهتر است فرمود که کادی که
 در باد او پسین شیرید گفتند که بعد از ترگا و کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو
 برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرباشه بود که نیکو مالی است و ثمر
 خرباشه هر که آنرا بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلند جسم در باوندند
 آنی مگر آنکه بعضی آن درخت خرباشی پرسیدند که بعد از درخت خرباشه کدام مال بهتر است
 حضرت جواب فرمود که شخصی گفت که چرشته را بفروشد و در وقت ششت و تعب
 و دوری از منزل است و هیچ خرج میخواهد و شام هیچ میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گو سفند
 و قتی که روی میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتی که در میان
 شان مرگ می افتد هم یکیش و میخوری و نقصان نمی کند و گا و قتی که روی میکند رو کرده است

منقولست که هر که چهارپائی چشمه و بر جانب چپ او بایستد و موی پشایش را بدست راست بگیرد
 و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و هر
 سوره خشر لو انزلنا هذ القرآن ان الله و هر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرسول
 تا آخر آیه الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپایان باید از جمیع جنسها و در حدیث موقوف از
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سبزی خواهی بکوبی بگو اللهم انی استخیرک
 واستغفرک چون حیوانی خواهی بکوبی بگو اللهم قلنا فی اهلک و کثرت من منفعة و خیر
 هکذا عافیه و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کرد
 که آیا دانه را بر روی میستوان زد و رویش را داغ میستوان کرد فرمود که بآنی نیست یعنی سوراخ
 نیست اما اگر دانه است چنانچه در حدیث موقوف منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند
 از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی شان داغ میسباید کرد و در حدیث دیگر نه بود که
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمودند آنکه حیوانات را در روی شان داغ بکنند
 یا چیزی بر روی شان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگوشند و در حدیث دیگر از آن حضرت
 پرسیدند از داغ کردن رگ که سفند از آن فرمود که داغ را بر گوش ایشان بکنند و از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که در وقت دوشیدن شتر حیوانات اندک شیری
 در پستان بگذارند تا زود شیری جمع شود و پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیر تری آید و در حدیث
 دیگر فرمود که خوابگاه گو سفند از پا بکنند و آنچه از بینی آنها بیرون می آید پاک کنند و نماز در
 طویل آنها بکنند که گو سفند از حیوانات بدست است و از حضرت امام موسی علیه السلام
 منقولست که صفیر کنی بسیار گو سفند از آن در وقت رفتن و صدای زنی ایشان را بوقت گشتن
 و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که بلکه
 نیست و از حضرت امام محمد بن عیسیه علیه السلام منقولست که اگر دست دار و خصی کردن حیوانات
 و بکنک انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امیر المومنین علیه السلام
 در راهی گذشتند که حیوان نری را بر او می کشیدند در میان راه حضرت روگردانیدند و فرمودند
 که سزاوار نیست که چنین بکنند که این نکر و بیسبب است بلکه باید این را در جای واقعی سزاوار که

مروی و زنی نه بسیند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که
 ونبه گو سفند زنده را میتوان برینسید نمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را با صلاح آوردی
 باکی نیست اما آن ذنبیه سیئه است و از آن تنفع نمی توان شد و بد آنکه مشهور میان علمای فقه
 احادیث معتبره آنست که اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد آنقدر که گوشت و استخوانش
 از آن پرورده شود گوشت آن حرام است و هر چه از گو سفندان معلوم باشد که از نسل او بند
 حرام است و هر چه معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیری خورده باشد و باین حد نرسیده
 باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین بر طرف می شود که اگر هنوز شیر خورده و هفت روز
 شیر گو سفندی را نخورد و اگر او شیر باز کرده باشد از این هفت روز علف و دانه حلال به آن
 بخوراند و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عرض نمود بحضرت امام علی نقی علیه السلام تو
 که زنی بزغاله ماده را شیر داده است تا بحدیکه او شیر باز گرفته است آنرا و احوال از آن بزغاله
 فرزندی بهم رسیده است و شیر میدهد شیرش را می توان خورد و در جواب نوشتند که فعل مکروه
 کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن فصل هشتم در بیان مجمل از احوال و اقسام حیوانات
 و احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغ و حیوانی در دریا و صحرا
 شکار کرده نمی شود مگر آنکه آن سببی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع مرغان
 و وحشیان و درندگان با یک دیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم علیه السلام بلورش گشت
 پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقولست
 که حضرت یعقوب علیه السلام بفرزند خود گفت که زنا نکن که مرغی که زنا میکند پر بالیش می ریزد
 و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون گرگ فریاد میکند میگوید که ای فرزند
 آدم هر روش که زنگانی میکنی آخرش مرگست و باز صد میکند و میگوید که ای دانا می بیناها و
 ی دفع کنند بلا را طافوس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور به عزت خود شدم پس بایز
 را و دراج میگوید ان الله علی العرش استوی و خردم میگوید که هر که خدا را شناخت باو
 و را فراموش نمی کند و متغیفا نگذارد میگوید که ای خداوند حق تویی حق و گفته تو حق است و باشد
 میگوید ای پادشاه آدم بخداوندی تو در روز قیامت و کور کوره میگوید که تو کل کن بزخدا تا ترا

روزی دیدم عقاب میگویی که هر که اطاعت خدا کند بد بخت نمی شود و شاهین میگویی که سبحان الله
 خفاخفا و خجده میگویی که در دوزخ از مردم الهی شتر است و کلاغ میگویی که ای در دهنده بغرست خود حلال
 و کنگار میگویی که خداوند الهی ما را از شر دشمن من و لک لک میگویی که هر که از مردم نهانند
 از آزار ایشان نجات یافت و آروک میگویی که آمرزشش بر این خواهیم ای خداوند و هدی میگویی که بسیار
 شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگویی ای دانی پنهان در آید و او یکی شبیه
 بقمری و سرخ رنگ است میگویی تویی خداوند خداوندی غیر از تو نیست ای خداوند خشک میگویی
 که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا بخشیم آورد و بلبل میگویی لا اله الا الله خفاخفا و گلبک
 میگویی نزدیک است حق نزدیک است حق و سمانا میگویی ای من سر زنده آدم چه خاکی از مرگ
 و فاخته میگویی که یا واحد یا احد یا صمد پس در و سبزه قبا میگویی که ای مولائی من آزاد کن مرا از
 آتش جهنم و هوجو میگویی که سوگوار من قبول کن تو بهیچ گناه کارانرا و کی تو تر خاکی میگویی که اگر
 گناه مرا بیا مری شقی و بد بخت خواهیم بود و شتر مرغ میگویی که محبوب غیر از خدا نیست و پر شک
 سوره حمد بخواند و میگویی ای تسبیح کننده تو بهیچ گناه کاران ای خدا تر است حمد و بره میگویی
 که مرگ بس است برای منی که رفتن و بترغاله میگویی که مرگ زنده بمن رسید و گناه من سنگین بسیار شد
 و شیهه میگویی که در امر بندگی خدا بسیار است تمام می باید کرد و گاؤ میگویی که دست از گناه بردار که تو به
 پیش خداوندی هستی که ادرانی بینی و او همه را می بیند او خداوند عالمیان است و قیل میگویی که
 برای دفع مرگ قوت و چاره سودی نیست و یوز میگویی که عیسایز یا جبار یا تمکب یا الله و شتر
 میگویی که منزله است پروردگاری که ذلیل کننده جباران است تنزیه میکنم او را و آسیب
 میگویی منزله است پروردگار منزله است او و اگر کسی میگویی که چیزی را که خدا حفظ کند ضایع نمی شود
 هرگز و شغال میگویی که عذاب و ذیل بر گناه کار است که بر گناه خود مصر بشند و سنگ
 میگویی بن است معصیتها منی خدا برای خواری پسد گوش میگویی بپاک کن مرا از خدا تر است
 حمد و و باه میگویی که دنیا خانه فریب است و آه و میگویی که نجات دهنده مرا از آزار و اگر گداز میگویی
 بغیر آدم بر حسن و گرنه بپاک شوم و پلنگ میگویی منزله است پروردگاری که بسیار عزیز تر است
 بعض قدرت خود و تنزیه میکنم او را و مار میگویی که بسیار بد بخت است کسی که ترانا فرامی کند ای خداوند

بخشند و عقرب بگوید که بدی میگوید موشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست
مگر آنکه او تسبیحی است چنانکه خدایه نموده است و آن من شئ الا تسبیح و بحکم و لا کون الا
تقفون تسبیحهم یعنی تسبیح چیزی نیست مگر آنکه خدایه تسبیح بگوید و سجده و ثنائی او تسبیح است
و لیکن شایسته تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حیوانی که
منع شد داند و از دهنش اندام آفیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواط میکرد و خرس
اعرابی با دیشینی بود که دیوئی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غسل
حیض نمیکرد و شیر خرمائی مردم را میدزدید و سهیل مرد بود و درین عشاری میکرد و زهره
زنی بود که مردم میگوند که باروت و ماروت از او فریب خوردند و سیمون و حوک جماعتی بودند
از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و چلپاسه گرد می بودند از بنی اسرائیل
که در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مانده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و منع شدند
پس یک گروه ایشان بدیافتند و دیگری صحابه و اما عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور
قصابی بود که ترانده زدی میکرد و در روایت دیگر منقولست که خروس مرد بود که مردم
با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از
برائی شوهر خود محبت میکرد و نموس مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می آید
و اما ماهی دیوش بود و شیر خرمای از درخت میدزدید و سیمون یهودی است که ماهی را در شنبه
شکار میکردند و حوک جماعتی اند که ایمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که موش گر و دی از یهود بودند که ابرایشان غضب گردیده شخصی بود که استهزا
پیغمبران میکرد و پیش از حد منع شد و روز پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از
بجسته و آن بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا میکرد و بصورت سپش منع شد و چلپاسه
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را میزدند و بایشان دشمنی میکردند و
در حدیث دیگر منقولست که عذراشت مردی خلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است
که زهره و سهیل که منع شده اند این دو ستاره میستند بلکه دو جانورند در دریای مجاط و در روایات
معتبره وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میزد بصورت چلپاسه منع می شوند و چند روز

که هرگاه چلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت معتبره منقولست که آنها که مسخ شدند زیاد و از سده رفت
نماند و مردم و حقیقتی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها حرام کرد و اما دیگران
عبرت بگیرند از بدین اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که حقیقتی اهفت صدامت را مسخ کرد و بر آنکه بعد از پیغمبران اطاعت او سبب
ایشان نکردند پس چارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سه صد صنف بدیناقتضی فصل نام
و فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که نیکو یاوریست بر بزرگاری از معاصی خدا و تو انگری و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که چیزی نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع کند یا آن مال
روی خود را بر سوال حفظ کند و قرض نگیرد و اگر بخواه ایشان را حسان کند و حدیث دیگر فرمود که استعانت
بجویند به نیار آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که ملعونست کسی که بار میمال خود را بر مردم سیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا نمی کنیم و دوست میداریم که مال دنیا ببارد کند
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت برای آنکه خرج خود و خیال خود بکنم و صلوات برجم بکنم و تصدق بکنم
و عمره بکنم فرمود که مال را برای اینها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرت است و در حدیث
دیگر فرمود که تو انگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث
معتبره منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد بن عبد الله علیه السلام رسید و در روز
بسیار گرمی دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده بر راه میروند گفت که شما مردی پرهیزگاریستید از
بزرگان اهل قریش مناسب نیست که درینوقت از برای طلب دنیا بیرون آید اگر مرگ
درین حال برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ در میان برسد در وقتی رسید
نخواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری نمیکنم که خود را به عذاب خود را باز دارم از
سوال کردن از تو و از دیگران من از آن بترسم که مرگ برسد و در حدیث معتبره خدا با شما گفت
راست گفتی میخواستم ترانید گویم تو مرا ایند گفتی و در حدیث معتبره از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که حقیقتی خطاب نمود بحضرت داود علیه السلام که میگوید ای داود ای تو اگر از زمین

المال میخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب بود به حضرت داود چهل روز گریست
 پس حق تعالی بآمین و می فرمود که نرم شو برای بنده من داود پس در دست آنحضرت نرم شد
 مانند موم پس هر روز یک زره برست خود میساخت و بهر اندرم می فروخت تا آنکه سیصد
 شصت زره ساخت و از بیت المال استغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق
 علیه السلام احوال عمرو بن سلم را پس گفتند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه
 فرمود که عمل شیطان است مگر نبیدی آنی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تجارت
 فرمود حق تعالی بروج میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نیگردند ایشانرا تجارت و فروختن
 از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز می شدند
 و این بهتر است از کسیکه تجارت نکند و نماز را بدقت خود بکند و در حدیث موثق منقول
 است که آنحضرت عرض کردند که شخصی هست بگویند که در خانه نمی نشینم نماز میکنم و روزه میدهم
 و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من بپوشیده برائی من میرسد حضرت فرمود که این مرد یکی از
 کس است که دعائی ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت
 عرض کرد که میخواهم دعا کنم بیک خادمه روزی ده بار جهت فرسودگی طلب روزی بکنی چنانچه خدا
 ترا امر کرده است من دعا میکنم از برای تو و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را
 پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است گفت که
 در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه نحو میکند و گفت که بعضی از
 برادران مؤمن به احوال او میرسند حضرت فرمود که آن سیکه روزی او را میدید عبادتش
 بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت ابامحمد یا قرطیبه علیه السلام منقولست کسی که
 طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سوال نکند و روز عیال خود را فراخ گرداند و بهسانگان خود
 احسان کند در روز قیامت دعوی او ملتذ باشد چاره باشد و از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله وسلم منقول است که عبادت بهتر از عبادت است و بهترین آنها طلب حلال است
 و در روایت معتبر منقولست که چون در دکان میفروشیدی متاع خود را پهن کردی آنچه بر تو
 بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و در احادیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم

منقولست که در حجة الوداع فرمود بر ستمیکه خبر نیل علیه السلام در دل من دیدم که هیچ صاحب جانی نمیبرد مگر آنکه روزی بمقدور خود را تمام بخورد و پس از خدا تبر سید و نهالنه و طلب روزی کند و در رسیدن روزی نذر و شمار برای آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت حکم شنید زیرا که حقیقتا روزی را در میان خلق حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرد و هر یک سیکه از معصیت خدا پرور و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هر که پرده در می کند و تعجیل نماید و احوال را بگیرد از روزی حلال او همان مقدار کم شود و در قیامت حساب او خواهد کرد و بر آن روزی حسد ام و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر بنده در سوره باشد خدا روزی او را میرساند پس بر مبالغه در طلب روزی نکند و در احادیث معتبره از آن حضرت منقول است که نماز روزی او منازله از جانی چند مقرر فرموده است که گمان ندارد باشد برای آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجایم آید و عابسیار می کنند و در احادیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاده میکند و ترک تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام بنا بر این فرمود که باید ادا برو بسوی چنینی که موجب عزت است یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست که باید ادا بطلب روزی برود و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب حیل الحیات مذکور است فصل دهم در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بر بنده میفرمود که ای گروه سوداگران اول باید گیرید مسائل تجارت را بعد از آن مشغول تجارت شوید و الله که ریادین است خفی تر است از جانی پائی مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ نخورد بدینکه با جرفا جرات و فاجر در جهنم است مگر سیکه حق بگیرد و حق بدد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که خرید و فروش کند از هیچ چیز اجتناب نکند از سود خوردن و قسم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن و شیخ کردن چیزی که فروشد و بدست کردن چیزی که بخرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام هر روز با دودنه را برودن میگوشتند و در بازارهای کوفه می گشتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش می شوید اول خیر خود را از خدا بطلبید و خرید و فروش را بسبب ولایت بکنید و کار را تنگ

بگیرید تا برکت بیابید و نزدیکی و محرابانی کنید با مشتریها و بر دباری راز نیست خود گردانید
و از قسم خوردن و دروغ گفتن کنار گیرید و ستم بر مردم نکنید و با مظلومان انصاف از خود
مدید و نزدیکی ربا و سود و سود و وکیل و وزن را تمام ببینید و تر از دزدی کنید و در حث
دیگر فرمود که نشینید در بازار گر کسیکه مسائل خرید و فروش میداند و هر که با مادی تجارت کند
در بازار خوردن و میوه و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد علیه السلام منقولست که هر که
در آباد و پسین که بازار رود چون پاد بازار گذارد و بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا دَا**
خَبَرُ أَهْلِهَا حق تعالی باو ملکی موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس
باو میگوید که امروز امان یافتی از شد این بازار و اهل این بازار امروز روزی تو شد خیر این بازار
و اهل این بازار با مرخص پس چون در مکان نشیند بگوید **لَشَيْءٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ**
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
مِنْ دَقَائِلِ الْأَطْيَابِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةِ خَائِرٍ
وَيَمِينٍ كَاذِبٍ چون این دعا بخواند ملکی که باو موکلست میگوید که بشارت باو ترا که امروز
درین بازار کسی از تو بهره اش فرادان نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی
از خود گناها را و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال طیب مبارک
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون داخل بازار شود
ایندعا بخوان **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا وَخَّرَ أَهْلُهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ**
شَرِّ أَهْلِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ وَأَلْبَسَ أَوْ يُبْعَى عَلَيَّ وَأَعْتَدِي
أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجَبُودِهِ وَشَرِّ صَفْقَةِ الْعَرَبِ
وَالْعَجَمِ وَخَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و در حدیث
صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازاری بامسجدی بشود و یک مرتبه بگوید **أَشْهَدُ**
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَثِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ
اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
برابر است با یکسج مشمول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید **أَشْهَدُ**

سر مرتبه اینده ما بخوان یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین استأثرتک بعزتک وقد رکت
 وما أحاط به علمک ان تقسم لی من الثمن الذی یومر اعطاکها مرزقا ووسعها فضلا وخیر
 عاقبة فانه لا خیر فیها الا عاقبة له وفرو که چون بخوان یا بنده خواهی بگو اللهم قد
 لی اطولها حیوة واكثرها منفعة وخیرها عاقبة ودر حدیث حسن از آنحضرت منقول
 است که چون خدای که چهار پائی نبی بکسر سه مرتبه اینده ما بخوان اللهم انک انت عظیم
 البرکة فاضلة النعمة معقونة الناصية فیستری فی رزقها وان کانت غیر ذلک فامر فی
 نعمها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام
 الخیوب ودر روایت دیگر منقول است که چون خواهی بی کارسی برو وافتاب اندک بلند
 شده باشد که سرخی شمعش بر طرف شده باشد ودر رکعت نماز کن ودر رکعت اول بعد از حمد
 قل هو الله احد ودر رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگویی این دعا
 بخوان اللهم انی غارت النیس من فضلك کما اترتني فارزقنی من فضلك مرزقا
 واسعاً حلالاً لا یبأس اعطینی فیما رزقنی العاقبة غدا وثی یحول الله وقوتی غدا وثی
 یخیر حولی مینی ولا تنفخ ولا ینفخ ولکن یحولک وقوتک وابوء الیک من الحول والقوة
 اللهم انی استأثرت بركة هذا اليوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین
 وصلى الله على سيدنا واولي الطيبين الطاهرين ودر فقه الرضا مذکور است که چون خواب
 که متاعی را ببندی ونگاه داری آیه الکرسی بخوان وبنویس ودر میان متاع بگذار واینده
 را نیز بنویس وجعلنا من بین ایدیک ایم سدا ومن خلفهم سدا فاغشينا لهم قهقهة
 لا یجرون ولا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو
 علیه توکلت وبقی رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ بماند
 ودر سه موکه اگر ملت لفت شو واینده ما بخوان اللهم انی عبدک وابن عبدک
 وابن اُمّتک وفی قبضتک ناصیتی یدیک تحکم فیما تشاء وتفعل ما ترید اللهم
 ذلک الحمد علی حسن قضائک وبلایک اللهم هو مالک ویرثک وانا عبدک
 هو لیتنی حین رزقنی اللهم فامهني شکرک فیما والصبر علیه حین اصیبت واخذ

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَصَبْتَ اللَّهُمَّ لَا تُخْزِنِي كَوَابِلَهُ وَلَا تُنْسِي مِنْ خَلْقِهِ فِي
 دُنْيَايَ وَآخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنَا لَكَ وَبِكَ وَالْإِلَهُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْفُسِي خَيْرٌ وَأَوْلَى نَفْعًا وَدَر حَدِيثِ مختبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست
 که بدترین بقیه مای زمین بازار هست و آنها میدان شیطانند بر روز با عدا و علم خود را در
 بازارهای رند و کرسی خود را میگذارد و بران می نشیند و فرزندان خود را پهن میکند که
 یکی بر سر میباید چند که تر از دلم میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گز میدزند و دیگر
 در سبب المال دروغ میگویی پس گوید فرزندان خود که بر شما با جماعتی که پدر ایشان مرده است
 یعنی حضرت آدم علیه السلام و پدر شما زنده است پس با اول کسی که داخل بازار می شود و شیطان
 داخل شود و باخر کسی که بیرون می رود و بیرون می رود و بهترین بقیه مای زمین نزد خدا مسجد است
 و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بسجده رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث
 دیگر فرمود که دشمن ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بازار رود و دیرتر بیرون آید و از
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که مخفی چیزی از مردی که کار بر ایشان بسته شده است
 که سودا با ایشان برکت نهد و در حدیث دیگر فرمود که باگردان مخالطه نکنید که ایشان
 گروهی اند از جن بیان که حقتالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره
 وارد شده است که معامله نکنید با جماعتی که مرضیهائی مشرب و دارند مانند پستی
 و خوره و در احادیث دیگر فرمود که با نوکیسه و واکنید و با کسی سودا کنید که در حال نعمت نشو و نما یافته
 باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم دون که از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند
 سودا نکنید و در حدیث دیگر فرمود که از ما نیست کسی که فریب دهد مؤمنی را و فرمود که
 حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از آب و شیر کردن و در حدیث
 حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام به شام فرمود که در تاریکی در زیر ستف
 متاع مفروش که متاع خوش فاش می نماید و آن غش است و غش کردن طلال نیست
 و فرمود که کسی که خردگر بقیه و نفروشد بگر بقیه حقتالی در قیامت نظر نیست پس او
 نفرماید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنها را هم محرم است که اگر

متاع رار و ایمکنه اما بگوشش را میرود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
 که کسی که میفروشد و بخرد و روزی بی یابد و کسی که نگاه میدارد و بر آنکس که گران شود ملعونست
 و قسم نمود که قافله که متاع آورد کسی آنرا در بیرون شهر استقبال نکند بگذارد و آنکه داخل شهر شود
 و شهری را بکسل نشود و در هر سه روز فروخت برای بادی شینان خدایتعالی بعضی از مسلمانان را
 به سبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
 باسحاق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی نده که طرف از با سالم نمکاند و بکفن خنجر و شوی
 ده که کفن خنجر و شوی هرگز مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوشش می آید و بگوید
 که مردم فروشی ده که سالم بماند از جمع کردن و نگاه داشتن بر آنی و بسطای ده که رحم
 از او شستن طرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و بپرده فروشی ده که
 بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
 است که فرمود که بخانه خود غلامی خریدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا بچماست کردن
 یا زرگری کردن ببرد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مرد چماست را اول شده طاعت کند
 و آنچه بعد از چماست بپوشد قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولانی وارو شده
 است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید از
 تعلیم کردن اطفال فرمود که مزدبران بگیر گفت که کتابهای شمس در سالها و مانند آن
 میخوانند اول شده طاهر و خود با ایشان بگویم فرمود که بلی اما بشرطیکه اطفال نزد تو برآیند
 و بعضی را بر بعضی زیاده ای و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت عرض کردند که
 ستمیان بیگویند که کسب محرم است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند
 که اطفال مردم قرآن یا دیگر ندانند اگر کسی دیت فرزند خود را بعلم پدر و حلال است و بهتر آن
 است که اول شرط زد کند و آنچه میدهند بگیرد و در احادیث معتبره وارد شده است که چون قرآن را فروشد
 کاخذ و جلد را بفروشد قصد فروختن نوشتن کند و در حدیث صحیح از حضرت امام
 موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن بر نوشتن قرآن و در حدیث
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد پیراسته

کسب کردن و بهره ویده خود را از خواب بیدار کردن آن بیش حرام است و اکثر علما
 بکراهت شدید کرده و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که هر که خود را بعبودان نگیرد
 بمردم به اجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را اندر روزی نهاده و مردم گردانیده است
 فصل یازدهم در فضیلت زرعیت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی طالب علیه السلام منقول است
 که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار میکرد وند و با همای آنحضرت در مسرت
 فرو رفته بود گفتم فدای تو شوم خدمتگاران کجایند که از آنکه شما خود این کار میکنید فرمود که ما بای
 وز زمین کار کرده است کسیکه بهتر از من و پدر من بود است پس فرمود که حضرت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المومنین و ائمه اطهار علیهم السلام و آله و تمام پیران من در
 زمین بستان خود کار کرده اند و این کار پیغمبران و ائمه است ایشان بستان است
 و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقیقی برای پیغمبر
 ششم زرعیت کردن از بهترین کار است که از آن باران و آبان که استغفار است و از آنکه چوب
 دیگر فرمود که حقیقی روزی پیغمبر را در زرعیت و شیرستان حیوانات قرار داد و است
 تا از قطره از باران آسمان که بهیت داشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زرعیت کنید
 و درخت بنشانید و الله که مردم کاری ازین حلال تر و پاکیزه نمی کنند و الله که زرعیت
 خوابید کرد و درخت خوابید گشت بعد از بیرون آمدن و حال هم و در حدیث معتبر از حضرت
 امام زین العابدین علیه السلام منقول است که بهترین اعمال زرعیت است که از آن نیکو کار و
 گوار بخورد و آن نیکو کار آنچه بخورد و برای او استغفار میکند و الله که گوار آنچه بخورد و او را است
 میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که
 بزرگ زرعیت کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زرعیت کنندگان گنجینه های مردم
 بیکارند و روزی نیکوی پاکیزه خدا اگر است میفرماید و جانگهان ایشان در قیامت از سایر مردم
 نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نیز یک است و ایشان را در آن روز مبارک بنده اند
 و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت بر جاعتی گذشتند که شام میکردند و فرمود که زرعیت
 شنید که حقیقی بیا و میر و یا در زرعیت را چنانچه بباران بخوراند و از حدیث معتبر منقول است

که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمود که زرع است کنید که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بابل و زمین کار میکردند و فرزندها آبادان میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله هر سه خرا را بآب و بان مبارک خود تر میکردند و در زمین فند و میبردند و در ساعت
سجده شد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هزار غلام از گداز خود خریدند و آزاد کردند و
در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بجنّت امیر المؤمنین علیه السلام دید که زیاده از سی
من ثیاب شده خرابا کرده اند و میسزد پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خراست
الله تعالی پس آنها را در بهستان خود کشتند یکی از آنها خطا شد و در حدیث معتبر از
عمر و منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه گندیده پوشیده بودند و بیله
دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و غرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدایتو شوم
بدو بمن بگویم فرمود که دوست میدارم که آدمی از اربک از آفتاب برای طلب محیثت و در حیات
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن بآنها استغفار میشود بعد از
مردن چنانچه زند صالحی که برای او استغفار کند و محضی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که
بگند و درختی که بکار و تصدق آبی که جاری کنند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از
مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز را آدمی بعد از مرگ
خود نیگذارد که بر او دشوار تر باشد از زراوی گفت چه کند فرمود که باغ و خانه بخسرد و در حدیث
دیگر فرمود که در توریت نوشته است که هر که زمین یا آب بخسرد و بجز آن زمین یا آب
دیگر بخش و قیمتش باطل شود و مستغفر نگردد از آن فصل و از و هم در آداب زراعت کردن
و درخت کشتن پس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت
آدم علیه السلام بر زمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس جبرئیل علیه السلام حکایت
کرد جبرئیل علیه السلام گفت که زرع است بکن آدم علیه السلام گفت و حائی مرا تعلیم کن جبرئیل
گفت که بگو اللهم اكفني مؤنة الدنيا و كل هول دون الجنة و البني العاقبة
حتی تمیّتی الحیة و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی زرع کنی یک کف از تخم بگیر و در قبله ایست و بگوسه مرتبه افق آیت ما محمد و

گروند کرم در میوه با ایشان بر طرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درخت
سدر را آب بدید چنان است که مؤمنی را در وقت تشنگی آب داده باشد و نموده که حق تعالی
همیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میتوانست خورد و چون مردم از برای
خدا بفرزند مقابل شدند میوه نصف درختان طریف شد پس چون با خدا شریقت را ردوند
درختان خا بهر سانیدند باب چهارم در آداب خیر فضل اقل در بیان خیر نیک و بد و ایام
و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکمت آل داود
نوشته است که نباید کسی خسته کند مگر از برای سه چیز سفری که نوشته آخرت در آن حاصل شود
یا سفری که باعث مریت آموزد عاقل گردد یا سفری که از برای سیر ولذتی باشد که حرام باشد
و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنسید تا به نبائی تمام صحیح شود و جهاد کنسید تا غنیمت دنیا و
آخرت بیامید و حج کنسید تا مالداروی نیاز شوی و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست
از عذاب چون کار شمار در سفر ساخته شود زود به اهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست
که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام پرسید که بر منی میروم که در آنجا غیر از برف و تجم چیز
نیست فرمود که چون مضطرب است بجم کند و دیگر به چنین زمینی نرود که دیش و آنجا پلاک شود
و در حدیث صحیح منقولست که شخصی به حضرت امام موسی علیه السلام آمد و گفت من خواهم
بسفر روم برای من دعا کنسید فرمود که در چهار روز میر و گفت در روز دوشنبه از برای من
برگشت آن روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه متولد شده است
حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه متولد شدند هیچ
روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز وفات
گروند و حی از آسمان ازنا منقطع شد و در آن روز حق بار غصب کردند میخواستی که خبر دهم ترا و دلا
گنم برو سبیل آسانی که خدا نرم کرد در آن روز آهن را برای حضرت دوا و گفت بلی من بود
که آن روز دوشنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
اراده سفری داشته باشد باید که در روز دوشنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد و در روز
دوشنبه بپای آنرا خدا تعالی سبائی خود بر گرداند و هر گاه که کار را برود شوار شود در روز دوشنبه

طلب کند که آن روزی است که آهین برای حضرت داود علیه السلام نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکر و ه است سفر کردن و سعی و حوائج کردن در بامداد و روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز بازماند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که با کسی نیست سفر کردن و در حبه و آن حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند بر روز پنجشنبه که بغال بدیداند از هر بلائی نگاه داشته شود و حاجتش را خدا بر آورد و در بعضی از روایات وار شده است که سفر کن در روز ششم ماه و در چهارم و در پنجشنبه و در روز سیزدهم و در شانزدهم و در بیستم و در بیست و یکم و در بیست و چهارم و در بیست و پنجم و در بیست و ششم و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم و بیست و یکم برای سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سوم ماه برای سفر خوبست و اگر روز نهمی ماه یا روز نهمی هفته محارض شود رعایت کردن روز نهمی هفته اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر منقولست که هر که سفر کند یا زن بخوابد و ماه در عقب باشد عاقبت نیکو نیست فصل دوم در دفع خوشتهای سفر تصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق کن و در هر روز که خواج بروی سفر و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آن حضرت پرسیدند که آیا اگر هست دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که فتاح سفر خود بتصدق کن و در هر روز که خواهی بدر و در حدیث صحیح دیگر منقولست که این بچه می گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را می شناسم و در خاطر می بخلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها خستیار کردن درین باب بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام سکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی میفتد تصدق کن بر اول سکنی که می بینی و بدو که حق تعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق کند حق تعالی بخوست آن روز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعضی از روزها

خود بخوانند بر و نیز بخیزند سلامتی خود را از خدا بیاورند میسر می شود از تصدق و این تصدق را در
 وقتی میدادند که پادشاه میگذاشتند و چون خدا آنحضرت را بسلامت بر میگذاشتند و ایند شکر و
 حمد الهی میکردند و تصدق میکردند بآنچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الکلام بخدمت
 حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من سب تا بعلم نجوم شده ام و گاهایی میخواهم بی کاری بروم
 و باطل الخ نظر میکنم می بینم که در طالع شری هست می شنیم و ترکش تن میکنم و اگر در طالع نیکی می بینم
 میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده میشود اما حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای
 نجومست را بهوزان و سید ابن طاووس علیه الرحمة روایت کرده است که چون حواری که متوجه
 سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد
 و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه الكرسی و الا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره آل
 عمران ان فی خلق السموات و الارض لآخر سوره بقره و ان یسبح بحمد الله و یستوی فی الصفات
 و یتطاول الطائفل و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا حول و لا قوة الا
 منک استلک یصفو بک من خلقک و یخیرک من بریک فکمل نیتک و عثره و سئل
 علیه و علیهم السلام و صل علیک و علیهم و اکفی شر هذا الیوم و ذکره و امر دقعی خیر
 و تمنا و بیکایه و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العاقبة و بلوغ الحبة و الظفر بالامنیة
 و کفایة الطایفة للمخوفاة و کل ذی قدر علی علی اذیة حتی اکون فی جنه و عظمه
 من کل بلاء و نفقه و ابذل لی فیہ من الخاف و امنا و من العوائق فیہ یسرا حتی لا
 یصدنی صا د عن المراد و لا یجعل لی طاریف من اذی العباد انک علی کل شیء قدید
 و الامور الیک تصیر یا من لیس کمره شیء و هو التبع البصیر و در حدیث صحیح از
 حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر می شود
 او شوم است کلاخی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دُم را علم کرده باشد و گرگی که
 بر دُم خود شسته باشد و بر رگ او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آسموی که از چاه
 راست او بیاید و بجانب چپ او برود و چغندی که فریاد کند و زن پیر فسید موله ز و بروی او
 بیاید و ماده الاغی که گوشش را بریده باشند پس سگ که از دین اینها ترسی و در خاطرش بیاید بگوید

اِغْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ فِي نَفْسِي فَاعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ چُونِ اَيْنِ الْكُوفِي
 ضرری با و نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این
 دعا بخواند اللَّهُمَّ اِنِّي اشتریتْ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ
 فَسَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَادِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ و بعد از تصدق
 بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
 السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ
 شَيْطَانٍ مَرِيدٍ بِسْمِ اللَّهِ تَخَلَّتْ وَ بَسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ اللَّهُمَّ اِنِّي أَقْدَمْتُ بَيْنَ يَدَيْ
 نِسَائِي وَ عَجَلْتُ بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا أَذْكُرُكَ أَمْ نَسِيتُهُ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ
 فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِلْنَا الْأَرْضَ فَسَيَرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ
 وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ اصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَاطِنَنَا وَ قِنَا وَ قِنَا عَدَا
 النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَخَوُذُكَ مِنْ وَعْتَاءِ السَّفَرِ وَ كَابَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ
 فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَصْدِي وَ نَاصِرِي اللَّهُمَّ اقْطَعْ
 عَنِّي بَعْدَكَ وَ مَشَقَّتَهُ وَ احْصِنْنِي فِيهِ وَ اخْلُقْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فصل سوم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن
 سید ابن طاووس علیه الرحمه روایت کرده است که چون کسی اراده سفر نماید سه مرتبه است که غسل کند پیش
 از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَهِّمْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ لِقْسِرْ بِهِ قَبْرِي
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُورًا وَ ظَهْرًا وَ حِزْبًا وَ شَعَاءً مِنْ كُلِّ دَائٍ وَ آفَةٍ وَ
 عَاهَةٍ وَ سُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَ احْدَرْ وَ كَهِّمْ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ عِظَامِي وَ

دُمِّي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَرُحِّي وَعَصَبِي وَمَا قَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي
 شَهِيدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ السَّالِمِينَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 وَدَر حَدِيثِ مَعْبُورِ از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر خلیفہ آدمی در ایامش
 نیکو کار و بہتر از اندر وقت بیرون رفتن و رکعت نماز بگذارد و پس بگوید اللَّهُمَّ ارْحَنِي
 اسْتَوْدِعْكَ نَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي
 وَأَبْنِ طَاوُسَ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ كَفْتُهُ اسْتَكْرَمْتُكَ أَوَّلَ قُلٍّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَدُرُكْتُ دَوْمَ أَلْبُلْبُلٍ
 فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ سَخَّوَانَدِ وَدَر حَدِيثِ مَعْبُورِ منقولست کہ چون حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ارادہ
 سفری میکرد و عیال خود را در حبس جمع میکرد و میفرمود و این دعا بخواند اللَّهُمَّ ارْحَنِي اسْتَوْدِعْكَ الْغَلَاظَةَ
 نَفْسِي وَمَالِي وَاهْلِي وَوَلَدِي وَالشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنَا لِنِعْمَتِكَ وَلَا تَغَيِّرْ مَا بَيْنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ
 فَضْلِكَ وَسَيِّدِ ابْنِ طَاوُسَ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ رَوَيْتَ نُمُودَهُ کہ بعد از نماز این دعا بخواند اللَّهُمَّ
 ارْحَنِي اسْتَوْدِعْكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ
 مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ
 وَلَا تَكِلْنَا فَضْلَكَ يَا إِلَهِي وَارْحَبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا لَنُفَوِّدُكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَأَبَةِ
 الْمُنْقَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي الْاهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَنِي اتَّوَجَّهْ
 إِلَيْكَ هَذِهِ التَّوَجُّهَ كُلِّ الْيَوْمِ بِرِضَاكَ وَتَقَرَّبًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ قَبِّلْ عَنِّي مَا أَوْمِلُهُ وَأَرْجُوهُ
 فِيكَ وَفِي أَوْلِيَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَارْجُوهُ بِنِعْمَتِهِمْ جَوَانِ اللَّهُمَّ خَرَجْتُ
 فِي وَجْهِي هَذَا أَبْلَاكَ مِنِّي لِعَبْرِكَ وَلَا رَجَائِي فِي إِلَّا إِلَيْكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا فِيكَ
 عَلَيْهِمَا وَلَا حِيلَةَ إِلَّا جَاءَ إِلَهُمَا الْاِطْلَبَ رِضَاكَ وَابْتَغَا رَحْمَتَكَ وَتَعَرَّضَا لِنُورِكَ وَسَكُونًا
 إِلَى خَيْرِ عَائِدَتِكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عَمَلِكَ فِي وَجْهِي مِمَّا أَحَبُّ وَأَكْرَهُ
 اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَمَقْضِي كُلِّ لَوَائِي وَابْطَأْ عَلَيَّ كَفَاءًا مِنْ
 رَحْمَتِكَ وَلَطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَسِعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَتَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجَمَاعًا مِنْ مَحَانِكَ
 وَوَقْفًا لِي فِيهِ يَأْتِي بِجَمِيعِ قَضَائِكَ عَلَى مُوَاقِفَةِ هَوَايَ وَحَقِيقَةِ أَمَلِي وَادْفَعْ عَنِّي

الْحَدَّ وَمَا لَكَ أَحَدٌ وَعَلَى نَفْسِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مَتَى وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي وَلَا خَيْرًا لِي
 وَدُنْيَايَ مَعَ مَا اسْتَلْكَ أَنْ تَخْلُقَنِي فِيهِمْ خَلَقْتَ وَمَا لِي مِنْ وَلَدِي وَاهْلِي وَمَالِي
 وَأَخَوَانِي وَجَمِيعِ خَزَائِنِي بِأَفْضَلِ مَا تَخْلُقُ فِيهِ عَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَمُورِي
 وَحِفْظِ كُلِّ مَضِيعَةٍ وَتَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وَدِفَاعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَكِفَايَةِ كُلِّ مَحْدٍ وَفِرْ وَصَرِّفْ كُلَّ مَالِي
 وَكَمَالِ مَا يَجْمَعُ لِي بِهِ الرِّضَا وَالشُّرُوفِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
 وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ حَقًّا تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي
 وَنَفْسِي وَمَالِي وَاهْلِي وَذُرِّيَّتِي وَجَمِيعَ أَخَوَانِي اللَّهُمَّ احْفَظْ الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ اللَّهُمَّ
 احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِحِكَ وَلَا تَكُنْ لَنَا نَجْمًا وَلَا تَغَيِّرْ مَا بَيْنَنَا
 مِنْ نِعْمَةٍ وَكَافِيَةٍ وَفَضْلٍ وَدَر حَدِيثٍ مَعْتَبَرٍ مَنْقُولٍ عَنْهُ أَنَّ حَضْرَةَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 ارَادَهُ سَفَرٌ مِكَرُونَ دَانِدَ مَا يَخَوَانُهُ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاحْشِنْ شُيُورَنَا وَاعْظِمْ عَافِيَتَنَا
 وَدَر رَوَايَتٍ دِيكَرٍ مَنْقُولٍ أَنَّ حَضْرَةَ رَسُولِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ارَادَهُ سَفَرٌ
 مِيسُورُونَ دَانِدَ مَا يَخَوَانُهُ وَدَر وَتَسْبِيحِهِ مَبْرُورُونَ أَنَّ حَضْرَةَ الشَّاهِدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارَادَهُ سَفَرٌ
 وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَإِلَيْكَ اعْتَصَمْتُ أَنْتَ تَقِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ الْكَفِيُّ بِمَا أَهَمَّنِي وَمَا
 لَا أَهْتَمُّ لَهُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ ذَرْنِي التَّقْوَى وَاعْفُورِي وَوَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ
 حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ وَدَر حَدِيثٍ مَعْتَبَرٍ أَنَّ حَضْرَةَ إِمَامٍ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٍ
 أَنَّ حَضْرَةَ ارَادَهُ سَفَرٌ نَمَايِدُ وَدَر خَانَهُ خُودِ بَاسْتَدَرْ وَجَانِبِي كِه ارَادَهُ دَارُ كِه مَتَوَجَّهْ شُودِ لِسِ سُوْرَه
 حَمْدِ از پِشِ رُوِ جَانِبِ رِهْتِ وَجَانِبِ چپِ بَخَوَانَدِ آيَةِ الْكَرْسِيِّ رَا نِزِ از پِشِ رُوِ جَانِبِ
 رِهْتِ وَازِ جَانِبِ چپِ بَخَوَانَدِ پَسِ كُيُودِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَسِّطْنِي وَ
 سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ سُبْحَانَكَ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِي وَاحْفَظْ كُنْ أَوْرَا اسْمُ بَاو
 اِسْتِ وَبَسْلَا سْتِ دَارُ دَاوْرَا اسْمُ بَاو سْتِ وَبَسِيدِ بِنِ طَاوُسِ عَلَيْهِ الرِّجْمُ رَوَايَتِ كَرْدِه سْتِ
 كِه چُونِ بَرِ دَرِ خَانَهُ بَاسْتَدَرْ سَبِيحِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَخَوَانَدِ وَنُورَهُ حَمْدِ آيَةِ الْكَرْسِيِّ رَا
 بَخُورِي كِه كَزَشْتِ بَخَوَانَدِ پَسِ كُيُودِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجَّهِي وَعَلَيْكَ خَلَقْتُ أَهْلِي وَمَالِي
 وَمَا خَوْلَتْنِي قَدْ وَفَّقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ ارَادَكَ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ

حَفِظَهُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِيْمَا عَيْتُ عَنْهُ وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى نَفْسِي
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَيِّبْ لِي الْمُرَادَ وَسَيِّرْ لِي عِبَادَكَ
وَيَلَادَكَ وَارْزُقْنِي زِيَادَةَ نَبِيِّكَ وَقَلِيكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَالدِّمِ وَجَمِيعِ
أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُدِّ لِي مِنْكَ بِالْمُحَوَّنَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَلَا تُكَلِّبْنِي
إِلَى نَفْسِي وَلَا إِلَى غَيْرِي فَكُلِّ وَأَعْطِبْ وَزِدْنِي التَّقْوَى وَاعْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ
الْأُولَى اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي أَوْجَهَ مِنْ تَوَجَّهِ إِلَيْكَ وَابْنِ عَمَارٍ نِجْوَانَهُمُ اللَّهُ وَبِاللَّهِ
وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَعْنْتُ بِاللَّهِ وَالْجَمَاتُ ظَهَرُوا إِلَى اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ
مَرَّةً أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالتَّخْيِيرِ إِلَّا
أَنْتَ وَلَا يَحْتَرِفُ الشُّعْرَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَاوَدَكَ وَجَلَّ شَأُوكَ وَلَقَدْ سَتَّ اسْمَاؤُكَ وَ
عَظُمْتَ الْأَوْكُ وَلَا التَّخْيِيرُكَ بِرِسْتِكَ وَرَوَايَتِي وَارْدُ شَدِيدِ اسْتِ كَهْرِكُمْ صَبَحَ مِنْ خَانَةِ بِيرو
نَ ايد و ايند عا بنخواند بلالی با و نرسد ماشام كه بخانه برگردد و دهر كه در شام بنخواند و از خانه بیرون رود و بلا
با و نرسد تا صبح كه بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است كه چون حضرت صادق علیه السلام
بسفری میرفتند ايند عا بنخواندند اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا
مَعِيَ بِسَلَامِكَ الْحَسَنِ بِاللَّهِ اسْتَفْتَحْتُ وَبِاللَّهِ اسْتَسْتَجِجُ وَبِحَجَلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّعُ
اللَّهُمَّ تَهَيَّلْ لِي كُلَّ حَرْوَةٍ وَذَلِّ لِي كُلَّ صَعُوبَةٍ وَاعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَجُودُ
وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَحْذَرُ فَنِي عَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَابْنِ عَمَارٍ نِجْوَانَهُ
أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَادِقُ وَجَلِّ وَيَبْدِي أَهْوَلُ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي
سَفَرِنَا أَمْنًا وَآيْمَانًا وَسَلَامَةً وَسَلَامًا وَفِقْمًا وَتَوْفِيقًا وَبَرَكَةً وَهُدًى وَشُكْرًا وَ
عَافِيَةً وَمَغْفِرَةً وَعَنْ مَا لَا تُعَادِرُ ذُنُوبَنَا وَازْهَرْتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
مَنْقُولُست كه چون کسی بسفر بیرون رود بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْحَامِلُ
عَلَى الظُّلَمِ وَالتَّخْلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ پس باید كه ايند عا بآيه از برای خانه بیرون
آيد و سوار شدن و در فصلهایی سابق گذشت بنخواند پس چون سوار شود بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ عَلَيْنَا بِحَجَلِ وَاللَّهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ

وَأَنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَافِلُ عَلَى الظُّمْرِ
 الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا سَلِغ بِهِ إِلَى خَيْرٍ بِلَاغًا نَبْلُغ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَغُفْرَانِكَ
 وَمَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا خَافِظَ غَيْرُكَ فَصَلِّ حَامِ
 در سائر آداب بیرون رفتن و بیان چنانچه باید با خود بردن در حدیث معتبر از حضرت
 امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که
 بسفری رود و با خود برادر عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را این
 که داند از هر سبع درنده و میر و زوی و هر صاحب زهری تا با بل خود برگرد و با او به قافله نیست
 ملاک بشود که از برای او شفا گرسند تا برگردد و عصا را بگذارد و این است آیات و کلمات
 تَوَحَّجَ تَلَقَّاهُ مَدِينَ قَالَ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينَ
 وَجَدَ عَلَيْهِ أَمَةً مِنَ النَّاسِ لِيَتَمَنَّوْنَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَسَا
 خُطْبُكُمَا قَالَتَا لَا لِنَفْسٍ حَتَّىٰ يَصْلِيَ الرَّيْعَانُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا لَمْ يَلُوحِي إِلَىٰ
 الْبَيْتِ قَالَتَا لِمَا نَزَلْتُمَا مِن خَيْرٍ فَقِيلَ فَجَاءَتْهُ أَحَدُهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِيعَابٍ قَالَتَا إِنَّ
 أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ
 نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتَا أَيْدِيَاهُمَا يَأْتِيَانِي أَتَا جُؤْلًا إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ
 الْقَوَى الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أَزِيدُكَ أَنَّ إِلَيْكَ أَخَذَ ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنَّ تَأْجُرُنِي تَمَافِي
 حَجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا مِنْ عَمَلِكَ وَمَا أُرِيدُكَ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
 الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيُّهَا الْأَخْلَاصُ قَضَيْتَ الْأَعْدَاءَ وَأَنَا عَلَىٰ وَاللَّهِ عَلَىٰ
 مَا نَقُولُ وَكِيلٌ و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خوابد که زمین در زیر پایی او
 پیچیده شود با خود عصائی درخت بادام تلخ برادر و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم
 علیه السلام مرض شد یک بهر سانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود که چوبی از درخت
 بادام تلخ جدا کن بسینه خود بچسبان چنین کرد حق تعالی وحشت را از او دفع کرد و بدان که
 از جمله چیزهای که باید در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام
 است چنانچه منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند و در راه

مرد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی
 است آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود و هر گاه کسی خواهد که او را از بیمی امان بخشد
 تسبیح از تربت آنحضرت گیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ مُقْتَدِمًا بَيْنَ مَا بَيْنَكَ
 وَبَيْنَ الْخَلْقِ الَّذِي لَا يَطْأُ وَلَا يَحْأُولُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَائِبٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ
 خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ بَلِيَّاسٍ
 سَالِخَةٍ حَصِيْدَةٍ وَهِيَ وَلَا تَكُ اَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُخْتَرًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ
 لِيَّ اِلَى اَذِيَّةٍ يَجِدُ اِرْحَمِيْنَ اِلَّا خَلَاصًا فِي الْاِخْتِرَانِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّسْلُوكِ بِجَاهِهِمْ
 جَمِيعًا مُؤَقِّمًا اِنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَلَهُمْ اَوَالِيٌّ مِنْ اَوَالٍ وَاَعَادِيٌّ
 مِنْ عَادٍ وَاَوَالِيٌّ مِنْ جَانِبٍ وَاَعَادِيٌّ مِنْ جَانِبٍ اَعِزَّنِي اَللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَتَقَبَّرُ يَا عَظِيمُ
 حَكَمْتُ الْاَعَادِيَّ عَنِّي بِدَلِيلِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَاَوْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا اَفَاغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ پس تسبیح را بوسه و بر هر دو چشم بگذارد
 و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ
 جَدِّهِ وَبِحَقِّ اَبِيهِ وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَبِحَقِّ اَخِيهِ وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِيْنَ اَجْعَلْهَا شِفَاءً
 مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اِذَا رَجَعْتَ مِنْ حُجَّتِكَ وَرَأَى اَنْ
 خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد و چون
 از خانه بیرون آید چنین کند **سوره** باشد برای او از شر ایشان و در فصل خوابت که گشت
 انگشته که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
 علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسی که عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم
 بماند خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم
 برای کسی که اراده سفری داشته باشد و عمامه بر سر بپندد و عمامه را در زیر حنک
 بپندد آنکه او را دروغ و غش و برق شدن و سوختن بر نخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا
 علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که روز شنبه
 از خانه بیرون رود و عمامه بر سر داشته باشد که تحت آن حنک در شنبه باشد و اگر برود یا

گوئی که آنرا از جا بکند هر سینه بعل آید و در هر پیش منتهی قول است که حضرت لقمان با پسر خود گفت که ای پسر من چون بسفر روی شمشیر و گمان و آب و موزه و عمامه و رسته نهائی که فرو میشود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دویا آنچه آو و صاحب تو آن محتاج باشند بر داره و در حدیث دیگر منقول است که چون حضرت رسول بسفر میفرستند شیشه روغن و سره و آن و مقراض و نهی و مسواک و شانه و سوزن و ریمان و چیز یکبارگی که شش پینه کنند و قسمه بانی نعل را بر سید شستند و از جمله تعویذاتی که در سفر مناسب است تعویذی است که مرویت که در رسته شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم تعبیه شده بود و آن این تعویذ است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ اسْأَلُكَ يَا مَالِكُ الْمُلُوكِ الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ الْأَكْبَرِ الَّذِي لَا يُؤْوَلُ وَلَا يَحُولُ أَنْتَ اللَّهُ الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ الْحَيُّ بِكُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِإِسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْقَبْلِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَاجْتَبِ شَرُّ قَوْمٍ وَشَرُّهُ شَرُّهُ الْأَعْدَاءُ كُلُّهُمْ وَسُوءُ فُلْهُمُ وَبَلَاءُهُمُ وَاللَّهُ مِنْ قَدَائِمِهِمْ حَيْضُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ يَجْعَلُكَ الَّذِي اجْتَبَيْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ مُنْقَةِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ وَمِنْ شَرِّ سَلَاحِهِمْ وَمِنْ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يَخُوفُ وَيَجْدُرُ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ لَا وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا عَزُوهَ كَرَمِيَانِ عَمَامَةٍ كَذَرْنَا قَبْلَ وَلَا تَخَفْ أَنْتَ مِنَ الْأَمِينِ لَا تَخَفْ تَجُوتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لَا تَخَفْ أَنْتَ الْأَعْلَى لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَإِنَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَنْ خَلَوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلُوا فَلَا تَغْلِبُونِ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ عَزُوهَ كَرَمِيَانِ عَمَامَةٍ كَذَرْنَا قَبْلَ وَلَا تَخَفْ أَنْتَ مِنَ الْأَمِينِ لَا تَخَفْ تَجُوتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لَا تَخَفْ أَنْتَ الْأَعْلَى لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَإِنَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَنْ خَلَوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلُوا فَلَا تَغْلِبُونِ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

مکروه هاتقی یعوذ وهو غیر ظافری لانی ولا قادی علی اللہم اخصی فی کما حفظت
 به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللہم انک قلت وقولک الحق انا نحن
 نزلنا الذکر وانا لہ لحاظون واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره
 عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر آنکه رود با خود نگاهدارد و در آن راه بغیر از نیکی نبرد
 و از مفاسد آن راه محفوظ بماند فصل پنجم در آداب نوشتن بر پشت و آداب نوشتن در آن
 از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بفرمود سفره یا خود بردارید و طها جهائی نفیس
 و در آن سفر بگذازید و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که از شرف آدمی
 است که نوشته خود را نیکو گرداند و هر گاه بفرمی رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام
 زین العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره می رفتند از بهترین توشه ها بر می داشتند مانند
 نوز و شکر و قند و ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مان و میانه
 توشه خود بردار که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی
 سلیمان علیه السلام نظر کردند بسفره که در آن حلقه ها از برنج بودند و که این حلقه ها را بپسندید و حلقه ها
 این بگذازید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
 از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروید گفت بلی
 فرمودند که سفره یا خود بردارید گفت بلی فرمودند که اگر زیارت قبر پدران یا مادران خود بروید
 چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز تجویزیم فرمود که نان یا شیر یا است و در حدیث دیگر فرمود
 که شنبه ام که جمعی هستند که چون زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروند
 با خود سفره بر می دارند که در میان آن بزغالک بریان و حلوا با است و اگر زیارت قبر دوستان
 خود بروند چنین نمی کنند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که بهترین
 خرج کردنها نزد خدا میانه روی است و خدا اسراف را دشمن بسیار و مکر در راه حج یا عمره
 و در حدیث حسن منقول است که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که من اهل خود را
 با خود حج می برم چه می خورم و در حدیث دیگر منقولست که از قوت
 مسافر است که نفقه خود را احتیاط کند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری با حضرت عرض

کرد که در همی که صورتها در آنها نقش کرده اند باخود دارم و آنها را در میان میکنم و هر کس می بیند
در حالت احرام فرمود که باکی نیست خرجی نیست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست فصل
مشتم بر رفیق باخود بودن و سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبر بسیار
دارد شده است که تسبیح آنها بسفر و وطن است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام وصیت نمود که یا علی هرگز تنها
بسفر مروید که شیطان با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها بسفر رود
گمراه است و دو کس که می روند و همراه اند و سه کس که می روند مسافرانند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسیدند که در راه که صاحب تو بود
گفت تنها بودم فرمود که اگر من بیشتر ترا میدیدم ترا نیکو تا ویب میکردم که چگونه باید بسفر رفت
پس فرمود که یک کس شیطانیست و دو تا دشیطانند و سه نفر صاحبانند و چهار نفر فقیانند
و تسبیح معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید یا شاکر الله لا حول و لا
قوة الا بالله اللهم انی وختی و اخی علی و خدی فی وادی عیسیتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اول رفیق همسران پس بسفر برو و فرمود که و کس با هم
رفیق میشوند گر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه شوشن شیرست است که بدر ارباب نقش
شیر کند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان مصاحبان نزد خدا چهار نفر اند و پنج گروهی
زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صدای شان بسیار می باشد پس ازین احادیث معلومست
که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست و در رفیقان
هم نوشته و هم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هفت است
که رفیقان هم نوشته اول خرجهای خود را بدهند و بر روی یکدیگر گذارند که این شیر باعث
خوشنودی خاطر و نسکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست
که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بخونداند آن قدر که تفصیلت او بر خود بسپارد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن با کسی که تو را بگوید
یا بی و مصاحبت مکن با کسی که او تو را بگوید یا بی یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی نمود

و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما
 میدانید حال تو نگری مرا و احسانی که بابرادران خود میکنی پس با جماعتی از ایشان رفیق می شوم
 در راه که و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین کن اگر تو دست
 بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بکشایند ایشان ضرر میرسد و بریشان می شوند و اگر تو بگشائی
 ایشان نکنند باعث نذرت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند و تو نگری و داناتی
 و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت یکنی با مثل و
 مانند خود مصاحبت و رفاقت کن و با کسی رفیق مشو که خرج ترکشده که این موجب خواری
 مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر رفیقان آنست که
 چون بیمار شود سه روز برائی او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی یا یکدیگر رفیق می شوند و در میان ایشان مالدار و
 پریشان است آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها بطیب خاطر راضی باشند
 باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی
 رفیق می شود با جماعتی مالدار و از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او
 مثل آنها نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق
 شود که مثل او باشد و او آماج دیش معتبر منقولست که از اینست کسی که با مصاحبانش نیکو
 مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد و حق نمک رعایت نکند فصل بیفهم
 در بیان سائر آداب مفروض حدیث منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت سلمان
 خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار کن در کارهای خود
 و کارهای ایشان و بر روی ایشان قسم بسیار کن و در نوشته خود صاحب کرم باش و میان
 ایشان و چون تر الضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو بود و طلبند یا بری ایشان بکن
 و به چیز بر ایشان غلبه کن بسیار بی خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه
 با خود داری از چهار پا و مال و نوشته و اگر گواهی از تو طلبند یا بر مرتضی خود باشند ترا گواه
 کنند اطاعت کن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رأی نیکو بر ایشان

اختیار کنی و زود غم مکن و رای خود را بایشان مگو تا مایل کنی و سکر کنی و جواب ایشان
 مگو در مشوره ایشان تا آنکه در آن فکر کنی و خبر بیک و نشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی
 و در آشنائی این احوال فکر خود و حکمت خود در مشوره ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیر
 خواهی خود را برای کسی که با او مشوره کند مخلص نگرداند و حق تعالی را شکر و عقل را از او سلب
 می کند و امانت را از او بر میدارد و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میزند با ایشان پیاده برو
 و هرگاه بینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر قصدی کنستی یا قرضی دهی تو نیز با ایشان
 به و بشنو سخن بپیرا که از بزرگ تر باشد و هرگاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو
 سوال کنند بگوئی و نه مگو که نگفتن موجب بزدلانت است و چون راه را گم کنی و
 حیران بمانی و راه ندانی و اگر در راه مقصود شویش گم شوی یا بستی و یا یکدیگر مشور و گم شوی
 و مصلحت ببینند و اگر یک کس را ببینید جبراه از او پرسید و مصلحت از او ببیند یک
 شخص در میان این کسها اشک می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد
 که خواهد شما را حیران کند و از او و شخص نیز حد کنی مگر آنکه چیزی چند از علامتها و تیرینها
 ببینید که من نمی بینم زیرا که عاقل بریده خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است
 از آن می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غائب نمی بیند امی نرزد چون قوت
 نماز در آید از برای امری او را تا آخر پسندد و نماز را بجا آورد و رحمت الهیاب که نماز فرضی است
 هر چند بیشتر ادا میکنی بسیار میشود و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر تیزه باشی و بر سر
 چهار پا خواب بکن که زود باعث زخم پشت آن می شود و این از کردار دالایان نیست مگر
 آنکه در میان کجاده باشی که ممکن باشد که بخوابی بر سر سستی مفاصل و چون نزدیک شو
 بمنزل از چهار پائی خود سه و دانی که آن چهار پایا و تست ابتدا کن بچلف دادن آن پیش
 از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهی که فرو آید پیش آید از بقعهای زمین
 مکانی را که خوشتر است و خاکش نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون سه و دانی پیش از آنکه نشینی
 دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار و در بر و پس چون خواهی که
 بار کنی و دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که

هر بقعه از زمین را الهی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعانی را مگر آنکه قدری از آن
 تصدق کنی و بر تو باد بخواندن تسبیح اوام که سوار باشی و بر تو باد خیریه و یاد خدا کردن تا مشغول
 کاری باشی و بر تو باد دید عا کردن در قوتیکه نهاد و بکار باشی و زینهار که در اول شب راه مرو
 بلکه در اقل شب منتهی و آئی و در نصف آخر شب راه رو و زینهار که در راه رفتن صدایند بکن
 و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مروت و مروی در حضر خواندن
 قرآن است و منیشنی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر کارهای جماعت
 کردن و امام مروت سفر پس گوشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در
 هر بلندی و پستی منتهی خواندن و ایستادن و شستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر
 از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر گوشه بسیار برداشتن است و پاکیزه
 گردانیدن گوشه است و عطا کردن آن بجهنی که ریشی تواند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
 را از این پیشانی که بر آنرا مطلع شده پوشانی و مزاج و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که
 خدا بخشتم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که ثقل کند آدمی چیزی چند را
 که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که گوشه مسافر
 حدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آنج سلمی و باطلی نباشد و از حضرت صادق
 علیه السلام منقولست که چون با جماعتی ریشی شوی بگو اینجا فرو و آئید یا آنجا فرو و میآید
 که در میان ایشان کسی هست که این کار را نکند اگر تو باشی آن بگذاری و در احادیث معتبره
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اعانت کند مومن مسافری
 حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهائی دنیا را بر دارد و او را امان دهد از غم و اندوه و
 هفتاد شدت و غم در آخرت از بر دار و در قوتیکه از شدت احوال قیامت نفسهای مردم
 گرفته باشد فصل هشتم در آداب راه رفتن و آمدن در احادیث معتبره از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون از پیاده رفتن بمانده شوی استعانت
 جوئید به بند رفتن که مانگی را بطرف میکند و در حدیث معتبره گفته اند که اگر محکم بنید و بر روی شکم بنید
 تا آنکه پیاده رفتن بشود و در حدیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
 که بر شما باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می شود و از حضرت صادق
 علیه السلام منقولست که زمین در شب پیچیده می شود و می شود که چون حضرت امیر المومنین
 صلوات الله علیه و آله سفر میکردند و در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم منقولست که چون در شب بروید و آنید بر سر راه فرود می آید و در شکم رو و خانه ها
 فرود می آید که محل و زندگان و بار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که در میان رو و خانه فرود می آید که مبادا سیلاب بیاید و بشاخص بر سر ساند و در حدیث
 معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حق تعالی بدار کردن را دوست
 میدارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار بشوید و در منزلها فرود آید پس اگر
 زمین خشک باشد و گیاه ندشته باشد تند بروید و اگر برگیاه باشد منزل را منزل فرود آید و از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشکی گیاه سفر کشیده تند بروید و اگر در زمین
 پر آب و علف روید بتانی و در راه بروید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
 که چون راه غلط کنید بجانب است میل کنید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
 علیه و آله منقول است که هر که در سفر راه گم کند یا کند که یا صاحبی را غشی بدستیکه از بردن
 مؤمن شما از جنبان شخصی است که صالح نام دارد و از برای خدا و حرمه ایامیگردد و چون
 صدای شما را می شنود جواب بگوید و راه نالی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یا صاحب یا صاحب ایامیگردد و یا ای صاحب
 بر حکم الله را وی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را پیوستیم که از ما دور شده
 فریاد کرد و این بخو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدای من را شنیدید که گفت راه
 از جانب راست است تا آنکه به ما رسیدیم که فریاد را یا فایم و از عمر بن یزید که از ثقات
 اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یک سفر که غلط راه گم کردیم پس به روش
 ما بینیم و راه را طلبیدیم تا فایم پس چون روز سوم شدالی که به دست آمدیم آخر شب پس چاه
 احرام پوشیدیم بعنوان کفن و جنو را که دریم و در آن حال شخصی از رفیقان ما بر جا نماند و فریاد

آمد که یا صاحب الزمان یا ابوالحسن پس کسی از دو جواب گفت پرسیدم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت
 من از ان گروهم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و سکه
 بغیر از من از آنها نمانده است و کار من این است که گم شده را برآه میرسانم ما همه جا از پی تصدیق
 رفتیم تا براه رسیدیم فصل نهم در بیان دعاها که در راه و در منازل باید خواند در حدیث صحیح
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم در سفر با شریب می رفتند میان الله می گفتند و چون سبب الامیرفتند الله اکبر
 می گفتند و در حدیث صحیح دیگر فرموده که چون در سفر باشی بگو اللهم اجعل مسیری
 عبورا و ختی تفلکرا و کلامی دیگر او در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم منقولست که هر که بر دو خانه پائین رود پس بگوید لا اله الا الله و الله اکبر کند
 آن دو خانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرموده که هر که لا اله الا الله و الله اکبر
 بگوید و در بلندیا آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین همه لا اله الا الله و الله اکبر
 بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند خدمت حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم و گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم و تو تعلیم نما که در راه بخوانیم
 فرمود که چون در منزل آمدید و نماز حضرت بکنید بعد از نماز پهلور ابر رخت خواب
 بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیه الکرسی بخوانید چون چنین
 کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از بزرگان در عقب ایشان رفتند
 چون سه روز آمدند و نماز حضرت کردند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیه الکرسی را
 خواندند پس در آن غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون نزد ایشان آمد و دیواری
 و از ایشان اثری نیافت چون بزرگان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند
 چون صبح شد نزد ایشان آمدند و پرسیدند که شادی شب کجا بسر بردید گفتند در همین موضع
 گفتند ما اندیم مخصوص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را نقل کنید ایشان گفتند
 که مادر وقت خوابیدن تعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح حضرت فاطمه
 علیها السلام و آیه الکرسی خواندیم و در آن گفتند که بروید که وزوی بر شما دست خواهد

یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در منزلی فرستد و آید که از درندگان ترسد این دعا بخواند **اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحُكْمُ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ** و بخواند **مَرْبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ** و بخواند **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَ اَحْسَنَهَا وَ اَعْوَدُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا هَا اَللّٰهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَنَّتِهَا وَ اَعِزَّنَا مِنْ بَاہَا وَ حَبِّسْنَا اِلَى اَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِیْ اَهْلِهَا لَنَا** و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بر سر کعبه مشرف شوی و نظرت بر آن بیفتد بگو **اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا اَخْلَقْتَ وَ رَبَّ الْأَرْضَیْنِ السَّبْعِ وَ مَا اَخْلَقْتَ وَ رَبَّ الرِّیَاحِ وَ مَا ذَرَفْتَ وَ رَبَّ الشَّیَاطِیْنِ وَ مَا اَضَلْتَ** اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَ الْقَرِیْبَةِ وَ مَا فِیْهَا وَ اَعْوَدُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیْهَا و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیاطین در میان مجلسها و کجاوه با بر می آیند و شتران را می بینند پس از برای دفع ایشان آیه الکرسی بخواند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در سفر باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر بالای پیشانی خود

لا تخاف دَرَكًا وَلَا مَخْشَةً آخر آیه باذن الہی از و بر طرف نمود راوی گفت کہ من بسبب حج رفتم
در بیان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافله را زدند و من میان ایشان بودم این آیه را بر بال سپ
نوشتم پس بحق آن خداوندی کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ را بر سالت فرستاده و
حضرت امیر المومنین علیہ السلام را امامت بشرف گردانیده است کہ بحق تعالی ایشان را
از من کور گردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست کہ چون حضرت
رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بفرس میفرستید و شب می شد این دعا می خواندند
یا ارحم الراحمین و رَبِّكَ اللَّهُ وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِیْكَ وَسَوْءَ مَا یَاکُوبُ
عَلَيْكَ وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْحَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَائِرِ الْبَلَدِ
وَمِنْ وَادِيٍّ وَمَا وَكَدَ اللَّهُ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَنَ وَرَبَّ الْأَرْضَيْنِ السَّبْعِ
وَمَا أَقْلَنَ وَرَبَّ الرِّجَالِ وَمَا ذَرَعَيْنِ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَظْلَنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ
وَخَيْرَ هَذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هَذِهِ الْبَلَدِ وَاهْلِهِ وَخَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَاهْلِهَا وَخَيْرَ
مَا فِیْهَا وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیْهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذَاتٍ رَسِيٍّ أَخَذَ بِصَاحِبَتِهَا
إِنْ مَرَّتْ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَسَيِّدِ ابْنِ طَاوُسٍ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ رَوَيْتَ كَرَاهَةً أَنَّهُ
لَمْ يَرِ إِلَّا بِسْمِ اللَّهِ يَأْمُرُ بِالْأَرَادِ بِكُلِّهِ الْكَبْرُ وَاللَّهُ الْكَبْرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
الْكَبْرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرِيفٍ وَرَادِعِيهِ مَنْقُولٌ
نہ ہر کہ در راہ از دشمنان و دزدان ترسانند یا بخواند یا خدا این دعا را بخواند و السابق بہا
إِلَى خَدَّيْهِ وَالْمُقَدِّمِ فِيهَا حُلُّهُ وَخَالِقِهَا وَجَاعِلِ قَضَائِهَا غَالِبًا إِلَيَّ مَكِيدُ
لِضَعْفِي وَلِقَوْتُكَ عَلَى مَنْ كَادَنِي لَعَزَّتْ فَإِنْ حُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو
وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيْرُ وَآمَانِي نَعْمَتِكَ يَا خَيْرَ النُّعْمِينَ لَا تَجْعَلْ لِحَدِّكَ مُغِيرًا إِلَيْكَ
الَّتِي اتَّعَمْتُ بِهَا عَلَى سِوَاكَ وَلَا تَغَيِّرْهَا أَمَّا رَبِّي وَقَدْ تَرَى الَّذِي نَزَلَ فِي فَعْلٍ
بَيْنِي وَبَيْنَ شَرِّهِمْ يَحْيِي مَا يَنْتَحِيْبُ الدُّعَاءُ يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَازْبِرْ
وَفَعَلْتُ شَمَانِ از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقولست این دعا بخواند اللَّهُمَّ ارْحَنِي

اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُصْلَبَ فِي سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُقْتَصَبَ
 فِيْ غِيَاثِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُضَيِّعَ فِيْ سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُغْلَبَ وَلَا اُفْرَكَ
 و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون غولان شباهر خورند در راه اذان نماز گویند
 و سید بن طاووس علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزل فرسودانید بگوئید اَللّٰهُمَّ
 اَنْزِلْنِيْ مِنْ اَمْبَادِكُمْ و اَنْتَ خَيْرُ الْمَرْزُوقِيْنَ پس دو رکعت نماز بگذارد و بسوره حمد و هر سوره
 که خواهد از سوریای کوچک پس بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِيْ مِنْ اَمْبَادِكُمْ و اَنْتَ خَيْرُ الْمَرْزُوقِيْنَ
 شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْنَا مِنْ جَنَابِهَا وَاَعِزَّنَا مِنْ وِيْاضِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْهَا اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ
 اَسْمَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ
 وَاَنْ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلِاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّةً اَتَوَلَّاهُمْ وَاَتَرَكْتُهُمْ مِنْ اَعْدَائِهِمْ
 اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ كُلِّهَا اَلْبَقْعَةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذُلَّ
 نَحْوِيْا هَذَا اَصْلَاحًا وَاَوْسَطًا فَلَاحًا وَاٰخِرًا نِيْجًا وَاَنْتَ اَكْبَرُ وَاَنْتَ اَكْبَرُ وَاَنْتَ اَكْبَرُ
 از جانوران زمین ترسی آیند عابثان که از جمله و عابثی سر است یا ذاری مَنْ فِيْ الْاَرْضِ
 كُلِّهَا لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُوْنُ فَمَا يَكُوْنُ فَمَا ذَرَأَتْ لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى كُلِّ مَنْ دُوْنَكَ اِنِّيْ اَعُوذُ
 بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَمِنْ الضَّرَرِ فِيْ بَدَنِيْ مِنْ سَبْعٍ اَوْ هَامَةِ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ
 الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهُمَا بِفِطْرَتِهِمْ اِنَّ سَاءَ هَاعَبِيْ وَاجْهًا وَاَلَسُّطِيْهَا عَلَيَّ وَاَعِظِيْ مِنْ شَرِّهَا
 يَا سَيِّدَا اَللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ اَحْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ وَاَجْمَعْنِيْ بِسِتْرِكَ الْوَلِيْفِيْ فِيْ خَفَائِيْ يَا كَرِيْمُ
 و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بارگهی دو رکعت نماز بگذارد و از خدا
 بطلب حفظ و حمایت آبی را و آمنوضع و اهل آمنوضع را و داع کن که هر موضع را اهل از ملائکه
 هست پس بگو اَلسَّلَامُ عَلٰی مَلَاَئِكَةِ اللهِ الْمُحَافِظِيْنَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَاَعِظِيْ عِبَادَ اللهِ الصَّالِحِيْنَ
 و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ فصل و هم در آداب سفر دیاوگدشتن از پلما و جسر یا در حدیث
 صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که مکرده است
 بدیا سوار شدن از برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نیکو
 طلب در سفر مکرده است کسیکه بدیا سوار شود برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد بن هاشم علیه السلام منقول است که کسیکه بکشتی سوار می شود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود از سوار شدن دریا در وقت تلاطم و سیجان آن و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو **بِسْمِ اللَّهِ تَجْرُهَا وَرَبِّهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ** و چون دریا موج آید بر جانب چپ تنگی کن و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو **قَرْنِي بِعَمْرِائِ اللَّهِ وَاسْكُنْ بِمَكِينَةِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** راوی گفت که من مکرر بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از غرق شدن ترسد بگوید **بِسْمِ اللَّهِ تَجْرُهَا وَرَبِّهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ** و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون از غرق شدن ترسد بگوید **اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ مَا أَخْرَأْتَهُ** و در روایت دیگر منقول است که چون خوابد بکشتی سوار شود صد مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه **بِرَّطَالِمَانَ آلِ مُحَمَّدٍ لِحَسَنَتِ كُنْ** باین نحو که **اللَّهُمَّ الْعَن مَن ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ** پس بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى الصَّادِقِينَ مِنَ آلِهِمُ الْحَسَنِ مَسِيرَنَا وَعَظَمَ اجْوَرَنَا اللَّهُمَّ بِكَ أَنْتَ تَنْتَرْنَا وَارْتَجَانَا وَنَاصِرُنَا وَلَا تَحُلْ بَيْنَنَا لَا تَحْبِ اللَّهُمَّ بِكَ نَعْلُ وَبِكَ نَسِيرُ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاعْظِمْ عَافِيَتَنَا أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَأَنْتَ الْحَامِلُ فِي الْمَاءِ وَ عَلَى الظَّهِيرِ وَقَالَ ادْكُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْنُومًا وَمِنْ سَاهَا**

إِنَّ دَنِي لَفَقُورٌ مَرَحِيمٌ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ
إِلَيْهِ الرِّجَالُ وَشَدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحَالُ فَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَرُورٍ وَأَكْرَمُ مَقْصُودٍ قَدْ
جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرِكِرَامَةً وَكُلِّ زَائِدٍ نَحْفَةً فَاسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِحَقَّتِكَ أَيَّامِي فِكَالَكَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَشْكُرُ سَعْيِي وَأَذِخْهُ مَسِيرِي مِنَ الْهَلِي بِغَيْرِ مَنِّ مَنِّي عَلَيْكَ بَلْ
لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ إِذَا جَعَلْتَ لِي سَبِيلًا إِلَى نَارِ يَارَبِّكَ وَلِيْلَكَ وَخَرَفَتْنِي فَضْلُهُ وَحَفِظَتْنِي
فِي لَيْلِي وَنَهَارِي حَتَّى بَلَغْتَنِي هَذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَقْلَقْ
فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَاجْعَلْ مَسِيرِي هَذَا الْفَنَاءَ لَدُنِّي يَارَحِمَ الرَّاحِمِينَ
سید ابن طاووس رحمه الله گفته است که اگر مطلبش از کشتن نشستن غیر از زیارت باشد
عبارات را تغییر بدهد بخوبی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که بر بندگی هر چیزی دلی شیطانی است چون آبجا برسد
بسم الله بگویند تا از شمار دور شود و در حدیث دیگر منقول است که چون قدم خود را بر جبری
یا بر پلی بگذاری بگو یا الله یا الله یا الله اذْخُرْ عَنِّي الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ فصل یازدهم
در آداب مشایعت و استقبال مسافر و آداب گشتن او در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موسی را وداع میکردند
موسی فرمود یا محمد یا محمد یا محمد وَزَوَّدَكُمْ التَّقْوَى وَجَعَلَكُمْ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَقَصَى لَكُمْ كُلَّ
حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دُنْيَاكُمْ وَرَقَكُمْ سَالِمِينَ یعنی خدا شما را رحمت کند و هر چه بخواهید
توشه شما گرداند و شما را بسوی هر چه بخواهید متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را بر آورد و دین و دنیا
شما را سالم دارد و شما را سلامت برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم مسافری را وداع میکردند دست رست او را می گرفتند و می گفتند یا خیر الله
لَكَ الصَّابِرَةُ وَ أَكُلَّ لَكَ الْعَوْنَةُ وَ سَمَّيْكَ لَكَ الْحُرُونَةُ وَ قَرَّبَ لَكَ الْبَعْدَةَ وَ أَمَّا لَكَ
اللَّهُمَّ وَ حَفِظَكَ لَكَ دِينَكَ وَ أَمَّا لَكَ رَحْمَتُكَ وَ حَوَاتِيمُ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ

عَلَيْكَ بِمَقُولِ اللَّهِ اسْتَودِعَكَ اللَّهُ سِرَّ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ وَدَرِ رِوَايَتٍ دِيكَرِ مَقُولِ اسْت
 كَرِ دَرِ اَيْنِ وَقْتِ مِي سَمْعِ مَوْدِ اسْتَوْدِعَ اللَّهُ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَ
 وَجْهَكَ لِخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَنَزْدَكَ التَّقْوَى وَخَفَرَ لَكَ الذُّلُوبَ وَدَرِ رِوَايَتِ
 دِيكَرِ مَقُولِ اسْتِ كِهْ جَمْعِي اَزْ اصْحَابِ نَجْدِ اسْتِ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلِيهِ السَّلَامُ فَرَسْتَنْدَ كِهْ اَنْخَرْتِ
 وَدَاعِ كَسْنَدِ فَرَمُودِ كِهْ اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا اَذْنَبْنَا وَمَا خَنُ مَذْنُبُونَ وَثَبَّنَا وَايَاهُمْ
 بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَعَافِنَا وَايَاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِي عِبَادِكَ وَ
 بِلَاؤِكَ فِي سَنَتِنَا هَذِهِ الْمُسْتَقْبَلَةِ وَحَسْبِ لِي نَصْرُ الْيَوْمِ وَالْآخِرِ وَهُمْ
 عَاجِلًا وَدَرِ حَدِيثِ مَعْبَرِ مَقُولِ اسْتِ كِهْ مَسَافِرِ اسْتِ اسْتِ كِهْ چُونِ اَزْ سَفَرِ بَرِ گِرْدِ دَرِ اَدْرَا
 مَوْسَمِ خُودِ الرِّضْيَا اسْتِ بَطْلِبِدِ وَدَرِ حَدِيثِ مَعْبَرِ اَزْ حَضْرَتِ اَمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيهِ السَّلَامِ مَقُولِ اسْتِ
 كِهْ چُونِ كَسِي اَزْ سَفَرِ اَيِدِ بَرَائِي اَهْلِ خُودِ تَخْضِيصِ يَا وَدَا كِرِ چِ سَنَكِي بَاشِدِ وَازْ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلِيهِ السَّلَامِ
 مَقُولِ اسْتِ كِهْ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمِ مِي فَرَمُودِ بَا كَسِي كِهْ اَزْ كَمِي اَمْدِ قَبْلِ اللّٰهِ
 مِنْكَ وَاخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَخَفَرَ ذَنْبَكَ وَدَرِ حَدِيثِ دِيكَرِ مَقُولِ اسْتِ كِهْ مَرِ كِهْ اسْتِ
 دَرِ كَرُونِ حَاجِي بَكُنْدِ دَرِ وَقْتِ كِهْ بَا كِرِ دَرِ اِهْ بَرَسِدِ چَا اسْتِ كِهْ حَسْبِ اَلْاَسْوَدِ اَبُو سَيِّدِ اسْتِ
 وَدَرِ رِوَايَتِ دِيكَرِ مَقُولِ اسْتِ كِهْ چُونِ كَسِي اَزْ سَفَرِ بَرِ گِرْدِ دَسْ اَوْرَ اسْتِ كِهْ مَشْغُولِ كَارِ مِي شُودِ
 تَا غَسْلِ كِنْدِ دَرِ كَفْتِ كِنْدِ وِ سَجْدِ رُودِ وِ سَدِ مَرْتَبِ شُكْرِ اَلْهِی بُو يَدِ چُونِ جَعْفَرِ طَيَّارِ اَزْ حَشِشِ اَبُو حَضْرَتِ رَسُولِ
 صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمِ اَوْرِ اسْتِ خُودِ چِسَانِدِ وِمِيَانِ دُوحَشِشِ اَبُو سَيِّدِ وَاصْحَابِ حَضْرَتِ
 رَسُولِ چُونِ بِيَكِ دِيكَرِ مِي رَسِيدِ مَصَافِحِ مِي كَرْدَنْدِ چُونِ يَكِي اَزْ اَيْشَانِ اَرْسَلِ مِي اَمْدِ دِيكَرِ
 دَسْتِ دِيكَرِ كَرُونِ اَو مِي كَرْدَنْدِ وَدَرِ اَحَادِيثِ مَعْبَرِ وَارْدِ شُدِهْ اسْتِ كِهْ مَسَالِمْ اسْتِ اسْتِ قَبَالِ
 مَوْثِقَانِ اسْتِ اسْتِ اَزْ بَرَائِي مَسَالِمْ اسْتِ اسْتِ قَبَالِ مَوْثِقَانِ كَا زَا قَصْرِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ
 وَرُوزِ مَاهِ مَبَارَكِ رَمَضَانِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ
 تِيرَانِ دَاخْتِنِ دَرِ اَحَادِيثِ مَعْبَرِ وَارْدِ شُدِهْ اسْتِ كِهْ مَسَالِمْ اسْتِ وِ كَرِ وَبَنْدِي جَائِزِ اسْتِ مَكْرِ
 دَرِ سَبِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ اسْتِ
 كِهْ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمِ اَبُو اَلْبَكْرِ وَچِسْتَنْدِ وِ كَرِ دَرِ اَبَرِ چِنْدِ اَدَقِيهْ نَقَرِ اسْتِ اسْتِ

که هر وقت تخمیناً بخت و یک شغال نفوذ یابید و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که سواری بکنید و تیر اندازی کردن را دوست تر میدانم از سواری کردن و فرمود
که هر لحظه و بازی که نموس کند باطل است مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم سپ کردن و تیر انداختن
و بازی خود بازی کردن که اینها حق است و بدستیکه یک تیر که در راه خدا پسند از وقتها
که سبای آمرزد آن سبیکه آن تیر را ساخته است و آن سبیکه آن تیر را بجا کشنده بخشید
است و آن کسی که آن تیر را به جهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقول است که ملائکه میگیرند
در هنگام گرد بندی و لعنت می کنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل و دانه
یا سپ و استر و الاغ و دانی و تیر اندازی یا شتر و نیزه بازی و بدانکه اگر در دانه و ایندین در سپ
و استر و الاغ و شتر و فیل جائز است و اگر بستان بر کوه تیر پرانی که که ام یک دو تیر بردند
یا کشتی راندن که دو کشتی را بر سر آب بدوانند یا آنکه در کس گردید بندگان بزرگ که که ام
یک شتر بردند یا در کشتی گرفتن که که ام یک دیگری را بر زمین بزنند یا در برداشتن
چیزهای گران بها نیست اما با آنکه گردید بندگان است و جایز بودن اینها قوی است
خصوصاً در کشتی گرفتن که بعضی از اعاذیت و دالالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول
است که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدند
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آن حضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم با آن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و بایک دیگر کشتی بگیرد پس
ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام بی کاری بیرون فرستند
چون برفتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید که امی حسن بگیر حسین
و بر زمین انداز حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که ای پدر چه عجب است که بزرگتر از غیب
می ندانی که کو یک را بر زمین نهد حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که
حسین را بر زمین انداز من در برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا منقول است که
زنهار چوگان بازی مکن که در آن حال شیطان با تو می یازد و فرشتگان از تو نفرت
مکنند و اگر کسی را در آن حال چارپایش بسوزد آید و او میرد و بجهنم میرود و بدانکه در گروستن

مطلقاً شرط است که انالی را که قدر کمی خنند بر می کسی قدر کنند که پیشی گیر و پس اگر
از برای آن کسی که خنند که پس مانده است جائز نیست و هم چنین اگر از برای کسی که خنند
نبا ایشان در عمل شریک نباشد جائز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یکدیگر
گرومی بندند و دو کس تیری اندازند یا اسپ می تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان
قرار کند که هر که بیشتر میرود یا بیشتر میزند این قدر میباید هم جائز است و هم چنین اگر کسی
مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که بیشتر میرود ازین دو کس میستانند جائز
است و هم چنین جائز است که آن دو کس اسپ میستانند هر یک یک بدر آورد و بگوید
که این هر دو مال از من است که بیشتر برود و مشروط است گردانیدن موافق مشهور میان
علماء بچند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهائی مسافتی را که در آن میستانند که اسپ
هر یک که درین مسافت پیشی گیرد او برده است و دوم آنکه مالی را که گرد بر آن مال میبندند
مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن
سوم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند بدین و بعضی اعتقاد است
که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جائز است چهارم آنکه هر یک از آنها محتمل باشد
بحسب عادت که بروگیری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه لاغری را بپازند با حیوان
بسیار تند و فربهی که معلوم باشد عادت که بر آن پیشی نمیتواند گرفت جائز نیست پنجم
آنکه دو حیوان که می تازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند یا استر پس اگر اسپ را با
استر یا لاغ یا شتر یا فیل بپازند جائز نیست که درین شرط خلاف است و نزد فقیر
ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یک مرتبه بپازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری
بپازد جائز نیست مشهور میان علماء و محقق آنکه سوار شوند و بدو اندازد اگر اسپ یا رابی
آنکه سوار شوند و بدو اندازد جائز نیست بر این گروه بن ششم آنکه مسافتی تعیین کنند
که پیش از رسیدن بنتهائی آن مسافت آن چهار پایان مانده نشوند ششم آنکه آنها که امام
میستانند مردان باشند نه زنان و هم آنکه هر دو در وقت تاختن بر یکدیگر پستاده
باشند و درین شرط خلاف است و آنچه آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری پستاده باشد

جائز است و ده اسپ را که یک دیگر تازند و در میان عرب هر یک نامی دارد آن که از همه پیشتر
 رود آنرا محلی میگویند و آنکه از آن پس مانده است و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا متصل
 میگویند و بعد از آن آتی میگویند و بعد از آنرا بر اع میگویند و بعد از آنرا طرح میگویند و
 بعد از آنرا حطی میگویند و بعد از آنرا عا طفت میگویند و بعد از آنرا مقل میگویند و بعد از آنرا
 لطیم میگویند و دم را که کل میگویند که از همه پس مانده است و از برای همه جائز است چیزی
 قرار دهند بغير از آخر پس اگر این ده اسپ همه یک بار با خرمیدان برسند از برای همه یک
 چیزی نخواهد بود و بدانکه که بر شیر و نیز و تیر جائز است و در تیر انداختن چند چیز شرط است بحسب
 مشهور میان علما اول آنکه تعیین کنند که چند تیر که بزند برده است و دوم آنکه تعیین کنند که
 این چند تیر را در میان چند تیر بزند سوم آنکه تعیین کنند که بچه نخو نخور و نشانه یکی از آنها که بعد از
 این بیان خواهم کرد چهارم آنکه تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کنند
 بزرگی نشانه را و موضع آنرا از اماج نامه ششم آنکه کمان هر دو تیر هر دو یک خس باشد و درین
 شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست اما اتفاقی است که در کار نیست که کمان و تیر
 معینی اش را بکنند بلکه بعض گفته اند که اگر شرط تعیین کنند باطل است هفتم آنکه یا بمبارده
 باشد یا بمحاطه و بمبارده آنست که شرط کنند که هر که در عرض نیست تیر پنج تیر را مثلا پیشتر بزند
 برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از ده یا پنج تیر از ده بر نشانه و دیگری چهار تار از ده
 آنکه پنج زده برده است و اگر هر یک پنج تیر زودند و هیچ یک از دیگری نبوده است و محاطه آنست که شرط
 کنند که در عرض نیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از
 دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بزنند از ندکی پانزده تیر را بر نشانه
 زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را زده
 دیگری ده تیر هیچ یک نبوده اند و احوط آنست که در اول یکی ازین دو صورت تعیین کنند
 مالی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول جائی یعنی در اول
 بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد و دوم حاضر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متصل
 باشد سوم حارق که نشانه را زخم کند و در آن خسه و زود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند

و بند شود و چشم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بر رود و ششم مارم که پهلوی نشانه را
 برزد و در میان نشانه فسر و در و پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است
 و اگر شرط کنند که اگر پهلوی نشان بزند برده باشد و او بر میان نشانه بزند باز برده است و اگر شرط کنند
 که بر نشانه فرود و چنان بزند که از جانب دیگر بگذرده است و هم چنین هر که است تر شرط کنند و نیکوتر بزند
 برده است و اگر نیکوتر شرط کنند و است تر بزند برده است و باید دانست که در تیر انداز سنی و
 گرد و آبی محلل سی باشد یعنی سیکه ایشان شریک می شود که اگر بر وجهه بگیرد و اگر بار
 چیزی نهد و بهتر است که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرد و بندی چنین سیرا بخود شریک
 کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقده را با این شد و بگوید
 مذکور شد بلفظ در آورد و دیگر حق قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و
 اسپ تا سخن خسته از ایشان محض این نباشد بلکه مطلب ایشان در روش جهاد در راه خدا و تقویت
 دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در پیش
 مقبره منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود فرموده اند
 که اسپ تا خسته اند و آنچه بران گرو بسته اند از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست
 که بر صد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه
 بن زید شتر گرو دادند و جناب مقدس نبوی صلوات الله علیه و آله و سلم از اسب بازی
 مستزده و مبره بودند بلکه از برای تقویت دین اسلام و خدمت به مردم بر جهاد فی سبیل الله بود
 تا کافران بر سلمان و مخالفان بر شیعیان متولی نشوند و جان و مال خدمت به مردم از شر
 اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام می باشد آن است که دفع
 ضرر کافران و مخالفان شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان با کافران بر سر گرو سهی از
 شیعیان بیایند بر آنجماعت واجب است که جهاد بکنند و دفع آنها و اگر گشته شوند
 شهیدند اگر آنها عاجز باشند بر جمیع مؤمنان واجب است که مدد ایشان بکنند و دفع
 آن کافران بکشند و در احادیث معتبره وارد شده است که سیکه برای دفع از عرض خود
 یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

منقول است که تمام خیرات در شمشیر وزیر سایه شمشیر است و شمشیر ایل حق کلید بهشت است و شمشیر
 ایل ایل کلید بهشت است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بهشت را درمی هست
 نه آنرا درگاه و چاکستانند گمان میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند و می بینند
 که برای ایشان گشوده اند ملائکه ایشان را مرجا میگویند و فرمود که حق تعالی تمت مرا عزیز گردانیده است
 بهم سپان ایشان و منان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل را خبر داد که هر که از امت تو
 در راه خدا جهاد کند و یک قطره بارانی یا در دست یا بر سر ثواب شهادت در نامه عملش نوشته
 شود و در حدیث معتبر منقول است که لشکر معاویه علیه السلام و العذاب الشدید در زمان حضرت
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله بر آنبار که محلی است در حوالی کوفه عارت گردند آنحضرت
 خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه ترجمه می شود بدستیکه جهاد کردن از برای خدا و ولایت
 از درهای بهشت که حق تعالی برای مخصوصان و دوستانش گشوده است و نعمتی است که برای
 ایشان ذخیره گردانیده است و جهاد زره حفظ نماینده خدا و سپهر محکم الهی است پس هر که ترک
 کند جهاد را با قدرت بران حق تعالی بر او جامه ذلت و خواری بپوشاند و بلا او رسد و اگر دو
 خشنودی از او دوری کند و در دیدار حقیر و بنیقدار شود و در راه اندیشه بر دلش نشود و مغلوب
 حق گردد و با او بالصف و عدالت سلو کنند بدستیکه من شمارا مکرر خوانده ام جهاد را
 گروه شرب و روز آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان جنگ شما
 آیند قبول نگرده اید و الله که گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنید
 البته ایشان ذلیل و خوار و بنیقدار می شوند در نظر پسرستی و روی و عیویک دیگر حواله کردید
 تا آنکه عارتها بر شما آورند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معویه لشکرش بر انبارانده
 و حسان گشته و عربهای لشکری شمارا گرفتند و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی
 یا کافری که حبس نهیده می آمد و دست برنج و خلخال در زاین او را میکشند و است و او چاره بجز
 تضرع و عجز کردن و انا لله و انا الیه راجعون گفتن نهشته است پس گشته اند آن ملاخیا
 با مال نهاده و بیچیک از ایشان جدا شد حتی بر نهشته و خونی از ایشان بر زمین ریخته است
 پس اگر مرد مسلمانی بعد از چنین مصیبتی بمیرد و از حزن و ماتم محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من

پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم که ولہا را پسیر اند و غمہا را جمع میکند از جمہیت آن
 جماعت بردین باطل خود و پرکنندگی شما از دین حق خود پس بنی حال شما و اندوہ ہستیا از برکت
 شما کہ نشانہ تیر دشمنان کردید اید بر شما خارت می آورند و شما بر ایشان خارت نمی برید و جنگ
 شما می آیند و شما جنگا ایشان نمید و این قسم ہمدانی خدای می کنند و شما راضی نمی شوید اگر در
 تابستان میگویم جنگ بروید میگویند کہ عین شدت گرماست ما را مہلت دہ تا گرما کم شود
 و اگر در زمستان میگویم کہ بروید میگویند عین شدت سرماست ما را مہلت دہ تا سرما بر طرف
 شود ہر گاہ شما از سرمایگری زیاد شمشیر بکشید گر خیت امی مردمانی چند کہ مثل عقلہای طغیان
 و زمان دارید کاش شمار ہرگز ندیدہ بودم و شما را نمی شناختم دلم را پر از چرک و کینہ ام را پر از شرم
 گردید و بسکہ ہستم کہ دید رائی مرا ضایع کردید قریش میگویند کہ پس ابوطالب شجاع است
 اما علم جنگ را نمیداند کہ از من و اما تر است بجنگ و کہ از من بیشتر جنگ کردہ است
 ہمزبیت سال ہشتم کہ شروع بجهاد کردم و اکنون اثنہ صحت سال گذشتہ اما کسی را
 کہ فرمان نزدیکہ رائی بکار برد و در حدیث دیگر فرمود کہ حق تعالی جہاد را واجب ساختہ و
 عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیدہ و اللہ کہ دین و دنیا با صلح نمی آید مگر بجهاد
 و آن حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ جہاد کند را با الہش رساند
 چنان است کہ بندہ آزاد کردہ باشد و در ثواب جہاد شریک باشد و در حدیث دیگر فرمود کہ
 جہاد کنید کہ باعث عزت و بزرگواری شدہ و زنان شما می شود خاتمہ در بیان بعضی از
 آداب ہجرت و فوائد نافعہ از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ بسیار است کہ بعضی شیعیان
 ما در ہجرت بعضی از کار با فراموش می کنند گفتن بسم اللہ الرحمن الرحیم را پس حق تعالی ایشان
 استخوان سپید بیلای بہت نبتہ شوند و بیاد آورند شکر الہی را و ثنائی او را حق تعالی بسبب
 آن بلا محومی نماید از ایشان منقصت آن تقصیر را کہ از ایشان صادر شدہ است پس باید کہ
 آدمی در ابتدائی ہر کاری ہجرت نماید بگفتن بسم اللہ و آن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام
 منقولست کہ چون حق تعالی حضرت آدم را نہی فرمود از خوردن میوہ درخت بہشت گفت
 بلی پروردگار و گفت اشاء اللہ تعالی پس ازان درخت خورد و از بہشت بیرون آمد پس

حق تعالی فرمود پیغمبرش را که **وَلَا تَقُولَنَّ لَيْسَ بِي شَيْءٌ فَإِنَّ ذَلِكَ عَدَا إِيَّائِي** اِنْ يَتَأَمَّرَ اللَّهُ
 وَأَذْكُرْتُمْ بَكَ إِذَا تَنَبَّأْتَ لَيْسَ بِهِ وَبَعْضُ بَعْضٍ لَوْ كُنْتُ حُزِي رَاكِبًا أَيْنَ أَسْكُنُكُمْ فَوَاللَّهِ لَكُمُ مَقَاتِلُ شَيْئَاتِ الْبَنِي
 كَرْدَانِي كَهْ بَكُونِي مَكْرًا لَكُمْ خَدَا خَوَاهِدُ كَهْ بَكُنْ بِدَا كَرْنِ بِرُودِ كَا رُخُودِ رَا هِرْ كَا كَهْ فَرَا مَوْشِ كَنِي اَوْرَا بِنِي هِرْ كَا
 كَهْ كَفْتَنِ اِنْشَاءً اَللَّهُ رَا فَرَا مَوْشِ كَنِي دَرِ هِرْ وَفَتْ كَهْ بِخَا طَرْتِ بِيَا يَدِ بَكُو اَلَكِرْ چَهْ بَعْدَ اَزِ يَكِ سَالِ شَهْدِ
 وَدَرِ حَدِيثِ مَعْبَرِ اَزِ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا مَنْقُولُست كه نه چيز است كه
 كُردن آنها مَورثِ غلبه فَرَا مَوْشِي است خوردن شيب ترش و شير و شير و شير و شير خوردن مَورثِ بول
 كُردن در آب پياده و خواندن نوشته قبر يا در راه رفتن در ميان دو زن و شيش از نده افتادن
 و حجامت كردن در گيشت كردن از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه و آله منقول است كه
 سه چيز است كه حافظه را زياده مي كند مشواك كردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در شيبه
 معبر منقولست كه روزي آنحضرت غلگين شدند فرمودند كه نميدانم بچه سبب غلگين شدم عترت
 ششم و ميان كَلَهْ گوشتان گزشتم و زير جامه را پياده پوشيدم و دست در و زار
 بدارم جامه پاك نكردم و از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه ده چيز است كه از ده پا
 بر طرف مي كند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و بيشتره را از نظر كردن و خوردن
 و آشاميدن و جملع كردن و مشواك كردن و سر شستن با جلي و نظر بر دو زن ببول كردن
 و با مردان سخن گفتن و از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه و آله منقولست كه چند چيز است
 كه باعث پريشاني مي شوند و چند چيز است كه باعث توانگري ميشوند اما آنها كه باعث پريشاني
 و فقر مي شوند تا رعنكوت را در خانه گزشتن و در حمام بول كردن و در حالت جنابت چيزي
 خوردن و با چوب گز خلل كردن و پياده شانه كردن و خاكشيره را در خانه گزشتن و ششم
 دروغ خوردن و زنا كردن و اجبار حرص كردن و خواب كردن در ميان نماز شام و خفتن و
 خواب كردن بعد از صبح پيش از طلوع آفتاب و دروغ بسيار گفتن و عجا و خواندن گيشتن
 و مردمي را كه در شب سوال كند چيزي ندادن و خشيجه را زياده از اندازه كردن و با خوشيان
 بدى كردن اما آنها كه موجب توانگري و زيادتي مال مي شوند نماز پيشين پسين را و نماز شام و
 خفتن را با يك ديگر كردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقيب خواندن و با خوشيان

و احسان کردن و ساحت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران مؤمن تقسیم کردن
و بامداد بطلب روزگار رفتن و دستغبار بسیار کردن و خیانت در مال مردم نکردن و سخن حق
و راست گفتن و آنچه مؤذن و درافان گوید از پی او گفتن و در بیت اخلاص گفتن و در ص
و طلب دنیا داشتن و شکر کسیکه نعمتی برایش کرده باشد داشتن و از قسم و سوغ حشمت
کردن و پیش از طعام دست شستن و ریزه ریزه که در سفره ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه
سبحان الله بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد و در پیش
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در مع ما لم یسیت صلوات الله علیهم
اجمعین یک بیتی از شعر بگوید حق تعالی برای او خانه در بهشت بنا کند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که در مع ما لم یسیت از شعر بگوید روح القدس گردد و در حدیث دیگر از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مع ما لم یسیت بگوید حق تعالی
برای او در بهشت شهر بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون در شهر در آید هر ملک
مقرب و هر بنحیر مرسلی بدین او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که شکم کسی که پر از چرک و زخم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از چیزی خوردن در حال
جنابت و فرمود که مورث پریشانی است و نهی فرمود از گرفتن باخن بدندان و از مسواک
کردن در حمام و از آنجایی انداختن در مساجد و از خوردن نیم خورده موش و فرمود که سجده
را راه گشاید که از دزدی در آید و از در دیگر بر روی دیگر آنکه دور گشت نماز بگذارد و نهی کرد
از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه و در یاد در میان راه و نهی فرمود از آنکه دست چپ یا بر
پهلوی بگذارد و نهی فرمود از گنج مالیدن تبرها و نماز کردن در قبرستان و
فرمود که هر که در فضائی غسل کند با خبر است که عورتش کشته نشود و نهی فرمود از آب
خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا چرک جمع می شود و نهی فرمود از بول کردن در آب
استاده که باعث بر طرف شدن عقل می شود و نهی فرمود از آنکه کسی با یک پل نعل
راه رود و یا استاده نعل پوشد و نهی فرمود از آنکه کسی بول کند و فروش محاذی آفتاب

یا ما متاب باشد و نهی نموده که چون داخل بیت اخلا شوید چشمتان بکسی نرسد و پیش از رفتن رو قبله
 و پشت قبله و نهی نموده که از گریه بلند و نوحه بلند کردن در مصیبت و نهی نموده که از رفتن زنان
 از بی خارزه و نهی نموده که از آنکه بگویند چیزی از قرآن را آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن
 آب دهان بنویسند و نهی نموده که از خواب در روغ بستن و نهی نموده که هر که چنین کند حقتاً
 او را تکلیف میکند که بر جوهره بزند و او تواند کرد یا این سبب معذب باشد و نهی نموده که از رفتن
 صورتها و فرموده که هر که صورتی بسیار و حقیقی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت
 ببرد و نتواند و نهی نموده که از آنکه حیوانی را با آتش بسوزانند و نهی نموده که از پوشش نام دادن و نهی
 زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی نموده که از آنکه ثمنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد
 و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا من این متاع را بیشتر می خرم و نهی
 فرموده که بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرموده که از این سبب باشد لال بودن و نهی نموده که زنند و فرموده
 که خاک رو بر آتش در خانه نگذارید و روزی بر روی یک شیطان در آن جا می کند و نهی
 فرموده که از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را بویاند
 کند طاعت نکند مگر خود را و نهی نموده که از آنکه کسی استنجاء نکند پس بکین دستخوان و نهی نموده
 از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها
 و هر که برود زنا در چشمان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی نموده که از آنکه زن برای غیر شوهر
 خود زینت کند پس اگر بکند برخلاف لازم است که او را آتش بسوزانند و نهی نموده که از آنکه زن
 نزد غیر شوهر خود و محرماتش زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی نموده که از آنکه زنی
 در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی نموده که از آنکه زنی
 با زن دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گزیده باشد و نهی نموده که از آنکه کسی
 با زن خود رو قبله جماع کند و نهی کرده که از آنکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند
 خدا ملائکه و همه مردان برو لعنت کنند و نهی فرموده که از آنکه برود نزد جاحقی که خبر از آئینه
 میگویند مانند بخان و کاهستان و رمالان و صوفیان که اب هر که نزد ایشان رود و تصدیق
 کند ایشان را پس او بیزار شده است از چیزایی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله دستلم

نازل شده است و نهی می نمود از بازی کردن بر دو شرط پنج و هفتم و سیم و چهارم و پنجم
 و نهی می نمود از عیسیت کردن و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و خوردن
 که سخن چینی داخل بهشت نمی شود و نهی می نمود از رفتن بخیانت فاسقان و نهی می نمود از
 قسم دروغ خوردن و فرمود که اهل خانه از خانه بری اندازد و فرمود که هر که قسم دروغ بخورد
 برای آنکه مال مسلمانی را ببرد خدا در قیامت با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را
 پس و نهی می نمود از شستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی می نمود از آنکه کسی زن
 خود را بتحام فرستد یعنی در بگوید که حتما بتحام نباشد و نهی می نمود از داخل شدن بتحام سبک
 لنگ و نهی می نمود از طبایع بر روزن در وقت عیسیت و نهی می نمود از سخن گفتن
 که آدمی را از او داخل گرداند و نهی می نمود از آشامیدن از طرف طلا و نقره و نهی می نمود
 از پوشیدن حریر و دیبا و خشنه مردان از آن که بایستی و نهی می نمود از فروختن خردار
 درخت پیش از آنکه سرخ یازد شود و نهی می نمود از آنکه درخت را در درخت بخرافه و شنبه
 و انگور را در درخت بخور و نظر کنند و نهی می نمود از فروختن آلت مرد یا شرط پنج و نهی می نمود
 از خریدن و خوردن شراب و فرمود که حتما لی غنت کرده است شراب و آنرا که درخت انگور را
 بقصد شراب بکار رود و آنکه انگور را برای شراب می فشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی می شود
 و آنکه میفرودشد و آنکه میخورد و آنکه قیئت شراب میخورد و آنکه بر می دارد و آنکه از بلبل و سبک برزند
 و همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد و اجل روز نماز شش متعجل نیست و اگر ببرد و در
 شکستن چیزی از شراب باشد برخلاف لازم است که بخوراند با و از آنچه از هیچ زنا کاران از
 چوب و یکم پروان آمده و سالها در گیاههای جنم چیده است پس چون بخورد و بکند از او خشا
 و امعاد و پوست ایشان را و نهی می نمود از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از کشتن
 کافه سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود و دهننده سود و نویسنده سود و گواه سود
 را و نهی می نمود از مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی می کرد از خواندن شعر که سجد و برای
 گم شده قریب کردن در سجد و نهی می نمود از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه چیزی بر روی
 چاقو زان بزنند و نهی می نمود از آنکه کسی بعبادت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دهسته بر غورت

نظر کند هفتاد هزار ملک او را بخت گشتند و نهی فرمود از آنکه زنی بجورت زنی نظر کند
و نهی فرمود از آنکه بریند در طعام یا در آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان
در میان راه دور آب یا دور درودخانه یا دور جایابی که آنجا شتران را بنهند و بر آب که بمسب
منزله و نهی فرمود اگر گشتن کسی غسل و از داغ کردن بر سر و چهارپایان و نهی فرمود از
آنکه کسی که بغیر از خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بیرون شود و نهی
فرمود از تمخریدن لبوره قرآن و فرمود که هر که لبوره قرآن قسم بخورد بر آب که یکباره بر او ام
است خوار است و آنگاه خورده باشد خواه در روز و علما حمل بر جناب کرده اند و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بر آب
تو یا بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنس در مسجد بشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در
شب و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود
از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب
جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتن برینج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه
که صورت حیوانی در گنبد نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن در زیورن آمدن و فرمودن
آفتاب در روز یکشنبه و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز
بعد از عید قربان و نهی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بر دش چارپایان
در آب گذارد و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود آب درید و بیاشامد که بهترین طریقی است
شماست و نهی فرمود از آب درین انداختن در چاهی که آب از آن بخورند و نهی فرمود از آنکه
مزدوری را کافری بایند پیش از آنکه مزدورش اقرار کند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یک گیر
بازردگی دوری کنند و اگر از چارپایان از سر و گردن کنند که هر که چنین کند آتش جهنم
با و اعلی است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند یا ذیاتی بملک بیاید
برابر یک دیگر بفروشند و نهی فرمود از بیع کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک
پاشید بر روی کسندگان و فرمود که هر که مزید بگوید را ظلم کند و با دنده در حق
ثواب اعمالش را بطل کند و بوی بهشت را بر و حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را با و گیرد
و از روی بی اعتنائی اموش کند و قیامت دستهایش در گردنش باشد و در پیشانی

بہر آیت باری بر وسعہ گرداند مگر آنکہ خدا اور بیا مرزد و فرمود کہ ہر کہ قرآن را بیا موز و پس بعد
از آن جسے بخورد و یا محبت دنیا و دینیت دنیا را بر عمل کردن بقرآن خستہ بار کند مستوجب
غضب الہی گردد مگر آنکہ توبہ کند و اگر بی توبہ سیرد قرآن با او خصمی کند و ہر کہ زنا کند باز آن سزا
یا زن ترسانی یا جھوک یا گبری خواہ آزاد باشد آن زن خواہ بندہ ولی توبہ سیرد و حق تعالی در قبرش
سیصد در از جہنم بکشد کہ از انہا مار و عقرب و اژدہا بقبرش از جہنم در آیند و او در آتش شوز
تا روز قیامت پس چون از قبرش منبجوش شود مردم از کند او متاذی شوند و ہمہ کس او را
باین عمل قبیح بشناسند تا جہنم برود و فرمود کہ ہر کہ در خانہ مؤمنی نظر کند کہ بر امر مستور او
مطلع شود خدا او را مشور گرداند یا منافقانی کہ عیب بہا مسلمانان را تفحص میکردند و از دنیا بیرون
نزد ما آنکہ خدا او را رسوا کند مگر آنکہ توبہ کند و فرمود کہ ہر کہ راضی نباشد با پنچہ خدای روزی او
گردانیدہ است شکایت کند و از برائے خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسد از و بالا
نزد و در قیامت خدا از او در خشم باشد مگر آنکہ توبہ کند و فرمود کہ ہر کہ ظلم کند بر زنی کہ محرم او را
ندہد او نزد خدا زنا کار است و حق تعالی در قیامت باو عتاب نماید کہ من سبب خود را بقدر تو
آوردم بر مصری و پیمانی و تو وفا بہ پیمان من نکردی و بر کین من ستم کردی پس از حسات او
او بگیرد و در عرض آن مصر آن زن ہمہ حسد و اگر حسدش تمام شود او را امر کند کہ بہ ستم بند
و تہی نہ نمود از پوششیدن گواہی و فرمود کہ ہر کس کہ گواہی نزاد باشد و بیوشاند حقا و قیامت
در حضور خلائق گوشت بدن او را بخورد و او بہ فرمود کہ پیوستہ جبرئیل را وصیت میکرد و در
حق ہمسایگان کہ من گمان کردم کہ میراثی برای او قرار خواہد داد و مرا وصیت میکرد و در
باب نظامان و کینزان کہ من گمان کردم کہ حدیعتہ را خواہد کرد کہ چون القدر خدایت کنند
آزاد شوند و وصیت میکرد و مرا رسوا کند تا آنکہ گمان کردم کہ وجب خواہد کرد و وصیت
میکرد مرا بنماز شب تا آنکہ گمان کردم کہ نیکان امت من در اصل در شب نخواہند خوابید و
فرمود کہ ہر کہ سبک شمار و مسلمان فقیری را پس حق تعالی را سبک شمارہ است و حق تعالی
او را در قیامت سبک شمارد مگر آنکہ توبہ کند و ہر کہ مسلمان جیپیز را گرامی دارد و در قیامت
از خوشنود باشد و ہر کہ گناہی و خوارش نامی او را پیش آید و از ترس خدا ترس نہاید

حق تعالی جهنم بر حرام گرداند و از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و دوزخ است که در
قرآن آورده فرموده با وعظا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت متردد شود پس دنیا را
بر آخرت خست یار کند در قیامت او رحمت نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت
را خست یار کند بر دنیا خدا از خوشنود گردود و گناهانش را با پیامرزد و هر که پیش از پر کند از نظر
کردن بسوی کسی که بر حرام باشد دیدن او حق تعالی دیده او را در قیامت از آتش بر کند مگر
آنکه توبه کند و هر که معاصی کند یا زنی که بر حرام باشد خدا از دشمنان گردود و هر که زنی را
بحرام دبیر گیرد او را با شیطان در یک زنجیر آتش کشند و هر دو را جهنم اندازند و هر که
فریب دهستانی را در خرید و فروش از نامیست و در قیامت بایهودان محسور شود و فرود
آید هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید تا او را از خود
راضی گرداند هر چند روز یا بر دوزخ باشد و شبها نماز است و بندها آزاد کند و مردمان را بر زبان
سوار کرده بجهاد فرستد و هم چنین است حال مرد اگر بر زن خود تم کند و هر که خشی از
کسی خسر و خور و که تواند از انتقام بکشد حق تعالی با و ثواب شهید گرامت فرماید و توبی
فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرموده که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و آتش
پس نه تمام گد او را دریابد بر غیرت من موده باشد و حق تعالی در قیامت از او خشم
باشد و هر که شهادت ناحق بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بر زبانش در آویزد
و در کسب اخل جهنم با منان همان دهر که مال خیانتی بخرد و نهسته چنان است که خود خیانت
کرده باشد و هر که حق برادرش را جبر کند حق تعالی برکت روزی را بر حرام گرداند
مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی را از کسی شنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد
و هر که برادرش را با و محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حق تعالی بوی بهشت را
بر حرام گرداند و هر که صبر کند از برائی صبر بر کج خلقی زن خود حق تعالی ثواب بکشد و کان
با و کرامت فرماید و هر زنی که سازگار نباشد و دارا باشد و در جریه چند
که بر آنها قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از او خشم باشد
و هر که گرامی دارد و بر او مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته است و توبی فرمود

از آنکه کسی پیش نمازی کرده باشد و هر که پیش نمازی کرده باشد بر حق
ایشان کند در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب آن کرده و شش باشد
بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود نزدیکی از خوشیشان خود بدین ادب برای آنکه مالی از بر
او ببرد و حق تعالی ثواب صد شصت و دو رکعت فرماید و هر گاه می چهل هزار حسنه از برای او
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه بر او بلند شود و چنان باشد که صد
سال از عمر که خیر عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوائج دنیای او بر آورد
و از برای او در آن حاجت راه برود اما آن حاجت بر او نهد و حق تعالی بیزاری از نفاق و بیزاری
از تشنج چشم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجت های دنیا او را بر آورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب و یک روز بیماری کشد و بعیادت کند کان خود سکایت
کند حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل الله معوض گرداند اما آنکه بر صراط بگذرد و مانند برق
لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه بر آورده شود و خواه نشود از گناهان بیزاری
آید مانند روزی که از نادرتنوله شده بود پیش شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از دل
خانه او باشد آیا تو شتر هست فرمود که بل و فرمود که هر که از مؤمنی شدتی و غمی از غمها
دنیا بردارد حق تعالی هفتاد و غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای
دنیا را از او دفع کند که آسان تر آنها در شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از وحشی طلبد و قادر
بر آید آن بپوشد و تا خیر کند هر روز گناه تخاچی برون داشته و هر که احسانی بر برادر مؤمن خود
بکند و بر دست گذارد و حق تعالی علش را جسط کند و او را ثواب نهد و حق تعالی سیفرماید که
که می بشت را حرام کرده ام برشت نهند و بر خلیل و یحیی و یونس و هر که تصدقی بکند بوزن
هر درهمی برای او مثل کوه آید باشد از نعیم بشت و هر که تصدقی را برود بر آن محتاجی مثل ثواب
آنکس شش هفته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس
خدا آب از دیدن بائی او جاری شود هر قطره که از دیده او بیرون آید حق تعالی اقصری در بشت
باو عطا فرماید که مزین باشد بمزداید و سائر جواهر در آن قصر باشد آنچه چشم ندیده و گوش
نشنیده و بر خاطر نمی خطور کرده باشد و هر که بسوی مسجد برود برای نماز جماعت بهر گامی

که بر دار و هفتاد هزار حسنه از برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برائی او بلند شود و اگر باین حال
مرگ او را برسد حق تعالی هفتاد هزار ملک با و موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند و مونس
او باشند در تحائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای حق
حق تعالی با و ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار عسکر میسر کند و هر که اقامت فرماید و بشفاقت
و چهل هزار گناه بکار و اخل بشت شوند بدستیکه چون مؤمن مؤذن آسمان را از
الله میگوید برو هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار می کنند و در
قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حق تعالی از حساب خلائق فارغ شود و ثواب گشتن او شهادت
آن مجتهد رسول الله ثواب چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید بر
اول و تکبیر اول و از آن اسلامی کند حق تعالی مثل ثواب مؤمن در دنیا و آخرت او را اگر است
فرماید و هر که بی حقیقت شمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیک بزرگ
شمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدستیکه گناه کبیره نماید و گناه صغیره نماید باشد با جبار بلکه چون
بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کسبیره می شود و در حدیث دیگر منقولست که نهی فرمود
از گشتن بارها که در خانه ها باشند و نهی فرموده از آنکه کسی گوش و یا سخن چاعتی که نخواهند
که او سخن ایشان را بشنود اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خورده درخت و نهی فرمود
از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که
حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی اندکند و اعمال ایشان را قبول نمی فرماید و
بعذاب در ذاک ایشانرا معذب میگرداند مردی که دلیوش باشد و کسی که نفسش گوید و شنود
در داند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بهشت حرام است بر هر نفس گوینده کم بیایی که پیرا کند از آنچه خود گوید و از آنچه با و گویند
چنین سیرا اگر لغتیش کند از حال او یا دلالت نماید بر شیطان در لفظه او شرک شده است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بومی بهشت از پانصد سال نمی رسد و عاق پر و مادر و دیوش
آنرا می شنود و پرسیدند که دیوش کیست فرمود کسی که زنا کند و او داند و تغافل کند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زانی که با یک دیگر مسافعه می کنند

در قیامت ایشان را می آوزند و جامه های آتش پوشانده و آتش در زیر جامه ها از آتش برایشان
می پاشند و عمووی از آتش در شکم ایشان می کنند و در جهنم می اندازند ایشان را اول کسی که
عمل کرد قوم لوحا بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کافران بخدا
عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جاد و کفر و دیوث و کسی که در دوزخ بجام جماع
گند و کشیکه یا حیوانی جماع کند و کشیکه بچسبمان خود جماع کند مانند او خواهد و کشیکه سی در
فتنه و فساد کند و کسی که حریه با نیکوستان فروشد و کشیکه زکوة مال خود بدهد و کشیکه توانا
رفتن حج و شهادت باشد و برود واجب بشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز ببرد و نزد خدا مانند بت پرست است و در پیش
دیگر منقولست که هر که در خانه او طنبور یا عود یا چیزی دیگر از آلاتی ساز و نزد و شطرنج چهل روز
بجامد مستوجب غضب الهی گردد و اگر درین چهل روز ببرد و فاسق مرده باشد و جائی از جهنم
باشد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که کبوتر در خوانندگی که می کشند زعفرین میکنند
بر آنها که ساز یا میزنند و کثیران خوانندگان نگاه میدارند وانی و عود میسوزانند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانه او طنبور بخواند یا حقیقی بر وسط
میگرداند شیطان را که او را قند میگوید پس هیچ عضوی از اعضائی او نخاند مگر آنکه آن شیطان
بر آن نشیند پس چون چنین شود جای از او بر طرف شود و پراکند از آنچه گوید پیشنود و غیرت از او
زایل شود و آنکه اگر داند که باز نماند نامی کشند غیرت نور و از حضرت صادق علیه السلام پرسید
از تفسیر این آیه کریمه فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور که ترجمه بلفظش
اینست که چسبناک بنحید از رجس و بکه آن بهاست و چسبناک بنحید از کفار باطل و چسبناک بنحید
آن بهاشطرنج است و کفار باطل غمناخ خوانندگی است و نزد و بر شطرنج است و اما شطرنج
پس نگاه داشتن آن کشنده است و بازی کردن آن شرک است و یاد و دانش بکسی کشنده نیست اما گناه
بسیار دیگر کشنده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسی که دست در
میان آن گرداند چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند و کسی که نظر کند
بسوی آن چنانست که گویا نظر کرده است پس هیچ مادر خود پس در نیالت برود لازم است

و کسی که نرد بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسی که با قمار روگردانی
 بازی کند چنانست که دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته باشد و جایز نیست انگشتی
 بازی و دست که بر رویش بگشاید چنانکه بازی می کنند اینها و امثال آن تمام قمار است حتی
 بازی کردن اطفال بگردگان و زنه صبح مزین که شیطان با او میرود و ملائکه از تو بگریزند و از
 حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که با پسری لواط کند مدتی آنست که یا او را باکش
 بسورانند یا دیواری سبزش بکشند یا شمشیری با او بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر حرام
 می شوند و در روز قیامت او را سحلی بکشند و در کنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلایق
 فارغ شود پس او را در آتش اندازد پس در هر طبقه از طبقاتی جهنم او را عذاب کنند تا با آخر طبقات
 جهنم برسد و لواط بدتر از زنا است زیرا که امتی را حقتعالی بترساند و لواط شهریه چند را
 هلاک کرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که لواط آنست که در غیر و بر با پسری
 عمل کند اما اگر در بر فرو برد پس آن کفر است بخدا و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 منقولست که هر که مصر باشد بر وطی بر پسری آن نیرود تا که مبتلا شود با آنکه مردم را تکلیف کند که
 با او این عمل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی میفرماید که بعت
 و جلال ختم میخورد که بر استبق و حریر بهشت ننشیند کسی که در دربار و طمی کند و در حدیث
 موثق منقولست که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت مرا موغظه بگو فرموده
 اگر حقتعالی متکفل روزی مردم شده است پس غنم خوردن تو برای چیست و اگر روزی از جانب
 خدا قمت شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن
 مال از برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدی خدا عوض میدهد پس بخیل در زمین از برای چیست
 و اگر عقوبت خدا جهنم است پس نافرمانی خدا از برای چیست و اگر مرگ بر حق است پس شهادتی از
 برای چیست و اگر همه چیز بخدا عرض میشود پس کار از برای چیست و اگر هر کس بر صراط بایکدشت
 پس عجب و خود ستایی از برای چیست پس اگر همه چیز بقضا و قدر الهی است پس اندوه برای چیست
 و اگر دنیا فانی است پس دل بدینا بستن برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم منقولست که عابدترین مردم کسی است که آنچه برود واجب گردیده است بجا آورد و سختی

مردم کسی است که زکوٰۃ مال خود را بدو زائدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است ترک نماید و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای او دفع باشد و خواه برای او ضرر داشته باشد و عادل ترین مردم کسی است که برای مردم بیسند و آنچه برای خود پسندد و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و بزرگترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند و محمودترین مردم کسی است که بزرگ خاک فتنه باشد و از عذاب آتش شش پاره باشد و امید ثواب خدا داشته باشد و خافل ترین مردم کسی است که از گردیدن پناهی دنیا از حال محالی بپزدن گیرد و صاحب قدرترین مردم کسی است که دنیا را نزد او قدر نباشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با عالم خود جمع کند و شجاع ترین مردم کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب شده و اگر کسی ترین مردم کسی است که عملش قیادان باشد و کم بهایر مردم کسی است که عملش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسی است که رشاک ببرد و کم راحت ترین مردم کسی است که بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است که بخیل در روز در چرخیکه خدا ببرد و واجب گردانیده است و اولائی بحق مردم کسی است که عمل بحق بیشتر کند و سحرمت ترین مردم کسی است که فاسق است و بیوفاترین مردم پادشا است و کم دوست ترین مردم پادشاه است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی ایمانش بیشتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم پرهیزگارترین ایشان است و کسی که قدرش عظیم است که چیز بانی که باو فایده نداشته باشد متعرض نشود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند هر چند حق باو باشد و سحرمت ترین مردم کسی است که دروغ گو است و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین مردم نزد خدا و خلق متکبرانند و کسی که در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان نکرده باشد و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که بنیکان غلطه نماید و خافل ترین مردم کسی است که با مردم دانا بیشتر کند و سزاوارترین مردم تهمت کسی است که با اهل تهمت آمیختن کند و طاعی ترین مردم کسی است که بکشد سیر که قصد کشتن او نداشته باشد و بزرگ سیر که او را نزنند و سزاوارترین مردم بصفو کردن کسی است که قدرت بعقوبت بیشتر داشته باشد و سزاوارترین گناه کاری کسی است که در حضور مردم سفاهت کند و در غیاب غائبانه غیبت کند و دلیل ترین مردم کسی است که مردم خوار کند و دوارندیش مردم کسی است

که مردم را خوار کند و دور اندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از او مستفیع شوند :

خاتمه الطبع

لله الحمد والمِنَّة که درین زمان مبینت اقتران وادان برکت و سعادت نشان بفضل و نفوذ
ایزدستان و خالق سبحان نقش بند کن فکان و تائید حضرت سرور و سردار عالمیان و دیگر
اوصیاء برحق و جانشینان مطلق آن فخر انبیاء و سید مرسلان صلی الله علیه و آله و سلم کتاب
مستطاب هدایت انتساب جامع محاسن اخلاق و محامد آداب که همیشه مستنبط و مستفاد از
اخبار و احادیث ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و مستفی و امام نهاده است **حلیۃ المتقین**
تصنیف عالم ربانی محدث عظیم الطیر و فقیه لاثانی حضرت خاتم المحدثین امام المتأهلین جناب آخوند
ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی البخله الاصفهانی طاب الله ثراهما و جعل الجنة مثواهما و مطبع
فیض سبع معروف و مشهور نزدیک و دور مطبع جناب نشی فوکل کشور لازال بالفرح و السرور
در اوایل ماه ذی الحجه سنه ۱۳۸۰ هجری قمری مطابق ماه اکتوبر سنه ۱۴۰۲ عیسوی زیور خست تمام و حلیه
انطباع پوشیده حامل گلوی مؤمنان و تعویذ بازوی متقیان گردید فله الحمد علی ذلک تعالی شانه
و تبارک

4022

غلطنامه حلیه المتقین

صفحہ	سطر	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۶	۵	اظهر	اظهر	۲۳	۱۷	دارد و در پیہ	دارد و در پیہ
۷	۱۱	بر ریس	بر ریس	۲۳	۲۳	بر ریس	بر ریس
۱۰	۲	درا	دوا	۲۳	۲۲	درا	دوا
۱۴	۳	وَلَا تَزْعُجْ	وَلَا تَزْعُجْ	۲۳	۲	وَلَا تَزْعُجْ	وَلَا تَزْعُجْ
۱۵	۱۰	جذب	جذب	۲۳	۱۳	جذب	جذب
۲۱	۱۱	لَا تَذَرْنِي	لَا تَذَرْنِي	۲۳	۱۱	لَا تَذَرْنِي	لَا تَذَرْنِي
۲۲	۱۴	سیرگاہ	سیرگاہ	۲۳	۱۱	سیرگاہ	سیرگاہ
۲۳	۱۱	خَزِيٍّ وَشَقِيٍّ	خَزِيٍّ وَشَقِيٍّ	۲۳	۱۱	خَزِيٍّ وَشَقِيٍّ	خَزِيٍّ وَشَقِيٍّ
۲۴	۱۶	اللہ	اللہ	۲۳	۱۶	اللہ	اللہ
۲۴	۲۱	الملك	الملك	۲۳	۲۱	الملك	الملك
۲۴	۱	گویر	گویر	۲۳	۱	گویر	گویر
۲۴	۱۱	مَرْحُومَةٍ	مَرْحُومَةٍ	۲۳	۱۱	مَرْحُومَةٍ	مَرْحُومَةٍ
۳۰	۱	ولبابہ	ولبابہ	۲۳	۱	ولبابہ	ولبابہ
۳۰	۲۰	صلی اللہ علی	صلی اللہ علی	۲۳	۲۰	صلی اللہ علی	صلی اللہ علی
۳۱	۱۰	واللہ علیہ والہ	واللہ علیہ والہ	۲۳	۱۰	واللہ علیہ والہ	واللہ علیہ والہ
۳۲	۱۰	حسن	حسن	۲۳	۱۰	حسن	حسن
۳۷	۶	برای ہشت	برای ہشت	۲۳	۶	برای ہشت	برای ہشت
۴۲	۱۴	می افزاید	می افزاید	۲۳	۱۴	می افزاید	می افزاید

صفحہ	سطر	خط	صحیح	صفحہ	سطر	خط	صحیح
۱۳۶	۱۳	لہب	کہ شب	۱۹۳	۲۰	جراح	جراح
۱۳۷	۲۳	و در حدیث	و حدیث	۱۹۵	۶	بخورد و بشتا	بخورد و بشتا
۱۳۸	۱۲	سحر	سحر	۱۹۶	۷	دَلِدِ قَدَرًا	دَلِدِ قَدَرًا
۱۳۹	۲	ساخت	ساعت	۱۹۷	۱۱	و یَصْنَعُ	و یَصْنَعُ
۱۴۰	۱۳	یاسیر	یاسیر	۲۰۰	۷	وَمِنْ شَرِّ	وَمِنْ شَرِّ
۱۴۱	۸	ایمنی داشته	ایمنی داشته	۲۰۲	۲	وَالنَّهَارِ	وَالنَّهَارِ
۱۴۲	۲۱	الْجَنِّ	الْجَنِّ	۲۰۵	۸	اِشْرَاحِ	اِشْرَاحِ
۱۴۳	۶	عنور کردن	عنور کردن	۲۰۶	۱۷	وَالْأَمْرِ	وَالْأَمْرِ
۱۴۴	۲۰	پس از بید	پس از بید	۲۱۴	۳	تَضَمَّنَتْ	تَضَمَّنَتْ
۱۴۵	۱۲	کسی از سر	کسی از سر	۲۱۸	۲۰	از حق	از حق
۱۴۶	۲۱	مغیث	مغیث	۲۲۰	۸	و جد	و جد
۱۴۷	۱۲	سبز	سبز	۲۲۱	۱۰	که کسیکه	که کسیکه
۱۴۸	۹	فی کتاب	فی کتاب	۲۲۵	۱۱	یا خوان	یا خوان
۱۴۹	۱۲	وَدَاوِی	وَدَاوِی	۲۲۶	۲۳	میباشد	میباشد
۱۵۰	۱۷	بِاللَّهِ اَسْتَعِذُّ شَاہ	بِاللَّهِ اَسْتَعِذُّ شَاہ	۲۲۹	۳	بردارد	بردارد
۱۵۱	۱	بِاللَّهِ اَسْتَعِذُّ شَاہ	بِاللَّهِ اَسْتَعِذُّ شَاہ	۲۳۲	۲	کشد	کشد
۱۵۲	۱۹	مَرْسُولُ اللَّهِ	مَرْسُولُ اللَّهِ	۲۳۴	۲	امام	امام
۱۵۳	۲۳	نیکو	نیکو	۲۳۶	۱۳	دارد	دارد
۱۵۴	۲	شَافِی	الشَّافِی	۲۳۹	۳	ثواب جزائش	ثواب جزائش
۱۵۵	۹	فَوَائِدِ	آفتاب حکام	۲۴۱	۵	ربکند	ربکند
۱۵۶	۲	برد و شش	برد و شش	۲۴۳	۲۳	اہل انرا	اہل انرا

منته	سطر	فصلنامه	سطر	منته	سطر	فصلنامه	سطر
۲۵۲	۱۲	دوستانه	دوستانه	۲۵۲	۱۲	دوستانه	دوستانه
۲۵۳	۱۳	بگفتند	بگفتند	۲۵۳	۱۳	بگفتند	بگفتند
۲۵۴	۲	از روی قسم	از روی قسم	۲۵۴	۲	از روی قسم	از روی قسم
۲۵۵	۳	اسوای	اسوای	۲۵۵	۳	اسوای	اسوای
۲۵۶	۱۰	بردارندش	بردارندش	۲۵۶	۱۰	بردارندش	بردارندش
۲۵۷	۲۱	فَأَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	فَأَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	۲۵۷	۲۱	فَأَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	فَأَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ
۲۵۸	۱۷	سَبِيلُ	سَبِيلُ	۲۵۸	۱۷	سَبِيلُ	سَبِيلُ
۲۵۹	۱۰	ویرانش	ویرانش	۲۵۹	۱۰	ویرانش	ویرانش
۲۶۰	۱۵	بگویند	بگویند	۲۶۰	۱۵	بگویند	بگویند
۲۶۱	۱۴	أَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	أَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	۲۶۱	۱۴	أَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ	أَمَّا تِلْكَ الْأَمْثَلُ
۲۶۲	۱۴	مضافه	مضافه	۲۶۲	۱۴	مضافه	مضافه
۲۶۳	۳	سود	سود	۲۶۳	۳	سود	سود
۲۶۴	۱۱	هم در کجاوه	هم در کجاوه	۲۶۴	۱۱	هم در کجاوه	هم در کجاوه
۲۶۵	۱۴	تَحْتِ الْمَلِكِ وَالْمَلِكِ	تَحْتِ الْمَلِكِ وَالْمَلِكِ	۲۶۵	۱۴	تَحْتِ الْمَلِكِ وَالْمَلِكِ	تَحْتِ الْمَلِكِ وَالْمَلِكِ
۲۶۶	۹	نفرستند	نفرستند	۲۶۶	۹	نفرستند	نفرستند
۲۶۷	۲۳	سیکونید	سیکونید	۲۶۷	۲۳	سیکونید	سیکونید
۲۶۸	۶	نیک	نیک	۲۶۸	۶	نیک	نیک
۲۶۹	۱۳	با حقان ترسانان	با حقان ترسانان	۲۶۹	۱۳	با حقان ترسانان	با حقان ترسانان
۲۷۰	۱۳	در قیامت	در قیامت	۲۷۰	۱۳	در قیامت	در قیامت
۲۷۱	۲	کنند	کنند	۲۷۱	۲	کنند	کنند
۲۷۲	۱۴	بخشند	بخشند	۲۷۲	۱۴	بخشند	بخشند

صفحہ	سطر	خط	صحیح	تاریخ	تاریخ
۳۵۴	۵۹۴	بُجْرِبَا وَمَرْسَبَا	بُجْرِبَا وَمَرْسَبَا	۲	۳۵۴
"	۱	بُوقَا	بُوقَا	۲	"
"	۱۲	بُجْرِبَا	بُجْرِبَا	۲۲	"
"	۲۱	فَلَا تَحُلْ	لَا تَحِلْ	۷	۳۶۳
۳۵۵	۲	وَقَدْ	وَقَدْ	۱۰	۳۶۳
"	۱۵	مَوْسَىٰ	مَوْسَىٰ	۱۹	۳۷۲
"	۱۷	سَالِمِينَ	سَالِمِينَ	۲۳	"
"	۲۲	وَأَسَاكَ	إِلَى سَالِمِينَ		
"	۲۳	لِكُلِّ خَسْبٍ	وَلِفَالِكَ		
۳۵۶	۱۹	مَشْهُور	لِكُلِّ خَيْرٍ		
			مَوَافِقِ مَشْهُور		

پس راجعاً التبت
بروعد لازم است